

آموزش فقه

با ویرایش جدید و اصلاح و اضافه

محمد حسین فلاح زاده

سرشناسه	فلاح زاده، محمد حسین، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور	آموزش فقه با ویرایش جدید و اصلاح و اضافه / محمد حسین فلاح زاده.
وضعیت ویراست	ویراست ۴۳.
مشخصات نشر	قم: الهادی، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	۴۰۸ ص.: جدول، نمودار.
شابک	ISBN: 978-964-400-157-4
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
یادداشت	عنوان دیگر: آموزش فقه (۷۵ درس احکام)
یادداشت	چاپ سی و هفتم
عنوان دیگر	آموزش فقه (۷۵ درس احکام)
عنوان گسترده	هفتاد و پنج درس احکام
موضوع	فقه جعفری -- قرن ۱۴
موضوع	فقه جعفری -- رساله عملیه
موضوع	فتوهای شیعه -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	BP۱۸۳/۵: ۱۳۸۸ ف/۸۸
رده بندی دیویی	۲۹۷/۳۴۲
شماره کتابشناسی ملی	۱۷۱۴۱۲۰

■ آموزش فقه (با ویرایش جدید، ۷۵ درس احکام)

- ☐ تألیف: محمد حسین فلاح زاده
☐ ناشر: انتشارات الهادی
☐ چاپ: مؤسسه چاپ الهادی
☐ نوبت چاپ: سی و نهم، ۸۸
☐ شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
☐ قیمت: ۵۰۰۰ تومان
☐ شابک: ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۰-۱۵۷-۴

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

■ دفتر مرکزی: قم، میدان الهادی، تلفن: ۶۶۱۱۱۲۵ فاکس: ۶۶۱۶۱۲۲

مقدمه چاپ جدید

بسم الله الرحمن الرحيم

نزدیک به ده سال از انتشار این کتاب می‌گذرد، با توجه به نیاز جامعه و استقبال اقشار مختلف به فراگیری مسائل فقهی و نوع نگارش و تدوین متن حاضر، به لطف الهی این نوشته مورد استقبال قرار گرفت و به عنوان متن درسی حوزه‌های علمیه و برخی از مراکز علمی دیگر، سال‌ها تدریس و بارها تجدید چاپ شد.

در این مدت محبت و لطف برخی از دوستان و بزرگواران به ویژه اساتید محترم، بر ادامه چنین تلاش‌هایی تشویق‌مان می‌کرد و پیشنهادها و ایرادهای برخی دیگر، هدایتمان می‌نمود. در اینجا از هر دو گروه صمیمانه تشکر می‌کنم.

جمعی از اهل فضل و دانش و اساتید محترم حوزه علمیه که این کتاب را برای طلاب علوم دینی تدریس می‌کردند پیشنهادهای اصلاحی و تکمیلی خود را به صورت مکتوب برایمان فرستادند و همین سبب شد بار دیگر مطالب کتاب مطالعه و بررسی شود و اصلاحات و اضافاتی در آن صورت پذیرد که جا دارد از برادران عزیز و اساتید بزرگوار حضرات آقایان میرزا حسن ابوترابی، جواد افتخاری، مهدی دسترنج، مهدی رفیعی، محمد زراعتی، علی اکبر سرشار، سید مهدی صفی، سید طاهر غفاری، سید رضا فقیه ایمانی، رضا مختاری، محمد حسن مشفق، محمد مهدی معراجی، حسین ملک مکان و علی ورسه‌ای و دوستان دست‌اندرکار نشر دانش حوزه، آقایان ابوالقاسم آرزومندی، محسن صادقی، سید حسن فاطمی و علی کبیری که زحمت و پیرایش دقیق و عالمانه کتاب را متحمل شدند یاد کنم و برای آنان از خداوند متان توفیق روز افزون طلب نمایم.

«رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»

حوزه علمیه قم - محمد حسین فلاح‌زاده

زمستان ۱۳۸۷، ه. ش.

پیشگفتار

«بسم الله الرحمن الرحيم»

﴿قُلْ لَّوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ
وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾^۱

در طول تاریخ، مصلحان و نیک‌اندیشان همواره در فکر پی‌ریزی و تشکیل جامعه‌ای بوده‌اند که در آن ارزش‌ها حاکم گردد و زشتی‌ها زدوده شود و برای رسیدن به این مقصود و تشکیل چنین جامعه‌ای - که از آن گاهی به «مدینه فاضله» تعبیر کرده‌اند - قوانین و مقرراتی نیز اندیشیده‌اند تا افراد جامعه در زندگی فردی و اجتماعی خود و چگونگی استفاده از طبیعت و ارتباط با هم‌نوعان، راه درست را طی کنند و از کجروی و تجاوز به حقوق دیگران بپرهیزند.

اسلام به عنوان آخرین مکتب تضمین‌کننده سعادتمندی بشر، زیربنای تشکیل چنین جامعه‌ای را «اعتقاد صحیح» می‌داند و برای سالم‌سازی اندیشه و اعتقاد انسان‌ها، اصول خاصی مقرر کرده که پیروان آن، باید به آنها باور داشته باشند؛ اصولی که آغاز و پایان هستی را مشخص می‌کند و انسان‌ها را از افکار پوچ و خیال‌های بیهوده می‌رهاند و به زندگی هدفدار راهنمایی می‌کند.

البته اسلام، تنها اعتقاد صحیح را کارساز نمی‌داند، بلکه مردم در مرحله «عمل» و رفتار نیز باید راه درست را از نادرست بازشناسند و خوبی‌ها را عمل کنند و از بدی‌ها بپرهیزند.^۲

آنچه عهده‌دار این بخش از برنامه‌های اسلام است «فقه» یا «احکام» نام دارد، که در حقیقت مجموعه قوانین عملی اسلام است و از وحی الهی سرچشمه گرفته و با بیان معصومان علیهم‌السلام

۱- سوره توبه، آیه ۱۲۲.

۲- قال علی علیه‌السلام: «الایمان معرفة بالقلب، وقول باللسان وعمل بالأركان». (شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۵۱)

تفسیر و تبیین شده است؛ قوانینی که تغییرناپذیر است و تمام موضوعات و مصادیق خارجی و حوادث واقعه^۱ را دربرمی گیرد، بی آن که به اصول آن خدشه ای وارد شود.^۲

یکی از درس های زنده و اساسی مدارس علوم دینی، همواره در راستای شناخت این قوانین بوده است و می توان گفت: یکی از پایه های اصلی تشکیل مجامع علمی اسلامی، علم فقه است و فقیهان، از ارزشمندترین دانشمندان علوم اسلامی به شمار می روند و نام آنها همیشه بر تارک تاریخ حوزه های علمیه می درخشد و به گفته امام خمینی علیه السلام:

«صدها سال که روحانیت اسلام تکیه گاه محرومان بوده است، همیشه مستضعفان از کوثر

زال معرفت فقه های بزرگوار سیراب شده اند».^۳

حوزه های علمیه و فقه های بزرگوار اسلام، در طول تاریخ برای حفظ فقاقت اسلامی و دفاع از شریعت مقدس، تلخی ها و سختی های بسیار به جان خریده اند. چه بسیار کتاب ها که در وضعیت تقیه و یا گوشه زندان نگاشته شده،^۴ و چه بسیار کتابخانه ها که حاصل صدها سال رنج و تلاش آنان بوده، به تاراج رفته، یا در آتش خشم و کینه دشمنان سوخته است.^۵ و بالاتر از همه چه بسیار بزرگانی که در راه آرمان و حفظ دین خدا سر و جان دادند و خون سرخشان، اوراق کتاب فقاقت را رنگین کرد و گاه اجسادشان را سوزاندند و خاکسترشان را به باد دادند! اما آنان با همه این مشکلات و سختی ها، هرگز از پای ننشستند و دست از تلاش نکشیدند و مسائل فقهی را پس از استنباط از منابع آن، همچون گوهر گرانبهایی حفظ کردند و به نسل های بعد از خود انتقال دادند. و همواره با تلاش فراوان و دقت بی نظیر، با کشف فروع مختلف فقهی و تبویب آنها و تطبیق بر عناوین و مصادیق آن، همیشه رهگشای امت اسلامی بوده و هستند.^۶

۱- اشاره به نوشته حضرت ولی عصر (عج) است که راویان احادیث اهل بیت علیهم السلام را مرجع این گونه حوادث معرفی کرده اند.

(وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱).

۲- عن الصادق علیه السلام: «... حتی جاء محمد صلی الله علیه و آله فجاء بالقرآن و بشریته و منهاجه فحلاله حلال الی یوم القیامة و حرامه حرام الی یوم القیامة...» (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷، حدیث ۲).

۳- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۸۹.

۴- مانند کتاب «اللمعة الدمشقیة» تألیف فقیه نامدار، محمد بن مکی العاملی، معروف به «شهید اول».

۵- مانند کتابخانه شیخ طوسی در بغداد.

۶- همچون شمس الدین محمد بن جمال الدین، معروف به شهید اول.

۷- در پایان این مقدمه، فهرست کوتاهی از نام و مشخصات و آثار فقه های شیعه، از آغاز عصر غیبت امام زمان (عج) تا زمان امام خمینی علیه السلام آمده است.

گفتنی است در صحنه نگارش و آموزش در حوزه‌های علوم دینی، برای رشته‌های مختلف علمی از جمله «فقه» کتاب‌های ویژه‌ای برای سطوح مختلف آموزشی به رشته تحریر درآمده است.

آموزش فقه در حوزه‌های علمیه به سه مرحله تقسیم می‌شود و در هر مرحله کتاب‌هایی برای تدریس یا مطالعه نگاشته شده است:

● فقه غیراستدلالی؛ مانند: «رسالة توضیح المسائل» و «تحریر الوسيلة» و «العروة الوثقی».^۱

● فقه نیمه استدلالی؛ مانند: «الروضة البهیة»^۲ معروف به شرح لمعه و «شرایع الاسلام».^۳

● فقه استدلالی؛ مانند: «جواهرالکلام»^۴ و «الحدائق الناضرة».^۵

و در عرصه ابلاغ احکام به افراد جامعه و ترویج احکام شرعی نیز عالمان دین، کتاب‌هایی نگاشته‌اند و آنچه امروزه به نام «رسالة توضیح المسائل» از مراجع بزرگوار تقلید در دسترس مردم قرار می‌گیرد از همان نمونه‌هاست ولی از آنجا که رساله‌های عملیه موجود، برای مطالعه و مراجعه عموم مردم نگاشته شده و بیش از پنجاه سال از عمر آن می‌گذرد و در این مدت، تغییر چندانی در نثر و شیوه نگارش آن داده نشده و برخی از اصطلاحات مربوط به اهل فن و لغات مشکل و نامأنوس - برای نسل جوان - و عبارت‌های پیچیده در آن دیده می‌شود، از این رو نمی‌تواند متن آموزشی مناسب - به ویژه برای جوانان - باشد، گرچه به جای خود و برای هدفی که نگاشته شده که فراتر از نیاز یک قشر خاص می‌باشد، مفید و ارزشمند است و می‌توان گفت: مانند داروخانه‌ای است که تمام افراد جامعه باید از آن بهره‌مند شوند.

ولی در کنار آن باید برای اقشار مختلف جامعه، رساله‌هایی در خور فهم و نیاز آنها تدوین

۱ - کتابی است در فقه که بخش عمده مسائل فقهی را دربردارد و در حدّ خود، از نظر برخورداری از فروع مسائل، کم‌نظیر است. تألیف فقیه بزرگوار سید محمد کاظم یزدی.

۲ - کتابی در فقه، تألیف دانشمند گرانقدر، زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی معروف به «شهید ثانی». این کتاب شرحی است بر کتاب «اللمعة الدمشقیة» تألیف شمس‌الدین محمد بن مکی معروف به «شهید اول».

۳ - کتابی در فقه، تألیف علامه محقق، جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید معروف به «محقق حلی». نویسنده در این کتاب، تنظیم جدیدی برای مسائل فقه پدید آورده و سال‌ها از متون درسی حوزه علمیه بوده است.

۴ - دائرة المعارف بزرگ فقه شیعه، تألیف فقیه سخت‌کوش، شیخ محمد حسن نجفی؛ این کتاب از مآخذ و منابع فقه شیعه است.

۵ - تألیف محدث ارزشمند و فقیه گرانمایه، شیخ یوسف بحرانی، که یکی از کتاب‌های تفصیلی فقه شیعه است.

شود، تا بدون هیچگونه مشکلی، وظایف شرعی خود را فراگیرند و به بهترین شیوه، بر دانش دینی خود بیفزایند.

گرچه تاکنون در این خصوص، تلاش‌های ارزشمندی شده و کتاب‌هایی منتشر گردیده که هریک در جای خود قابل استفاده است، ولی کتاب‌هایی که بتواند با در نظر گرفتن مقاطع تحصیلی افراد و نیازهای صنفی آنها، احکام دین را آموزش دهد، نگاشته نشده و نیاز به تدوین آنها محسوس و روشن است.

این نیاز، ما را بر آن داشت تا با در نظر گرفتن مقاطع تحصیلی موجود در کشورمان، مسائل فقهی را بدون هیچگونه تغییر در فتاوی فقیهان و تنها تغییر در عبارت‌ها و جایگزین کردن لغات و اصطلاحات مأنوس و تنظیم مطالب و بیان برخی از مثال‌ها و نمونه‌های آنها تدوین کنیم.

از آنجا که برخی از مسائل فقه، اختصاص به خواهران دارد و بخشی از آن ویژه برادران است و گروه دیگر را نیازی به آنها نیست و یا کمتر نیاز پیدا می‌کنند، به تقسیم صنفی نیز توجه شده است.

کتاب‌های تهیه شده و یا در دست تهیه، بدین قرار است:

• آموزش احکام - ویژه کودکان

• آموزش احکام - سطح یک - مقطع راهنمایی (ویژه پسران - ویژه دختران)

• آموزش احکام - سطح متوسط - مقطع دبیرستانی (ویژه پسران - ویژه دختران)

• آموزش فقه - سطح عالی - (ویژه برادران - ویژه خواهران)

• روش تدریس احکام - ویژه استادان محترم و طلاب علوم دینی.

گفتنی است که در تدوین این نوشته‌ها، سطح غالب افراد در نظر گرفته شده است.

یادآوری چند نکته:

۱- متن این کتاب مطابق با فتاوی بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت آیه‌الله العظمی امام خمینی ره است و کتاب‌هایی که در تدوین این نوشته استفاده بیشتری از آنها شده است، عبارتند از:

• تحریر الوسیله - دار الانوار.

• توضیح المسائل - بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

- استفتائات - دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- العروة الوثقی - المكتبة العلمية الاسلامية.

۲- در متن این کتاب، مسائلی که تفاوت فتوایی در آنها به حدی است که مقلدان سایر مراجع نمی‌توانند به آن فتوا عمل کنند، با علامت «□» مشخص شده است تا آن عزیزان برای شناخت نظر مرجع تقلید خود بتوانند به رساله وی مراجعه کنند، یا اساتید محترم در صورت صلاحدید، به موارد اختلاف اشاره نمایند. گفتنی است که همه اختلاف فتواها به گونه‌ای نیست که اگر مقلد به مسائل متن عمل کند، خلاف فتوای مرجع تقلیدش عمل کرده، یا واجب را ترک شده باشد؛ مثلاً اگر مسأله‌ای که در متن آمده، فتوا باشد و مرجع تقلید کسی در همان مسأله، احتیاط واجب داشته باشد، اگر مقلد به آن فتوا عمل کند، به همان احتیاط نیز عمل کرده است و مشکلی پیش نمی‌آید.

۳- این کتاب جنبه آموزشی دارد و توسط استادان محترم تدریس می‌شود و شاگردان نزد معلم خود، آن را می‌آموزند، گرچه در شیوه نگارش تلاش ما بر این بوده که مطالعه آن نیز مفید باشد و مسائل شرعی را به مطالعه کنندگان بیاموزد.

۴- برای اطمینان بیشتر و مراجعه به منابع اصلی - در صورت نیاز - مآخذ مسائل در پایان هر صفحه آمده است.

۵- کتاب حاضر، قبل از چاپ، چند دوره تدریس شده و نواقص آن - در حدّ توان - برطرف گردیده است و افزون بر این، چند تن از دوستان فاضل حوزه، عنایت فرموده و بخش‌هایی از آن را مطالعه کرده و رهنمودهایی ارائه داده‌اند، که در اینجا از همه آن عزیزان تشکر می‌شود.

۶- جهت اختصار در مطالب، علائم زیر به کار رفته است:

ج = جلد ص = صفحه م = مسأله س = سؤال

سخنی با استادان محترم

۱- محتوای هر درس - با استفاده از تجربه چندین ساله - برای یک ساعت تدریس، تنظیم شده، که همراه با توضیحات استاد، این مقدار از زمان را دربر خواهد گرفت، ولی در چند درس از این کتاب، چون مطالب یک بحث ناقص می‌ماند، حجم بیشتری پیدا کرده و ممکن است وقت بیشتری بطلبد؛ مانند درس‌های ۸، ۱۱ و ۳۹ که در صورت تمام نشدن مطالب، در یک جلسه،

باقیمانده آن در جلسه بعد تدریس خواهد شد و در چند درس دیگر؛ از آنجا که یک بخش از مسائل، تمام شده و درس بعد، از ابتدای بحث جدید آغاز می‌شود، حجم کمتری دارد که باید فرصت باقیمانده را از درس بعد استفاده کرد؛ مانند درس ۵۸ و چند بحث نیز برای دو ساعت تدریس در نظر گرفته شده است، چون مطالب آنها تا اندازه‌ای مشکل و مرتبط به هم می‌باشد و جداسازی آنها نیز چندان مطلوب نبود، مانند درس‌های «۲۵ و ۲۶» یا «۳۷ و ۳۸».

۲- برای تدریس این کتاب، هرگز نباید به مطالعه مطالب آن اکتفا شود، بلکه بجاست استادان محترم، قبل از تدریس، علاوه بر مطالعه دقیق هر بحث، فروع مسائل و پاسخ پرسش‌هایی که ممکن است از سوی شاگردان مطرح شود، مورد ملاحظه قرار داده و با آمادگی کامل در کلاس حاضر شوند.

۳- استادان محترم در اولین جلسات درس از شاگردان خود بخواهند که نام مرجع تقلیدشان را نوشته و تحویل دهند تا بتوانند قبل از حضور در کلاس مسایلی را که با علامت □ مشخص شده با مراجعه به منابع فقهی، نظر مقلد شاگردان را به دست آورده و در ضمن درس یادآوری کنند، یا آنها را به رساله مرجعشان ارجاع دهند.

۴- در این نوشته سعی شده است بدون آن که حکم شرعی تغییر یابد، از لغات ساده و عبارت‌هایی روان و قابل فهم استفاده شود، گرچه از آشنا کردن دانش‌پژوهان با اصطلاحات فقهی هم غافل نبودیم، لذا استادان محترم اصل ساده‌گویی را فراموش نکرده، و از به کار گرفتن اصطلاحات و لغات دشواری که ضرورتی ندارد و فهم مطالب را دشوار می‌سازد پرهیزند.

۵- یکی از اصول مهم تدریس احکام، بیان مثال و تطبیق حکم بر مصادیق آن است. آنچه مردم با آن سروکار دارند نمونه‌های عینی و عملی مسائل شرعی است. بنابراین، اگر برای هر مسأله، یک یا دو مثال آورده شود، به فهم مطالب کمک می‌کند و کاربردی بودن احکام شرعی معلوم می‌شود و علاقه شاگردان به فراگیری احکام بیشتر می‌شود در متن کتاب نیز برای بسیاری از مسائل، مثال آورده شده است و مثال، باید این شرایط را داشته باشد:

* متناسب با حکم.

* متناسب با فهم افراد.

* متناسب با شغل و موقعیت اجتماعی آنان.

* مورد نیاز مخاطبین.

* طولانی نشود؛ یعنی خلاصه و به اندازه نیاز باشد.

* زشت و مستهجن نباشد.

* تأثیر سوء نداشته باشد.

۶- اساتید محترم سعی کنند، خلاصه مطالب را بر تابلو بنویسند، این نیز در فراگیری افراد بسیار مؤثر خواهد بود.

۷- کسانی که توانایی نقاشی دارند، در آموزش برخی از مسائل احکام می‌توانند از این هنر بهره بگیرند.

۸- استاد، برخی از مسائل احکام را باید پس از توضیح، در عمل نمایش دهد تا شاگردان به خوبی آن را فراگیرند؛ مانند وضو، وضوی جبیره، تیمم، نماز آیات و... و در این برنامه می‌توان از شاگردان نیز کمک گرفت.

۹- برای هر درس، چند پرسش نوشته شده که بیشتر آنها از مصادیق و نمونه‌های احکام است که استادان محترم جواب آنها را از شاگردان بخواهند و آنها را در یافتن پاسخ‌ها به ویژه سؤال‌هایی که شاگردان را به کتب مفصل فقهی ارجاع می‌دهد، یاری دهند.

۱۰- استادان محترم بخشی از وقت را به پاسخگویی پرسش‌های حاضران اختصاص دهند. پاسخگویی به پرسش‌های حاضران را می‌توان به دو شیوه شفاهی یا کتبی انجام داد و در فرض اول، می‌توان در ضمن درس، یا پایان هر درس، یا یک بحث به پرسش‌ها پاسخ داد و در فرض دوم که سؤال‌ها نوشته می‌شود و جمع‌آوری می‌گردد، در پایان هر درس یا در جلسه بعد، به آنها پاسخ داده خواهد شد.

۱۱- در برخی از درس‌ها، قسمتی از مطالب «برای مطالعه» می‌باشد، که اساتید محترم در صورت کمبود وقت برای تدریس، می‌توانند شاگردان را به مطالعه آنها راهنمایی کنند. در پایان، بار دیگر از تمامی برادرانی که با مطالعه این کتاب رهنمودهایی داده‌اند تشکر کرده و خدای را بر این توفیق سپاس می‌گوییم و از نظرات و پیشنهادهای سازنده عزیزان استقبال می‌کنم.^۱

«رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»

حوزه علمیه قم - محمد حسین فلاح زاده ابرقویی

تابستان ۱۳۷۶، ه. ش.

فهرست فقیهان معروف شیعه

شماره	نام فقیه	لقب	وفات (هـ.ق)	تولد	کتاب فقهی مشهور
۱	علی بن بابویه	صدوق اول	۳۲۹	قم	الفقه الرضوی
۲	حسن بن علی بن عقیل	ابن عقیل عمانی	۳۲۹	عمان	الْمُتَمَسِّكُ بِحَبْلِ آلِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
۳	محمد بن علی بن بابویه	شیخ صدوق	۳۸۱	قم	المقنع، من لا یحضره الفقیه
۴	محمد بن احمد بن جُنیدِ اسکافی	ابن جنید	۳۸۱	اسکاف (عراق)	تهذیب الشیعة لأحكام الشریعة
۵	محمد بن محمد بن نَعْمَان	شیخ مفید	۴۱۳	بغداد	المُقْنَعَة
۶	علی بن حسین بن موسی	سید مرتضی	۴۳۶	بغداد	الانتصار
۷	شیخ تقی بن نجم الدین بن عبیدالله حلبی	ابوالصلاح حلبی	۴۴۷	حلب	الکافی
۸	ابو جعفر محمد بن حسن طوسی	شیخ الطائفة شیخ طوسی	۴۶۰	طوس	النهاية، المبسوط، الخلاف
۹	حمزة بن عبدالعزیز دیلمی	سَلَّارِ دیلمی	۴۶۳	طبرستان (مازندران)	المراسم
۱۰	شیخ ابوالقاسم عبدالعزیز بن بَرَّاج	ابن براج	۴۸۱	مصر	المهذَّب البارع
۱۱	حمزة بن علی بن زهره	ابوالمکارم ابن زهره	۵۸۵	حلب	الْغُنْيَة
۱۲	محمد بن علی بن حمزه	ابن حمزه	۵۸۵	طوس	الوسيلة
۱۳	محمد بن إدريس حَلِّي	ابن ادريس	۵۹۸	حَلَّه	سرائر
۱۴	جعفر بن حسن بن يحيى بن سعيد حَلِّي	محقق حلی	۶۷۶	حَلَّه	شرائع الاسلام، المختصر النافع
۱۵	حسن بن يوسف بن علی بن مُطَهَّر حَلِّي	علامه حلی	۷۲۶	حله	قواعد الاحکام، تذکرة الفقهاء، مختلف الشیعة، نهاية الاحکام
۱۶	محمد بن حسن بن يوسف حَلِّي	فخرالمحققین	۷۷۱	حله	ایضاح الفوائد، اللمعة الدمشقیة

۱۷	شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین	شهید اول	۷۸۶	جزین لبنان	الدروس الشرعية، ذکرى الشيعة
۱۸	مقداد بن عبدالله بن محمد سیوری حلی	فاضل مقداد	۸۲۶	حله	کنز‌العرفان، التنقيح الرائع
۱۹	ابوالعباس احمد بن فهد حلی	ابن فهد	۸۴۱	حله	التحریر، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع
۲۰	علی بن حسین بن عبدالعالی کرکی	محقق ثانی محقق کرکی	۹۴۰	کرک لبنان	جامع المقاصد
۲۱	زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی	شهید ثانی	۹۶۶	لبنان	الروضة البهیة (شرح لمعه)، مسالك الافهام
۲۲	احمد بن محمد اردبیلی	مقدس اردبیلی، محقق اردبیلی	۹۹۳	اردبیل	مجمع الفائدة و البرهان
۲۳	شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی	شیخ بهایی	۱۰۳۰	لبنان	جامع عباسی، حبل المتین فی احکام‌الدین
۲۴	ملا محمد باقر سبزواری	محقق سبزواری	۱۰۹۰	سبزواری	کفاية الفقه، ذخيرة المعاد
۲۵	محسن بن مرتضی	فیض کاشانی	۱۰۹۱	کاشان	مفاتیح‌الشرایع
۲۶	حسین بن جمال‌الدین محمد خوانساری	محقق خوانساری	۱۰۹۸	خوانسار	مشارك الشموس فی شرح الدروس
۲۷	جمال‌الدین محمد بن حسین خوانساری	آقا جمال خوانساری	۱۱۲۵	خوانسار	حاشیة شرح لمعه
۲۸	محمد بن حسین بن محمد اصفهانی	فاضل هندی	۱۱۳۵	اصفهان	كشف اللثام
۲۹	یوسف بن احمد بن ابراهیم بحرانی	صاحب حدائق	۱۱۸۶	بحرین	الحدائق الناضرة
۳۰	محمد باقر بن محمد بهبهانی	وحید	۱۲۰۵	بهبهان	شرح مفاتیح‌الشرایع

محمد مهدی بن ابی ذر نراقی	نراقی اول	۱۲۰۹	نراق کاشان	معمد الشیعة	۳۱
سید محمد مهدی بحر العلوم	بحر العلوم	۱۲۱۲	کربلا	الدرة النجفیة، المصابیح	۳۲
سید محمد جواد عاملی	صاحب مفتاح الکرامه	۱۲۲۶	نجف	مفتاح الکرامه	۳۳
شیخ جعفر کاشف الغطاء	کاشف الغطاء	۱۲۲۸	نجف	کشف الغطاء	۳۴
ابوالقاسم بن محمد حسن گیلانی	میرزای قمی	۱۲۳۱	گیلان	جامع الشتات	۳۵
احمد بن محمد نراقی	نراقی دوم	۱۲۴۴	نراق کاشان	مستند الشیعة	۳۶
شیخ محمد حسن نجفی	صاحب جواهر	۱۲۶۶	نجف	جواهر الکلام	۳۷
شیخ مرتضی انصاری	شیخ اعظم	۱۲۸۱	دزفول	المکاسب، الطهارة، الصلاة	۳۸
حاج میرزا محمد حسن شیرازی	میرزای شیرازی (اول)	۱۳۱۲	شیراز	حاشیه بر نجات العباد	۳۹
میرزا حبیب الله بن میرزا محمد علی خان گیلانی	محقق رشتی	۱۳۱۲	املش	الطهارة، الحاشیه علی المکاسب، کتاب الزکاة، کتاب الاجارة	۴۰
سید محمد کاظم طباطبایی	فقیه یزدی	۱۳۲۸	یزد	العروة الوثقی، حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری	۴۱
ملا محمد کاظم خراسانی	آخوند خراسانی	۱۳۲۹	مشهد	حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری	۴۲
میرزا محمد تقی شیرازی	میرزای شیرازی دوم	۱۳۳۸	شیراز	حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری، صلاة الجمعة	۴۳
میرزا فتح الله بن محمد نمازی شیرازی	شیخ الشریعه اصفهان	۱۳۳۹	اصفهان	افاضة القدير	۴۴
ملا حبیب الله بن ملاقلی مدد ساوچی	ملا حبیب الله شریف کاشانی	۱۳۴۰	کاشان	منتقد المنافع، منظومة مغنم المجتهدین	۴۵
میرزا محمد حسین نائینی	میرزای نائینی	۱۳۵۵	نائین	حاشیه بر عروة	۴۶

۴۷	شیخ عبدالکریم حائری یزدی	حاج شیخ مؤسس	۱۳۵۵	میبد	کتاب الصلاة
۴۸	محمد حسین بن محمد حسن نخجوانی	محمد حسین غروی اصفهانی	۱۳۶۱	اصفهان	بحوث فی الفقه، حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری
۴۹	سید ابوالحسن اصفهانی	محقق اصفهانی	۱۳۶۵	اصفهان	وسيلة النجاة
۵۰	سید حسین طباطبائی بروجردی	آیه الله بروجردی	۱۳۸۰	بروجرد	حاشیه بر نهیة الاحکام، حاشیه بر عروه
۵۱	سید محسن حکیم	آیه الله حکیم	۱۳۹۰	بنت جبیل لبنان	منهاج الصالحین، مستمسک العروة الوثقی
۵۲	سید روح الله موسوی خمینی	امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی	۱۴۰۹	خمین	تحریر الوسيلة، کتاب البیع، المکاسب المحرمة
۵۳	شهاب الدین بن شمس الدین محمود مرعشی	آیه الله نجفی مرعشی	۱۴۱۱	طبرستان	نخبة الاحکام، سبیل النجاة
۵۴	سید ابوالقاسم بن سید علی اکبر خویی	آیه الله خویی	۱۴۱۳	خوی	تکمله منهاج الصالحین و مبانی آن، حاشیه بر العروة الوثقی
۵۵	محمدرضا بن محمد باقر گلپایگانی	آیه الله گلپایگانی	۱۴۱۴	گلپایگان	حاشیه بر العروة الوثقی، حاشیه بر وسیلة النجاة، کتاب الطهارة
۵۶	محمد علی بن احمد فراهانی	آیه الله اراکی	۱۴۱۵	اراک	شرح العروة الوثقی، المکاسب المحرمة، النکاح و الطلاق

شایان ذکر است که، دانشمندان علوم دینی و فقهای بزرگوار تشیع، منحصر به این تعداد نیستند، بلکه در این مختصر، تنها فقیهان مشهور آمده است. شیعه در چند دهه گذشته شاهد فقیهان نامداری بوده که هر کدام خدمات و تألیفات ارزشمندی بر جای گذاشته‌اند. اکنون نیز در حوزه‌های علمیه، عالمان دین‌شناس و فقیهان بسیاری وجود دارند که رسالت انبیایی حراست از مکتب را بر دوش گرفته‌اند و علوم اهل بیت (علیهم السلام) را به نسل حاضر منتقل می‌کنند.

درس ۱

شناخت احکام

﴿... لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا﴾

«... برای هر یک از شما [امت‌ها] شریعت و راه روشنی قرار دادیم».

(سوره مائده، آیه ۴۸)

سعادت بشر در این جهان و جهان آخرت، در گرو شناخت تعالیم اسلامی و اعتقاد کامل به آنها و تطبیق برنامه‌های روزمره در تمام زوایای آن - چه فردی و چه اجتماعی - بر قوانین نجات‌بخش اسلام است.

برنامه‌های اسلام به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف: برنامه‌های اعتقادی (اصول عقاید).

ب: دستورهای عملی (فقه یا احکام).

ج: مسائل اخلاقی.

دسته اول، برنامه‌هایی در رابطه با سالم‌سازی فکر و اعتقاد انسان است و مکلف باید به آنها یقین کند و آنها را از روی دلیل بپذیرد و چون این بخش از برنامه‌های اسلام اعتقادی است و نیاز به یقین دارد، پیروی از دیگران (تقلید) در آنها راه ندارد، گرچه می‌توان از راهنمایی دیگران برای تحصیل یقین بهره‌مند گردید.

دسته دوم، که برنامه‌های عملی است، مشتمل بر «بایدها» و «نبایدها»یی است که با انجام دادن و ترک آنها (همراه با اعتقاد صحیح) اطاعت الهی تحقق می‌یابد؛ مانند خواندن نماز،

پرداخت زکات و پرهیز از غیبت و سرقت.

دسته سوم، آموزه‌هایی در رابطه با پرورش روح و سلامت روان آدمی است که شیوه تقویت صفات پسندیده؛ مانند عدالت، سخاوت، شجاعت و عزت در نهاد انسان‌ها و مبارزه با صفات ناپسند و زشت؛ مانند حسد، بخل و نفاق را بیان می‌کند.

پس از شناخت جایگاه احکام در بین معارف دینی، باید شیوه دستیابی به آنها را بشناسیم. انسان برای شناخت و پی‌بردن به احکام دین، باید اجتهاد کند و از منابع مربوط، بدان‌ها دست یابد، یا از کسی که با اجتهاد، احکام را استنباط کرده، تقلید کند. شناخت مسائل فقهی پیش‌نیاز عمل به آنهاست و عمل به احکام، بر اساس یکی از این سه امر است:

«اجتهاد» «تقلید» «احتیاط»

تقسیم احکام

در یک تقسیم کلی، تمام احکام دینی را به دو دسته تقسیم کرده‌اند:

تکلیفی؛

وضعی

دسته اول، احکامی است که تکلیف و وظیفه انسان را نسبت به اعمال و رفتار وی مشخص می‌کند، مانند واجب بودن نماز و حرام بودن ظلم.

دسته دوم، احکامی است که وضعیت و کیفیت اشیا را در ارتباط با اعمال انسان مشخص می‌کند، مانند صحیح بودن نماز یا باطل بودن روزه، طهارت برخی اشیا و نجاست برخی دیگر.

اقسام احکام تکلیفی

۱- واجب؛ عملی است که انجام دادنش لازم است و ترک آن عذاب دارد، مانند نماز.

۲- حرام؛ عملی است که ترک آن لازم است و ارتکابش عذاب دارد، مانند دروغ.

۳- مستحب؛ عملی که انجام دادنش مطلوب است و ثواب دارد ولی ترک آن عذاب ندارد،

مانند خواندن نماز شب.

۴- مکروه؛ عملی که ترک آن از انجام دادنش بهتر است ولی ارتکابش عذاب ندارد، مانند

پوشیدن لباس سیاه در نماز.^۱

۵- مباح؛ عملی که انجام و ترک آن مساوی است؛ نه عذابی دارد و نه ثوابی، مانند بسیاری از اعمال.

۶ پرسش

۱- تفاوت اصول و فروع دین چیست؟

۲- برای احکام تکلیفی و وضعی، به جز آنچه در درس آمده، هر کدام دو مثال بزنید.

۳- در کدامیک از برنامه‌های دینی تقلید صحیح نیست، چرا؟

۴- برای واجب و مستحب و مباح، هر کدام دو مثال دیگر بیاورید.

۱- کراهت در عبادات، گاهی به معنای ثواب کمتر داشتن است، مثل اقتدای مسافر به غیر مسافر در نماز جماعت.

درس ۲

اجتهاد

مجموعه احکام دین، دستور عمل و شیوه رفتار انسان را دربر دارد، برای آنکه انسان مطابق احکام دین عمل کند، شناخت آنها نیز لازم است، که به یکی از این دو روش امکان پذیر است:

الف) تفصیلی یا استدلالی (اجتهادی)

ب) اجمالی یا غیراستدلالی (تقلیدی)

تمام افراد در انتخاب یکی از دو راه آزادند و از صدر اسلام تاکنون به طور طبیعی دسته‌ای از افراد علاقه‌مند که دارای شرایط و استعداد لازم بوده‌اند با ورود به حوزه‌های علوم دینی و پس از سال‌ها رنج و تلاش علمی به مرحله شناخت اجتهادی احکام رسیده‌اند و دیگران نیز راه دوم را پذیرفته‌اند و برای رفع نیاز خود به عالمان و متخصصان علوم دینی مراجعه کرده‌اند. در این درس و درس آینده به شیوه و شرایط این دو روش می‌پردازیم.

اجتهاد

اجتهاد در لغت به معنای کوشش و تلاش کردن است. و در اصطلاح فقه عبارت است از استنباط و استخراج مسائل شرعی از منابع مربوط به آن. به شخصی که توانایی اجتهاد را داشته باشد «مجتهد یا فقیه» می‌گویند.

مقدمات اجتهاد

علومى که به عنوان «مقدمات اجتهاد» باید فراگرفت عبارتند از:

- | | |
|---|-------------------------|
| • صرف: علم به تغییر کلمات جهت به دست آمدن معانی مختلف | } ۱- علوم عربی مشتمل بر |
| • نحو: علم به ترکیب کلمه و ساختار جمله | |
| • معانی، بیان، بدیع: علم زیباسازی نوشتار و گفتار و شناخت آن زیبایی‌ها | |
| • لغت: شناخت معانی کلمات | |

۲- منطق: علم درست اندیشیدن و استدلال کردن.

۳- اصول فقه: شناخت شیوه استنباط احکام.

۴- رجال: آشنایی با شخصیت‌های حدیث، (اسناد روایات).

۵- درایه: شناخت معانی و مفاهیم احادیث و درست آن از نادرست.

۶- تفسیر و علوم قرآن

افزون بر علومى که شمردیم، این موارد نیز لازم است:

۷- آشنایی به محاورات عرفی و زبان مردمی که مورد خطاب قرآن و سنت بوده‌اند.

۸- آشنایی با گفته‌ها و نظریات پیشینیان، جهت عدم وقوع در خلاف شهرت و اجماع.

۹- بررسی فتاوا و اخبار اهل سنت، به خصوص در موارد تعارض اخبار.

۱۰- تلاش در جهت استنباط احکام و تمرین در آن، به حدی که ملکه استنباط حاصل شود.^۱

با فراگرفتن علومى که گفته شد و با وجود شرایط لازم، شخص مجتهد باید طبق آنچه

استنباط کرده عمل نماید و چنانچه در استنباط خود اشتباه کرده باشد معذور است.^۲

سه مسأله:

۱- اجتهاد، واجب کفایى است و اگر فردی (به قدر کفایت) بر این امر اقدام کردند، تکلیف از

دیگران ساقط است.

۲- کسی که اهلیت فتوا دادن ندارد، فتوا دادن بر او حرام است.^۳

۲- همان، ص ۹۹.

۱- الرسائل، امام خمینی رحمته الله، ج ۲، ص ۹۶.

۳- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۵، م ۴۳.

۳- اجتهاد، اختصاص به مردان ندارد، بانوان نیز می‌توانند در این رشته علمی تحصیل کنند و به مرحله اجتهاد برسند.^۱

- | | |
|--|---------------------|
| ۱- قرآن | } منابع فقه (احکام) |
| ۲- سنت (قول و فعل و تقریر معصوم <small>علیه السلام</small>) | |
| ۳- عقل | |
| ۴- اجماع (اتفاق نظر فقها بر حکمی از احکام شرعی) | |

قرآن، که مجموعه وحی الهی بر پیامبر اکرم اسلام صلی الله علیه و آله می‌باشد و به خواست خداوند بدون هیچگونه نقص و اضافه به دست ما رسیده، اولین و بهترین ملاک عمل و منبع استنباط احکام می‌باشد.

قول معصوم

مجموعه گفتار امامان معصوم علیهم السلام و دستورها و آموزش‌های قولی آنان، که روش درست‌کرداری را به ما می‌آموزد، یکی از منابع معتبر فقهی است که در کتب روایی جمع‌آوری شده است.

فعل معصوم

از آنجا که ائمه معصومین علیهم السلام از هر خطا و اشتباهی در امان هستند، کردار آنان نیز مانند گفتارشان می‌تواند ملاک عمل برای ما باشد، که این دسته نیز در کتب تاریخی و روایی با عنوان «سیره عملی معصومین علیهم السلام» آمده است.

تقریر معصوم

چون نهی از منکر و بازداشتن افراد جامعه از کار خلاف و اشتباه (در غیر موارد تقیه)، از وظایف پیشوایان معصوم علیهم السلام است، از این رو، در مواردی که فرد یا افرادی در حضور معصوم علیه السلام

۱- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳، م ۱.

عملی را انجام داده باشند، در حالی که تقیه‌ای در کار نبوده، و معصوم علیه السلام آن عمل را تأیید کرده یا لااقل از آن نهی نکرده باشد، به عنوان عملی مورد امضا و تقریر ایشان، می‌تواند ملاک دیگری برای عمل و منبعی برای استنباط فقه باشد.

عقل و اجماع

اگر برای حکمی از احکام، دلیلی از قرآن و سنت نیابیم، آنچه که عقل بشری بدان حکم کند و یا فقهای شیعه بر آن اتفاق نظر داشته باشند، که حاکی از رضایت معصوم علیه السلام باشد، می‌توان مطابق آن فتوا داد و وظیفه مکلفین را مشخص کرد.

۹ پرسش

- ۱- علم فقه با اصول فقه چه تفاوتی دارد؟
- ۲- علم رجال و درایه چه تفاوتی دارد؟
- ۳- منابع فقه را نام ببرید.
- ۴- تقریر معصوم را توضیح دهید.

درس ۳

تقلید

- ۱ - بر هر مکلفی که به درجهٔ اجتهاد نرسیده و طریقهٔ احتیاط را نمی‌داند، واجب است در احکام، از مجتهد تقلید کند؛ یعنی اعمال خود را به استناد فتوای مجتهد انجام دهد.^۱
- ۲ - تقلید در احکام، اختصاص به واجبات و محرّمات ندارد، بلکه در مستحبات و مکروهات و مباحات هم جاری است.^۲
- ۳ - به مجتهدی که دیگران از او تقلید می‌کنند «مرجع تقلید» گویند.

شرایط مرجع تقلید

- ۱ - مرجع تقلید باید دارای این شرایط باشد:

- | | |
|---|--------------|
| * عدالت | * اجتهاد |
| * زنده بودن | * عقل و بلوغ |
| * شیعهٔ دوازده امامی بودن | * مرد بودن |
| | * حلال زادگی |
| * و بنابر احتیاط واجب، اعلم بوده و حریص به دنیا نباشد. ^۳ | |

- ۲ - عادل به کسی گویند که دارای قوهٔ عدالت باشد. و عدالت حالتی نفسانی است که انسان را به تقوا واداشته و از ارتکاب گناهان کبیره^۴ و اصرار بر گناهان صغیره باز می‌دارد.^۵

۲ - همان.

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵.

۳ - توضیح المسائل، م ۲.

۴ - گناهان کبیره، گناهایی است که بر آنها وعدهٔ عذاب و آتش داده شده یا به کبیره بودن آنها تصریح شده است؛ مانند دروغ، غیبت و سرقت و به گناهان دیگر صغیره گفته می‌شود.

۳- اعلم کسی است که قواعد و مدارک مسأله را بهتر بشناسد و بر نمونه‌های آن و قرآن و روایات اطلاع بیشتر داشته باشد و آنها را بهتر بفهمد. خلاصه، اعلم کسی است که در استنباط احکام، از دیگران استادتر باشد.^۱

□ ۴- تقلید ابتدایی از مجتهدی که از دنیا رفته است جایز نیست؛ یعنی کسی که اکنون مکلف شده یا تاکنون تقلید نکرده، نمی‌تواند از مجتهدی که از دنیا رفته است تقلید کند. بلکه باید مقلد مجتهد زنده باشد.^۲

بقای بر تقلید میّت

□ ۱- بقای بر تقلید میّت اشکال ندارد، یعنی کسی که در زمان حیات آن مجتهد در بخشی از احکام دینی مطابق فتوای او عمل کرده باشد، می‌تواند بر تقلید او باقی بماند، حتی در مسایلی که در زمان حیات آن مجتهد به آنها عمل نکرده نیز می‌تواند از وی تقلید کند؛ مثلاً در زمان حیات او به حج نرفته و اکنون پس از مرگ او به حج می‌رود، می‌تواند در مناسک حج مطابق فتوای او عمل کند.^۳

۲- بقای بر تقلید میّت باید با اجازه مجتهد زنده باشد؛ یعنی چنانچه به فتوای مجتهد زنده بقای بر تقلید میت جایز باشد می‌تواند همچنان از او تقلید کند.^۴

۳- کسی که بر تقلید میّت باقی مانده است، در مسایلی که میّت فتوا نداده و همچنین در مسایل جدید باید از مجتهد زنده تقلید کند.^۵

راه‌های تشخیص اجتهاد و علمیت مرجع تقلید

الف) آزمودن و شناخت شخصی، در صورتی که خودش اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را تشخیص دهد.

۵- تحریرالوسیله، ج ۱، فی فروع التقلید، ص ۱۰، م ۲۸.

۱- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۷، م ۱۳.

۲- همان. به فتوای برخی از فقها، تقلید ابتدایی از میّت جایز است.

۳- همان. در این مسأله سه نظر دیگر وجود دارد:

الف) در صورتی که مجتهد از دنیا رفته اعلم باشد، بقای بر تقلید او واجب است.

ب) تنها در مسائلی که در زمان حیات آن مجتهد به آنها عمل کرده، می‌تواند بر تقلید او باقی بماند.

ج) در مسائلی که عمل کرده یا برای عمل یاد گرفته، می‌تواند باقی بماند.

۵- استفتائات، ج ۱، ص ۱۲، س ۱۷.

۴- همان.

ب) شهرتی که مفید علم باشد؛ یعنی بین اهل خبره چنان به اجتهاد و اعلمیّت مشهور باشد که موجب علم به اجتهاد یا اعلمیّت آن فرد باشد.

ج) گواهی دو نفر عادل اهل خبره،^۱ به شرطی که دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نکنند.^۲

- ۱- بر مکلف واجب است که برای شناختن مجتهد اعلم جستجو و تفحص کند.^۳
- ۲- چنانچه دو یا چند مجتهد از نظر علمی با هم مساوی باشند، شخص مقلد، مخیر است به هر کدام از آنان که بخواهد رجوع کند. همچنان که می تواند بعضی از مسایل را از یکی و بعضی دیگر را از دیگری تقلید کند.^۴
- ۳- اگر دو مجتهد هر یک در بخشی از احکام اعلم باشند، مثلاً یکی در احکام عبادات اعلم است و دیگری در معاملات، مکلف باید بنابر احتیاط واجب، در هر بخش، از اعلم تقلید کند.^۵

عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر

- عدول از غیر اعلم به اعلم، بنابر احتیاط، واجب است.
- • عدول از مجتهد زنده به مساوی، جایز نیست.^۶
- عدول از اعلم به غیر اعلم، جایز نیست.
- عدول از مجتهدی که مدتی از او تقلید می کرده و اکنون معلوم شده که اهلیت فتوانداشته، به مجتهد جامع الشرایط واجب است.
- عدول از مجتهدی که یکی از شرایط مرجعیّت را از دست داده؛ مثلاً دیوانه شده یا فراموشی به او دست داده، به مجتهد جامع الشرایط، واجب است.
- • عدول از مجتهدی که تاکنون از او تقلید می کرده و اکنون از دنیا رفته به مجتهد زنده، جایز، بلکه احتیاط مستحب است.^۷
- عدول از مجتهد زنده به مجتهد مرده: بنابر احتیاط واجب جایز نیست. هر چند قبلاً از او

۱- افرادی که صلاحیت علمی تشخیص اجتهاد و اعلمیّت را دارا باشند.

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۸ م ۱۹.

۳- همان، فی فروع التقلید، ص ۴ م ۵.

۴- همان، ص ۴ م ۸.

۵- العروة الوثقی، ج ۱، فی التقلید، ص ۱۶ م ۴۷.

۶- به فتوای برخی از فقهاء، عدول از مجتهد زنده به مساوی جایز است.

۷- به نظر عده ای از فقهاء، در صورتی که مجتهد از دنیا رفته اعلم باشد، عدول از تقلید او به تقلید مجتهد زنده جایز نیست.

تقلید می‌کرده و پس از مرگ وی به مجتهد زنده رجوع کرده است.^۱

راه‌های به دست آوردن فتوای مجتهد:

- * شنیدن از خود مجتهد؛
- * شنیدن از دو یا یک نفر عادل؛
- * شنیدن از یک نفر مورد اطمینان؛
- * دیدن در رساله مجتهد که اشتباه نداشته باشد.^۲

چند مسأله:

- ۱- فراگرفتن مسایل شک و سهو و غیر اینها از مسایلی که غالباً مورد احتیاج مکلف است، واجب می‌باشد، مگر در مواردی که اطمینان دارد مسأله‌ای برایش پیش نمی‌آید.^۳
- ۲- اگر دو نفر برخلاف یکدیگر فتوای مجتهد را نقل کنند، گفته هیچکدام پذیرفته نیست.^۴
- ۳- اگر آنچه در رساله مجتهد نوشته شده با آنچه که دیگری نقل می‌کند سازگار نیست، در صورتی که رساله اشتباه نداشته باشد، رساله معتبر است. مگر آنکه کسی که فتوای مجتهد را نقل می‌کند بگوید که مجتهد، از رأی خود که در رساله است عدول کرده.^۵
- ۴- کسی که فتوای مجتهد را بیان می‌کند، اگر مسأله‌ای را اشتباه بگوید، واجب است به آنها که از او یاد گرفته‌اند اطلاع داده و رفع اشتباه کند.^۶

۴ پرسش

- ۱- در چه صورتی تقلید از میّت صحیح است؟
- ۲- در صورتی که از طرف اهل خبره، چند نفر به عنوان مراجع تقلید معرفی شوند ولی اعلم آنها مشخص نباشد، تکلیف چیست؟
- ۳- تبعیض در تقلید را توضیح دهید و مورد جواز آن را بیان فرمایید.
- ۴- در چه صورت، عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر واجب است؟

۱- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۶-۷، ۸، ۴، ۵، ۱۲، ۱۳ و ۱۸؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۲ و ۱۳، م ۳۳ و ۳۷.
 ۲- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۸، م ۲۱.
 ۳- همان، ص ۹، م ۲۳.
 ۴- استفتاآت، ج ۱، ص ۱۸، س ۴۲ و العروة الوثقی، ج ۱، فی التقلید، ص ۲۰، م ۵۹.
 ۵- همان، ص ۲۰، م ۵۸.
 ۶- همان، التقلید، ص ۱۶، م ۴۸.

درس ۴

تقلید، احتیاط

وظیفه کسی که بدون تقلید عمل کرده یا تقلیدش صحیح نبوده

۱- کسی که مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام داده، در صورتی که بفهمد:

— به وظیفه واقعی خود عمل کرده؛ مثلاً بعداً مجتهد شود و وظیفه واقعی خود را بفهمد.

— یا عمل او با فتوای مجتهدی که وظیفه‌اش تقلید از او بوده مطابق بوده است.

— یا با فتوای مجتهدی که هم اکنون باید از او تقلید کند مطابق است.

در تمام این صور اعمال گذشته‌اش صحیح است.^۱

۲- اگر مکلف مدتی از کسی تقلید کرده که جامع شرایط نبوده؛ مانند کسی است که بدون

تقلید عمل کرده است.^۲

۳- اگر بدون اجازه مجتهد زنده بر تقلید میت باقی مانده باشد مانند کسی است که بدون

تقلید عمل می‌کند.^۳

احتیاط

احتیاط در اصطلاح فقه، عبارت است از عمل کردن به احکام، به گونه‌ای که یقین داشته باشد

به وظیفه‌اش عمل کرده است.

۱- عمل به احتیاط برای همه (مجتهد یا غیر مجتهد) جایز است، ولی باید موارد احتیاط را

۲- العروة الوثقی، ج ۱، فی التقلید، ص ۱۰، م ۲۵.

۱- توضیح المسائل، م ۱۴.

۳- همان، ص ۱۷، م ۵۲.

بشناسد و البته افراد اندکی این موارد را می‌شناسند، چون شناخت آنها کار دشواری است و مستلزم اطلاع کامل بر کیفیت آن است.^۱

۲- عمل به احتیاط، گاهی موجب تکرار عمل است و گاهی موجب تکرار نیست.^۲
مثال اول: شخصی که نمی‌داند وظیفه‌اش نماز تمام است یا شکسته، اگر بخواهد به احتیاط عمل کند باید نماز را هم تمام بجا آورد و هم شکسته.

مثال دوم: شخصی که نمی‌داند اذان و اقامه برای نماز واجب است یا مستحب، اگر بخواهد به احتیاط عمل کند باید آن را بجا آورد.

۳- اگر مکلف بداند عملی حرام نیست، ولی نمی‌داند واجب است یا مستحب یا مکروه یا مباح، می‌تواند به امید مطلوب بودن (رجاءاً) آن عمل را انجام دهد، چون احتمال مطلوب بودن آن وجود دارد.^۳

۴- اگر مکلف بداند عملی واجب نیست ولی نمی‌داند حرام است یا مکروه یا مستحب یا مباح، می‌تواند آن عمل را ترک کند. چون احتمال مبعوض بودن آن وجود دارد.^۴

تفاوت احتیاط واجب با احتیاط مستحب

کلیه احتیاط‌هایی که در رساله‌ها آمده، یا وجوبی است یا استحبابی و تفاوت بین آنها از دو جهت است: یکی در مقام شناخت و تشخیص، که احتیاط از کدام قسم است و دیگری در مقام عمل، که وظیفه مکلف، نسبت به هریک از آنها چیست؟

تفاوت اول: احتیاط واجب، احتیاط بدون فتواست.

احتیاط مستحب، احتیاط همراه با فتواست.

اگر مجتهد در مسأله‌ای فتوا داده و احتیاط نیز داشته باشد، این احتیاط مستحب است. و اگر مجتهد در مسأله‌ای فتوا نداده و از ابتدا احتیاط کرده باشد، احتیاط واجب است که به آن «احتیاط مطلق» نیز می‌گویند.^۵

مثال احتیاط مستحب: «در غسل ارتماسی، اگر به نیت غسل ارتماسی، به تدریج در آب فرو رود تا تمام بدن زیر آب قرار گیرد، غسل او صحیح است و احتیاط آن است که یک دفعه زیر آب

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳، م ۲.

۲- الفتاوی الواضحه، ج ۱، ص ۱۱۸، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵، م ۱.

۳- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۱، م ۳۰.

۴- همان.

۵- همان، ص ۲۳، م ۶۴.

رود».^۱

مثال احتیاط واجب: «اگر نذر کند که به فقیر معینی صدقه بدهد، نمی‌تواند آن را به فقیر دیگری بدهد و اگر آن فقیر بمیرد، بنابر احتیاط باید به ورثه او بپردازد».^۲

تفاوت دوم: در احتیاط مستحب، مقلد باید به همان احتیاط عمل کند، یا به فتوای همراه آن و نمی‌تواند در آن مسأله به مجتهد دیگر رجوع کند.

اما در احتیاط واجب، مقلد می‌تواند به همان احتیاط عمل کند، یا به فتوای مجتهد دیگری که پس از آن مجتهد، از دیگران اعلم است مراجعه کند.^۳

تفاوت حکم با فتوا

ائمه معصومین علیهم‌السلام پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و به هنگام حضور ظاهری، دو وظیفه مهم امامت را برعهده داشته‌اند که طبق روایات و دیگر منابع فقهی در زمان غیبت آنها بر عهده فقیهان جامع‌الشرایط نهاده شده است:

۱- بیان فتوا و ابلاغ احکام الهی به مردم؛

۲- رهبری و مدیریت جامعه انسانی و اجرای احکام دینی.

تفاوت فتوا و وجود مراجع فتوایی متعدد، مشکل زیادی در جامعه پدید نمی‌آورد، همان گونه که در ادوار مختلف تاریخ تشیع، پس از غیبت حضرت ولی عصر علیه‌السلام این امر وجود داشته است، ولی تشتت و دوگانگی در احکام اجرایی و حکومتی - به ویژه اگر ارتباطات گسترده و آسان باشد - قطعاً سبب هرج و مرج و اختلاف و دودستگی در جامعه خواهد شد؛ حال پرسش این است که، فرق این دو چیست و قلمرو هر یک کدام است و در مورد تعارض فتوای مرجع تقلید با حکم حاکم (ولی فقیه)، وظیفه مردم چیست؟

«فتوا» در اصطلاح فقها بیان حکم خداست به وسیله فقیه؛ مثلاً:

— در رکعت سوم و چهارم نماز، تسبیحات را یک مرتبه خواندن کافی است.

— اگر روزه گرفتن برای بدن ضرر داشته باشد صحیح نیست.

— در صورتی که خریدار در معامله گول خورده باشد حق فسخ معامله را دارد و...

۱ - توضیح المسائل، م ۳۶۷.

۲ - همان، م ۲۶۵۹.

۳ - همان، م ۷.

- «حکم حاکم» دستور به اجرای یک حکم شرعی و تعیین مصداق و یا موضوع و یا وقت و مکان اجرای حکم شرعی و نیز الزام بر انجام دادن یا ترک کاری به خاطر مصلحت است؛ مانند:
- دستور به اینکه: فلان روز، اول ماه است.
 - حکم به دریافت زکات یا خمس، با شرایطی ویژه (در زمان یا مکان و یا مورد خلص).
 - فروش اموال محترک و قیمت‌گذاری آن، بدون اجازه صاحبش.
 - تعیین و تقسیم و مصرف انفال و اموال عمومی.
 - دستور اجرای حدود و تعزیرات.

تعارض فتوا با حکم

در صورتی که فتوای مرجع تقلید و حکم ولی فقیه خلاف یکدیگر باشد، حکم ولی فقیه مقدم و مخالفت با آن حرام است؛ مثل آنکه مجتهدی فتوا دهد احتکار در غیر طعام اشکال ندارد، ولی فقیه حاکم با توجه به مشکلات اقتصادی جامعه، حکم کند که احتکار هرگونه کالای مورد نیاز جامعه حرام است. در اینجا دستور ولی فقیه اجرا می‌شود و بر مقلدان آن مرجع نیز تبعیت لازم است.^۱

در فتاوی فقیهان بزرگ آمده است:

«نقض حکم حاکم جامع الشرایط جایز نیست، حتی برای دیگر مجتهدان، مگر در جایی که اشتباهش روشن باشد».^۲

۹ پرسش

۱- اگر مقلد، پس از مدتی بفهمد مرجع تقلیدش جامع شرایط تقلید نیست، اعمال گذشته وی چه حکمی دارد؟

۲- تفاوت «حکم» و «فتوا» را با آوردن مثال توضیح دهید و وظیفه افراد در آن موارد چیست؟

۳- با مراجعه به رساله توضیح المسائل، برای احتیاط واجب و مستحب دو مثال دیگر بیاورید.

۴- تفاوت عملی احتیاط واجب و مستحب چیست؟

۱- مرحوم شیخ محمد حسن نجفی (قدس سره) صاحب جواهر در بحث احتکار چنین می‌نویسد:
 «اگر محترک، خود مجتهد باشد، مجتهد حاکم می‌تواند او را به فروش کالای احتکار شده یا فروش به قیمت معینی وادار کند، هر چند حاکم نسبت به مجتهد محترک از نظر علمی پایین تر باشد». (جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴۸۷)

۲- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰، م ۵۷.

درس ۵

طهارت (۱)

«... مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُثَبِّتَ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ، لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»

«خداوند نمی‌خواهد برای شما زحمتی ایجاد کند، بلکه می‌خواهد شما را پاک و نعمتش را بر شما تمام گرداند، باشد که سپاس گویند.»

(سوره مائده، آیه ۶)

همان گونه که در درس اول گذشت، مجموعه برنامه‌های عملی اسلام «احکام» نامیده می‌شود و از جمله آنها واجبات است و نماز یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین واجبات عملی است. مسائل مربوط به نماز را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- ۱ - مُقَدِّمَات: که نمازگزار باید پیش از نماز آنها را مراعات کند.
- ۲ - مُقَارِنَات: که مربوط به متن نماز است، از تکبیرة الاحرام تا سلام.
- ۳ - مُبْطَلَات: چیزهایی است که نماز را باطل می‌کند.

مقدمات نماز

مقدمات نماز به طور فهرست‌وار عبارت است از:
طهارت؛ لباس نمازگزار؛ مکان نمازگزار؛ قبله؛ وقت نماز؛ اذان و اقامه.

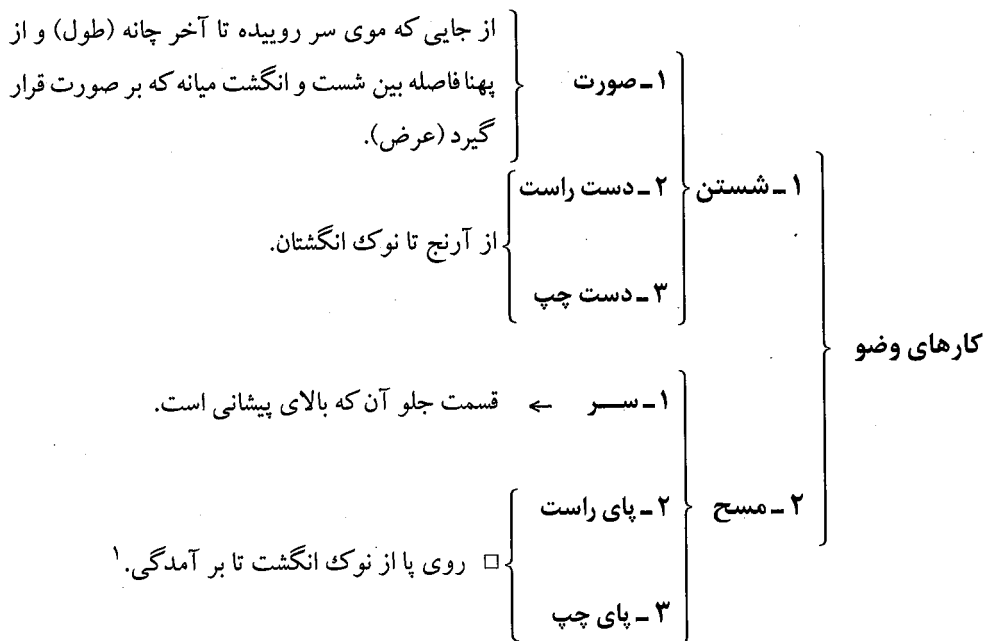
طهارت

دین اسلام علاوه بر آنکه نظافت و تمیزی را از ایمان برشمرده و پیروان خود را به تمیز نگه داشتن بدن و لباس و محیط زندگی دعوت می‌کند، برای برخی کارها علاوه بر نظافت، طهارت را شرط می‌داند. طهارت در فرهنگ فقهی دو جنبه دارد: ظاهری و باطنی.

طهارت ظاهری، پاک بودن بدن و لباس و خوراک و نوشیدنی از آلودگی و نجاسات است. و طهارت باطنی، با انجام دادن برخی اعمال؛ یعنی وضو، غسل و تیمم به دست می‌آید. به جهت اهمیت طهارت باطنی، ابتدا به احکام وضو، غسل و تیمم می‌پردازیم.

وضو

نمازگزار باید پیش از نماز «وضو» بگیرد و خود را برای این عبادت بزرگ آماده کند و در برخی از موارد باید «غسل» کند؛ یعنی تمام بدن را بشوید و هرگاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن، عمل دیگری به نام «تیمم» انجام دهد که احکام آنها در این درس و درس‌های آینده خواهد آمد.



۱- تحریرالوسیله، ج ۱، فصل فی الوضو، ص ۲۱ و ۲۳، م ۱ و ۳ و ۱۲. به فتوای عده‌ای از فقها، مسح پا باید تا آخر روی پا (مفصل) کشیده شود.

شستن صورت و دست‌ها

- ۱- بنا بر احتیاط واجب، باید صورت و دست‌ها را از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است.^۱
- ۲- اگر پوست صورت از لای موها (ریش - ابرو) پیدا باشد، باید آب را به پوست برساند و اگر پیدا نباشد، شستن مو کافی است و رساندن آب به زیر مو لازم نیست.^۲
- ۳- شستن داخل بینی و دهان و مقداری از لب و چشم که هنگام بستن دیده نمی‌شود، واجب نیست. ولی برای آنکه یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده، واجب است مقداری از آنها را هم بشوید.^۳

۴- شستن اعضای وضو: }
 بار اول: واجب
 بار دوم: جایز
 بار سوم: حرام^۴

۵- مقصود از شستن، آب ریختن نیست، بلکه شستن کامل است؛ یعنی اگر یک بار به طور کامل به نیت وضو تمام صورت یا دست را بشوید و بار دیگر هم به طور کامل بشوید، بار سوم آن حرام است. بنابر این اگر چندین مرتبه هم آب بریزد ولی به تمام جاهای عضو نرسد، یکبار محسوب نمی‌شود. و اگر با یک بار ریختن، یا یک بار فرو بردن در آب، تمام عضو را فراگیرد. یک بار شستن به حساب می‌آید.^۵

۶- سه بار شستن اعضای وضو گاهی اوقات موجب بطلان وضو می‌شود و آن در صورتی است که آب مسح، از آب شستن سوم باشد، چون مسح باید با آب وضو انجام شود.^۶

مسح سر

- ۱- جای مسح: یک قسمت از چهار قسمت سر، که بالای پیشانی است (جلوی سر).
- ۲- مقدار واجب مسح: هر قدر باشد کافی است (به مقداری که اگر کسی ببیند بگوید مسح کرد).

۲- همان، م ۲۴۰.

۴- همان، م ۲۴۸.

۶- همان و توضیح المسائل، م ۲۴۸.

۱- توضیح المسائل، م ۲۴۳.

۳- همان، م ۲۴۲.

۵- استفتاءات، ج ۱، ص ۳۴، س ۳۵.

۳- احتیاط مستحب: به پهنای سه انگشت بسته و طول یک انگشت.

□ ۴- مسح با دست چپ: جایز است.^۱

۵- لازم نیست مسح بر پوست سرباشد، بلکه بر موی جلو سر هم صحیح است، مگر موی سر انسان به قدری بلند باشد که هنگام شانه زدن، به صورتش بریزد، که باید پوست سر یا قسمت پایین (بیخ) مو را مسح کند.

۶- مسح بر موی جاهای دیگر سر صحیح نیست، هر چند بر محل مسح جمع شده باشد.^۲

مسح پا

۱- جای مسح: روی پاست.

□ ۲- مقدار واجب مسح: طول؛ از سرانگشت تا برآمدگی روی پا.^۳

عرض؛ هر اندازه باشد کافی است هر چند به قدر یک انگشت باشد.

۳- احتیاط مستحب آن: همه روی پا.

□ ۴- پای راست را باید پیش از پای چپ مسح کند، ولی لازم نیست پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح کند.^۴

مسایل مشترک مسح سر و پا

۱- در مسح باید دست را بر سر و پاها بکشد و اگر دست را نگه دارد و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است، ولی اگر موقعی که دست را می کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد.^۵

□ ۲- اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد، باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح کند و نمی تواند دست را با آب غیر وضو خیس کند و با آن مسح را انجام دهد.^۶

۱- به فتوای برخی از فقها، مسح سر باید با دست راست باشد.

۲- توضیح المسائل، م ۲۴۹، ۲۵۰ و ۲۵۱؛ تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی الوضوء، ص ۲۳، م ۱۲ و ۱۳ و ۱۴.

۳- به نظر عده ای از فقها، مسح پا باید تا آخر روی پا (مفصل) کشیده شود.

۴- العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی افعال الوضوء، ص ۲۱۰. به فتوای برخی از فقها، مسح همزمان پاها نیز صحیح است و لازم است پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ مسح شود.

۵- توضیح المسائل، م ۲۵۵.

۶- همان، م ۲۵۷. به فتوای برخی از فقها، باید از صورت و ریش خود آب بگیرد.

- ۳- رطوبت دست باید به قدری باشد که بر سر و پا اثر بگذارد.^۱
- ۴- محل مسح (سر و روی پاها) باید خشک باشد، بنابراین اگر جای مسح تر باشد، باید آن را خشک کرد ولی اگر رطوبت آن به قدری کم باشد که مانع از تأثیر رطوبت دست، بر آن نباشد مانع ندارد.^۲
- ۵- بین دست و محل مسح، یعنی سر یا پاها نباید چیزی مانند چادر و کلاه، یا جوراب و کفش فاصله باشد. هر چند بسیار رقیق و نازک باشد و رطوبت به پوست برسد (مگر در حال ناچاری).^۳
- ۶- محل مسح باید پاک باشد، پس اگر نجس است و نمی تواند آن را آب بکشد باید تیمم کند.^۴

۵ پرسش

- ۱- تفاوت طهارت باطنی و ظاهری چیست؟
- ۲- کسی که نمی داند پوست صورتش از زیر موهای صورت پیداست یا نه، آیا هنگام وضو باید آب را به پوست صورت برساند؟
- ۳- در چه صورتی مسح بر موهای قسمت جلو سر کافی نیست.
- ۴- مقدار واجب و مستحب مسح سر و پاها چه اندازه است؟
- ۵- اگر محل مسح، نجس باشد و تطهیر آن ممکن نباشد تکلیف چیست؟

۱- العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی افعال الوضوء، ص ۲۱۲، م ۲۶.

۲- همان، م ۲۷.

۳- همان، م ۲۶.

۴- توضیح المسائل، م ۲۶۰.

درس ۶

وضوی اَرتماسی

- ۱ - وضوی اَرتماسی آن است که انسان صورت و دست‌ها را به قصد وضو در آب فرو برد و بیرون آورد، یا آنها را در آب فرو برد و به قصد وضو بیرون آورد.^۱
- ۲ - چون در وضوی اَرتماسی نیز، باید ترتیب مراعات شود و دست و صورت از بالا به پایین شسته شود، بنابر این، وضوی اَرتماسی به گونه‌های زیر انجام می‌شود:
 - به قصد وضو صورت را از پیشانی، و دست را از آرنج در آب فرو برد و تا موقعی که آنها را از آب بیرون می‌آورد و ریزش آب تمام می‌شود به نیت وضو باشد. [چون آبی که بر دست می‌ماند و در مسح بکار می‌رود، باید آب وضو باشد].
 - بدون قصد وضو، صورت و دست را در آب فرو برد و به قصد وضو بیرون آورد، که صورت را باید ابتدا از پیشانی بیرون آورد و دست‌ها را از آرنج.^۲
- ۳ - اگر بعضی از اعضای وضو را اَرتماسی و بعضی را غیر اَرتماسی انجام دهد اشکال ندارد.^۳

وضوی کسی که دست یا پایش قطع شده

- ۱ - کسی که یک دست او پایین‌تر از آرنج قطع شده باید در وضو قسمت باقیمانده آن را بشوید و اگر کف دست را ندارد با دست دیگر مسح سر و پاها را انجام دهد و اگر از آرنج یا بالاتر قطع شده شستن آن دست ساقط است.^۴

۲ - همان، م ۲۶۱ و ۲۶۲.

۱ - توضیح المسائل، م ۲۶۱.

۳ - همان، م ۲۶۳.

۴ - العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۴، الثانی؛ استفتات، ج ۱، ص ۲۹ و ۳۰ و ۳۱؛ ص ۲۰ تا ۲۴ و ۲۶.

۲- کسی که هر دو دست او قطع شده، اگر از یکی یا هر دو دست چیزی از آرنج به پایین باقی مانده است باید آن را بشوید و چنانچه با باقیمانده دست نتواند مسح کند، باید برای مسح نایب بگیرد.^۱

۳- کسی که پای او قطع شده و چیزی از محل مسح (هر چند کم باشد) باقی نمانده، مسح آن پا ساقط است.^۲

وضوی جبیره‌ای

دوایی که بر زخم می‌گذارند و چیزی که با آن، زخم یا عضو شکسته را می‌بندند، «جبیره» نام دارد.

۱- شخصی که بر اعضای وضویش زخم یا شکستگی است، اگر بتواند به‌طور معمول وضو بگیرد، باید چنین کند؛^۳ مثلاً:

- روی زخم باز است و آب برای آن ضرر ندارد.

- روی زخم بسته است، ولی باز کردن آن امکان دارد و آب ضرر ندارد.

□ ۲- چنانچه زخم بر صورت یا دست‌هاست و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد و گذاشتن پارچه و امثال آن روی زخم ممکن نباشد، اگر اطراف آن را بشوید کافی است.^۴

۳- اگر زخم یا شکستگی در جلو سر یا روی پاهاست و روی آن باز است، چنانچه نتواند آن را مسح کند، باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده، مسح کند و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد، باید به جای وضو تیمم کند و بهتر است یک وضو بدون مسح نیز بگیرد.^۵

۱- همان.

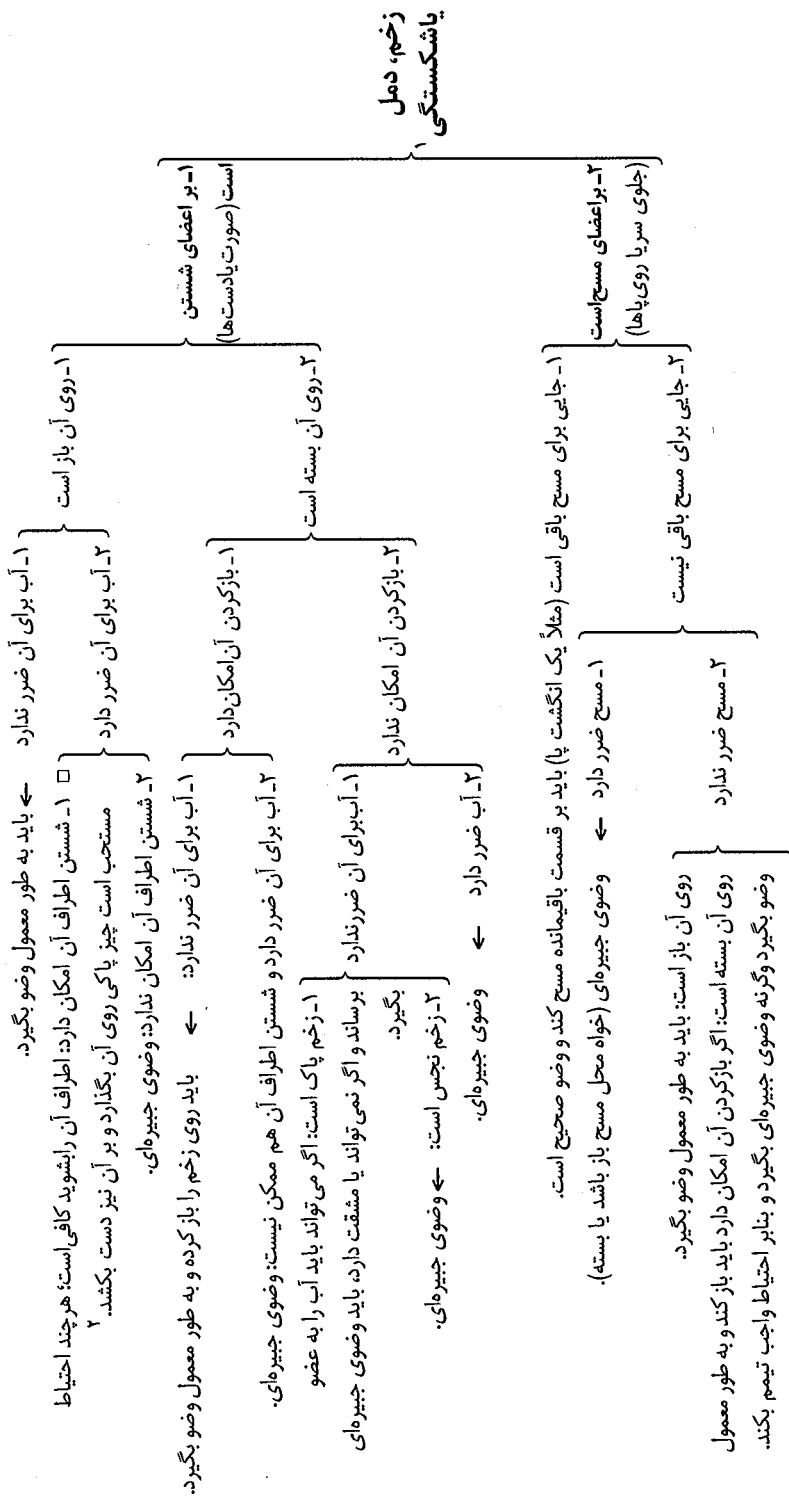
۲- همان.

۳- توضیح المسائل، م ۳۲۴.

۴- همان، م ۳۲۵. به فتوای برخی از فقها، علاوه بر وضو، تیمم نیز لازم است.

۵- همان، م ۳۲۶.

نمودار احکام وضوی جیرهای



۱- تخریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴، فصل فی وضوء الجیره: توضیح المسائل، م ۳۲۴ تا ۳۲۹.

۲- به فتوای برخی از فقهاء، گذاشتن چیز پاک بر زخم و کشیدن دست بر آن را نیز لازم می‌دانند.

چند مسأله:

- ۱- کسی که نمی‌داند وظیفه‌اش وضوی جبیره‌ای است یا تیمم، بنا بر احتیاط واجب باید هر دو را انجام دهد.^۱
- ۲- کسی که در کف دست و انگشت‌ها جبیره دارد و در موقع وضو، دست تر روی آن کشیده است، می‌تواند سر و پا را با همان رطوبت مسح کند، یا از جاهای دیگر وضو رطوبت بگیرد.^۲
- ۳- اگر در صورت و دست‌ها چند جبیره باشد، باید بین آنها را بشوید و اگر جبیره‌ها در سر یا روی پاها باشد باید بین آنها را مسح کند و در جاهایی که جبیره است باید به دستور وضوی جبیره‌ای عمل کند.^۳

- | | |
|---|-------------------------------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱- اگر جبیره، تمام اعضای وضو را گرفته باشد، باید تیمم کند. ۲- اگر جبیره، بعضی از اعضای وضو را گرفته باشد؛ مثل تمام صورت یا تمام یک دست، باید وضوی جبیره‌ای بگیرد. ۳- اگر جبیره، بیشتر اعضای وضو را گرفته باشد، بنابر احتیاط واجب باید وضوی جبیره‌ای بگیرد و تیمم هم انجام دهد. ۴- اگر جبیره بیش از حد معمول اطراف زخم را پوشانده باشد و برداشتن آن ممکن نباشد، باید وضوی جبیره‌ای بگیرد و بنابر احتیاط واجب، تیمم هم بنماید.^۴ | ۴- مقدار جبیره و
وظیفه وضوگیرنده |
|---|-------------------------------------|

۵ پرسش

- ۱- تفاوت وضوی ترتیبی و ارتماسی چیست؟
- ۲- کسی که یک دست و یک پایش به طور کامل قطع شده، چگونه باید وضو بگیرد؟
- ۳- کسی که هر دو دستش به طور کامل قطع شده، چگونه باید وضو بگیرد؟
- ۴- اگر یک دست را به طور کامل جبیره پوشانده است و باز کردن جبیره هم ممکن نیست، وظیفه وضوگیرنده چیست؟
- ۵- اگر شست با دو انگشت دیگر پا را جبیره پوشانده باشد، وظیفه وضوگیرنده برای مسح چیست؟
- ۶- اگر هر دو پا و پیشانی کسی باند پیچی شده باشد، وظیفه او برای وضو چیست؟

۲- همان، م ۳۳۲.

۱- توضیح المسائل، م ۳۴۳.

۳- همان، م ۳۳۴.

۴- همان، م ۳۳۰، ۳۳۱ و ۳۳۵. در فرض دوم به فتوای برخی از فقها، تیمم نیز لازم است.

درس ۷

شرایط وضو

با شرایطی که خواهد آمد وضو صحیح است و باز بین رفتن هر یک از آنها، وضو باطل است.

شرایط وضو^۱

۱- شرایط آب و ظرف وضو

- ۱- آب وضو پاک باشد (نجس نباشد).
- ۲- آب وضو مباح باشد (غصبی نباشد).
- ۳- آب وضو مطلق باشد (مضاف^۲ نباشد).
- ۴- ظرف آب وضو مباح باشد.
- ۵- ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد.

۲- شرایط اعضای وضو

- ۱- پاک باشد.
- ۲- مانعی از رسیدن آب در آن نباشد.

۱- توضیح المسائل، شرایط صحیح بودن وضو.

۲- آب مضاف، آبی است که از چیزی گرفته باشند، مثل آب هندوانه؛ یا با چیزی مخلوط کرده باشند، به طوری که به آن، آب گفته نشود؛ مثل شربت. آبی که مضاف نباشد مطلق است. توضیح این بحث در درس ۱۴ خواهد آمد.

۳- شرایط کیفیت وضو

- ۱- رعایت ترتیب (به همان ترتیب که در اعمال وضو گذشت).
- ۲- رعایت مَوالات (بین اعمال وضو فاصله نیفتد).
- ۳- خودش وضو بگیرد (از دیگری کمک نگیرد).

۴- شرایط وضوگیرنده

- ۱- استفاده از آب برای او ضرر نداشته باشد.
- ۲- با قصد قربت وضو بگیرد (ریا نکند).

شرایط آب وضو

۱- وضو گرفتن با آب نجس و مضاف باطل است، خواه بداند آن آب نجس یا مضاف است یا نداند، یا فراموش کرده باشد.^۱

۲- آب وضو باید مباح باشد، بنابر این در موارد زیر وضو باطل است:

- * وضو گرفتن با آبی که صاحب آن راضی نیست (راضی نبودن او معلوم است).
- * وضو گرفتن با آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه.
- * آبی که وقف افراد خاصی است؛ مانند حوض برخی از مدارس و وضوخانه بعضی از هتل ها و مسافرخانه ها و...^۲

□ ۳- وضو گرفتن از نه‌های بزرگ، گرچه انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند یا نه، اشکال ندارد، اما اگر صاحبان آن از وضو گرفتن جلوگیری کنند، احتیاط واجب آن است که وضو نگیرند.^۳

۱- توضیح المسائل، م ۲۶۵.

۲- العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی شرایط الوضو، ص ۲۱۹-۲۲۵، م ۶، ۷، ۸ توضیح المسائل، م ۲۶۵.

۳- توضیح المسائل، مسأله ۲۷۱. به فتوای برخی از فقها، در صورتی که وضو گرفتن از آن، بین مسلمین متعارف است اشکال ندارد و گرنه باطل است و همچنین اگر بداند صاحبان آن راضی نیستند.

شرایط اعضای وضو

- ۱- اعضای وضو در موقع شستن و مسح باید پاک باشد.^۱
- ۲- اگر در بین وضو، جایی که شسته یا مسح کرده، نجس شود وضو صحیح است؛ مثلاً هنگامی که مشغول شستن دست‌ها است، صورت وی نجس شود.^۲
- ۳- اگر غیر اعضای وضو، جایی از بدن نجس باشد، وضو صحیح است ولی اگر مخرج بول یا غایط را تطهیر نکرده، بهتر آن است که اوّل آن را تطهیر کند، بعد وضو بگیرد.^۳
- ۴- خطوط قلم خودکار و لکه‌های رنگ و چربی و کِرِم در صورتی که رنگ بدون جرم باشد، مانع وضو نیست، ولی اگر جرم داشته باشد (روی پوست را گرفته) باید بر طرف شود.^۴
- ۵- خال کوبی‌هایی که زیر پوست قرار دارد (جوهر است) و مانع از رسیدن آب به پوست نمی‌باشد، برای وضو اشکال ندارد.^۵

شرایط کیفیت وضو

□ ترتیب^۶

کارهای وضو باید به ترتیبی که در بحث اعمال وضو گفته شد انجام داده شود و اگر ترتیب اعمال وضو به هم بخورد وضو باطل است.

□ مَوالات^۷

- ۱- مَوالات؛ یعنی پشت سر هم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو.
- ۲- اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می‌خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده، خشک شده باشد، وضو باطل است ولی اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محلی است که می‌خواهد بشوید یا مسح کند خشک شده باشد، وضویش صحیح است.^۷

۱- توضیح المسائل، شرایط وضو، ص ۳۵، شرط ششم و مسألة ۲۷۶ و ۲۷۷.

۲- همان.

۳- استفتاءات، ج ۱، ص ۳۶ و ۳۷، س ۴۰ تا ۴۵.

۴- همان.

۵- همان، ج ۱، ص ۲۸، م ۱۵؛ توضیح المسائل، م ۲۸۳.

۶- تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی شرایط الوضو، ص ۲۸.

۷- همان، ج ۱، ص ۲۸، م ۱۵؛ توضیح المسائل، م ۲۸۳.

۳- راه رفتن بین وضو اشکال ندارد، بنابراین اگر پس از شستن صورت و دست‌ها، چند قدم راه برود [به قدری که موالات به هم نخورد] و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است.^۱

□ کمک نگرفتن از دیگران

۱- کسی که می‌تواند اعمال وضو را خودش انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد، پس اگر دیگری صورت و دست او را بشوید یا مسح او را انجام دهد وضوی او باطل است، ولی اگر شخص دیگری آب را در دست وی بریزد و وضو گیرنده خودش آن را بر اعضا می‌ریزد و می‌شوید وضو باطل نیست ولی اینگونه کمک گرفتن مکروه است.^۲

□ ۲- کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد، باید نایب بگیرد که او را وضو دهد و چنانچه مزد هم بخواهد، در صورتی که بتواند باید بدهد، ولی خود او باید نیت وضو کند.^۳

۳- کسی که در وضو از دیگری کمک می‌گیرد، هر کدام از کارهای وضو را که می‌تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن عمل کمک بگیرد.^۴

۴- کسی که دیگری را وضو می‌دهد، در مسح باید دست او را بر سر و پاهایش بکشد، مگر آنکه ممکن نباشد، که در آن صورت باید از دست او رطوبت بگیرد و با دست خود، مسح او را انجام دهد و چنانچه ممکن است بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بنماید.^۵

شرایط وضو گیرنده

۱- کسی که می‌داند اگر وضو بگیرد مریض می‌شود یا می‌ترسد که مریض شود، باید تیمم کند و اگر وضو بگیرد باطل است. ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد که ضرر داشته، وضویش صحیح است.^۶

۲- وضو باید به قصد قربت انجام شود؛ یعنی برای انجام دادن فرمان خداوند عالم وضو بگیرد.^۷

۱- توضیح المسائل، م ۲۸۵. ۲- العروة الوثقی، ج ۱، فی شرایط الوضو، التاسع، ص ۲۳۴.

۳- توضیح المسائل، م ۲۸۶. به نظر برخی از مراجع، نایب نیز باید نیت وضو کند.

۴- همان، م ۲۸۷. ۵- همان، م ۲۸۶.

۶- العروة الوثقی، ج ۱، فی شرایط الوضو، السابع، ص ۲۳۲؛ توضیح المسائل، م ۲۸۸ و ۶۷۲.

۷- توضیح المسائل، شرایط وضو، شرط هشتم.

- ۳- لازم نیست نیت را به زبان آورد، یا از قلب خود بگذرانند، بلکه همین مقدار که می داند وضو می گیرد کافی است، به طوری که اگر از او بپرسند چه کار می کنی؟ بگوید: وضو می گیرم.^۱
- ۴- اگر وقت نماز به قدری تنگ است که اگر وضو بگیرد، تمام نماز یا قسمتی از آن، بعد از وقت خوانده می شود، باید تیمم کند.^۲

۶ پرسش

- ۱- شرط مشترک آب و ظرف آب وضو کدام است؟
- ۲- وضو گرفتن از نهرها و شیرهای آب کنار خیابان (جلو مغازه ها) چه حکمی دارد؟
- ۳- وضو گرفتن از آب سردکنی که مخصوص نوشیدن است چه حکمی دارد؟
- ۴- چگونه موالات وضو به هم می خورد، با ذکر مثال بیان فرمایید.
- ۵- پرستاری، بیماری را که اصلاً قادر به انجام وضو نیست، کمک می دهد، نحوه کمک او را بیان کنید.

درس ۸

موجبات، شکیات و مبطلات وضو

موجبات وضو

وضو نسبت به اعمالی که با طهارت انجام داده می‌شود، یکی از حالت‌های زیر را خواهد داشت:

- | | |
|---------------------------|---|
| ۱- نماز، به جز نماز میت؛ | } ۱- شرط صحت عمل، یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام شود صحیح نیست. |
| ۲- اجزای فراموش شده نماز؛ | |
| یعنی سجده و تشهد؛ | |
| ۳- طواف. | |

- | | |
|---|---|
| ۱- مَسَّ نَوشْتَهٗ قُرْآن؛ | } ۲- شرط جواز عمل، و حرام نبودن، یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام شود حرام است. |
| ۲- مَسَّ اسْمِ خدایوند و صفات خاص او؛ | |
| ۳- به احتیاط واجب مَسَّ اسْمِ پیامبران و امامان و فرشتگان <small>علیهم‌السلام</small> | |

- ۳- شرط کمال عمل؛ یعنی برای درک ثواب یا ثواب بیشتر مانند قرائت قرآن.
- ۴- رفع کراهت عمل، مانند غذا خوردن در حال جنابت که با وضو کراهت آن رفع می‌شود.^۱

کارهایی که باید با وضو انجام داده شود:

- ۱- تمام نمازهای واجب و مستحب باید با وضو انجام داده شود، به جز نماز میت که بدون وضو نیز صحیح است ولی مستحب است با وضو خوانده شود.^۱
- ۲- اگر نمازگزار تشهد یا یک سجده از دو سجده نماز را فراموش کند، باید پس از نماز، قضای آن را بجا آورد و در حال قضای سجده و تشهد باید با وضو باشد.^۲
- ۳- طواف کعبه که جزئی از اعمال عمره و حج است باید با وضو بجا آورده شود.^۳

کارهایی که بدون وضو حرام است:

- ۱- کسی که وضو ندارد نباید جایی از بدن خود را به این نوشته‌ها برساند:
 - * خط قرآن، ولی ترجمه آن اشکال ندارد؛
 - * اسم خداوند به هر زبانی نوشته شده باشد، مانند: «الله»، «خدا»، «God»؛
 - * نام پیامبر اکرم ﷺ امامان ائمه و حضرت زهرا (س) (بنابر احتیاط واجب).^۴
- ۲- در حرام بودن مس قرآن بدون طهارت بین این موارد تفاوتی نیست:
 - با دست باشد یا سایر اجزای بدن (به جز مو)؛
 - ابتدای به مس باشد یا ادامه آن، بنابر این اگر دست او بر خط قرآن بود و متوجه شد ولی دست را برنداشت مرتکب حرام شده است؛
 - خط آن معمول و متعارف باشد و یا متعارف نباشد؛ مثل خط کوفی؛
 - نوشته، با قلم باشد یا چاپ یا گچ یا غیر آن؛
 - نوشته برجسته باشد یا گود؛ مانند سنگ قبر؛
 - حرفی که خوانده می‌شود یا خوانده نمی‌شود مانند الف در «قالوا»؛
 - نوشته قرآنی در قرآن باشد یا در غیر قرآن، مثلاً آیه‌ای یا کلمه‌ای از قرآن در کتابی نوشته شده باشد. و یا حتی مثلاً نصف کلمه را بریده باشند؛
 - آن چه قرآن بر آن نوشته شده، کاغذ باشد یا چوب یا سنگ یا لباس یا دیوار و مانند آن؛
 - به طور عادی نوشته شده یا برعکس؛ مثل: **نیلای لیلی**؛

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی غایات الوضو، ص ۳۱.

۲- همان.

۳- توضیح المسائل، م ۳۱۷ و ۳۱۹.

- حروف عربی باشد یا غیر آن؛ مثلاً "ALLAH" یا "MOHAMMAD"؛
- کلمات قرآنی نیکو باشد؛ مانند مؤمن، صبر، یا کلمات ناپسند؛ مانند ابلیس، شیطان و کافر.^۱
- ۳- مَسّ در موارد زیر حرام نیست:
 - * مَسّ خطوط قرآن با موی بدن، گرچه احتیاط مستحب ترک آن است؛
 - * مَسّ از پشت شیشه یا پلاستیک، که در واقع مَسّ خطوط نیست؛
 - * مَسّ مابین حروف و فضای خالی درون حروف؛ مانند فضای «ح» «ن»؛
 - * مَسّ ورق قرآن و حواشی و بین سطور و جلد آن، گرچه مکروه است؛
 - * ترجمه قرآن به هر لغتی باشد. مگر اسم خداوند.^۲
- ۴- کلماتی که مشترک بین لغات قرآن و غیر آن است، اگر قصد نویسنده، کلمه قرآنی بوده است، مَسّ آن جایز نیست و اگر قصد او قرآن نبوده جایز است.^۳
- ۵- مَسّ آرم جمهوری اسلامی ایران (☪) بدون طهارت بنابر احتیاط واجب جایز نیست.^۴

کارهایی که مستحب است با وضو انجام داده شود:

- * نماز میّت؛
- * رفتن به مسجد و حرم امامان؛
- * خواندن قرآن؛
- * همراه داشتن قرآن؛
- * خوابیدن؛
- * رساندن جایی از بدن به جلد یا حاشیه قرآن؛
- * زیارت اهل قبور.^۵

۱- العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی غایات الوضوء، ص ۱۸۹ تا ۱۹۱، م ۳ تا ۱۲ و استفتائات، ج ۱، ص ۴۷، ۴۸.

۲- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۸۹ تا ۱۹۲، م ۱۱ تا ۱۷. ۳- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۹۰، م ۹.

۴- استفتائات، ج ۱، ص ۴۷، س ۸۰. ۵- توضیح المسائل، م ۳۲۲.

شکّیات وضو

- ۱- کسی که نمی‌داند وضو گرفته یا نه، باید وضو بگیرد.^۱
- ۲- کسی که نمی‌داند وضویش باطل شده یا نه، لازم نیست دوباره وضو بگیرد.^۲
- ۳- اگر انسان در بین نماز شک کند وضو گرفته یا نه، نمازش باطل است.^۳
- ۴- اگر پس از خواندن نماز، شک کند با وضو بوده یا نه، نماز خوانده شده صحیح است، ولی برای نمازهای بعدی باید وضو بگیرد.^۴
- ۵- اگر انسان پس از وضو شک کند، مانعی بر اعضای وضو بوده یا نه، به شک اعتنا نمی‌شود و وضو صحیح است.^۵
- ۶- اگر می‌داند چیزی بر اعضای وضو چسبیده ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کند یا آب را زیر آن برساند.^۶
- ۷- اگر پس از وضو چیزی که مانع رسیدن آب است در اعضای وضو ببیند و نداند هنگام وضو بوده یا بعد پیدا شده، وضوی او صحیح است، ولی اگر بداند که در وقت وضو گرفتن ملتفت آن مانع نبوده، احتیاط واجب است که دوباره وضو بگیرد.^۷
- ۸- کسی که در کارهای وضو و شرایط آن، مثل وجود داشتن مانعی بر اعضا، زیاد شک می‌کند، باید به شک خود اعتنا نکند.^۸

مبطلات وضو

آنچه وضو را باطل می‌کند عبارتند از:

- ۱- خارج شدن ادرار یا مدفوع؛
- ۲- خارج شدن باد معده و روده از مخرج غائط؛
- ۳- خواب، به حدّی که گوش نشنود و چشم نبیند؛ چرت زدن اگر در این حدّ نباشد وضو باطل نمی‌شود.

۴- چیزهایی که عقل را از بین می‌برد؛ مانند دیوانگی، مستی، بیهوشی.

۱- توضیح المسائل، م ۳۰۱.

۲- همان، م ۳۰۰.

۳- همان، م ۳۰۳.

۴- همان، م ۲۹۸.

۵- همان، م ۲۹۷.

۶- همان، م ۲۹۹.

۷- همان، م ۲۹۷.

۸- همان، م ۲۹۷.

۵- آنچه سبب غسل شود؛ مانند جنابت و مَس مِیت.

۶- استحاضه^۱ زنان.^۲

چند مسأله:

- ۱- اگر شخص برای غرضی؛ مثلاً خواندن قرآن، وضو بگیرد و پس از وضو از آن قصد بازگردد وضویش باطل نیست. پس می‌تواند با همان وضو نماز بخواند.^۳
- ۲- وضو گرفتن به نیت طهارت و با وضو بودن صحیح است و با همان وضو می‌تواند نماز بخواند یا هر کاری که نیاز به طهارت دارد انجام دهد.^۴
- ۳- با وضوی صحیح، خواه برای عمل واجب باشد یا عمل مستحب، هرگونه عمل واجب یا مستحب که مشروط به طهارت است می‌توان انجام داد.^۵
- ۴- وضو گرفتن قبل از وقت نماز به نیت نماز مانع ندارد؛ مثلاً قبل از ظهر برای آنکه با این وضو نماز ظهر بخواند وضو می‌گیرد.^۶

حکم کلی

تمام نمازها باید با طهارت خوانده شود به جز نماز مِیت.^۷

استفتا

س- از آنجا که در حال حاضر بیشتر روزنامه‌ها و مجلات کشور، مشتمل بر آیات قرآن است، معمولاً افراد پس از مطالعه، آنها را به جاهای هتک‌آمیز می‌اندازند، لذا تقاضا می‌کنیم دستور فرمایید که این نشریات از چاپ آیات قرآن و کلماتی که احترام آنها لازم است خودداری کنند و بهتر است در هنگام ضرورت سعی کنند آیات قرآن را نقل به معنا کنند نه اینکه عیناً چاپ نمایند.

ج- چاپ و نشر ممنوع نیست، ولی از انداختن در جاهایی که موجب هتک می‌شود باید خودداری کنند.^۸

۱- استحاضه زنان در برخی موارد وضو را باطل می‌کند و نیازی به غسل ندارد.

۲- توضیح المسائل، م ۳۲۳.

۳- استفتائات، ج ۱، ص ۴۵، س ۷۳.

۴- همان، ص ۴۶، س ۷۴ و ۷۸.

۵- همان، س ۷۶.

۶- تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی غایات الوضوء، ص ۳۱.

۷- استفتائات، ج ۱، ص ۱۱۴، س ۳۰۸.

برای مطالعه

برخی از مستحبات وضو

- ۱- مصرف آب بیش از یک مَدّ نباشد (یک مَدّ حدود ۷۵۰ گرم است).
- ۲- مسواک کردن دندان‌ها، هر چند با انگشت.
- ۳- اگر از ظرف، وضو می‌گیرد، آن را سمت راست خود قرار دهد.
- ۴- شستن دست‌ها قبل از شروع وضو.
- ۵- مضمضه (آب در دهان گرداندن).
- ۶- استنشاق (آب در بینی کردن و بیرون ریختن).
- ۷- گفتن «بسم الله» هنگامی که دست را در آب می‌برد یا آب را بر آن می‌ریزد و بهتر است بگوید «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اَللّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ».
- ۸- آب را در دست راست بریزد، هر چند برای شستن دست راست؛ بدین معنا که اول آب را در دست راست بریزد سپس در دست چپ و بعد بر دست راست بریزد.
- ۹- خواندن دعا‌های وضو.
- ۱۰- ریختن آب، قسمت بالای عضو.
- ۱۱- ریختن آب بر عضو نه فرو بردن عضو در آب.
- ۱۲- کشیدن دست بر اعضا، هر چند بدون کشیدن دست، شسته شود.
- ۱۳- انجام دادن تمام اعمال وضو با حضور قلب.
- ۱۴- خواندن سوره «قدر» هنگام وضو.
- ۱۵- خواندن «آیه الکرسی» پس از وضو.
- ۱۶- بازگذاشتن چشم‌ها هنگام شستن صورت.
- ۱۷- و نیز مستحب است برای شستن بار اول دست‌ها، مردان آب را بر قسمت بیرونی آرنج، و زنان بر قسمت داخلی، جایی که دست خم می‌شود بریزند.^۱

مکروهات وضو

- ۱- کمک گرفتن از دیگران در مقدمات قریبۀ وضو؛ مثل ریختن آب در دست وضوگیرنده.
- ۲- وضو گرفتن در محل استنجا، مثلاً در توالت.
- ۳- وضو گرفتن از ظرفی که طلاکوب یا نقره کوب است یا نقش صورت بر آن است.
- ۴- وضو گرفتن با این آب‌ها:
 - * آبی که در آفتاب گرم شده؛
 - * آبی که در انجام غسل واجب بکار رفته؛
 - * آب متعفن. (ولی اگر مضاف باشد وضو باطل است و اگر ضرر داشته باشد، جایز نیست)
 - * آب نیم‌خورده حیوان حرام‌گوشت.^۱

۴ پرسش

- ۱- چهار نمونه از اعمالی که وضو برای آنها شرط کمال است نام ببرید.
- ۲- مسّ ترجمۀ قرآن و اسم خداوند بدون وضو چه حکمی دارد؟
- ۳- شخصی که به میّت دست زده، وظیفه‌اش برای نماز چیست (وضو یا غسل)؟
- ۴- اگر چیزی بر اعضای وضوست که نمی‌داند مانع رسیدن آب به پوست بدن است یا نه، تکلیف چیست؟
- ۵- اگر انسان پس از وضو متوجه شود، مانعی در اعضای وضوست، وضویش چه حکمی دارد؟

۱- العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی مکروهات الوضوء، ص ۲۰۰ تا ۲۰۲.

درس ۹

غُسل (۱)

گاهی اوقات باید برای نماز (و هر کاری که نیاز به طهارت دارد) غسل کرد؛ یعنی برای اطاعت فرمان خداوند تمام بدن را شست، اکنون به بیان موارد غسل و چگونگی آن می پردازیم:

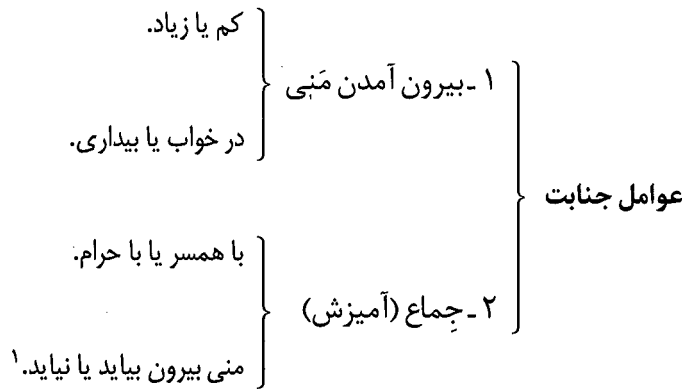


پس از تعریف و تقسیم غسل، به بیان مسایل هر یک از غسل های واجب می پردازیم:

۱ - تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الطهارة، فصل فی الاغسال، ص ۳۶، و القول فی الاغسال المندوبة، ص ۹۷.

غسل جنابت

۱ - چگونه انسان جنب می شود؟



۲ - اگر منی از جای خود حرکت کند، ولی بیرون نیاید سبب جنابت نمی شود.^۲

۳ - کسی که می داند منی از او خارج شده یا می داند آنچه بیرون آمده منی است، جنب است و باید غسل کند.^۳

۴ - نشانه های منی؛

* با شهوت بیرون آید؛

* با فشار و جستن بیرون آید.

* پس از بیرون آمدن، بدن سست شود.^۴

۵ - کسی که آبی از او خارج شده و نمی داند منی است یا نه، در صورتی که تمام این نشانه ها را داشته باشد جنب است و در غیر این صورت، حتی اگر یکی از نشانه ها را نداشته باشد، جنب نیست؛ به جز زن و مریض که وجود یک نشانه؛ یعنی بیرون آمدن منی از روی شهوت، کافی است ولی اگر بعداً متوجه شود جنب بوده، نمازهایی که با آن حال خوانده است باطل است.^۵

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی الاغسال، ص ۳۶، م ۱.

۲ - همان؛ العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی غسل الجنابة، ص ۲۷۸.

۳ - همان.

۴ - همان؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۷۸.

۵ - همان.

۶- بیرون آمدن منی از انسان یکی از نشانه‌های بلوغ است و دو نشانه دیگر آن عبارت است از:

(الف) روپیدن موی خشن بر عانه؛^۱

(ب) کامل شدن پانزده سال قمری برای پسران و نه سال قمری برای دختران.^۲

برای تحقق بلوغ، ظاهر شدن هر سه علامت ضرورت ندارد، بلکه با پدیدار شدن یکی از آنها، بلوغ حاصل می‌شود. پس اگر جوانی از خود منی ببیند، هرچند به سن بلوغ نرسیده باشد، بالغ است و باید به تکالیف شرعی عمل کند.^۳

۷- مستحب است انسان پس از بیرون آمدن منی بول کند و اگر بول نکند و پس از غسل رطوبتی از او خارج شود که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی را دارد.^۴

۸- زنان هم ممکن است مانند مردان در خواب محتمل شوند (هرچند به ندرت اتفاق می‌افتد) و در صورتی که یقین به خروج منی پیدا کردند غسل واجب می‌شود و در صورت شک غسل واجب نیست.^۵

۹- استمنا (خودارضایی)، حرام و از گناهان بزرگ است و در صورت بیرون آمدن منی، باید غسل کند.^۶

کارهایی که بر جنب حرام است

* رساندن جایی از بدن به خط قرآن، اسم خداوند و بنابر احتیاط واجب، اسامی پیامبران و ائمه علیهم‌السلام به همان تفصیلی که در درس ۸ گذشت؛

* رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هر چند از یک در وارد و از در دیگر خارج شود؛
* توقف در مساجد؛

* گذاشتن چیزی در مسجد، هر چند از بیرون مسجد باشد؛

□ * خواندن سوره‌هایی از قرآن که سجده واجب دارد، حتی یک حرف از آن؛^۷

* توقف در حرم امامان علیهم‌السلام (بنابر احتیاط واجب).^۸

۱- بالای عورت و پایین شکم.

۲- پانزده سال قمری معادل چهارده سال و شش ماه و نیم شمسی و نه سال قمری معادل هشت سال و هشت ماه و بیست و چهار روز شمسی است.

۳- تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الحجر، القول فی الصغر، ص ۱۳، م ۳ و استفتاآت، ج ۱، ص ۱۲۶، س ۱.

۴- توضیح المسائل، م ۳۴۸.

۵- استفتاآت، ج ۱، ص ۵۰، س ۹۰-۹۱.

۶- همان، ص ۵۱، س ۹۴-۹۵.

۸- تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی الاغسال، القول فی احکام الجنب، ص ۳۸-۳۹.

یک مسأله:

نمازخانه مؤسسات و ادارات حکم مسجد ندارد مگر آنکه به عنوان مسجد وقف شده باشد.^۱

سوره‌های سجده دار قرآن:^۲

- سوره ۳۲ = سجده، آیه ۱۵ ﴿إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ...﴾
- سوره ۴۱ = فُصِّلَتْ، آیه ۳۷ ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ...﴾
- سوره ۵۳ = نَجْم، آیه آخر ﴿فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا﴾
- سوره ۹۶ = عَلَق، آیه آخر ﴿كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾

۵ پرسش

- ۱- اگر پس از خواب مایعی بر لباس خود ببینند و ندانند جنب شده یا نه، تکلیف چیست؟
- ۲- در رابطه با قرآن چه کارهایی بر جنب حرام است؟
- ۳- رفتن جنب به حرم امامزادگان چه حکمی دارد؟
- ۴- آیا می‌توانید به جز آنچه در کتاب آمده، دو غسل مستحب دیگر از غسل‌های زمانی را نام ببرید؟
- ۵- احکام آیات سجده قرآن را برشمارید.

۱- العروة الوثقی - ج ۱ ص ۲۸۸، م ۳؛ استفتاآت، ج ۲، ص ۳۴۳.

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی غسل الجنابة، فیما یحرم علی الجنب، ص ۳۸ - ۳۹.

درس ۱۰

غُسل (۲)

کیفیت غسل

در غسل باید تمام بدن و سر و گردن شسته شود، خواه غسل واجب باشد؛ مانند جنابت؛ یا مستحب؛ مانند غسل جمعه.

- | | |
|---|------------------------------|
| <p>ابتدا سر و گردن را بشوید.
و سپس نیمه راست بدن.
و بعد از آن نیمه چپ بدن را.</p> | <p>۱- ترتیبی^۱</p> |
| <p>* با نیت غسل، یک باره زیر آب می رود، به طوری که تمام بدن در آب قرار گیرد.
* یا به تدریج زیر آب می رود، که در نهایت تمام بدن در آب قرار گیرد.
* یا زیر آب رفته و در آب به نیت غسل بدن را حرکت می دهد.</p> | <p>۲- اَرْتَمَاسِی</p> |
- چگونگی غُسل

احکام غسل

- ۱ - تمام شرط‌هایی که برای صحت وضو گفته شد، در صحت غسل هم شرط است، به جز موالات و از بالا به پایین شستن بدن.^۱
- ۲ - کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند به نیت همه آنها یک غسل بجا آورد.^۲
- ۳ - کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد، ولی با غسل‌های دیگر نمی‌تواند نماز بخواند و باید وضو هم بگیرد.^۳
- ۴ - در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد، ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست، و اگر هر قسمتی را پیش از غسل دادن همان قسمت تطهیر کند کافی است.^۴
- ۵ - غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است، ولی بنابر احتیاط واجب باید آن را ترتیبی بجا آورد.^۵
- ۶ - کسی که در حال روزه یا در احرام عمره یا حج است نمی‌تواند غسل ارتماسی انجام دهد، ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند صحیح است.^۶
- ۷ - در غسل لازم نیست تمام بدن با دست شسته شود و اگر با نیت غسل، آب به تمام بدن برسد کافی است.^۷
- ۸ - اگر در بین غسل، یکی از مبطلات وضو پیش آید غسل باطل نمی‌شود، ولی باید برای نماز وضو بگیرد، هرچند غسل جنابت باشد.^۸
- ۹ - وظیفه کسی که بعد از غسل بفهمد به قسمتی از بدن آب نرسیده است:
الف: اگر غسل ارتماسی بوده: باید دوباره غسل کند، چه جای آن را بداند یا نداند.
ب: اگر غسل ترتیبی بوده و:
۱ - جای آن را نمی‌داند: باید دوباره غسل کند.

۱ - توضیح المسائل، م ۳۸۰. ۲ - همان، م ۳۸۹.

۳ - همان، م ۳۹۱. به فتوای برخی از مراجع تقلید، با سایر غسل‌های واجب، بلکه برخی از غسل‌های مستحب نیز می‌توان بدون وضو نماز خواند.

۴ - همان، م ۳۷۲. به فتوای برخی از فقهاء، پاک بودن بدن قبل از غسل لازم نیست، بلکه اگر با فرو رفتن در آب یا آب ریختن بر بدن به قصد غسل، بدن پاک شود، غسل صحیح است.

۵ - همان، م ۳۳۹. به فتوای برخی از فقهاء، غسل جبیره‌ای ارتماسی نیز صحیح است.

۶ - همان، م ۳۷۱. ۷ - استفتائات، ج ۱، ص ۵۶، س ۱۱۷.

۸ - توضیح المسائل، م ۳۸۶. به فتوای برخی از فقهاء، باید غسل را از سر بگیرد.

۲- واگر جای آن را می‌داند:

- * در طرف چپ است: شستن همان مقداری که شسته نشده کافی است.
- * در طرف راست است: باید آن مقدار را شسته سپس طرف چپ را بشوید.
- * در سر و گردن است: باید آن مقدار را شسته و سپس طرف راست و چپ بدن را بشوید.^۱

غسل مَسِّ مِیّت

- ۱- اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده‌ای که سرد شده و غسلش نداده‌اند برساند، باید غسل مَسِّ مِیّت کند.^۲
- ۲- در این موارد مَسِّ بدن مرده سبب غسل نیست:
 - رزمنده‌ای که در میدان نبرد به شهادت رسیده است، در صورتی که در میدان جان دهد.
 - مرده‌ای که بدنش گرم است و هنوز سرد نشده است.
 - مرده‌ای که غسلش داده‌اند.^۳
- ۳- اگر چند مِیّت را مَسِّ کند یا یک مِیّت را چند بار مَسِّ کند، یک غسل کافی است.^۴
- ۴- برای کسی که بعد از مَسِّ مِیّت غسل نکرده است، توقف در مسجد و خواندن سوره‌هایی که سجده واجب دارد مانعی ندارد ولی برای نماز و مانند آن باید غسل کند و وضو بگیرد.^۵

غسل مِیّت

یکی دیگر از غسل‌های واجب غسل مِیّت است که احکام آن در درس ۶۷ (احکام اموات) خواهد آمد.

۱- توضیح المسائل، م ۳۶۹ و ۳۶۴ و ۳۶۵.

۲- همان، م ۵۲۱.

۳- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۳؛ توضیح المسائل، م ۵۲۲ و ۵۲۶ و استفتائات، ص ۱۷۹.

۴- توضیح المسائل، م ۵۳۱.

۵- همان، م ۵۳۲. به فتوای برخی از فقها، با غسل مَسِّ مِیّت بدون وضو می‌توان نماز خواند.

برای مطالعه

غسل‌های مستحب

غسل‌های مستحب بسیار است، در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود. گفته شد که غسل‌های مستحب به سه دسته زمانی، مکانی و فعلی تقسیم می‌شود:

غسل‌های زمانی

- ۱- غسل جمعه که از مستحبات مؤکد است و وقت آن از اذان صبح روز جمعه تا ظهر است و اگر تا ظهر انجام نداد تا غروب روز جمعه و در روز شنبه تا غروب به نیت قضا بجا آورد و احتیاط آن است که از ظهر روز جمعه تا غروب و از اول روز شنبه تا آخر به قصد قربت مطلق - نه ادا و نه قضا - بجا آورد.
- ۲- غسل‌هایی که در شب‌های ماه رمضان وارد شده است.
- ۳- غسل روز عید فطر و قربان.
- ۴- غسل روزهای هشتم و نهم ذی حجه.
- ۵- غسل روزهای اول، وسط و آخر ماه رجب.
- ۶- غسل روز عید غدیر (۱۸ ذی حجه).
- ۷- غسل روز مبعث (۲۷ رجب).
- ۸- غسل شب نیمه شعبان.
- ۹- غسل روز میلاد پیامبر (۱۷ ربیع‌الاول).
- ۱۰- غسل روز اول فروردین.

غسل‌های مکانی

- ۱- غسل ورود به حرم مکه.^۱
- ۲- غسل ورود به شهر مکه.
- ۳- غسل رفتن به مسجد الحرام.
- ۴- غسل رفتن به مدینه منوره.
- ۵- غسل رفتن به مسجد النبی ﷺ.

۱- شهر مکه و قسمتی از اطراف آن، تا حدودی که مشخص شده، منطقه حرم است که دارای احترام و احکام خاصی است.

غسل های فعلی

- ۱- غسل احرام عمره یا حج.
- ۲- غسل طواف.
- ۳- غسل زیارت.
- ۴- غسل وقوف به عرفات.
- ۵- غسل سفر، به خصوص برای زیارت اباعبدالله الحسین (علیه السلام).
- ۶- برای خواندن نماز استسقا (طلب باران).
- ۷- برای مس میت پس از غسل دادن آن.
- ۸- کسی که برای خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی نماز آیات را عمداً نخوانده، در صورتی که تمام آن گرفته باشد.^۱

۹ پرسش

- ۱- وجه افتراق و اشتراک غسل ترتیبی و ارتماسی چیست؟
- ۲- در غسل، آیا می توانیم سر و گردن را بشوییم و سپس تمام بدن را به نیت غسل زیر آب فرو ببریم.
- ۳- غسل جبیره ای چگونه انجام می شود؟
- ۴- شرایط صحت غسل را برشمارید؟
- ۵- اگر در بین غسل جنابت ادرار کند، غسلش چه حکمی دارد و وظیفه اش نسبت به نماز چیست؟
- ۶- اگر پس از غسل متوجه شود، مقداری از طرف راست بدن خشک مانده، تکلیف چیست؟
- ۷- اگر در بین غسل شک کند چیزی مانع رسیدن آب به بدن می شود، تکلیف چیست؟
- ۸- آیا می دانید چرا روزه دار و مُحرم نباید غسل ارتماسی انجام دهند؟

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی الاغسال المندوبه، ص ۹۷.

درس ۱۱

تیمم

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ...﴾

«اگر بیمار، یا در سفر باشید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنان نزدیکی کردید و آبی نیافتید، پس با خاک پاک تیمم کنید و از آن به صورت و دست هایتان بکشید...» (سوره مائده، آیه ۶)

موارد تیمم

در این موارد باید به جای وضو و غسل تیمم کرد:

- ۱- آب نباشد و یا دسترسی به آن نداشته باشد.
- ۲- آب برای انسان ضرر داشته باشد (مثلاً؛ به سبب استفاده از آب، مرضی در او پیدا می شود).
- ۳- اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، بیم آن می رود که خود یا همسر یا فرزندان یا رفیق، یا کسانی که به وی مربوطند، از تشنگی بمیرند یا مریض شوند یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد و همچنین کسی که حفظ جان او واجب است طوری تشنه باشد که اگر آب را به او ندهند تلف می شود.
- ۴- بدن یا لباس او نجس است و آب بیش از تطهیر آن ندارد، و لباس دیگری هم ندارد.
- ۵- وقت برای وضو گرفتن یا غسل کردن ندارد به طوری که اگر وضو بگیرد یا غسل کند، تمام

نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود.^۱

مقدار جستجو برای پیدا کردن آب:

الف) در آبادی: تا وقتی که از پیدا شدن آب نا امید شود.

ب) در بیابان:

* اگر زمین آن پست و بلند است یا به واسطه درخت و مانند آن عبور در آن مشکل است، باید از هر طرف به اندازه پرتاب یک تیر کمان که تقریباً دویست گام است به دنبال آب برود.

* اگر زمین آن پست و بلند نیست و عبور مشکل نمی باشد، باید در هر طرف به اندازه پرتاب دو تیر به دنبال آب برود.^۲

چند مسأله:

۱- در هر طرفی که یقین دارد آب نیست، در آن طرف جستجو لازم نیست.^۳

۲- برای تیمم لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد، بلکه اگر احتمال ضرر بدهد، و احتمال او در نظر مردم بجا باشد، و از آن احتمال ترس برای او پیدا شود، باید تیمم کند.^۴

۳- کسی که مبتلا به درد چشم است و آب برای او ضرر دارد، باید تیمم کند.^۵

۴- اگر عمداً نماز را به قدری تأخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد، معصیت کرده ولی نماز او با تیمم صحیح است، گرچه احتیاط مستحب است قضای آن نماز را بخواند.^۶

□ ۵- کسی که شک دارد اگر وضو بگیرد یا غسل کند وقت برای نماز او می ماند یا نه، باید تیمم کند.^۷

۶- اگر انسان به قدری وقت دارد که می تواند وضو بگیرد یا غسل کند و نماز را بدون کارهای مستحبی آن؛ مثل اقامه و قنوت بخواند، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون کارهای مستحبی آن بجا آورد، بلکه اگر به اندازه سوره هم وقت ندارد باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون سوره بخواند.^۸

۱- توضیح المسائل، تیمم.

۲- همان، م ۶۴۸.

۳- همان، م ۶۵۰.

۴- همان، م ۶۷۰.

۵- همان، م ۶۷۱.

۶- همان، م ۶۷۹.

۷- همان، م ۶۸۰ به فتوای برخی از فقها، باید وضو بگیرد یا غسل کند.

۸- همان، م ۶۸۳.

استفتا

س - اگر در جایی انسان، مانند منزل خود جنب شود و به عللی، مثل دور بودن حمام یا خجالت کشیدن یا... در حال جنابت بماند تکلیف چیست و همینطور در کوه و بیابان که به موقع دسترسی به آب ندارد؟

ج - عذرهای ذکر شده، مجوز تیمم نیست و باید غسل کند، ولی اگر غسل کردن به واسطه نبودن آب یا دور بودن آب و دسترسی نداشتن به آن میسر نبود، باید برای نماز تیمم کند.^۱

کیفیت تیمم

برای تیمم، کارهای زیر به ترتیب انجام داده می‌شود:

- زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است.
 - کشیدن کف هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی و بنابر احتیاط واجب باید دست‌ها روی ابروها هم کشیده شود.
 - کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست.
 - کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ.
- تمام کارهای تیمم باید با قصد تیمم و برای اطاعت از دستور الهی انجام شود و نیز باید معلوم کند که تیمم به جای وضو است یا غسل و چه غسلی.^۲

چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است:

* خاک

* ریگ

- * اقسام سنگ‌ها؛ مانند سنگ سیاه، سنگ مرمر، سنگ گچ و سنگ آهک (پیش از پخته شدن) ولی تیمم بر جواهر، مانند عقیق و فیروزه باطل است.
- * گل پخته؛ مانند آجر و کوزه.^۳

۲ - توضیح المسائل، م ۷۰۰.

۱ - استفتائات، ج ۱، ص ۹۲، س ۲۳۶.

۳ - همان، م ۶۸۴ و ۶۸۵؛ العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی بیان ما یصح التیمم به، ص ۴۸۵. به فتوای برخی از فقها، تیمم بر سنگ گچ و سنگ آهک و گل پخته صحیح نیست و بعضی دیگر تیمم بر گچ و آهک را نیز صحیح می‌دانند.

چند مسأله:

- ۱- تیممی که به جای وضو است با تیممی که به جای غسل است، تفاوتی ندارد مگر در نیت.^۱
- ۲- کسی که به جای وضو تیمم کرده است؛ اگر یکی از چیزهایی که وضو را باطل می‌کند از او سر بزند تیممش باطل می‌شود.^۲
- ۳- کسی که به جای غسل تیمم کرده است، هرگاه یکی از موجبات غسل، مثل جنابت یا مس میت پیش آید تیممش باطل می‌شود.^۳
- ۴- تیمم در صورتی صحیح است که انسان نتواند وضو بگیرد، یا غسل کند، بنابر این اگر بدون عذر تیمم کند صحیح نیست و اگر عذر داشته باشد و برطرف شود؛ مثلاً آب نداشته و آب پیدا کند، تیمم او باطل می‌شود.^۴
- ۵- اگر به جای غسل جنابت تیمم کند، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد، ولی اگر به جای غسل‌های دیگر تیمم کند، با آن تیمم نمی‌تواند نماز بخواند و باید برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم دیگری به جای وضو انجام دهد.^۵
- ۶- اگر بدل از غسل، تیمم کند و بعد کاری که وضو را باطل می‌کند برای او پیش آید، چنانچه برای نماز‌های بعد نتواند غسل کند باید وضو بگیرد و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد، باید بدل از وضو تیمم نماید.^۶

شرایط صحّت تیمم

- * اعضای تیمم یعنی پیشانی و دست‌ها پاک باشد.
- * پیشانی و پشت دست‌ها را از بالا به پایین مسح کند.
- * چیزی که بر آن تیمم می‌کند پاک و مباح باشد.
- * ترتیب را رعایت کند.
- * موالات را رعایت کند.

۱- توضیح المسائل، م ۷۰۱. به نظر بعضی از مراجع تقلید، در تیمم بدل از غسل، باید دو بار دست بر زمین زده شود، یک بار برای کشیدن بر پیشانی و یک بار دیگر برای دست‌ها.

۲- همان، م ۷۲۰.

۳- همان، م ۷۲۰.

۴- همان، م ۷۲۲.

۵- همان، م ۷۲۳. به نظر برخی از فقهاء، تیمم بدل از وضو در این صورت، واجب نیست بلکه احتیاط مستحب است.

۶- همان، م ۷۲۴. به فتوای برخی از فقهاء، اگر برای نماز‌های بعد نتواند غسل کند باید بدل از غسل تیمم کند و احتیاط مستحب است وضو هم بگیرد.

* چیزی بین دست و پیشانی و دست و پشت دست، به هنگام مسح، فاصله نباشد.^۱

احکام تیمم

۱- اگر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ پیدا نشود، باید به گرد و غباری که روی فرش و لباس و مانند اینهاست تیمم کند.^۲

۲- اگر با خاک و ریگ چیز دیگری؛ مثلاً کاه، که تیمم بر آن باطل است، مخلوط باشد نمی‌تواند بر آن تیمم کند، ولی اگر آن چیز به قدری کم باشد که در خاک یا ریگ از بین رفته حساب شود، اشکال ندارد.^۳

۳- برای آنکه یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده، باید مقداری بالاتر از مچ را هم مسح کند، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.^۴

۴- پیشانی و پشت دست‌ها را باید از بالا به پایین مسح کند و کارهای آن را نیز پشت سر هم انجام دهد و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد، که نگویند تیمم می‌کند، باطل است.^۵

۵- انسان باید برای تیمم، انگشت را از دست بیرون آورد و مانعی اگر بر پیشانی یا دست‌ها باشد برطرف کند.^۶

۶- اگر پیشانی و پشت دست‌ها، مو داشته باشد اشکال ندارد، ولی اگر موی سر، روی پیشانی آمده باشد، باید آن را عقب بزنند.^۷

□ ۷- کسی که وظیفه‌اش تیمم است، اگر بداند تا آخر وقت عذر او برطرف می‌شود، باید صبر کند و با وضو یا غسل نماز بخواند، ولی اگر بداند که تا آخر وقت عذرش باقی می‌ماند، می‌تواند در وسعت وقت هم با تیمم نماز بخواند.^۸

□ ۸- کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند، می‌تواند نمازهای قضای خود را با تیمم بخواند. هر چند احتمال بدهد به زودی عذر او برطرف می‌شود، ولی در صورتی که بداند عذرش برطرف می‌شود باید تا پیش از تنگ شدن وقت منتظر بماند.^۹

۱- العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیت التیمم، ص ۴۹۵؛ توضیح المسائل، م ۶۹۲ - ۶۹۴ تا ۷۰۶.

۲- توضیح المسائل، م ۶۸۶.

۳- همان، م ۶۸۹.

۴- همان، م ۷۰۳.

۵- همان، م ۷۰۴.

۶- همان، م ۷۰۷.

۷- همان، م ۷۰۹.

۸- همان، م ۷۱۵. به فتوای برخی از فقها، حتی اگر امید داشته باشد تا آخر وقت عذرش برطرف می‌شود، باید صبر کند.

۹- همان، م ۷۱۶. به فتوای برخی از فقها، اگر احتمال بدهد عذر او به زودی برطرف می‌شود، نماز قضا خواندن او اشکال دارد. به نظر بعضی از مراجع تقلید، چنانچه عذر او برطرف شده، باید دوباره آن نمازها را با وضو یا غسل بجا آورد.

۹- کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند، جایز است نمازهای مستحب را که وقت معین دارد، مثل نافله های شبانه روز را با تیمم بخواند.^۱

تیمم کسی که دستش قطع شده

۱- کسی که یک دستش قطع شده، برای تیمم باید دست دیگر را بر زمین بزند و بر پیشانی بکشد و پس از آن پشت دست را بر زمین بکشد. چنانچه با یک بار کشیدن دست بر پیشانی تمام آن مسح نشد، دو بار دست را بر پیشانی بکشد.^۲

۲- کسی که دو دستش قطع شده، برای تیمم باید پیشانی را بر چیزی که تیمم صحیح است بکشد و چنانچه با یک بار تمام پیشانی مسح نشد تکرار می کند و اگر خودش نتواند تیمم کند، نایب می گیرد.^۳

احکام کلی

- ۱- تمام کارهایی که با وضو صحیح است، با تیمم بدل از وضو هم صحیح است.^۴
- ۲- کسی که بدل از غسل تیمم کرده، تا زمانی که تیمم و عذر او باقی است، مانند کسی است که غسل کرده است.^۵
- ۳- تمام مبطلات وضو، تیمم بدل از وضو را باطل می کند و تمام موجبات غسل، تیمم بدل از غسل را باطل می کند.^۶

۹ پرسش

- ۱- در چه صورتی، در تنگی وقت، باید به جای وضو یا غسل، تیمم کرد؟
- ۲- تیمم بر موزاییک، بتون، خشت، کاشی و کوزه چه حکمی دارد؟
- ۳- در چه صورتی جستجو برای پیدا کردن آب واجب نیست؟
- ۴- کدام یک از شرایط وضو، شرط صحت تیمم نیز هست؟
- ۵- آیا جنب می تواند با تیمم بدل از غسل به مسجد برود؟

۱- توضیح المسائل، م ۷۱۷. به فتوای برخی از مراجع تقلید، اگر احتمال دهد تا پیش از گذشتن وقت عذرش برطرف می شود

۲- باید صبر کند.

۳- استفتائات، ج ۱، ص ۹۴.

۴- توضیح المسائل، م ۷۲۶.

۵- همان.

۶- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۱۲، م ۵.

۷- استفتائات، ج ۱، ص ۹۷، س ۲۵۱.

درس ۱۲

طهارت (۲)

از جمله مسائلی که دین اسلام به آن اهمیت فوق العاده‌ای داده و مقررات ویژه‌ای برای آن دارد، مسئله طهارت و پاکیزگی بدن و محیط زندگی است. تا آنجا که یکی از شرایط قبولی برخی عبادات از جمله نماز و طواف، پاکی بدن و لباس است، و بخش عمده‌ای از احکام شرعی نیز به این امر اختصاص یافته است.

در درس پنجم گفته شد، افزون بر طهارت روح و باطن که با انجام وضو، غسل یا تیمم حاصل می‌شود، بدن و لباس نمازگزار باید از نجاسات پاک باشد. لباس نمازگزار، علاوه بر طهارت، شرایط دیگری نیز دارد که در بحث «لباس نمازگزار» خواهد آمد.

«طهارت» غیر از «نظافت» و «نجاست» غیر از «کثافت» است. ممکن است چیزی تمیز باشد ولی از نظر احکام اسلام پاک نباشد، خواسته اسلام، هم طهارت است و هم نظافت؛ یعنی انسان باید به فکر پاکی و تمیزی خود و محیط و زندگی‌اش باشد و اکنون سخن درباره طهارت است: برای پاکی از نجاسات، شناخت آنها و راه پاک کردن اشیای نجس نیز لازم است.^۱

۱ - پاک بودن بدن و لباس، اختصاص به نماز ندارد و در مواردی دیگر از جمله در حال احرام و طواف نیز لازم است و این بحث در ابواب دیگر فقهی نیز به تناسب مطرح خواهد شد.

{ انسان و حیوان های حرام گوشت خون جهنده دار ^۱ مانند گربه و موش.	{ ۱- ادرار (بول) ۲- مدفوع (غایط)	} نجاسات ^۲	
{ انسان و حیوانی که خون جهنده دارد؛ مانند گوسفند.	{ ۳- منی ۴- مردار ۵- خون		
	←		
	{ که در خشکی زندگی می کند، ولی دریایی آن نجس نیست.		{ ۶- سگ ۷- خوک
←			
۸- شراب و هر مایع مست کننده			
۹- آبجو (فُقَاع) - آبجوی غیر طبی			
۱۰- کافر			
۱۱- عرق شتر نجاست خوار			

احکام نجاسات

- ۱- ادرار و مدفوع انسان و تمامی حیوان های حرام گوشت که خون جهنده دارند، مثل گربه و روباه نجس است.
- ۲- ادرار و مدفوع حیوان های حلال گوشت، مانند گاو و گوسفند و حیوان هایی که خون جهنده ندارند، مانند: مار و ماهی پاک است.^۳
- ۳- بول و غایط حیوان هایی که گوشت آنها مکروه است پاک می باشد؛ مانند اسب و الاغ.^۴
- ۴- بول و غایط حیوانی - مثلاً پرندۀ ای - که معلوم نیست حلال گوشت است یا حرام گوشت، پاک است.^۵
- ۵- فضلۀ پرندگان حرام گوشت؛ مانند کلاغ نجس است.^۶
- ۶- فضلۀ ای که معلوم نیست از حیوان دارای خون جهنده است، یا از غیر آن؛ مثلاً معلوم نباشد از موش است یا سوسک، پاک است.^۷

۱ - حیوانی که اگر رگ آنرا بپزند خون از آن جستن می کند خون جهنده دارد.

۲ - توضیح المسائل، م ۸۳.

۳ - العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۵.

۴ - العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۵.

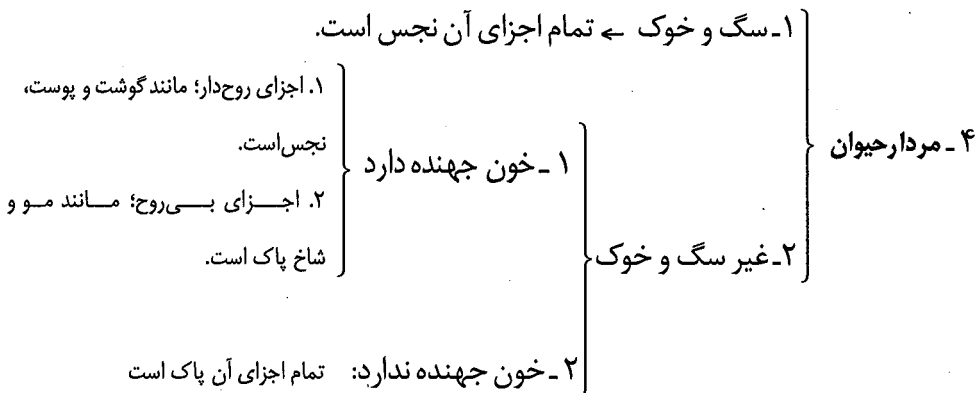
۵ - العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۷، م ۳.

۶ - توضیح المسائل، م ۸۵. به فتوای عده ای از مراجع تقلید، فضلۀ پرندگان نجس نیست.

۷ - همان.

مردار

- ۱- انسان مرده هر چند تازه از دنیا رفته باشد و بدنش سرد نشده باشد (به جز اجزای بی روح او؛ مانند ناخن و مو و دندان) تمام بدنش نجس است، مگر آنکه:
 - الف) شهید در میدان جنگ (معرکه).
 - ب) او را غسل داده باشند (سه غسلش تمام شده باشد).
- ۲- کسانی که در بمب‌گذاری‌ها یا ترور دشمنان به شهادت می‌رسند یا افرادی که در جبهه نبرد مجروح می‌شوند و بیرون معرکه جان می‌دهند، مشمول این حکم نیستند.^۲
- ۳- معرکه، محدوده تیررس دشمن است، تا آنجایی که درگیری بین نیروهای دو طرف جریان دارد و اختصاص به خط مقدم یا هنگام پیش روی ندارد.^۳



- ۵- اجزایی که در حال حیات (قبل از مردن) از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد جدا می‌شود، در حکم طهارت و نجاست با اجزای مردار تفاوتی ندارد؛ یعنی اگر جزء بی‌روح باشد پاک است و اگر روح‌دار باشد نجس است.^۴

احکام اشیای چرمی

- ۱- اشیایی که از اجزای بی‌روح حیوان - غیر از سگ - تهیه شده پاک است، هر چند ذبح شرعی نشده باشد، بنابر این لباس‌های پشمی، کرکی، مویی، پاک است، هر چند غیرمسلمان آن

۱- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۸، الرابع و ص ۶۱ م ۱۲. ۲- استفتائات، ج ۱، ص ۸۳، س ۲۰۶.

۳- همان، ج ۱، ص ۵۰۴، س ۴۲. ۴- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۲ فصل فی النجاسات، الرابع و م ۱.

را ساخته باشد، یا در بازار غیر مسلمین به فروش می‌رسد، ولی اگر از مردار یا حیوان حرام گوشت باشد، نماز خواندن با آن لباس باطل است.^۱

۲- اشیایی که از اجزای روحدار مردار حیوان دارای خون جهنده تهیه شده باشد نجس است، مانند چیزهایی که از چرم تهیه می‌شود؛ مثل کفش، کیف، کلاه، کمر بند، کاپشن، دستکش و بند ساعت.^۲

۳- چیزی که معلوم نیست چرم است یا نه محکوم به طهارت است.^۳

۴- چیزی که چرم بودن آن معلوم است، ولی از حیوان دارای خون جهنده بودن آن معلوم نیست، محکوم به طهارت است؛ مانند کمربندی که معلوم نیست از پوست مار است یا غیر آن.^۴

۵- چیزی که از چرم حیوان دارای خون جهنده تهیه شده، مانند کفشی که معلوم است از چرم گاو ساخته‌اند، ولی معلوم نیست به طریق شرعی ذبح شده یا نه، احکام آن، اقسام مختلفی دارد، بدین شرح:

- ساخت کشور اسلامی است: پاک است.
- ساخت کشور غیر اسلامی است؛ مثلاً در بازار کویت کفشی می‌خرد که ساخت ایتالیا است: نجس است، مگر آنکه معلوم شود ذبح شرعی شده و واردکننده مسلمان، با احراز این که ذبح شرعی شده وارد کرده است.
- معلوم نیست از چه کشوری است: پاک است.

۱- از مسلمان خریداری شده

- ساخت کشور اسلامی است؛ مثلاً در لندن کفشی می‌خرد که ساخت سوریه است: پاک است.
- ساخت کشور غیر اسلامی است: نجس است.
- معلوم نیست از چه کشوری است: نجس است.^۵

۲- از غیر مسلمان خریداری شده

۲- همان.

۱- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۸.

۴- همان.

۳- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۲.

۵- العروة الوثقی، ج ۱، کتاب الصلاة، فی شرائط لباس المصلی، ص ۵۵۸، م ۹، و ص ۵۵۹، م ۱۰، و فی النجاسات ص ۶۰ م ۶ و ۷.

فرآورده‌های لبنی

فرآورده‌های لبنی که از حیوان حلال گوشت زنده گرفته می‌شود؛ مانند شیر، ماست، پنیر، کشک، کره و خامه که از گاو و گوسفند است، پاک و خوردن آنها حلال است، هرچند غیر مسلمان آن را تهیه کرده باشد، یا در بازار غیر اسلامی به فروش برسد و یا از کشورهای غیر اسلامی آورده باشند، مگر آنکه انسان یقین کند نجس شده است و شک و احتمال نجاست تأثیر ندارد و نیاز به تحقیق و جستجو نیست.^۱

دو حکم کلی

- ۱ - همه چیز در عالم پاک است، مگر یازده چیز و هر آنچه با اینها برخوردی مؤثر داشته باشد.^۲
- ۲ - هر چیز نجس حرام است، ولی هر حرامی نجس نیست.^۳

۶ پرسش

- ۱ - ادرار و مدفوع و خون چه حیواناتی نجس است؟
- ۲ - مردار این حیوانات چه حکمی دارد: مرغ، مرغابی، موش، میش، مار، ماهی، سوسک، مارمولک؟
- ۳ - کیف و کفش و کلاهی که ساخت کشورهای غیر اسلامی است ولی در کشور اسلامی به فروش می‌رسد، پاک است یا نجس؟
- ۴ - آیا از پشم گوسفند مرده می‌توان استفاده کرد؟
- ۵ - اگر بدن انسان خراش بردارد و قسمتی از پوست آن کنده شود، آیا پوست جدا شده پاک است؟

۱ - برای آشنایی بیشتر به درس ۶۰ مراجعه کنید. ۲ - تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۱۴، م ۱ و ص ۱۲۱.

۳ - همان، ج ۲، ص ۱۶۳.

درس ۱۳

نجاسات

خون

- ۱- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد نجس است؛ مانند مرغ و گوسفند.
- ۲- خون حیوانی که خون جهنده ندارد، پاک است؛ مانند ماهی و پشه.
- ۳- خونی که گاهی در تخم مرغ دیده می شود نجس نیست، ولی بنابر احتیاط واجب باید از خوردن آن اجتناب کرد و اگر خون را با زرده تخم مرغ به هم بزنند که از بین برود، خوردن زرده هم مانعی ندارد.
- ۴- خون لخته، اگر با آب دهان مخلوط شده و از بین برود پاک است و در آن صورت فرو بردن آب دهان هم اشکال ندارد.
- ۵- خونی که به واسطه کوبیده شدن زیر ناخن یا زیر پوست می میرد، اگر به گونه ای عوض شود که به آن خون نگویند (استحاله شود) پاک است و اگر هنوز به آن خون گفته می شود، نجس است. تا زمانی که زیر ناخن یا پوست است و راهی به بیرون ندارد، بیرون آوردن لازم نیست و برای وضو و غسل هم اشکال ندارد.^۱

در موارد زیر حکم به طهارت می شود:

- ۱- شیء قرمز رنگی که معلوم نباشد خون است یا نه.^۲
- ۲- خونی که معلوم نباشد از حیوان دارای خون جهنده است یا نه؟ مثل اینکه خونی در لباس

۱- توضیح المسائل، م ۹۶ و ۹۸ تا ۱۰۱. به نظر برخی از مراجع تقلید، خون در تخم مرغ نجس است.

۲- العروة الوثقی، ج ۱، فی النجاسات، ص ۶۴ م ۷.

خود می بیند و نمی داند خون پشه است یا بدن خودش.^۱

۳- خون حیوانی که معلوم نیست آن حیوان دارای خون جهنده است یا نه.^۲

۴- زردابه‌ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می‌شود، اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط است، پاک می‌باشد.^۳

شراب

۱- شراب و هر مایع مست‌کننده (که در اصل مایع است) گرچه به شکل جامد درآید نجس است.^۴

۲- شیء جامد مست‌کننده؛ مانند بنگ و حشیش نجس نیست، هرچند آن را ساییده و با آب مخلوط کنند و به صورت مایع درآورند.^۵

□ ۳- آب انگور جوش آمده اگر مست‌کننده باشد، نجس است و اگر مست‌کننده نباشد، گرچه خوردن آن حرام است ولی نجس نیست.^۶

□ ۴- خرما و کشمش را اگر همراه غذا (مثل برنج) بپزند حرام نیست، هرچند به جوش آید.^۷

استفتا

س - آیا الکل صنعتی که در انواع اودکلن و عطرها و برخی رنگ‌ها و داروها و امثال آن به کار می‌رود پاک است یا خیر؟

ج - الکل صنعتی پاک است، مگر آنکه یقین به نجاست آن پیدا شود.^۸

کافر

این افراد کافر و نجس هستند:

● منکر خدا (کسی که وجود خداوند را انکار کند).

۱- العروة الوثقی، ج ۱، فی النجاسات، ص ۶۴ م ۷. ۲- همان.

۳- توضیح المسائل، م ۱۰۴. ۴- همان، م ۱۱۱.

۵- همان.

۶- همان، ص ۶۹ م ۱. برخی از مراجع تقلید، آن را نجس دانسته‌اند.

۷- همان، ص ۷۰، م ۳. به فتوای برخی از مراجع تقلید نجس و حرام است.

۸- استفتاءات، ج ۱، ص ۱۰۰، س ۲۶۱.

- منکر توحید (کسی که برای خدا شریک قرار دهد).
- منکر پیامبری حضرت محمد ﷺ، (کسی که نبوت پیامبر اکرم ﷺ را انکار کند).
- منکر ضروری دین؛^۱ در صورتی که بداند آن چیز ضروری دین است و انکار آن به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر ﷺ یا نقص دین بازگردد.
- کسی که به ائمه اطهار علیهم السلام دشنام دهد یا با آنها دشمنی ورزد، هرچند با یکی از آنها باشد.^۲

چند مسأله:

- ۱ - تمام بدن کافر، حتی مو و ناخن و رطوبت‌های او نجس است.^۳
- ۲ - طفلی که از زنا به دنیا آمده، اگر پدر یا مادر او یا هر دو مسلمان باشند پاک است.^۴
- ۳ - مسلمانان غیر شیعه و شیعیان غیر دوازده امامی، اگر دشمن ائمه علیهم السلام نباشند و به آنها دشنام ندهند نجس نیستند.^۵
- ۴ - کسی که معلوم نیست مسلمان است یا نه، پاک است ولی احکام دیگر مسلمانان را ندارد، مثلاً نمی‌تواند با زن مسلمان ازدواج کند و نباید در قبرستان مسلمانان دفن شود.^۶

چگونه چیز پاک نجس می‌شود؟

- ۱ - در درس پیش گفته شد که در عالم، همه چیز پاک است، مگر برخی از آنها، ولی چیزهای پاک هم ممکن است نجس شود، البته در صورتی که به چیز نجس برخورد کند و یکی از آن دو (چیز پاک یا نجس) طوری تر باشد که رطوبت یکی از آن دو به دیگری برسد.^۷
- ۲ - چیزی که نجس شده (مُتَنَجِّس) نیز نجس‌کننده است ولی واسطه چهارم هرچند خودش نجس است اما نجس‌کننده نیست؛ مثلاً اگر دست انسان به لباس نجس برخورد کند و سپس به دستگیره در بگذارد و خشک شود و دیگری دست خیس به دستگیره بگذارد هرچند دست او نجس می‌شود ولی چون دست او واسطه چهارم است نجس‌کننده چیزهای دیگر نخواهد بود.^۸

۱ - ضروری دین، یعنی چیزی که مسلمانان جزء دین اسلام می‌دانند مانند نماز و روزه.

۲ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۱۸، العاشر. ۳ - توضیح المسائل، م ۱۰۷.

۴ - العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۸ م ۱.

۵ - همان، ص ۶۹ م ۳؛ تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی النجاسات، ص ۱۱۹، م ۱۲.

۶ - توضیح المسائل، م ۱۰۹. ۷ - همان، م ۱۲۵.

۸ - تحریر الوسیله، ج ۱، فی کیفیة التنجس، ص ۱۲۳، م ۹. به فتوای برخی از فقها، واسطه سوم نجس‌کننده نیست.

در موارد زیر حکم به پاکی می‌شود:

- * معلوم نباشد پاک و نجس به هم برخورد کرده‌اند یا نه.
- * معلوم نباشد چیز پاک و نجس مرطوب بوده‌اند یا نه.
- * معلوم نباشد رطوبت یکی به دیگری سرایت کرده است یا نه.^۱

چند مسأله:

- ۱- خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.^۲
- ۲- اگر انسان ببیند کسی چیز نجسی را می‌خورد یا با لباس نجس نماز می‌خواند، لازم نیست به او تذکر دهد ولی اگر میزبان متوجه شود غذا نجس است باید به میهمان‌ها بگوید.^۳
- ۳- اگر انسان نداند چیز پاک نجس شده یا نه، پاک است و جستجو و واری هم لازم نیست، هر چند بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را بفهمد، بنابر این در مثال‌هایی که آورده خواهد شد، حکم به طهارت می‌شود و نیاز به سؤال کردن و تحقیق و پرهیز نیست.^۴
- وسایل منزل کسانی که به طور کامل مقید به طهارت و نجاست نیستند - حتی اگر مسلمان نباشند - در صورتی که یقین به نجس شدن آنها نباشد، پاک است.
- عطر و ادکلنی که غیر مسلمان ساخته است ولی معلوم نیست که با بدن وی تماس داشته یا نه، پاک است.
- وسایل و لوازمی که در هتل‌ها یا خانه‌ها - حتی در کشورهای غیر اسلامی - وجود دارد، از جمله ظروف غذا، حوله حمام، صابون، رختخواب، تخت، فرش و دیگر چیزها اگر یقین به تماس با بدن کافر به گونه‌ای که رطوبت سرایت کرده باشد و یا یقین به نجس شدن آن از راه دیگر نمی‌باشد، پاک است.
- از قاشق، چنگال، بشقاب، لیوان و سایر امکانات در رستوران‌ها، حتی رستوران‌های غیر مسلمانان در صورتی که یقین به نجس شدن آنها نباشد، پاک است.
- نوشابه‌ها و سایر نوشیدنی‌هایی که اصل آنها پاک و حلال است و معلوم نیست که با بدن کافر تماس داشته یا نه، پاک است. (امروزه غالباً این گونه چیزها را با دستگاه می‌سازند و پر

۱ - توضیح المسائل، م ۱۲۶؛ و العروة الوثقی، احکام النجاسات، ج ۱، ص ۷۹، م ۱.

۲ - توضیح المسائل، م ۱۴۱. ۳ - همان، م ۱۴۳.

۴ - همان، م ۱۲۳؛ العروة الوثقی، ج ۱، احکام النجاسات، ص ۷۹، م ۱.

می‌کنند).

● خوراکی‌هایی از قبیل: قند، شکر، بیسکویت، شکلات، آدامس و غیره، اگر در ساخت آنها غیر مسلمان دست داشته باشد، ولی یقین به تماس با بدن وی نداریم و به گونه‌ای دیگر نجس نشده، پاک است.

● حبوبات و سبزیجات و میوه‌هایی که غیر مسلمان می‌فروشد و یقین به نجس شدن آنها نیست، پاک است هرچند غیر مسلمان آن را کاشته و چیده و حمل کرده باشد.

● روغن؛ اعم از حیوانی و غیر آن، که یقین به نجس بودن یا نجس شدن آن نباشد پاک است.

● وسایلی که برای کار به غیر مسلمان داده شده؛ مانند پارچه برای دوخت لباس و ماشین برای تعمیر، اگر پس از تحویل گرفتن، یقین به نجس شدن آن نباشد، پاک است.

● لباسی که برای شستن یا اتو کردن به خشک‌شویی داده شده حتی در کشورهای غیر اسلامی در صورتی که یقین به نجس شدن آن نباشد، پاک است.

● نان و دیگر پختنی‌ها، که غیر مسلمان طبخ آن را انجام داده و ماده اولیه آن پاک بوده است و ما یقین به نجس شدن آن نداریم، پاک است.^۱

۹ پرسش

۱- خون این حیوانات چه حکمی دارد: گنجشک، گوسفند، پشه، قورباغه؟

۲- پنیر، کره، نوشابه، روغن، قند و شکری که از کشورهای غیر اسلامی آورده می‌شود چه حکمی دارد؟

۳- تفاوت منکر خدا با منکر توحید در چیست؟

۴- این مسأله را توضیح دهید و دو مثال ذکر کنید. «کسی که معلوم نیست مسلمان است یا نه، پاک می‌باشد ولی احکام سایر مسلمانان را ندارد.»

۵- اگر انسان ببیند کسی با لباس نجس نماز می‌خواند، آیا باید به او بگوید یا لازم نیست، چرا؟

۱- استفتائات، ج ۱، ص ۱۰۰ تا ۱۰۴، س ۲۵۹ تا ۲۶۳ و ۲۶۹ تا ۲۷۵ و ص ۱۰۶ و ۱۰۷، س ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۶ و ۲۸۷. احکام مورد نیاز کسانی که به کشورهای غیراسلامی سفر می‌کنند یا در آنجا سکونت دارند، تدوین و به نام «احکام فقهی در سفرهای خارجی» چاپ و منتشر شده است.

درس ۱۴

مُطَهَّرَات (۱)

﴿... وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ ...﴾

«خداوند به شما آب را از آسمان فرو می‌فرستد، تا شما را پاک سازد و پلیدی شیطان را از شما ببرد.»
(سوره انفال، آیه ۱۱)

چگونه چیز نجس پاک می‌شود؟

همه‌اشیای نجس پاک می‌شوند و پاک‌کننده‌ها عبارتند از:

- ۱- آب
- ۲- زمین
- ۳- آفتاب
- ۴- استحاله
- ۵- انتقال
- ۶- اسلام
- ۷- تبعیت
- ۸- برطرف شدن نجاست
- ۹- استبراء حیوان نجاستخوار
- ۱۰- غایب شدن مسلمان^۱

□ آب

آب، بسیاری از چیزهای نجس را پاک می‌کند و اقسام مختلفی دارد که شناخت آنها ما را برای یاد گرفتن بهتر مسائل مربوط به آن کمک می‌کند.

۱- مضاف		} اقسام آب‌ها
۱- آب چاه	}	
۲- آب جاری		
۳- آب باران		
۲- مطلق	}	
۴- آب راکد: کُر قلیل		

آب مضاف: آبی است که از چیزی گرفته شده باشد؛ مانند آب سیب و هندوانه، یا با چیزی مخلوط شده باشد، به قدری که دیگر به آن آب نگویند؛ مانند شربت.

آب مطلق: آبی است که مضاف نباشد.^۱

احکام آب مضاف

- ۱- آب مضاف چیز نجس را پاک نمی‌کند (از مطهّرات نیست).
- ۲- آب مضاف با برخورد به نجاست نجس می‌شود، هر چند نجاست کم باشد و بویارنگ یا مزه آب عوض نشود.
- ۳- وضو و غسل با آب مضاف باطل است.^۲

اقسام آب مطلق

- «آب» یا از آسمان می‌بارد، یا از زمین می‌جوشد، یا نه می‌جوشد و نه می‌بارد.
- به آبی که از آسمان ببارد «باران» گویند.
- به آبی که از زمین می‌جوشد، اگر جریان داشته باشد «آب جاری» و اگر بدون جریان باشد، «آب چاه» گویند.^۳

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الطهارة، فصل فی المیاء. ۲ - توضیح المسائل، م ۴۷ و ۴۸.

۳ - تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الطهارة، فصل فی المیاء، ص ۱۳، م ۸.

- آبی که از زمین نمی جوشد و از آسمان نمی بارد، «آب راکد» است.
- «آب راکد» اگر مقدارش زیاد باشد، «کر» و اگر کم باشد «قلیل» است.

□ مقدار کر: $\left. \begin{array}{l} \text{حجم: } 42/875 \text{ وجب. اگر ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک} \\ \text{حداقل } 3/5 \text{ وجب باشد پر از آب کنند به مقدار کر است.} \\ \text{وزن: } 377/419 \text{ کیلوگرم.} \end{array} \right\}$

مقدار آب قلیل: آبی که از زمین نمی جوشد اگر از کر کمتر باشد قلیل است.^۱
فقط، آب مطلق، نجس را پاک می کند. گرچه ممکن است آب مضاف چیز کثیفی را تمیز کند، ولی همان گونه که پیشتر گفته شد، هرگز نجس را پاک نمی کند.

احکام آب قلیل

- ۱- آب قلیل با برخورد به نجاست، نجس می شود، خواه روی چیز نجس ریخته شود یا چیز نجس به آن برسد.^۲
- ۲- اگر آب قلیل بر زمین شیب دار جاری شود و قسمت پایین آن به نجاست برخورد کند، قسمت بالای آن نجس نمی شود.^۳
- ۳- آب قلیلی که برای برطرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته می شود و از آن جدا می گردد نجس است و باید از آبی که پس از برطرف شدن عین نجاست برای تطهیر چیز نجس روی آن می ریزند و از آن جدا می شود اجتناب شود.^۴

احکام آب کر، جاری، چاه و باران

- ۱- تمام اقسام آب های مطلق - به جز آب قلیل - تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد پاک است و هرگاه بر اثر برخورد با نجاست، بو یا رنگ یا مزه نجاست بگیرد نجس می شود. بنابراین، آب جاری، چاه، کر و حتی باران در این حکم مشترکند.^۵
- ۲- آب متصل به کر، در حکم آب کر است؛ بنابراین، آب لوله های ساختمان ها که متصل به منبع بزرگ شهر است حکم آب کر را دارد.^۶

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الطهارة، فصل فی المیاء، ص ۱۴، م ۱۴؛ توضیح المسائل، م ۱۶. برخی از مراجع تقلید، مقدار کر

را کمی بیشتر یا کمتر دانسته اند. ۲- توضیح المسائل، م ۲۶.

۳- همان، م ۲۶. ۴- همان، م ۲۷.

۵- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳، م ۴. ۶- توضیح المسائل، م ۳۵.

برخی از خصوصیات باران

- اگر بر چیز نجسی که عینِ نجس در آن نیست یکبار ببارد پاک می‌شود.
- اگر بر فرش و لباس نجس ببارد و خیس شود پاک می‌شود و فشار لازم ندارد.
- اگر بر زمین نجس ببارد پاک می‌شود.
- هرگاه باران در جایی جمع شود، اگر چه کمتر از کر باشد، تا موقعی که باران می‌بارد حکم آب کر را دارد و چنانچه با نجس برخورد کند، مثلاً چیز نجسی را در آن بشویند، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته است، پاک است.^۱

احکام شک در آب

- ۱- مقدار آبی که معلوم نیست کر است یا نه: با برخورد نجاست نجس نمی‌شود، اما سایر احکام آب کر را ندارد.
- ۲- مقدار آبی که پیشتر کر بوده و معلوم نیست قلیل شده یا نه: حکم آب کر را دارد.
- ۳- آبی که قلیل بوده و مقداری آب به آن اضافه شده و معلوم نیست به حد کر رسیده یا نه، حکم آب قلیل را دارد.
- ۴- آبی که معلوم نیست پاک است یا نجس: پاک می‌باشد.
- ۵- آبی که پاک بوده و شک در آن است که نجس شده یا نه: حکم آب پاک را دارد.
- ۶- آبی که نجس بوده ولی معلوم نیست پاک شده یا نه: حکم آب نجس را دارد.
- ۷- آبی که مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده است یا نه: حکم آب مطلق را دارد.^۲

دو حکم کلی

- ۱- مُطَهَّرَات، تمام چیزهای نجس را پاک می‌کند، یعنی تمام چیزهای نجس، قابل پاک شدن است، هر چند با استحاله.^۳
- ۲- هیچ یک از آب‌های مضاف پاک کننده نیست و با برخورد با نجاست، نجس می‌شود.^۴

۱- توضیح المسائل، م ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۴۲.

۲- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۹: تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۵، م ۱۵.

۳- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۱۴، م ۱ و ص ۱۲۱. ۴- همان، ج ۱، ص ۱۲، م ۱.

۴ پرسش

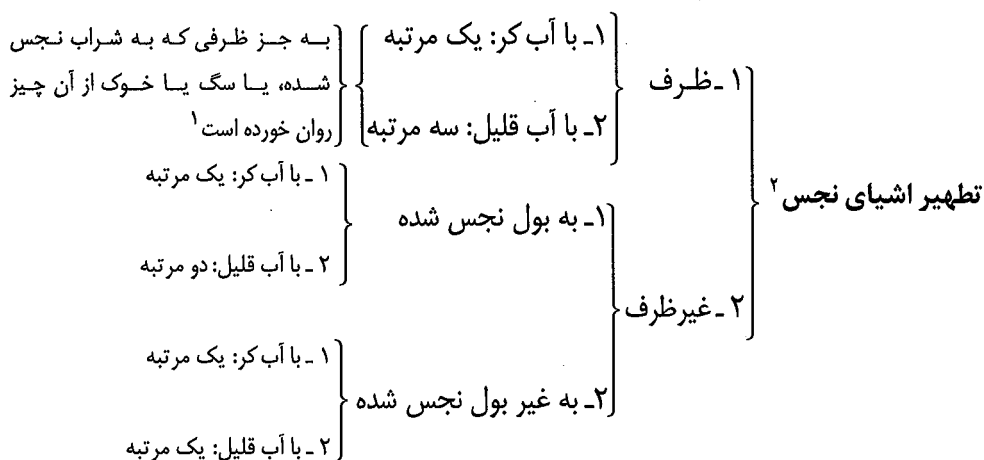
- ۱- کدام یک از نجاسات با آب، قابل تطهیر نیست؟
- ۲- تفاوت آب چاه و جاری چیست؟
- ۳- در چه صورتی ممکن است مقداری از آب قلیل نجس و مقداری از آن پاک باشد؟
- ۴- ویژگی برتر باران نسبت به آب کر چیست؟
- ۵- منبعی که بیش از کر، آب داشته ولی مقداری از آن مصرف شده، آیا باز هم حکم آب کر را دارد؟

درس ۱۵

مُطَهَّرَات (۲)

چگونگی تطهیر اشیای نجس با آب

آب، مایهٔ زندگی و از جمله مطهراتی است که همه روزه تمام افراد با آن سروکار دارند و در تطهیر بسیاری از چیزهای نجس به کار می‌برند.



۱- برای تطهیر ظرفی که سگ از آن آب یا چیز روان خورده یا آن را لیسیده، به احتیاط واجب، ابتدا باید آن را خاک مال کنند و سپس دو بار با آب بشویند و چنانچه خوک از آن چیز خورده یا لیسیده است باید خاک مال و هفت مرتبه آب بکشند و با آب کر نیز بنا بر احتیاط هفت مرتبه باید شسته شود. مراجعه شود به تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۲۶، فصل فی المطهرات؛ توضیح المسائل، م ۱۵۰ و ۱۶۲.

۲- توضیح المسائل، م ۱۵۰ و ۱۶۲.

چند نکته:

الف: برای تطهیر اشیای نجس، ابتدا باید عین نجس را برطرف کرد سپس به همان تعداد که در نمودار آمده است آن را آب کشید؛ مثلاً ظرف نجس را بعد از برطرف کردن آلودگی، اگر یک مرتبه در آب کر بشویند کافی است.

ب: فرش و لباس و چیزهایی مانند فرش و لباس که آب را به خود می گیرد و قابل فشردن است، چنانچه با آب قلیل تطهیر می کنند باید بعد از هر بار شستن، آن را بفشارند تا آب های داخلش بیرون بیاید، یا به گونه ای دیگر آب آن گرفته شود و در آب کر و جاری هم احتیاط واجب آن است که آب داخل آن گرفته شود.

ج: آب جاری و چاه در احکامی که برای تطهیر اشیای نجس بیان شد، مانند آب کر است.

تطهیر ظرف نجس

ظرف نجس را می توان این گونه آب کشید:

- با آب کر: یک بار در آب فرو برده، بیرون آورند.
- با آب قلیل: آن را سه مرتبه پر از آب کرده، خالی کنند، یا سه مرتبه قدری آب در آن بریزند و هر مرتبه آب را به طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس برسد و بیرون بریزند.^۱

استفتا

س ۱ - آیا لباس شستن با هر نوع ماشین لباسشویی خانگی، پاک کننده می باشد یا خیر؟ اگر پاک می کند شرایط آن به چه صورت است؟

ج - اگر بعد از زوال عین نجاست یک مرتبه با آب لوله یا دو مرتبه با آب قلیل می شوید، پاک می کند.^۲

س ۲ - در رابطه با لباسشویی های عمومی، با توجه به اینکه در هر منطقه و محله افرادی که طهارت اسلامی را رعایت نمی کنند کم و بیش وجود دارند، (هرچند این امر یقینی نیست لیکن احتمال آن زیاد است) آیا لباس هایی که در این لباسشویی ها شسته می شوند پاکند یا خیر؟

ج - اگر لباس را پاک تحویل داده اند و شک داشته باشند که نجس شده، پاک است و همچنین

۲ - استفتائات، ج ۱، ص ۱۱۹، س ۳۲۷.

۱ - توضیح المسائل، م ۱۵۰ و ۱۵۵.

اگر لباس نجس بوده و کسی که متصدی شستن است بگوید تطهیر نموده است، محکوم به طهارت است.^۱

تطهیر آب نجس

- ۱- برای تطهیر آب قلیلی که نجس شده، باید به آب کر، یا جاری، یا چاه متصل گردد یا باران بر آن ببارد و با آن مخلوط شود، و اگر بو یا رنگ یا مزه نجاست گرفته، باید به اندازه‌ای آب با آن مخلوط شود تا بو و رنگ و مزه نجاست از بین برود.^۲
- ۲- برای تطهیر آب کر، یا جاری، یا چاه، باید به اندازه‌ای آب کر یا جاری یا چاه بر آن افزوده شود، یا باران بر آن ببارد که بو و رنگ و مزه نجاست از بین برود، بنابر این اگر با افزودن ماده‌ای شیمیایی، رنگ و بو و طعم آن عوض گردد، پاک نمی‌شود.^۳

تطهیر زمین نجس

- | | | | | |
|---|---|---------------|---|-------------------------|
| ابتدا نجاست را برطرف کرده، سپس آب کر یا جاری بر آن گرفته، به مقداری که تمام جاهای نجس را فراگیرد. | } | ۱- با آب کر: | } | تطهیر زمین ^۴ |
| ۱- اگر زمین به گونه‌ای است که آب بر آن جاری نمی‌شود (به اصطلاح آب را به خود گرفته و می‌خورد): با آب قلیل پاک نمی‌شود. | } | ۲- با آب قلیل | | |
| ۲- اگر آب بر زمین جاری می‌شود: جایی که آب جاری شده، پاک می‌شود و جایی که آب جمع شده، نجس است. | } | | | |

هنگام تطهیر زمین، اگر آب‌ها جاری شده و به داخل چاه می‌رود، یا از آن محل بیرون می‌رود، تمام جاهایی که آب جاری شده، پاک می‌شود.^۵

۱- استفتائات، ج ۱، ص ۱۲۰، س ۳۲۹.

۲- العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المیاء، ص ۴۳، م ۲؛ تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی المیاء، ص ۱۴، م ۱۱.

۳- همان؛ استفتائات، ج ۱، ص ۱۱۹، س ۳۲۴. ۴- توضیح المسائل، م ۱۷۹ - ۱۸۰.

۵- همان، م ۱۸۰.

تطهیر حبوبات

- ۱- اگر ظاهر آن نجس شده: با فرو بردن در آب کر یا جاری، یا ریختن آب قلیل (جاری کردن) بر آن پاک می‌شود.
- ۲- اگر باطن آن هم نجس شده: پاک نمی‌شود، نه با آب قلیل، نه با آب کر.^۱
- ۳- اگر معلوم نیست باطن آن نیز نجس شده یا نه: تطهیر ظاهر آن کافی است.^۲

استفتا

س- اگر شخصی در عبادات یا طهارت و نجاست دچار وسواس شده باشد و زیاد شک کند تکلیف شرعی او چیست؟

ج- نباید به شک‌های خود اعتنا کند و اگر اعتنا کند کار حرامی کرده است و هر عمل را بیش از یک بار نباید انجام دهد و اگر انجام دهد حرام است و هرگاه شک در نجاست چیزی یا صحت عمل کرد، باید بنا بر طهارت و صحت بگذارد و اگر برخلاف آن عمل کرد جایز نیست.^۳

زمین

- ۱- اگر کف پا یا کف کفش، هنگام راه رفتن، نجس شود، و به سبب تماس با زمین، نجاست برطرف گردد، پاک می‌شود. پس زمین، فقط پاک کننده کف پا و کف کفش است، آن هم با این شرایط:
- * زمین پاک باشد.
- * زمین خشک باشد، (تر نباشد).
- * زمینی پاک کننده است که خاک، شن، سنگ، آجر فرش و مانند اینها باشد.^۴
- ۲- اگر بر اثر تماس ته کفش یا کف پا با زمین، نجاست برطرف شود پاک می‌گردد، ولی بهتر است حداقل پانزده قدم راه برود.^۵

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۲۸، م ۵ و ۶ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۱۵، م ۲۰. به فتوای برخی از فقها، اگر آن را در آب کر یا جاری بگذارند که آب به درون آن نفوذ کند، پاک می‌شود.

۲- توضیح المسائل، م ۱۶۵. ۳- استفتائات، ج ۱، ص ۱۱۱، س ۲۹۸.

۴- توضیح المسائل، مسأله ۱۸۳، ۱۹۲. ۵- العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المطهرات، ص ۱۲۴.

□ ۳- این اشیا پاک کننده نیست:

موزائیک، آسفالت، فرش، زمینی که با چوب فرش شده است، حصیر، سبزه و گیاه، مگر به قدری کم باشد که چیزی به حساب نیاید و عرفاً بگویند بر زمین راه می رود.^۱

□ ۴- بنا بر احتیاط واجب، زمین، موارد زیر را پاک نمی کند:

● دست و زانوی معلولانی که با دست یا زانو راه می روند.

● نعل چهارپایان.

● نوک عصا.

● جوراب (مگر جورابی که کف آن از پوست باشد).

● ته پای مصنوعی.

● چرخ اتومبیل.^۲

۹ پرسش

۱- فرشی که به بول دختر بچه شیرخواری نجس شده، با آب قلیل یا کر چگونه باید تطهیر کرد؟

۲- اگر در ظرفی که مقداری برنج در آن خیسانده اند فضله موشی یافت شود، تکلیف چیست؟

۳- در تطهیر اشیای نجس با آب، چه چیزی را بیش از همه اشیا باید شستشو داد؟

۴- اگر گربه ای یا گوسفندی داخل چاهی بیفتند و بمیرد، آب چاه چه وقت پاک می شود؟

۵- اگر کف کش بر اثر راه رفتن بر زمین مرطوب نجس شود، با راه رفتن پاک می شود یا نه؟

۱- العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المطهرات، ص ۱۲۵. به فتوای برخی از فقها، موزائیک و آسفالت نیز پاک کننده است.

۲- همان، ص ۱۲۶؛ توضیح المسائل، م ۱۸۸. به فتوای برخی از فقها، زمین، پاک کننده چیزهایی مثل چرخ اتومبیل نیز هست.

درس ۱۶

مُطَهِّرَات (۳)

آفتاب

آفتاب با شرایطی که خواهد آمد، این موارد را پاک می‌کند:

- * زمین.
- * ساختمان و چیزهایی که در آن به کار رفته است و جزو آن؛ مانند در و پنجره.
- * درخت و گیاه تا وقتی که از زمین و درخت قطع نشده.^۱

شرایط مُطَهِّر بودن آفتاب

- * چیز نجس تر باشد؛ به قدری که اگر چیزی به آن برسد تر شود.
- * با تابش آفتاب خشک شود، اگر مرطوب بماند پاک نشده است.
- * چیزی مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نباشد، مگر آنکه رقیق و نازک باشد و از تابش آفتاب جلوگیری نکند.
- * آفتاب به تنهایی آن را خشک کند؛ مثلاً با کمک باد خشک نشود.
- * هنگام تابش آفتاب، عین نجاست^۲ در آن نباشد، پس اگر عین نجاست هست، پیش از تابش آفتاب برطرف شود.
- * قسمت بیرون و درون دیوار یا زمین را یکباره خشک کند، پس اگر روی آن امروز خشک شود و درون آن فردا، تنها روی آن پاک می‌شود.^۳

۱ - العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۲۹، الثالث من المطهرات؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۰، ثالثها و م ۱۰.

۲ - آنچه خود به خود نجس است مانند خون «عین نجاست» است.

۳ - توضیح المسائل، م ۱۹۱.

استحاله

۱- اگر جنس چیز نجس به گونه‌ای عوض شود که به صورت چیز پاکی درآید، پاک می‌شود، و گویند استحاله شده است؛ مانند این موارد:

— مردار تبدیل به خاک شود.

— دانه نجس تبدیل به گیاه گردد.

— چوب نجس بسوزد و خاکستر شود.

— مواد سوختی بسوزد و دود شود.

— شراب سرکه شود.^۱

۲- اگر جنس چیز نجس عوض نشود و فقط تغییر شکل دهد، پاک نمی‌شود؛ مثل: اینکه:

— گندم نجس را آردکنند یا نان بپزند.

— انگور نجس سرکه شود.^۲

۳- چیز نجسی که معلوم نیست استحاله شده یا نه، نجس است.^۳

انتقال

اگر خون بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد، به بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده ندارد، منتقل شود و جزء بدن آن حیوان به حساب آید، پاک می‌گردد و همچنین اگر جزئی از بدن انسان یا حیوان به بدن انسان دیگر یا حیوان زنده غیر نجس العین منتقل شود و جزء آن به حساب آید پاک می‌گردد؛ مثل این‌که:

— خون بدن انسان به بدن پشه منتقل شود.

— عضوی از بدن حیوانی (مانند چشم) را جدا کرده و به بدن انسان پیوند بزنند.

— مقداری از گوشت بدن را بریده و به جای دیگر بدن پیوند بزنند.^۴

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۱؛ توضیح المسائل، م ۱۹۵.

۲ - توضیح المسائل، م ۲۰۰. ۳ - همان، م ۱۹۷.

۴ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۱؛ توضیح المسائل، م ۲۰۵.

اسلام

۱- اگر کافر شهادتین بگوید، مسلمان می‌شود، و با اسلام، تمام بدن او (حتی عرق و آب دهانش) پاک می‌گردد؛ یعنی بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»^۱

۲- اگر کافر شهادتین بگوید و انسان نداند که قلباً مسلمان شده یا نه، پاک است. ولی اگر بداند که قلباً مسلمان نشده، بنابر احتیاط واجب باید از او اجتناب کرد.^۲

۳- اگر بدن کافر با نجاست دیگری (عارضی) نجس شده باشد؛ مثلاً جایی از بدن او زخم شده و به خون آلوده است، آن نجاست با اسلام پاک نمی‌شود.^۳

تبعیت

۱- تبعیت آن است که چیز نجسی به واسطه پاک شدن چیز دیگری پاک شود.

۲- در موارد زیر، اشیای نجس به تبعیت پاک می‌شود.

* کسی که چیزی را تطهیر می‌کند، اگر دست و آن چیز با هم آب کشیده شود، دست او هم پاک می‌شود و احتیاج به تطهیر مجدد ندارد.^۴

* پس از اتمام سه غسل میت، تختی که میت را بر آن خوابانده‌اند و دست غسل و پارچه‌ای که بر میت انداخته‌اند (لنگ) پاک می‌شود.

برطرف شدن عین نجاست

در دو مورد اگر عین نجس برطرف شود، چیز نجس پاک می‌شود و نیازی به آب کشیدن ندارد:

۱- بدن حیوان: مثلاً منقار مرغی که نجاست خورده، هنگامی که نجس برطرف شود منقارش پاک است.

۲- باطن بدن انسان: مانند داخل دهان و بینی و گوش؛ بنابراین اگر هنگام مسواک کردن از

۱- توضیح المسائل، م ۲۰۷. ۲- همان، م ۲۰۹.

۳- العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المپهرات، ص ۱۴۱، الثامن.

۴- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۱؛ توضیح المسائل، م ۲۱۱-۲۱۵.

لثه‌ها خون بیاید، یا شخصی غذای نجس بخورد، زمانی که در دهان غذای نجس و خون نباشد، یا به قدری کم باشد که با آب دهان مخلوط شده و از بین برود، پاک است و آب کشیدن داخل دهان لازم نیست.^۱

استفتا

س - اگر دهان خونی شود و در دهان، دندان مصنوعی طوری باشد که به دندان طبیعی چسبیده باشد و نشود آن را برای آب کشیدن به بیرون از دهان آورد، آیا نحوهٔ تطهیرش مانند دندان طبیعی است؟

ج - بنابر احتیاط واجب، حکم دندان طبیعی را ندارد و باید تطهیر شود.^۲

استبرای حیوان نجاستخوار

بول و غایط حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده، نجس است و با استبرا پاک می‌شود؛ یعنی مدتی آن را از نجاست بازداشته و غذای پاک به آن بدهند.^۳

غایب شدن مسلمان

اگر بدن یا لباس مسلمان یا چیز دیگری که در اختیار اوست (مانند ظرف و فرش) نجس شود و آن مسلمان غایب گردد، اگر انسان احتمال بدهد آن چیز را تطهیر کرده، محکوم به طهارت است و اجتناب از آن لازم نیست.^۴

۱ - توضیح المسائل، م ۲۱۶ - ۲۱۷. ۲ - استفتائات، ج ۱، ص ۹۹، س ۲۵۸.

۳ - برای استبرای حیوانات، بنابر احتیاط واجب باید مدت‌های زیر مراعات شود:
شتر ۴۰ روز؛ گاو ۲۰ روز؛ گوسفند ۱۰ روز؛ مرغابی ۵ روز؛ مرغ خانگی ۳ روز. (تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۲).

۴ - توضیح المسائل، م ۲۲۱؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۲.

برای مطالعه

احکام تخلی (توالت رفتن)

چون یکی از مسائل تخلی، تطهیر مخرج بول و غایط است، احکام تخلی را در پایان مبحث مطهرات می‌آوریم:

● واجب: پوشاندن عورت از دیگران حتی دیوانه و بچه ممیز (به جز همسر) یعنی در جایی باشد که کسی عورت را نبیند، مثلاً پشت دیوار یا تپه یا در چاله یا محل درسته مثل توالت.

● حرام: رو به قبله، یا پشت به قبله بودن.

● مستحب: ۱- جایی بنشیند که کسی او را نبیند.
۲- هنگام وارد شدن به توالت با پای چپ داخل شود.
۳- هنگام بیرون آمدن، اول پای راست را بیرون بگذارد.
۴- هنگام تخلی سر را پوشاند.
۵- سنگینی بدن را روی پای چپ بیندازد.

● مکروه: ۱- توقف زیاد
۲- روی روی خورشید یا ماه بودن.
۳- روی روی باد.
۴- سخن گفتن، مگر در حال ضرورت و گفتن ذکر.
۵- تطهیر با دست راست.
۶- خوردن و آشامیدن در حال تخلی.
۷- ایستاده بول کردن.^۱

احتیاط واجب آن است که کودک را هنگام تخلی رو به قبله یا پشت به قبله نشانند، ولی اگر خود بچه بنشیند، جلوگیری از او واجب نیست.^۲

۱- العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی مستحبات التخلی و مکروهاته، ص ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲؛ توضیح المسائل،

۲- توضیح المسائل، م ۶۳.

م ۵۹- ۵۷ و ۷۸، ۷۹، ۸۰.

تطهیر مخرج بول و غایط

- ۱- مخرج بول با غیر آب (سنگ، کلوخ، پارچه و...) پاک نمی‌شود.
- ۲- برای تطهیر مخرج بول، پس از برطرف شدن بول یک بار شستن آن کافی است.
- ۳- □ مخرج غایط به احتیاط واجب با غیر آب پاک نمی‌شود ولی می‌توان با آن حال [پس از برطرف کردن نجاست و پیش از تطهیر با آب] نماز خواند.^۱
- ۴- بر مردان مستحب است، پس از بیرون آمدن بول، استبرا کنند و چنانچه بعد از بول استبرا کند و سپس آبی از او خارج شود و شک کند بول است یا نه، حکم بول ندارد (کیفیت استبرا در رساله توضیح المسائل آمده است).^۲

۶ پرسش

- ۱- آیا آفتاب، دری را که از چوب ساخته‌اند و گندمی که از گاه جدا کرده‌اند، پاک می‌کند، یا نه؟
- ۲- برای استحاله، دو مثال، به جز مثال‌هایی که در کتاب آمده است، بیاورید.
- ۳- کدامیک از مُطَهَّرَات، تمام چیزهای نجس را پاک می‌کند؟
- ۴- در چه مواردی برطرف شدن عین نجاست مطهر است؟
- ۵- تبعیت را توضیح داده و دو مثال بزنید.
- ۶- برای غایب شدن مسلمان که جزو مطهرات می‌باشد دو مثال بزنید.

۱- توضیح المسائل، م ۶۶ و ۶۸ به فتوای برخی از فقها، پاک می‌شود.

۲- همان، م ۷۲ و ۷۳.

درس ۱۷

وقت نماز

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ...﴾

«نماز را در دو طرف روز و ساعات نزدیک شب بپای دار...»

(سوره هود، آیه ۱۱۶)

برای آشنایی با مسایل و احکام وقت نماز، ابتدا یادآور می‌شویم که نماز، یا واجب است یا مستحب؛ نمازهای واجب هم دو دسته‌اند: بعضی از آنها تکلیف هر روزه‌اند و در هر شبانه‌روز، در زمان‌های خاصی باید بجا آورده شود و برخی دیگر نمازهایی هستند که گاهی از اوقات به سببی خاص واجب می‌شود و برنامه همیشگی و هر روزه نیستند.

۱ - صبح	} ۱ - هر روز (یومیّه)	} نمازهای واجب
۲ - ظهر		
۳ - عصر		
۴ - مغرب		
۵ - عشا		
۱ - آیات	} ۲ - مقطعی	
۲ - طواف واجب		
۳ - میت		
۴ - قضای پدر بر پسر بزرگ‌تر		
۵ - نمازی که با نذر واجب می‌شود. ^۱		

وقت نمازهای یومیّه

برای نمازهای یومیّه سه وقت است:

۱- وقت مخصوص

۲- وقت مشترک

۳- وقت فضیلت

برای آشنایی با اوقات نماز، شناخت این زمان‌ها لازم است:

ظهر، مغرب، نیمه‌شب و فجر دوم

ظهر

اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار دهیم، وقتی که سایه آن به کمترین مقدار رسید و رو به افزایش گذاشت، «ظهر شرعی» و ابتدای وقت نماز ظهر است.^۱

مغرب

«مغرب» موقعی است که سرخی طرف مشرق، که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود، از بین برود.^۲

نیمه‌شب

اگر فاصله بین غروب آفتاب و اذان صبح را دو نیم کنیم، وسط آن «نیمه شب»^۳ و آخر وقت نماز عشا است.^۴

فجر دوم

نزدیک اذان صبح، از طرف مشرق، سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را «فجر اول» گویند، هنگامی که آن سفیده پهن شد، «فجر دوم» و ابتدای وقت نماز صبح است.^۵

۱ - توضیح المسائل، م ۷۲۹.

۲ - همان، م ۷۳۵.

۳ - تقریباً یازده ساعت و پانزده دقیقه که از ظهر شرعی بگذرد، نیمه‌شب و آخر وقت نماز مغرب و عشا است.

۴ - احتیاط واجب آن است که برای نماز عشا همان گونه که در متن آمده است و برای نماز شب بین غروب آفتاب و اذان صبح

حساب شود (توضیح المسائل، م ۷۳۹).

۵ - توضیح المسائل، م ۷۴۱.

وقت مخصوص و مشترک نماز ظهر و عصر

۱- از اذان ظهر تا مغرب، وقت خواندن نماز ظهر و عصر است که از اوّل آن به مقدار خواندن نماز ظهر وقت مخصوص نماز ظهر است و اگر نماز عصر در این وقت خوانده شود باطل است. و در آخر وقت، به مقدار خواندن نماز عصر به مغرب مانده وقت مخصوص نماز عصر است و فاصله بین این دو زمان، وقت مشترک بین ظهر و عصر است که هر دو نماز را می‌توان خواند، ولی نماز ظهر باید قبل از نماز عصر خوانده شود.^۱

۲- اگر کسی تا وقت مخصوص عصر، نماز ظهر را نخوانده باشد، نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند.^۲

وقت مخصوص و مشترک نماز مغرب و عشا

۱- از اذان مغرب تا نصف شب وقت خواندن نماز مغرب و عشا است که از اوّل آن به مقدار خواندن یک نماز سه رکعتی، وقت مخصوص نماز مغرب است و در آخر وقت، به مقدار خواندن نماز عشا وقت مخصوص نماز عشا است و فاصله این زمان، وقت مشترک بین مغرب و عشا است که هر دو نماز را می‌توان خواند، ولی نماز عشا باید پس از نماز مغرب خوانده شود.^۳

۲- وقت مخصوص نمازهای چهار رکعتی برای مسافر به مقدار خواندن دو رکعت نماز است و برای کسی که مسافر نیست به اندازه خواندن چهار رکعت نماز است.^۴

□ ۳- اگر عمدّاً یا به واسطه عذری مانند فراموشی یا خواب ماندن یا حائض بودن، نماز مغرب یا عشا را تا نصف شب نخواند، بنا بر احتیاط واجب، باید تا قبل از اذان صبح بدون اینکه نیت ادا یا قضا کند بجا آورد.^۵

وقت نماز صبح

از اذان صبح (طلوع فجر دوّم) تا طلوع آفتاب، وقت نماز صبح است و چون نماز دیگری در این وقت واجب نیست، وقت مشترکی ندارد.^۶

۱- توضیح المسائل، م ۷۳۱.

۲- همان، م ۷۳۱.

۳- همان، م ۷۳۶.

۴- همان، م ۷۳۷.

۵- همان، م ۷۴۰. به فتوای برخی از فقها، اگر عمدّاً نخوانده باشد باید به نیت قضا بخواند و اگر به واسطه عذری نخوانده باشد باید تا قبل از نماز صبح بجا آورد و نماز او ادا است.

۶- همان، م ۷۴۱.

وقت فضیلت نمازهای یومیّه

وقت فضیلت، زمانی است که اگر نماز در آن وقت خوانده شود، ثواب بیشتری دارد.

وقت فضیلت نماز ظهر: از اول ظهر است تا زمانی که سایه پدید آمده شاخص^۱ به اندازه طول شاخص افزوده شود؛ مثلاً اگر طول شاخص یک متر باشد و هنگام ظهر ۲۰ سانتی متر سایه داشته باشد، پایان وقت فضیلت نماز ظهر وقتی است که سایه شاخص به ۱۲۰ سانتی متر برسد. □ وقت فضیلت نماز عصر: پس از وقت مخصوص نماز ظهر است تا زمانی که سایه شاخص دو برابر طول آن اضافه شود.

وقت فضیلت نماز مغرب: از اول مغرب است تا زمانی که سرخی طرف مغرب از بین برود.

وقت فضیلت نماز عشا: شروع آن از پایان وقت فضیلت نماز مغرب است و پایان آن ثلث شب؛ به عبارت دیگر از هنگام برطرف شدن سرخی طرف مغرب تا گذشتن ثلث (۱/۳) شب. وقت فضیلت نماز صبح: وقت فضیلت نماز صبح از اذان صبح است تا زمانی که هوا روشن شود.^۲

وقت نمازهای غیر یومیّه

نمازهای غیر روزانه و مقطعی، دارای وقت مشخصی نیستند، بلکه وقت آنها بستگی به زمانی دارد که به علتی آن نماز واجب شود؛ مثلاً نماز آیات بستگی به زلزله، کسوف، خسوف، یا حادثه‌ای دارد که پیش آمده است و نماز میت زمانی واجب می‌شود که مسلمانی از دنیا برود و تفصیل هر کدام در جای خود خواهد آمد.

احکام وقت نماز

۱- اگر انسان تمام نماز را قبل از وقت بخواند، یا عمداً نماز را قبل از وقت شروع کند، باطل است.^۳

۲- اگر انسان یقین کند، یا دو مرد عادل بگویند وقت نماز شده و نماز را شروع کند و:

● در بین نماز متوجه شود هنوز وقت داخل نشده، نمازش باطل است.

۱- شاخص، جسم میلهمانندی را گویند که به طور قائم بر سطح افقی نصب شده باشد، مثلاً چوبی که عمود بر زمین باشد.
۲- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۳۷. به فتوای برخی از فقها، وقت فضیلت نماز عصر پس از اتمام وقت فضیلت نماز ظهر آغاز می‌شود.

۳- همان، م ۷۴۴.

- در بین نماز متوجه شود اکنون وقت نماز شده، نمازش صحیح است.
- پس از نماز بفهمد تمام نماز قبل از وقت بوده، نمازش باطل است.
- پس از نماز متوجه شود، بخشی از نماز قبل از وقت خوانده شده، نمازش صحیح است.^۱
- ۳- مستحب است انسان نماز را اول وقت بخواند و در روایات بر این مطلب سفارش بسیاری شده است و هر چه به اول وقت نزدیکتر باشد بهتر است، مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد؛ مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.^۲
- ۴- اگر وقت نماز تنگ باشد، که با خواندن مستحبات بخشی از نماز بعد از وقت خوانده می شود باید مستحبات را بجا نیاورد؛ مثلاً اگر بخواید قنوت بخواند، وقت می گذرد، باید قنوت نخواند.^۳

استفتا

- س ۱- بیدار کردن افراد خانواده برای نماز صبح با چه کیفیتی مجاز است؟
- ج- اگر بیدار نکردن آنها موجب سهل انگاری و استخفاف به امر نماز باشد، باید آنها را بیدار نماید.^۴
- س ۲- هنگامی که میهمانی برای ما می آید و وقت نماز خواندن هم شده است، ما باید کدامیک را از نظر اسلام در آن شرایط که میهمان آمده ارجحیت بیشتری بدان دهیم، آیا باید پس از کمی که پیش میهمان نشستیم از او عذر بخواهیم و به خواندن نماز مشغول شویم و یا اینکه هنگامی که میهمان رفت نمازمان را بخوانیم؟
- ج- مستحب است نماز را اول وقت بخوانند.^۵

۱- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۳۰، فصل فی احکام الاوقات، م ۳؛ توضیح المسائل، م ۷۴۴.

۲- همان، م ۷۴۷.

۳- توضیح المسائل، م ۷۵۱.

۴- همان، ص ۲۶.

۵- استفتاءات، ج ۱، ص ۱۳۳، س ۲۵.

۴ پرسش

- ۱- تفاوت وقت مخصوص با وقت فضیلت چیست؟
- ۲- وقت مخصوص و فضیلت نماز عشا چه زمانی است؟
- ۳- محاسبه کنید، امشب، پایان وقت نماز عشا چه ساعتی است؟
- ۴- در چه صورتی نماز عصر را باید قبل از نماز ظهر خواند؟
- ۵- در چه مواردی اگر نماز عشا قبل از نماز مغرب خوانده شود صحیح است؟
- ۶- اگر انسان در بین نماز متوجه شود، اکنون وقت نماز داخل شد، نمازش چه حکمی دارد؟

درس ۱۸

لباس نمازگزار، قبله

لباس نمازگزار

یکی از مسائلی که قبل از شروع نماز توجه به آن لازم است، مسأله پوشش است، و اکنون به بیان مقدار پوشش و شرایط آن می پردازیم:

مقدار پوشش در نماز

- ۱- مردان؛ باید عورت را بپوشانند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشانند.^۱
- ۲- زنان؛ باید تمام بدن را بپوشانند به جز:
 - * دست ها تا مچ.
 - * پاها تا مچ.
 - * صورت به مقداری که در وضو باید شسته شود.^۲
- ۳- بر زنان پوشاندن دست ها و پاها و صورت،^۳ به مقداری که در مسأله پیش گفته شد، در نماز واجب نیست، گرچه پوشاندن آن هم مانع ندارد.^۴
- ۴- لباس نمازگزار باید دارای این ویژگی ها باشد:
 - * پاک باشد (نجس نباشد).

۱- توضیح المسائل، م ۷۸۸.

۲- همان، م ۷۸۹.

۳- یادآوری می شود، برای بانوان پوشاندن پاها در نماز واجب نیست ولی از نگاه نامحرم باید بپوشانند. تفصیل احکام نگاه کردن در درس ۶۲ و ۶۳ خواهد آمد.

۴- توضیح المسائل، م ۷۸۹.

- * مباح باشد (غصبی نباشد).
- * از اجزای مردار نباشد؛ مثلاً از پوست حیوانی که مطابق دستور اسلام ذبح نشده، تهیه نشده باشد، حتی کمر بند و کلاه.
- * از حیوان حرام گوشت نباشد؛ مثلاً از پوست پلنگ یا خوک تهیه نشده باشد.
- * اگر نمازگزار مرد است لباس او طلاباف یا ابریشم خالص نباشد.^۱
- ۵- اگر لباس نمازگزار از اجزای حیوان حرام گوشت تهیه شده باشد هر چند اجزای بی روح آن، مانند پشم یا مو، نماز خواندن با آن باطل است.^۲
- ۶- هیچ چیزی از حیوان حرام گوشت نباید همراه نمازگزار باشد، هر چند لباس نباشد، بنابر این اگر بند ساعت یا کمر بند از حیوان حرام گوشت باشد، نماز باطل است.^۳
- ۷- نماز خواندن با لباسی که از پشم و کرک و موی حیوان حلال گوشت تهیه شده، صحیح است، چون نه نجس است و نه از اجزای روح دار مردار و نه حیوان حرام گوشت.^۴
- ۸- اگر قسمتی از لباس و حتی جزء کوچکی از آن از مردار باشد، نماز با آن باطل است.^۵
- ۹- چیزی که از اجزای روح دار مردار - حتی مردار حیوان حلال گوشت - تهیه شده، هر چند لباس نباشد، بنابر احتیاط واجب نباید همراه نمازگزار باشد.^۶
- ۱۰- نماز خواندن با لباسی که معلوم نیست از حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت اشکال ندارد، چه در کشور اسلامی و چه غیر اسلامی تهیه شده باشد.^۷
- ۱۱- علاوه بر لباس، بدن نمازگزار نیز باید پاک باشد.^۸

استفتا

- س- اگر خانمی با لباس محفوظ؛ مثل مانتوی گشاد و شلوار و روسری یا مقنعه بزرگ نماز بخواند درست است یا خیر؟
- ج- اشکال ندارد.^۹

۱- توضیح المسائل، م ۷۹۸.
 ۲- همان، م ۸۲۴.
 ۳- همان.
 ۴- همان، م ۸۲۳.
 ۵- همان، م ۸۲۱.
 ۶- همان، م ۸۲۲.
 ۷- همان، م ۸۲۷.
 ۸- همان، م ۷۹۹ و ۸۰۰.
 ۹- استفتائات، ج ۱، ص ۱۳۷، س ۳۵.

در این موارد، نماز خواندن با بدن یا لباس نجس، باطل است:

* عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

* در یاد گرفتن احکام شرعی کوتاهی کرده و به جهت ندانستن مسأله، با بدن یا لباس نجس نماز خوانده است.^۱

* نجس بودن بدن یا لباس را می دانسته، ولی هنگام نماز فراموش کرده و با آن نماز خوانده است.^۲

در این موارد، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند صحیح است:

* نداند بدن یا لباسش نجس است و پس از نماز متوجه شود.^۳

* بدن یا لباس نمازگزار بر اثر زخم بدن نجس شده و آب کشیدن یا عوض کردن آن هم دشوار است.

* لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده ولی مقدار آلودگی کمتر از درْهَم^۴ است.

* ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند؛ مثلاً آب برای تطهیر ندارد.^۵

چند مسأله:

۱- اگر لباس های کوچک نمازگزار؛ مانند دستکش و جوراب، نجس باشد، یا دستمال کوچک

نجسی در جیب داشته باشد، چنانچه از اجزای مردار یا حرام گوشت نباشد اشکال ندارد.^۶

۲- پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه ترین لباس ها و استعمال بوی خوش و دست کردن انگشتی عقیق در نماز مستحب است.^۷

۳- پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباسی که نقش صورت دارد و باز بودن دکمه های لباس در نماز مکروه است.^۸

۱- توضیح المسائل، م ۸۰۰.

۲- همان، م ۸۰۳.

۳- همان، م ۸۰۲.

۴- قطر یک درهم، تقریباً ۲۳ میلی متر می باشد.

۵- توضیح المسائل، م ۸۴۸.

۶- همان، م ۸۶۱.

۷- همان، م ۸۶۴.

۸- همان، م ۸۶۵.

حکم کلی

طهارت بدن و لباس در تمام نمازها شرط است، به جز نماز میت.^۱

قبله

- ۱ - خانه کعبه، «قبله» مسلمانان است و نمازگزار باید رو به آن نماز بخواند. دفن میت و ذبح حیوان نیز باید رو به قبله باشد.^۲
- ۲ - کسی که بیرون شهر مکه و دور از آن است، اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می خواند، کافی است.^۳
- ۳ - کسی که نماز واجب را ایستاده می خواند، باید طوری بایستد که بگویند رو به قبله ایستاده است و لازم نیست زانوها و نوک پای او هم رو به قبله باشد.^۴

راه های تشخیص قبله

- خود انسان یقین کند؛ یعنی جهت قبله را بداند.
- دو نفر عادل بگویند.
- کسی که از روی قاعده علمی قبله را می شناسد و مورد اطمینان است بگوید.
- و اگر به جهت قبله اطمینان پیدا نکرد می تواند به گمانی که از محراب مساجد و قبور مسلمین حاصل شود اعتماد کند.^۵

تابش خورشید و تعیین قبله



در دو روز از سال؛ یعنی روزهای ۶ خرداد و ۲۴ تیر، هنگام ظهر، خورشید کاملاً عمود بر کعبه می تابد و در سایر مناطق جهان می توان به کمک خورشید جهت قبله را مشخص کرد؛ یعنی اگر هنگام ظهر شرعی (به وقت مکه) رو به خورشید بایستیم، به سمت قبله قرار می گیریم و دقیق تر آنکه؛ اگر در آن دو روز، هنگام ظهر (به وقت مکه) در هر جای کره زمین

۲ - توضیح المسائل، م ۷۷۶.

۴ - همان، م ۷۷۷.

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۳، م ۸.

۳ - همان، م ۷۷۶.

۵ - همان، م ۷۸۲.

شاخصی نصب کنیم، سایه آن از نوک سایه به سمت پایه شاخص، جهت قبله خواهد بود.^۱

وظیفه کسی که جهت قبله را نمی داند

اگر انسان در موقعیتی قرار بگیرد که پس از تلاش برای پیدا کردن قبله، نتواند جهت آن را تشخیص دهد، به هر طرف که گمان دارد جهت قبله است نمازش را بخواند و اگر گمان هم پیدا نشد و به طور کلی قبله بر او نامعلوم باشد، چنانچه وقت دارد باید به چهار طرف نماز بخواند و اگر این مقدار وقت ندارد به سه طرف و با کمبود وقت به دو طرف و در کمتر از آن به یک طرف نماز بخواند.

در صورتی که نمازگزار بعد از نماز متوجه شد رو به قبله نبوده، اگر:

● انحراف از قبله به قدری نبوده که به سمت راست یا چپ قبله نماز خوانده باشد، نمازش صحیح است.

● و در صورتی که به سمت راست یا چپ قبله بوده:

— اگر در وقت نماز متوجه شود، باید نماز را اعاده کند.

□ — اگر پس از وقت متوجه شود، نماز خوانده شده صحیح است ولی احتیاط مستحب است که قضای آن را بجا آورد.^۲

توضیح:

چنانچه به چهار طرف نماز بخواند، به یقین، یکی از آنها رو به قبله، یا با کمی انحراف از قبله خواهد بود.

و اگر به سه یا دو طرف نماز خوانده باشد و یکی از آنها رو به قبله، یا کمی با انحراف باشد، کافی است.

در صورتی که نمازگزار در بین نماز متوجه شود رو به قبله نیست، اگر:

● انحراف به حدّ سمت راست یا چپ قبله یا پشت به قبله نباشد، باید به سمت قبله بگردد و نماز را ادامه دهد و صحیح است.

● و در صورتی که انحراف به حدّ سمت راست یا چپ قبله یا پشت به آن باشد، اگر:

۱ - مجله نور علم، ش ۸، ص ۹.

۲ - تحریر الوسیله، ج ۱، فی القبلة، ص ۱۴۱، م ۴. به فتوای برخی از فقهاء در این صورت نیز باید قضای نماز را بجا آورد.

- وقت نماز وسعت دارد، باید این نماز را رها کند و دوباره شروع کند.
- وقت نماز تنگ است، باید به سمت قبله برگردد و نماز را ادامه دهد و احتیاط مستحب است قضای آن را نیز بجا آورد.^۱

۶ پرسش

- ۱- در چه روزهایی از سال، به وسیله جهت تابش خورشید می توان قبله را تشخیص داد، چگونه؟
- ۲- اگر انسان پس از نماز متوجه شود که به سمت راست یا چپ قبله نماز خوانده، تکلیفش چیست؟
- ۳- اگر تسبیح عاج همراه نمازگزار باشد، اشکال دارد یا نه؟ چرا؟
- ۴- اگر پس از نماز نجس بودن بدن را یادش بیاید، نماز خوانده شده چه حکمی دارد؟
- ۵- در چه مواردی، نماز با بدن یا لباس نجس صحیح است؟
- ۶- اگر کیف یا کمربندی که از پوست مار تهیه شده همراه نمازگزار باشد، نماز چه حکمی دارد، چرا؟

۱- تحریرالوسیله، ج ۱، فی القبلة، ص ۱۴۱، م ۴.

درس ۱۹

مکان نمازگزار

مکان نمازگزار باید دارای شرایط زیر باشد:

* مباح باشد؛

* بی حرکت باشد؛

* جای آن تنگ و سقف آن کوتاه نباشد تا بتواند قیام و رکوع و سجود را صحیح انجام دهد؛

* جایی که پیشانی را می گذارد پاک باشد؛

* اگر مکان نمازگزار نجس است، به اندازه ای رطوبت نداشته باشد که به بدن یا لباس نمازگزار سرایت کند؛

* جایی که پیشانی را می گذارد از جای زانوهای و بنا بر احتیاط واجب از جای انگشتان پا، بیش از چهار انگشت بسته پست تر یا بلندتر نباشد.^۱

احکام مکان نمازگزار

۱ - یکی از شرایط مکان نمازگزار مباح بودن آن است، پس در این مکان ها نماز باطل است:

* در ملک دیگران بدون اجازه صاحبش؛

* در ملکی که منفعت آن از دیگری است؛ مثلاً نماز خواندن در خانه ای که اجاره داده شده، بدون اجازه مستأجر؛

۱ - توضیح المسائل، مکان نمازگزار.

- * در ملکی که شریک دارد و سهم او جدا نیست (ملک مُشاع) بدون اجازه شریک؛
- * در ملکی که با عین پول خمس و زکات نداده خریداری شده؛^۱
- * در ملک میتی که خمس یا زکات بدهکار است؛
- * در ملک میتی که به مردم بدهکار است؛
- * در ملک میتی که بعضی از ورثه او صغیر یا دیوانه هستند، ولی با اجازه قیم آنان اشکال ندارد؛
- * در ملک میتی که بعضی از ورثه او غایبند.
- * بر تخت و فرش غصبی.
- ۲- کسی که در مسجد نشسته، اگر دیگری جای او را غصب کند و در آنجا نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب باید دوباره نمازش را در محل دیگری بخواند.^۲
- ۳- نماز خواندن و نشستن و خوابیدن در زمین بسیار وسیعی که دور از شهر یا روستا و چراگاه حیوانات است، اگر چه صاحبش راضی نباشد، اشکال ندارد.^۳
- ۴- نماز خواندن و عبور و تصرفات جزئی در زمین‌های زراعتی که نزدیک شهر یا روستا است و دیوار ندارد، اگر چه صاحبان آن صغیر و دیوانه باشند اشکال ندارد، ولی اگر یکی از صاحبان ناراضی باشند تصرف در آن حرام و نماز باطل است.^۴
- ۵- نماز خواندن در جاهایی که غصبی بودن آن معلوم نیست اشکال ندارد.^۵
- ۶- اگر در جایی که نمی‌داند غصبی است نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد غصبی بوده، نمازش صحیح است.^۶

استفتا

س - نماز خواندن در بانک‌ها و ادارات و مدارس و امثال آن که اغلب وضعیت ملکی آنها مشخص نیست چه صورتی دارد؟

ج - اگر علم به غصب بودن محل ندارند اشکال ندارد.^۷

۱ - چون امروزه معمولاً با عین پول خریداری نمی‌شود، بلکه به ذمه می‌خرند؛ یعنی ملک را می‌خرند و قیمت آن را بدهکار می‌شوند، سپس بدهی خود را از آن پول پرداخت می‌کنند، به فتوای برخی از فقهاء، نماز خواندن در آن اشکال ندارد.

۳ - همان، م ۸۷۹.

۲ - توضیح المسائل، م ۸۶۶ تا ۸۷۷.

۵ - توضیح المسائل، م ۸۶۹؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۷، م ۱.

۴ - همان.

۷ - استفتات، ج ۱، ص ۱۴۷، س ۶۹.

۶ - توضیح المسائل، م ۸۷۰.

نماز بر مکان متحرک

یکی از شرایط مکان نمازگزار بی حرکت بودن آن است. بنابر این، نماز خواندن در هواپیما، کشتی، قطار و اتومبیل در حال حرکت اگر سبب تکان خوردن بدن بشود، مثلاً لرزش زیاد داشته باشد، صحیح نیست، ولی اگر انسان ناچار شود که در آن حال نماز بخواند، مثلاً اگر بخواهد صبر کند تا در هنگام توقف نماز بخواند وقت می‌گذرد و نماز قضا می‌شود، باید نماز را در همان حال بخواند، ولی سایر شرایط نماز را در حد امکان مراعات کند؛ یعنی این‌گونه عمل کند:

- برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم کند، و چنانچه تیمم هم ممکن نباشد، احتیاط مستحب است نماز را بخواند و بعد قضای آن را بجا آورد.
- اگر می‌تواند باید نماز را ایستاده بخواند و اگر نه، در حال نشسته.
- جهت قبله را مراعات کند، پس اگر وسیله نقلیه به طرف دیگر بگردد، نمازگزار نیز باید به سمت قبله بگردد.
- سجده بر کاغذ نیز صحیح است، چنانچه مهر یا خاک یا سنگ برای سجده ندارد بر کاغذ سجده می‌کند.^۱
- اگر برخی از شرایط نماز را نتواند مراعات کند، باید به هر نحو که می‌تواند نماز را بخواند.^۲

چند مسأله:

- ۱- در حال ناچاری نماز خواندن در مکان غصبی و در جایی که سقف آن کوتاه است، یا جایش تنگ است؛ مانند سنگر و در مکان ناهموار اشکال ندارد.^۳
- ۲- انسان باید رعایت ادب را بکند و جلوتر از قبر پیغمبر ﷺ و امام علی علیه السلام نماز نخواند. ولی نماز باطل نیست.^۴
- ۳- بنابر احتیاط مستحب، زن باید عقب‌تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای ایستادن مرد کمی عقب‌تر باشد.^۵

۱- به فتوای برخی از فقها، سجده بر کاغذی صحیح است که از چیزهایی ساخته شده باشد که سجده بر آنها صحیح است، مثل چوب.

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، المقدمة الرابعة فی المكان، ص ۱۵۱، م ۱۵.

۳- همان، ج ۱، المقدمة الرابعة فی المكان، ص ۱۴۷، م ۳؛ توضیح المسائل، م ۸۸۳.

۴- توضیح المسائل، م ۸۸۴. به فتوای برخی از فقها، نماز باطل است.

۵- همان، م ۸۸۶. برخی از مراجع تقلید عقب‌تر ایستادن زن از مرد را در نماز لازم می‌دانند.

- ۴- اگر در نماز زن برابر مرد یا جلوتر باشد و پرده یا دیوار و مانند آن بین آنها فاصله نشود، و با هم وارد نماز شوند، بهتر است نماز را دوباره بخوانند.^۱
- ۵- بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت جایز نیست و احتیاط در نماز نخواندن در آن جاست، لیکن اگر خواند نمازش باطل نیست.^۲
- ۶- کسی که در محل عبور مردم نماز می‌خواند، یا کسی روبروی اوست، مستحب است جلو خود چیزی بگذارد، و اگر چوب یا ریسمان یا تسبیح هم باشد کافی است.^۳
- ۷- مستحب است، انسان نماز را در مسجد بخواند و در اسلام بر این مسأله سفارش بسیار شده است و ترتیب اولویت مساجد برای نماز خواندن از نظر ثواب بدین شرح است:

* مسجد الحرام.

* مسجد النبی ﷺ در مدینه منوره.

* مسجد کوفه.

* مسجد بیت المقدس.

* مسجد جامع هر شهر.

* مسجد محله.

* مسجد بازار.^۴

برای زنان نماز خواندن در خانه بهتر است، ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند.^۵

احکام مسجد

این کارها در رابطه با مسجد حرام است:

- * زینت کردن مسجد با طلا (بنابر احتیاط واجب).^۶
- * فروش مسجد، هر چند خراب شده باشد و حتی فروختن زمین.^۷
- * نجس کردن مسجد، و چنانچه نجس شود باید فوراً تطهیر کنند.^۸

۱- توضیح المسائل، م ۸۸۷.

۲- همان، م ۸۸۶ تا ۸۸۹. به فتوای برخی از فقهاء، در این فرض و فرض قبلی باید نماز را دوباره بخواند.

۳- همان، م ۸۹۳.

۴- توضیح المسائل، م ۸۹۹.

۵- همان، م ۹۰۸.

۶- همان، م ۸۹۴.

۷- همان، م ۹۰۰.

۸- همان، م ۹۰۹.

- * بردن خاک و ریگ از مسجد، مگر خاک‌های زیادی.^۱
- * بیرون بردن قرآن، مهر، فرش و سایر لوازم مسجد که شرط شده از مسجد بیرون نرود.

برای مطالعه

این کارها در باره مسجد مستحب است

- * زودتر از همه به مسجد رفتن و دیرتر از همه از مسجد بیرون آمدن.
- * چراغ مسجد را روشن کردن.
- * تمیز کردن مسجد.
- * هنگام وارد شدن، ابتدا پای راست را داخل مسجد گذاشتن.
- * هنگام بیرون آمدن از مسجد اول پای چپ را بیرون گذاشتن.
- * خواندن دو رکعت نماز مستحبی تحیت و احترام مسجد.
- * خوشبو کردن خود و پوشیدن بهترین لباس‌ها برای رفتن به مسجد.^۲

این کارها درباره مسجد مکروه است

- * گلدسته‌ها را بیش از پشت بام مسجد بالا بردن.
- * عبور از مسجد، به عنوان محل عبور؛ بدون آن‌که در آنجا نماز بخواند.
- * انداختن آب دهان و بینی در مسجد.
- * خوابیدن در مسجد، مگر در حال ناچاری.
- * فریاد زدن در مسجد و صدا را بلند کردن، مگر برای اذان.
- * خرید و فروش در مسجد.
- * سخن گفتن از امور دنیا.
- * رفتن به مسجد، برای کسی که سیر یا پیاز خورده و بوی دهانش مردم را آزار می‌دهد.^۳
- * همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند.
- * مستحب است، انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی‌شود، غذا نخورد، در

۱ - العروة الوثقی، ج ۱، کتاب الصلاة، فصل ۱۵ فی بعض احکام المسجد، الرابع.

۲ - توضیح المسائل، م ۹۱۲ و ۹۱۳.

۳ - العروة الوثقی، ج ۱، کتاب الصلاة، فصل ۱۵ فی بعض احکام المسجد، ص ۶۰۰.

کارها با او مشورت نکند، همسایه او نشود، از او زن نگیرد و به او زن ندهد.^۱

جاهایی که نماز خواندن در آنها مکروه است

* حمام.

* زمین نمکزار.

* مقابل دری که باز است.

* در جاده و خیابان و کوچه، اگر برای کسانی که عبور می کنند زحمت نباشد و اگر زحمت باشد حرام است ولی نماز باطل نیست.

* مقابل آتش و چراغ.

* در آشپزخانه و هر جا که کوره آتش باشد.

* مقابل چاه و چاله ای که محل بول است.

* روبروی عکس و مجسمه انسان یا حیوان، مگر آن که روی آن پرده بکشند.

* در جایی که عکس باشد هر چند روبروی نمازگزار نباشد.

* در اطاقی که شخص جنب در آن باشد.

* مقابل قبر و روی آن و بین دو قبر.

* در قبرستان.^۲

۵ پرسش

۱- اگر صاحب خانه بدون اجازه مستأجر در خانه خود نماز بخواند، نمازش چه حکمی دارد، چرا؟

۲- نماز خواندن در خانه کسی که از دنیا رفته در چه مواردی باطل است؟

۳- اگر انسان بداند، قبل از گذشتن وقت نماز، هواپیما فرود می آید، نماز خواندن داخل هواپیما چه حکمی دارد؟

۴- اگر در نماز جماعت زنان و مردان در یک صف - بدون پرده و مانع - بایستند، نمازشان چه حکمی دارد؟

۵- کیفیت معاشرت با کسی که در مسجد حاضر نمی شود چگونه است؟

۶- آیا می دانید چرا نماز خواندن در مسجد بازار ثوابش از سایر مساجد کمتر است؟

درس ۲۰

اذان و اقامه، واجبات نماز

اذان و اقامه

- ۱- بر نمازگزار مستحب است قبل از نمازهای یومیه، ابتدا اذان و بعد از آن اقامه بگوید.^۱
- ۲- اذان و اقامه باید در وقت نماز گفته شود و اگر قبل از وقت بگوید باطل است.^۲
- ۳- اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر قبل از اذان بگوید، صحیح نیست.^۳
- ۴- بین جمله‌های اذان و اقامه نباید زیاد فاصله شود و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد، باید دوباره آن را از سر بگیرد.^۴
- ۵- اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می‌خواند، نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.^۵
- ۷- مستحب است کسی را که برای گفتن اذان معین می‌کنند، عادل، وقت شناس و صدایش بلند باشد.^۶
- ۸- مستحب است در روزی که بچه به دنیا می‌آید، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.^۷

۲- همان، م ۹۳۵.

۴- همان، م ۹۲۰.

۶- همان، م ۹۴۱.

۱- توضیح المسائل، م ۹۱۸.

۳- همان، م ۹۳۱.

۵- همان، م ۹۲۳.

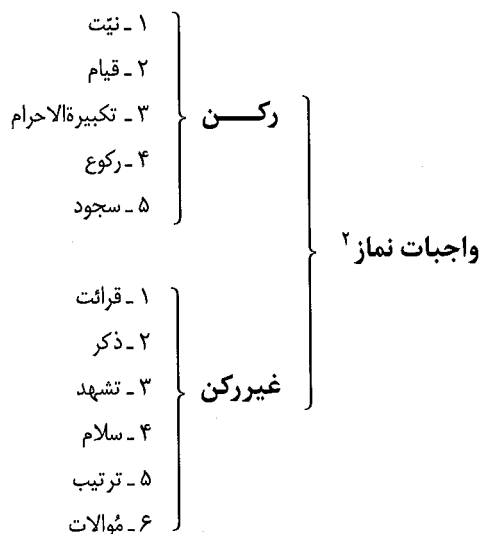
۷- همان، م ۹۱۷.

حکم کلی

هیچ یک از نمازهای واجب و مستحب - به جز نمازهای یومیّه و قضای آنها - اذان و اقامه ندارد.^۱

واجبات نماز

- ۱ - نماز، با گفتن «الله اکبر» آغاز می شود و با سلام به پایان می رسد.
- ۲ - آنچه در نماز انجام می شود یا واجب است یا مستحب.
- ۳ - واجبات نماز، یازده چیز است که برخی رکن و برخی غیر رکن است.



تفاوت رکن و غیر رکن

ارکان نماز، اجزای اساسی آن به شمار می آید و چنانچه یکی از آنها بجا آورده نشود، یا اضافه شود، هرچند بر اثر فراموشی هم باشد، نماز باطل است.

واجبات دیگر، گرچه انجام دادن آنها لازم است ولی چنانچه از روی فراموشی کم یا زیاد شوند نماز باطل نیست.^۳

۱ - العروة الوثقی، فصل فی الاذان و الاقامة، ج ۱، ص ۶۰۱.

۳ - همان، م ۹۴۲.

۲ - توضیح المسائل، واجبات نماز.

احکام واجبات نماز

نیت

۱- نمازگزار از آغاز تا پایان نماز، باید بداند چه نمازی می‌خواند و آن را برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد.^۱

۲- به زبان آوردن نیت لازم نیست، ولی چنانچه به زبان هم بگوید اشکال ندارد.^۲

۳- نماز باید از هر گونه ریا و خودنمایی بدور باشد؛ یعنی نماز را تنها برای ادای دستور خداوند و به قصد قربت بجا آورد و چنانچه تمام نماز یا قسمتی از آن برای غیر خدا باشد، باطل است.^۳

۴- اگر نمازگزار، غیر از اطاعت امر الهی، قصد دیگری هم در نماز خواندن داشته باشد، با سه شرط اشکال ندارد:

الف) قصد ریا و خودنمایی نداشته باشد.

ب) قصد قربت و اطاعت الهی اصل باشد و نیت دیگر فرع و ضمیمه.

ج) ضمیمه هم امری مباح یا مطلوب باشد. بنابر این اگر برای اطاعت الهی نماز بخواند و در ضمن به دیگری هم نماز خواندن یاد دهد اشکال ندارد.^۴

عدول از نیت

۱- برگرداندن نیت از نمازی به نماز دیگر در موارد زیر واجب است:

● از نماز عصر به نماز ظهر، در صورتی که بین نماز عصر متوجه شود نماز ظهر را نخوانده یا باطل بوده است.

● از نماز عشا به مغرب، در صورتی که بین نماز عشا پیش از رکوع رکعت چهارم متوجه شود نماز مغرب را نخوانده یا باطل بوده؛ و اگر وارد رکوع رکعت چهارم شده باشد، نماز عشا صحیح است و پس از آن نماز مغرب را می‌خواند.^۵

۲- برگرداندن نیت در موارد زیر اشکال ندارد:

● از قضای عصر به قضای ظهر.

۲- همان، م ۹۴۳.

۱- توضیح المسائل، م ۹۴۳ و ۹۴۴.

۳- همان، م ۹۴۶ - ۹۴۷.

۴- تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، فصل فی افعال الصلاة، ص ۱۵۷، م ۳.

۵- همان، ص ۱۵۹، م ۱۲.

● از قضای عشا به قضای مغرب.

● از اداء به قضا.

● از جماعت به فرادا.

۳- برگرداندن نیت در موارد زیر صحیح نیست:

● از نماز ظهر به نماز عصر.

● از مغرب به عشا.

● از قضا به ادا.

● از فرادا به جماعت (بنابر احتیاط واجب).

● از مستحب به واجب.

● از مستحب به نماز مستحب دیگر.

● از واجب به مستحب، مگر در دو مورد:

الف) در ظهر روز جمعه برای کسی که خواندن سوره جمعه را فراموش کرده و سوره دیگری شروع کرده و به نصف آن سوره رسیده یا از نصف گذشته است.

ب) مشغول نماز واجب باشد و داخل در رکوع رکعت سوم نشده باشد و نماز جماعت برپا شود و خوف آن داشته باشد که از جماعت عقب بماند.^۱

تکبیرة الاحرام

تکبیر اول نماز را «تَکْبِیرَةُ الْاِحْرَامِ» می‌گویند. چون با همین تکبیر است که برخی از کارها که قبل از نماز جایز بوده بر نمازگزار حرام می‌شود؛ مانند خوردن و آشامیدن، خندیدن و گریستن.

واجبات تکبیرة الاحرام:

۱- به عربی صحیح گفته شود.

۲- هنگام گفتن «الله اکبر» بدن آرام باشد.

۳- تکبیرة الاحرام را طوری بگوید که اگر مانعی در کار نباشد خودش بشنود؛ یعنی بسیار

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، فصل فی افعال الصلاة، ص ۱۵۹، م ۱۲ و ۱۳ و فصل فی صلاة الجماعة، ص ۲۶۶.

آهسته نگوید.

۴- بنا بر احتیاط واجب آن را به چیزی که پیش از آن می خواند وصل نکند.^۱

● بر نمازگزار مستحب است موقع گفتن تکبیرة الاحرام و تکبیرهای بین نماز دست ها را تا مقابل گوش ها بالا ببرد.^۲

۹ پرسش

۱- تفاوت اذان و اقامه چیست؟

۲- تفاوت رکن با غیر رکن چیست؟

۳- برگرداندن نیت از نماز قضا به ادا و جماعت به فرادا و فرادا به جماعت و عصر به ظهر و مغرب به عشا چه حکمی دارد؟

۴- در چه صورتی می توان نیت را از نماز واجب به مستحب برگرداند.

۵- نماز ظهر چند تکبیر واجب دارد؟

۱- توضیح المسائل، م ۹۴۸ و ۹۴۹ و ۹۵۱ و ۹۵۲. ۲- همان، م ۹۵۵.

درس ۲۱

واجبات نماز (۲)

قیام

قیام یعنی ایستاده بودن، که در بعضی موارد از ارکان نماز است و ترک آن، نماز را باطل می‌کند، ولی کسانی که نمی‌توانند ایستاده نماز بخوانند، وظیفه‌ای دارند که در مسائل آینده خواهد آمد.

۱ - قیام هنگام تکبیره الاحرام	} رکن	} اقسام قیام	
۲ - قیام پیش از رکوع (متصل به رکوع)			
۱ - قیام هنگام قرائت	} غیررکن		
۲ - قیام بعد از رکوع ^۱			

احکام قیام

- ۱ - واجب است پیش از گفتن تکبیرة الاحرام و بعد از آن، مقداری بایستد تا یقین کند که تکبیر را در حال قیام گفته است.^۲
- ۲ - قیام متصل به رکوع بدان معنا است که در حالت ایستاده به رکوع برود، بنابراین اگر رکوع را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید، باید کاملاً بایستد، سپس به رکوع برود، پس اگر از همان حالت به حد رکوع برگردد نماز باطل است.^۳

۲ - همان، م ۹۵۹.

۱ - توضیح المسائل، م ۹۵۸.

۳ - همان، م ۹۶۰.

- ۳- نمازگزار باید هنگام ایستادن، هر دو پا را بر زمین بگذارد، ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد اشکال ندارد.^۱
- ۴- حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد اشکال ندارد، گرچه احتیاط مستحب است آنها را هم حرکت ندهد.^۲
- ۵- اگر هنگام خواندن حمد و سوره یا تسبیحات، بی اختیار به قدری حرکت کند که از حال آرام بودن خارج شود، احتیاط واجب آن است که بعد از آرام گرفتن بدن، آنچه را در حال حرکت خوانده دوباره بخواند.^۳
- ۶- کسی که به هیچ وجه - حتی با تکیه به چیزی - نتواند ایستاده نماز بخواند، باید نشسته و رو به قبله نماز بخواند و اگر نشسته هم نتواند، باید خوابیده بخواند.^۴
- ۷- کسی که خوابیده نماز می خواند باید به پهلو راست، رو به قبله بخوابد و اگر نمی تواند، به پهلو چپ رو به قبله بخوابد و اگر آن هم ممکن نیست به پشت بخوابد به طوری که کف پاهای او، رو به قبله باشد.^۵
- ۸- بر نمازگزار واجب است پس از رکوع به طور کامل بایستد و سپس به سجده برود و چنانچه این قیام عمداً ترک شود نماز باطل است.^۶

استفتا

- س ۱- برای شخص مریض که نشسته نماز می خواند قیام متصل به رکوع چه وضعی دارد؟
- ج- باید از حالت نشسته به رکوع رود.^۷
- س ۲- آیا تکان های مختصر، هنگام خواندن اذکار نماز، چنانچه سهواً انجام شود و نمازگزار نتواند مانع آن شود، باعث اشکال در نماز می شود؟
- ج- اشکال ندارد.^۸

۱- توضیح المسائل، م ۹۶۳.
 ۲- همان، م ۹۶۷.
 ۳- همان، م ۹۶۸.
 ۴- همان، م ۹۷۰ و ۹۷۱.
 ۵- همان، م ۹۷۱.
 ۶- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی القیام، ص ۱۶۲، م ۱؛ و العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۶۵ الرابع.
 ۷- استفتائات، ج ۱، ص ۱۵۳، س ۹۲.
 ۸- همان، ص ۱۵۴، س ۹۳.

قرائت

- ۱- در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیّه، انسان باید اول سورۀ حمد و پس از آن یک سورۀ کامل دیگر از قرآن بخواند.^۱
- ۲- در رکعت سوم و چهارم نماز، باید سورۀ حمد، بدون سورۀ ای دیگر - یا سه مرتبه تسبیحات اربعه خوانده شود و اگر یک مرتبه هم بخواند کافی است.^۲
- ۳- اگر نمازگزار، پس از حمد یکی از چهار سورۀ ای را که آیه سجده دارد^۳ عمداً بخواند، نمازش باطل است.^۴
- ۴- خواندن بیش از یک سورۀ پس از حمد، در نماز واجب مکروه است ولی در نماز مستحب اشکال ندارد.^۵
- ۵- سورۀ های «فیل» و «ایلاف» برای نماز یک سورۀ به حساب می آید و نیز سورۀ «ضحی» و «انشراح» و خواندن یکی از این ها پس از حمد، در نماز کفایت نمی کند بلکه باید دو سورۀ با بسم الله در وسط خوانده شود.^۶

احکام قرائت

- ۱- در رکعت سوم و چهارم نماز، سورۀ حمد یا تسبیحات باید آهسته خوانده شود، و چنانچه سورۀ حمد بخواند بنابر احتیاط واجب، بسم الله آن را نیز باید آهسته بگوید؛ ولی حکم حمد و سورۀ در رکعت اول و دوم نماز به این شرح است:^۷

نوع نماز	نوع قرائت	حکم
ظهر و عصر	مرد و زن ^۸	باید آهسته بخواند
مغرب، عشاء، صبح	مرد	باید بلند بخواند
	زن	اگر نامحرم صدای او را نمی شنود می تواند بلند بخواند و اگر می شنود، بنابر احتیاط واجب باید آهسته بخواند

۱- توضیح المسائل، م ۹۷۸. ۲- همان، م ۱۰۰۵.

۳- سورۀ های فضلت، سجده، نجم و علق.

۴- توضیح المسائل، م ۹۸۳. به فتوای برخی از فقها، سه بار باید تسبیحات اربعه را بخواند.

۵- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی القراءه، ص ۳۴۸، م ۹.

۶- همان. ۷- توضیح المسائل، م ۹۹۲ تا ۹۹۴ و ۱۰۰۷ و ۱۰۰۸.

۸- احکامی که برای مردان گفته می شود، پسر ها هم همین احکام را دارند. و همچنین احکامی که برای بانوان گفته می شود، دختران هم همین احکام را دارند.

- ۲- در مواردی که باید حمد و سوره نماز بلند خوانده شود، عمداً تمام یا بخشی از آن را آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته خوانده شود، عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد نماز خوانده شده، صحیح است.^۱
- ۳- اگر نمازگزار در بین خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه کرده است، (مثلاً می‌بایست بلند بخواند ولی آهسته خوانده است) لازم نیست مقداری را که خوانده، دوباره بخواند.^۲
- ۴- انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که اصلاً نمی‌تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می‌تواند بخواند و احتیاط مستحب است که نماز را به جماعت بجا آورد.^۳
- ۵- احتیاط مستحب آن است که در نماز، وقف به حرکت و وصل به سکون ننمایند.^۴
- ۶- اگر انسان کلمه‌ای را صحیح بداند؛ مثلاً کلمه «عَبْدَهُ» را در تشهد «عَبْدَهُ» می‌داندسته و در نماز همانطور بخواند و بعد بفهمد غلط خوانده است، لازم نیست دوباره نماز را بخواند.^۵
- ۷- در موارد زیر، نمازگزار نباید در رکعت اول و دوم، سوره بخواند و تنها به خواندن حمد اکتفا می‌کند:
- وقت نماز تنگ باشد.
 - ناچار باشد که سوره نخواند؛ مثلاً بترسد که اگر سوره را بخواند دزد یا درنده یا چیز دیگری به او صدمه می‌زند.^۶
- ۸- در تنگی وقت، نمازگزار باید تسبیحات اربعه را یک مرتبه بگوید.^۷
- ۹- احتیاط واجب آن است که برای یاد دادن واجبات نماز مزد نگیرند، ولی برای مستحبات آن اشکال ندارد.^۸

حکم رها کردن سوره در نماز

- ۱- سوره توحید و کافرون ← نمی‌تواند آن را رها کند مگر آنکه بقیه سوره فراموش شده باشد، مگر در نماز جمعه یا نماز ظهر روز جمعه، برای خواندن سوره جمعه و منافقون.

۱- توضیح المسائل، م ۹۹۵.

۲- همان.

۳- همان، م ۹۹۷. به فتوای برخی از فقها، شرکت در نماز جماعت در این فرض واجب است.

۴- همان، م ۱۰۰۴. به فتوای برخی از فقها، در نماز وقف به حرکت و وصل به سکون جایز نیست.

۵- همان، م ۱۰۰۱. به فتوای برخی از فقها، باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا کند.

۶- همان، م ۹۷۹. به فتوای برخی از فقها، در این دو فرض و همچنین در جایی که عجله برای کار مهمی داشته باشد می‌تواند

سوره نخواند.

۷- همان، م ۱۰۰۶.

۸- همان، م ۹۹۹.

۲- غیر سوره توحید و کافرون:

الف) به نصف سوره نرسیده باشد ← می تواند آن را رها کند و سوره دیگری بخواند.
 ب) به نصف سوره رسیده یا از آن گذشته باشد ← نمی تواند آن را رها کند، بلکه باید همان سوره را به پایان برساند.^۱

استفتا

س - با توجه به اینکه تلفظ حرف «ض» در تجوید چند قول است، بفرمایید شما به کدام قول عمل می کنید؟ یک قول می گوید: که برخورد نوک زبان با دندان آسیا و یک قول هم می گوید: که برخورد کناره بُن زبان با دندان آسیا.
 ج - شناختن مخارج حروف طبق قول علمای تجوید واجب نیست، باید تلفظ هر حرف به نحوی باشد که در عرف عرب صدق کند آن حرف ادا شده.^۲

جابجایی حمد و تسبیحات

۱- اگر در دو رکعت اول، به خیال این که در دو رکعت آخر است تسبیحات بگوید:
 الف: اگر پیش از رکوع بفهمد، باید حمد و سوره را بخواند و نماز صحیح است.
 ب: اگر در رکوع یا پس از آن بفهمد، نماز را ادامه می دهد و صحیح است.

۲- اگر در دو رکعت آخر:

الف) به خیال این که رکعت اول است حمد بخواند، نمازش صحیح است.
 ب) می خواست حمد بخواند، تسبیحات به زبانش آمد، یا می خواست تسبیحات بخواند، حمد به زبانش آمد، باید رها کند و دوباره حمد یا تسبیحات بخواند. ولی اگر عادتش خواندن چیزی بوده که به زبانش آمده و در خزانه قلبش آن را قصد داشته، می تواند همان را تمام کند و نمازش صحیح است.
 ج) عادت دارد تسبیحات بخواند ولی بدون قصد مشغول خواندن حمد می شود، باید آن را رها کند و دوباره مشغول خواندن حمد یا تسبیحات شود.^۳

۲- استفتائات، ج ۱، ص ۱۶۰، س ۱۱۹.

۱- توضیح المسائل، م ۹۸۸، ۹۹۰ و ۹۹۱.

۳- توضیح المسائل، م ۱۰۱۱ تا ۱۰۱۳.

برای مطالعه

بعضی از مستحبات قرائت:^۱

- ۱- در رکعت اول پیش از حمد بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».
- ۲- در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند بگوید.
- ۳- حمد و سوره را شمرده بخواند و در آخر هر آیه وقف کند؛ یعنی آن را به آیه بعد نچسباند.
- ۴- در حال خواندن حمد و سوره، به معنای آن توجه داشته باشد.
- ۵- در تمام نمازها، در رکعت اول، سوره «قدر» و در رکعت دوم، سوره «توحید» را بخواند.
- ۶- اگر نماز را به جماعت می‌خواند، بعد از تمام شدن حمد امام و اگر فرادا می‌خواند، بعد از تمام شدن حمد خودش، بگوید: «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».
- ۷- بعد از خواندن سوره «توحید»، یک یا دو یا سه مرتبه بگوید: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي» یا سه مرتبه بگوید: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا».

پرسش

- ۱- قیام‌های واجب نماز کدام است؟
- ۲- اگر نمازگزار در حال قرائت، کمی حرکت کند تکلیف چیست؟
- ۳- دختران در چه صورتی می‌توانند حمد و سوره نماز را بلند بخوانند؟
- ۴- در چه مواردی نمازگزار می‌تواند سوره‌ای که شروع کرده رها کند و سوره دیگری بخواند؟
- ۵- اگر نمازگزار در رکعت چهارم نماز، سوره حمد بخواند، تکلیف چیست؟

درس ۲۲

واجبات نماز (۳)

ذکر

یکی از واجبات رکوع و سجده ذکر است؛ که تفصیل آن خواهد آمد.

رکوع

□ ۱- در هر رکعت بعد از خواندن حمد و سوره، یا تسبیحات اربعه، نمازگزار باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و این عمل را «رکوع» می‌گویند.^۱

- | | |
|--|---------------|
| ۱- گفتن ذکر | } واجبات رکوع |
| ۲- آرامش بدن در حال گفتن ذکر. | |
| ۳- ایستادن بعد از رکوع. | |
| ۴- آرامش بدن بعد از رکوع. ^۲ | |

• ذکر رکوع

در رکوع، هر ذکر گفته شود کافی است، ولی احتیاط واجب آن است که به قدر سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.^۳

۱ - توضیح المسائل، م ۱۰۲۲. به فتاوی برخی از فقها، باید دست‌ها را بر زانو بگذارد.

۲ - العروة الوثقی، فصل فی الركوع، ج ۱، ص ۶۶۴. ۳ - توضیح المسائل، م ۱۰۲۸.

● آرامش بدن در رکوع

- ۱- در رکوع باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد.^۱
- ۲- اگر نمازگزار پیش از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است.^۲
- ۳- اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است.^۳

● ایستادن و آرامش بعد از رکوع

- بعد از تمام شدن ذکر رکوع، نمازگزار باید بایستد و پس از آرام گرفتن بدن به سجده برود و اگر عمداً پیش از ایستادن، یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده برود نمازش باطل است.^۴

وظیفه کسی که نمی تواند رکوع کند

- ۱- کسی که نمی تواند به مقدار رکوع خم شود، باید به هر اندازه که می تواند خم شود.
- ۲- کسی که در حالت ایستاده اصلاً نتواند خم شود، باید نشسته رکوع کند.
- ۳- کسی که نشسته رکوع می کند، باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوهای برسد و بهتر است به قدری خم شود که صورتش نزدیک جای سجده برسد.

فراموش کردن رکوع

- ۱- اگر رکوع را فراموش کند و به سجده برود، پیش از آن که پیشانی را بر زمین بگذارد یادش بیاید، باید بایستد بعد به رکوع رود و چنانچه نایستد و از همان حال به رکوع برگردد نمازش باطل است، چون قیام متصل به رکوع ترک شده است.^۵
- ۲- اگر پس از رسیدن پیشانی به زمین، یادش بیاید که رکوع نکرده، بنابر احتیاط واجب باید بایستد و رکوع را بجا آورد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند.^۶

۱- توضیح المسائل، م ۱۰۳۰.

۲- همان، م ۱۰۳۲.

۳- همان، م ۱۰۳۳.

۴- همان، م ۱۰۴۰.

۵- همان، م ۱۰۴۱.

۶- همان، م ۱۰۴۲.

برای مطالعه

برخی از مستحبات رکوع:

- ذکر رکوع را سه یا پنج یا هفت مرتبه بلکه بیشتر بگوید.
- پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده تکبیر بگوید.
- در حال رکوع بین دو قدم (روی زمین) را نگاه کند.
- پیش از ذکر رکوع یا بعد از آن صلوات بفرستد.
- بعد از رکوع، هنگامی که ایستاد و بدن آرام گرفت بگوید:

«سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»^۱

سجود

- ۱- نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، پس از رکوع دو سجده بجا آورد.^۲
- ۲- سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها (شست) را بر زمین بگذارد؛ افزون بر این، واجباتی دارد که خواهد آمد.
- ۳- سجده کردن برای غیر خداوند حرام است؛ پس سجده در مقابل هر چیز و هر کس حتی در مقابل قبور معصومین علیهم السلام جایز نیست؛ مگر آنکه سجده برای خداوند و جهت شکر توفیق زیارت باشد.^۳

واجبات سجده:

- ۱- گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است.
- ۲- گفتن ذکر.
- ۳- آرامش بدن در حال ذکر سجده.
- ۴- بر زمین بودن هفت عضو در هنگام ذکر.
- ۵- مساوی بودن جاهای سجده (پست و بلند نبودن).

۲- همان، م ۱۰۴۵.

۱- توضیح المسائل، م ۱۰۲۹ و ۱۰۴۳.

۳- همان، م ۱۰۹۰.

- ۶- پاک بودن جایی که پیشانی را می‌گذارد.
- ۷- سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده.
- ۸- موالات بین دو سجده.^۱

● بر زمین بودن هفت عضو:

- ۱- اگر موقعی که ذکر سجده را می‌گوید، یکی از هفت عضو را عمدتاً از زمین بردارد، نماز باطل می‌شود، ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست اگر غیر از پیشانی، جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.^۲
- ۲- اگر همراه با انگشتان شست پا، انگشتان دیگر هم بر زمین باشد مانع ندارد.^۳

● گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است:

- ۱- در سجده باید پیشانی را بر زمین، یا آنچه از زمین می‌روید ولی خوراکی و پوشاکی نیست قرار دهد پس سجده بر روییدنی‌هایی که انسان آن را می‌خورد؛ مثل سبزی‌های خوراکی و میوه‌ها، یا در پوشاک از آنها استفاده می‌کنند مثل پنبه، صحیح نیست.^۴
- ۲- جایی که انسان باید تقیّه کند می‌تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود.^۵
- ۳- سجده بر چیزهای معدنی؛ مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه، صحیح نیست.^۶
- ۴- سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان است؛ مثل علف و کاه، صحیح است.^۷
- ۵- سجده بر کاغذ، اگر چه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد صحیح است.^۸

۱- العروة الوثقی، فصل فی السجود، ج ۱، ص ۶۷۳؛ تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی السجود، ص ۱۷۲.

۲- توضیح المسائل، م ۱۰۵۴. به فتوای برخی از فقها، باید مجدداً ذکر را بگوید و نماز را تمام و اعاده کند.

۳- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی السجود، ص ۱۷۳، م ۲؛ و العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی السجود، ص ۶۷۶ م ۷.

۴- توضیح المسائل، م ۱۰۷۶.

۵- همان، م ۱۰۷۲. به فتوای برخی از فقها، اگر می‌تواند باید به جایی برود که بتواند بر چیزی که سجده صحیح است سجده کند.

۶- همان، م ۱۰۷۶.

۷- همان، م ۱۰۷۸.

۸- همان، م ۱۰۸۲. به فتوای برخی از فقها، سجده بر کاغذی که از غیر چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است ساخته شده کفایت نمی‌کند.

۶- برای سجده، بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام است و بعد از آن بدین ترتیب:
خاک؛ سنگ؛ گیاه.^۱

۷- اگر در سجده اول، مهر به پیشانی بچسبد و بدون اینکه مهر را بردارد دوباره به سجده رود نماز باطل است.^۲

استفتا

س - نماز خواندن بر مهر شکسته صحیح می باشد یا نه؟

ج - اشکال ندارد.^۳

● ذکر:

در سجده هر ذکر بگوید کافی است ولی احتیاط واجب آن است که مقدار ذکر از سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.^۴

● آرامش:

۱- در سجده باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد و موقع گفتن ذکر مستحب نیز اگر آن را به قصد ذکر بگوید که برای سجده دستور داده اند بگوید، آرام بودن بدن لازم است.^۵
□ ۲- اگر پیش از آنکه پیشانی به زمین برسد و آرام گیرد، عمداً ذکر را بگوید، نماز باطل است و چنانچه از روی فراموشی باشد، باید دوباره در حال آرام بودن، ذکر را بگوید.^۶

● مساوی بودن مواضع سجده:

۱- جای پیشانی نمازگزار باید از جای زانوهایش پست تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد.^۷
۲- احتیاط واجب آن است که جای پیشانی نمازگزار از جای انگشتان پایش هم پست تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد.^۸

۲- همان، م ۱۰۸۶. به فتوای برخی از فقها، نماز باطل نیست.

۴- توضیح المسائل، م ۱۰۴۹.

۱- توضیح المسائل، م ۱۰۸۳.

۳- استفتائات، ج ۱، ص ۱۶۵، س ۱۳۸.

۵- همان، م ۱۰۵۰.

۶- همان، م ۱۰۵۱ و ۱۰۵۲. به فتوای برخی از فقها، باید دوباره ذکر را بگوید و نماز را تمام و اعاده کند.

۸- همان، م ۱۰۵۷.

۷- همان، م ۱۰۵۷.

● سر برداشتن از سجده:

- ۱- بعد از تمام شدن ذکر سجده اول باید بنشینند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.^۱
- ۲- اگر پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است.^۲
- ۳- اگر پیشانی بی اختیار از جای سجده بلند شود، چنانچه ممکن باشد باید نگذارد دوباره به جای سجده برسد، و این یک سجده حساب می شود، چه ذکر سجده را گفته باشد یا نه و اگر نتواند سر را نگه دارد و بی اختیار دوباره به جای سجده برسد، با هم یک سجده حساب می شود و اگر ذکر نگفته باشد، باید بگوید.^۳

۹ پرسش

- ۱- تفاوت رکوع و ذکر رکوع چیست؟
- ۲- رکوع در حالت نشسته چگونه است؟
- ۳- اگر برای سجده، پیشانی بر مهر بخورد و بی اختیار بلند شود، تکلیف چیست؟
- ۴- سجده بر آجر، چوب، سنگ مرمر، مقوّا، موزاییک، پوست هندوانه چه حکمی دارد؟
- ۵- آیا نمازگزار می تواند در حال سجده یکی از دست ها را از زمین بردارد و دوباره به زمین بگذارد؟

۱- توضیح المسائل، م ۱۰۵۶.

۲- همان، م ۱۰۵۱.

۳- همان، م ۱۰۷۱. به فتوای برخی از فقها، اگر ذکر را نگفته باشد باید دوباره به سجده برود و هر دو، یک سجده به حساب می آید.

درس ۲۳

واجبات نماز (۴)

کم یا زیاد شدن سجده:

● عمدًا: نماز باطل است.

● سهوًا:

دو سجده در یک رکعت: نماز باطل است.	}	یک سجده
زیاد شود ← نماز صحیح است.		
۱- □ قبل از رکوع رکعت بعد یادش بیاید، باید برگردد و بجا آورد و نماز صحیح است.	}	کم شود
۲- در رکوع رکعت بعد یا پس از آن یادش بیاید، نماز صحیح است ولی پس از سلام نماز باید آن را قضا کند و دو سجده سهو بجا آورد ^۱ .		

وظیفه کسی که نمی تواند به طور معمول سجده کند

۱- کسی که نمی تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به قدری که می تواند خم شود و مهر را بر جای بلندی؛ مثل بالش بگذارد و پیشانی را طوری بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است، ولی باید کف دست ها و زانو ها و انگشتان پا را به طور معمول بر زمین بگذارد.^۲

۱- توضیح المسائل، م ۱۰۴۶ و ۱۰۴۷ و ۱۲۴۴ و ۱۲۴۵. به فتوای برخی از فقهاء در فرضی که در رکعت بعد، پیش از رکوع یادش بیاید که یک سجده را فراموش کرده، باید برگردد و سجده را بجا آورد و پس از نماز دو سجده سهو برای قیام بیجا انجام دهد.
۲- همان، م ۱۰۶۸.

۲- اگر نمی‌تواند خم شود، باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند، ولی احتیاط واجب آن است که مهر را بالا بیاورد و پیشانی را بر آن بگذارد.^۱

برای مطالعه

بعضی از مستحبات سجده:

۱- تکبیر گفتن در این موارد:

* پس از رکوع و پیش از سجده اول.

* پس از سجده اول، در حالی که نشست و بدن آرام گرفت.

* پیش از سجده دوم، در حالی که نشسته است و بدنش آرام است.

* بعد از سجده دوم.

۲- طول دادن سجده‌ها.

۳- گفتن «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» بعد از سجده اول، در حالی که بدن آرام گرفت.

۴- صلوات فرستادن در سجده‌ها.^۲

سجده واجب قرآن

۱- در چهار سوره قرآن، آیه سجده وجود دارد^۳ که اگر انسان آن آیه را بخواند یا وقتی که

دیگری آن را می‌خواند به آن گوش دهد، بعد از تمام شدن آن آیه، باید فوری سجده کند.^۴

۲- چنانچه سجده را فراموش کند، هر وقت یادش آمد باید سجده کند.^۵

□ ۳- اگر انسان آیه سجده را از ضبط صوت بشنود، لازم نیست سجده کند.^۶

□ ۴- اگر آیه سجده از بلندگو یا رادیو یا تلویزیون شنیده شود، چنانچه صدای انسان به صورت

زنده پخش می‌شود، سجده واجب است.^۷

۱- توضیح المسائل، م ۱۰۶۹. ۲- همان، م ۱۰۹۱.

۳- نام سوره‌های سجده‌دار قرآن و شماره آیات آن، در درس ۹ گذشت.

۴- توضیح المسائل، م ۱۰۹۳. ۵- همان، م ۱۰۹۳.

۶- همان، م ۱۰۹۶.

۷- همان، م ۱۰۹۶. به فتوای برخی از فقها، اگر آیه سجده را از ضبط صوت یا رادیو یا تلویزیون بشنود، سجده واجب می‌شود.

۵- هنگام سجده برای این آیه‌ها، بر چیزهای خوراکی و پوشاکی نمی‌توان سجده کرد ولی مراعات سایر شرایط سجده، لازم نیست.^۱

۶- گفتن ذکر در این سجده واجب نیست، بلکه مستحب است و بهتر است بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَصَدِيقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
عُبُودِيَّةً وَرِقًّا، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا،
لَا مُسْتَكْبِرًا وَلَا مُسْتَكْبِرًا، بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ.^۲

تشهد

۱- نمازگزار در رکعت دوم و آخر نماز، باید بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن، تشهد بخواند، یعنی بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.^۳

□ ۲- اگر نمازگزار تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده، باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود، بخواند و نماز را تمام کند و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام نماز، تشهد را قضا کند و بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو بجا آورد.^۴

سلام

۱- نمازگزار باید در رکعت آخر هر نماز، پس از تشهد سلام بگوید و نماز را پایان دهد.

□ ۲- مقدار واجب سلام یکی از این دو جمله است:

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.^۵

۱- توضیح المسائل، م ۱۰۹۷.

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی سجده التلاوة و الشکر، ص ۱۷۸، م ۷؛ توضیح المسائل، م ۱۰۹۹.

۳- توضیح المسائل، م ۱۱۰۰.

۴- همان، م ۱۱۰۲. به فتوای برخی از فقهاء، در فرض اول نیز باید پس از نماز دو سجده سهو بجا آورد.

۵- همان، م ۱۱۰۵. به فتوای برخی از فقهاء، اگر جمله اول را بگوید، احتیاط آن است جمله دوم را نیز بگوید.

۳- مستحب است قبل از این دو سلام بگوید:
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.
 و نیز مستحب است هر سه را بگوید.^۱

ترتیب

- ۱- نماز باید بدین ترتیب خوانده شود: تکبیرة الاحرام، قرائت، رکوع، سجود، و در رکعت دوم پس از سجود، تشهد بخواند و در رکعت آخر، پس از تشهد، سلام دهد.
- ۲- اگر رکعتی از نماز را فراموش کند و رکن بعد از آن را بجا آورد؛ مثلاً پیش از رکوع، دو سجده نماید،^۲ نماز باطل است.^۳
- ۳- اگر رکعتی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و رکن نیست بجا آورد؛ مثلاً پیش از دو سجده، تشهد بخواند، باید رکن را بجا آورد و آنچه را که به اشتباه پیش از آن خوانده دوباره بخواند.^۴
- ۴- اگر غیر رکعتی را فراموش کند و رکن بعد از بجا آورد؛ مثلاً حمد را فراموش کند و مشغول رکوع شود، نمازش صحیح است.^۵

مُوالات

- ۱- موالات یعنی پشت سرهم بودن اجزای نماز و فاصله نینداختن بین آنها.
- ۲- اگر به قدری بین اجزای نماز فاصله بیندازد که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است.^۶
- ۳- طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره های بزرگ، موالات را به هم نمی زند.^۷

۱- توضیح المسائل، م ۱۱۰۵.

۲- اگر در سجده اول باشد، احتیاط واجب آن است که بایستد و رکوع را بجا آورد و نماز را تمام کند و دوباره

بخواند. (توضیح المسائل، م ۱۰۴۲) ۳- توضیح المسائل، م ۱۱۰۹.

۴- همان، م ۱۱۱۰. به فتوای برخی از فقهاء، بنا بر احتیاط برای هر زیاده، دو سجده سهو بجا آورد.

۵- همان، م ۱۱۱۱. به فتوای برخی از فقهاء، برای هر واجب فراموش شده بنا بر احتیاط باید دو سجده سهو بجا آورد.

۶- همان، م ۱۱۱۴. ۷- همان، م ۱۱۱۶.

قنوت

۱- مستحب است در رکعت دوم نمازهای یومیّه، بعد از حمد و سوره و پیش از رکوع، قنوت بخواند.

- در نماز جمعه، در هر رکعت یک قنوت،^۱

- در نماز آیات، پنج قنوت،^۲

- در نماز عید فطر و قربان، در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت.

و در نماز وتر که یک رکعت است، خواندن قنوت پیش از رکوع مستحب است.^۳

۲- در قنوت، هر دعا یا ذکر بگوید، اگر چه یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» باشد کافی است و می تواند این دعا را بخواند.

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾^۴

۳- هنگام قنوت، بنابر احتیاط واجب باید دست ها را بلند کند و مستحب است دست ها را تا مقابل صورت بالا آورد و کف دست ها رو به آسمان باشد.^۵

تعقیب نماز

مستحب است انسان پس از نماز مشغول تعقیب شود؛ یعنی ذکر و دعا و قرآن بخواند.

۱- بهتر است در حال تعقیب رو به قبله باشد.

۲- لازم نیست تعقیب به عربی باشد، ولی بهتر است آنچه را که در کتاب های دعا دستور داده اند بخواند.

۳- گفتن تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام)؛ یعنی ۳۴ مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و ۳۳ مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و ۳۳ مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» مستحب است.^۶

۲- تفصیل آن در درس ۳۴ خواهد آمد.

۴- همان، م ۱۱۱۹.

۶- همان، م ۱۱۲۲.

۱- تفصیل آن در درس ۳۳ خواهد آمد.

۳- توضیح المسائل، م ۱۱۱۷ و م ۱۵۱۲.

۵- همان، م ۱۱۱۸.

استفتا

س - آیا بعد از نمازها شعارهای اسلامی بگوییم یا تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را؟ با توجه به تأکید فراوان روایات درباره تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام بعد از نماز.

ج - اختیار با نمازگزار است و جمع بین هر دو بهتر است.^۱

پرسش

- ۱ - کسی که نمی تواند برای سجده به طور کامل خم شود، اگر مهر را با دست بالا بیاورد و به پیشانی بگذارد چه حکمی دارد؟ چرا؟
- ۲ - اگر در حال تشهد یادش بیاید که یک سجده بجا آورده، تکلیف چیست؟
- ۳ - مراعات کدام یک از شرایط و واجبات سجده نماز در سجده واجب قرآن نیز لازم است؟
- ۴ - اگر در رکعت سوّم نماز متوجه شود، تشهد را فراموش کرده، تکلیف چیست؟
- ۵ - فراموش کردن کدام یک از اجزای نماز قضا دارد؟

شکایات نماز (۱)

- اقسام شک در نماز^۱
- ۱- شک در اجزای نماز
 - شک در انجام دادن جزء
 - شک در صحت جزء
 - ۲- شک در رکعات نماز
 - مُبطل
 - غیر مبطل { معتبر
غیر معتبر }
 - ۳- شک در اصل نماز
 - شک در بجای آوردن نماز
 - شک در صحت نماز

شک در اجزای نماز

۱- اگر نمازگزار شک کند که جزئی از نماز واجب را بجا آورده یا نه، اگر جزء بعدی را شروع نکرده؛ یعنی هنوز از محل آن جزء نگذشته است؛ باید آن را بجا آورد. ولی اگر از محل آن گذشته، به چنین شکی اعتنا نمی‌شود و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است؛ مثلاً اگر پس از سجده، قبل از شروع کردن تشهد، شک کند یک سجده بجا آورده یا دو سجده، باید یک سجده دیگر بجا آورد ولی اگر تشهد را شروع کرده باشد، لازم نیست سجده دیگری انجام دهد و نماز صحیح است.^۲

۲- اگر نمازگزار در صحت جزئی از نماز شک کند؛ یعنی نمی‌داند جزئی که بجا آورده، صحیح انجام شده یا نه، بنا می‌گذارد بر صحیح بودن آن و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است؛ مثلاً اگر

۱- بحث شکایات به جز آنچه از توضیح المسائل می‌باشد از تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۹۸ تا ۲۰۰ آورده شده است.

۲- تحریر الوسیله، ج ۱ ص ۱۸۷ تا ۱۹۵؛ توضیح المسائل، م ۱۱۶۸.

در صحت کلمه یا آیه‌ای که خوانده است شک کند، به شک خود اعتنا نمی‌کند.^۱

● اگر هنگام رفتن به سجده شک کند که رکوع کرده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.^۲

● اگر در حال برخاستن شک کند که سجده را بجا آورده یا نه باید برگردد و بجا آورد ولی اگر شک کند تشهد بجا آورده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.^۳

۳- اگر نمازگزار در جزئی از نماز مستحب شک کند، خواه رکن باشد یا غیررکن، وظیفه او بدین شرح است:

- (الف) وارد جزء بعدی نشده است، باید آن را بجا آورد.
- (ب) وارد جزء بعدی شده است، به شک خود اعتنا نمی‌کند.^۴

شک در رکعات

شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند (مُبطِل):^۵

- * شک در تعداد رکعات نمازهای دو رکعتی؛ مثل نماز صبح و نماز مسافر.
 - * شک در تعداد رکعات نماز مغرب.
 - * شک بین یک و بیشتر از یک.
 - * شک بین دو و بیشتر از آن، پیش از تمام شدن دو سجده.
 - * نداند چند رکعت خوانده است.
 - * شک بین ۲ و ۵، ۳ و ۶، ۴ و ۶.
- مسئله: اگر یکی از شک‌های باطل‌کننده برای نمازگزار پیش آید، نمی‌تواند نماز را به هم بزند ولی اگر قدری فکر کند و چیزی یادش نیاید و شک از بین نرود، به هم زدن نماز مانعی ندارد.^۷

شک‌هایی که نماز را باطل نمی‌کند (غیر مبطل):

اگر در نماز چهار رکعتی یکی از این شک‌ها برای نمازگزار پیش آید در برخی از موارد، شک

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱ ص ۱۸۷ تا ۱۹۵؛ توضیح المسائل، م ۱۱۶۸.

۲ - توضیح المسائل، م ۱۱۷۱. ۳ - همان، م ۱۱۷۲.

۴ - همان، م ۱۱۹۳ و ۱۱۹۵.

۵ - این قسم از شک‌ها مربوط به نمازهای واجب است، چون شک در رکعات نماز مستحب نماز را باطل نمی‌کند، بلکه به آن اعتنا نمی‌شود.

۶ - توضیح المسائل، م ۱۱۶۵. چنانچه شک بین ۴ و ۶ پیش آید، به فتوای برخی از فقهاء بنا بر احتیاط باید نماز را تمام کند و مجدداً بخواند.

۷ - همان، م ۱۱۶۶.

معتبر است و باید طبق وظیفه‌ای که در نمودار زیر خواهد آمد عمل کند و نمازش صحیح است.^۱

شک	در حال قیام	در رکوع	بعد از رکوع	در سجده	بعد از سجده دوم	وظیفه نمازگزار در مواردی که نماز صحیح می‌باشد
شک بین ۲ و ۳	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	بنا بر سه گذاشته و یک رکعت دیگر می‌خواند و پس از سلام، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده، یا دو رکعت نشسته می‌خواند.
شک بین ۲ و ۴	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	بنا بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده می‌خواند.
شک بین ۲ و ۳ و ۴	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	بنا بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت نشسته بجا می‌آورد.
شک بین ۲ و ۴	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته می‌خواند.
شک بین ۲ و ۵	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	□ اگر در حال قیام شک پیش آمده، بدون رکوع می‌نشیند و نماز را تمام می‌کند و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته می‌خواند و اگر در حالت نشسته پیش آمده است، بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا می‌آورد. ^۲

به جز مواردی که در جدول آمده، موارد دیگری نیز هست که کمتر اتفاق می‌افتد و حکم آنها از آنچه بیان شد و قواعدی که خواهد آمد روشن می‌شود.

۱ - توضیح المسائل، م ۱۱۹۹؛ العروة الوثقی، ج ۲، الشک فی عدد الركعات، ص ۲۱، م ۱ تا ۱۵، ص ۲۰، م ۳.

۲ - برخی از فقها، بجا آوردن دو سجده سهو را در فرض اول نیز واجب می‌دانند.

چند قانون کلی

- ۱- اگر یکی از شک‌های صحیح پیش آید نمازگزار نباید نماز را بشکند، بلکه باید مطابق وظیفه‌اش عمل کند و اگر نماز را به هم بزند، معصیت کرده است.^۱
- ۲- اگر یکی از شک‌های صحیح پیش آید، باید مقداری فکر کند، پس اگر یقین یا گمان به یک طرف پیدا کرد همان طرف را می‌گیرد و نماز را تمام می‌کند و گرنه به دستورهایی که گفته شد عمل می‌کند.
- ۳- در شک‌های صحیح باید بنا را بر بیشتر گذاشت، مگر آنکه یکی از اطراف شک، از چهار گذشته باشد؛ مثلاً در شک بین ۴ و ۵ بنا بر بیشتر گذاشته نمی‌شود.
- ۴- نماز احتیاط، برای رفع کمبود احتمالی نماز است، بنابر این در شک بین ۳ و ۴، که احتمال کمبود، یک رکعت است، یک رکعت نماز احتیاط لازم است ولی در شک بین ۲ و ۴، دو رکعت نماز احتیاط لازم است.
- ۵- سجده سهو، در موارد احتمال زیادی سهوی است، پس در شک بین ۴ و ۵ بعد از سجده دوم و شک بین ۵ و ۶ در حالت ایستاده، سجده سهو لازم است.
- ۶- در مواردی که یک رکعت نماز احتیاط واجب است می‌توان به جای آن، دو رکعت نشسته خواند.
- ۷- در مواردی که دو رکعت نماز احتیاط واجب است، نمی‌توان به جای آن چهار رکعت نشسته خواند.
- ۸- اگر برای نمازگزار در حالت ایستاده، یکی از شک‌های صحیح پیش آید، به جز شک ۳ و ۴، در بقیه موارد، باید بدون رکوع بنشیند و پس از نشستن، از هر طرف شک، یک عدد کم می‌شود؛ مثلاً در شک بین ۴ و ۵ در حال ایستاده، پس از نشستن، به شک ۳ و ۴ برمی‌گردد و همان وظیفه را باید انجام دهد.^۲

۵ پرسش

- ۱- اگر نمازگزار موقع خواندن تشهد شک کند یک سجده بجا آورده یا دو سجده، تکلیف چیست؟
- ۲- اگر پس از ادای حرفی از یک کلمه، در صحت آن شک کند، تکلیف چیست؟
- ۳- اگر مسافر در نماز ظهر شک بین ۲ و ۳ برایش پیش آید وظیفه‌اش چیست؟
- ۴- حکم شک بین ۴ و ۵ در حالت ایستاده چیست؟
- ۵- حکم شک بین ۲ و ۳ در نماز چهار رکعتی در حال قیام پس از رکوع، چیست؟
- ۶- در کدام موارد شک، دو رکعت نماز احتیاط واجب می‌شود؟
- ۷- اگر انسان در حال برخاستن شک کند سجده را بجا آورده یا نه باید برگردد و بجا آورد، ولی اگر شک کند، تشهد خوانده است یا نه، به شک خود اعتنا نمی‌کند، تفاوت این دو چیست؟

درس ۲۵ و ۲۶

شکایات نماز (۲)

شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد (غیر معتبر)

- شک بعد از محل (توضیح آن در «شک در اجزا» گذشت).
- شک پس از سلام.
- شک کثیرالشک.
- شک امام و مأوم در نماز جماعت.
- شک در نماز مستحبی.^۱

اگر برای نمازگزار یکی از این شک‌ها پیش آید، اعتباری نخواهد داشت و به آن اعتنا نمی‌شود و نماز صحیح است.

توضیح

● شک بعد از سلام

- ۱- اگر پس از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بوده یا نه؛ مثلاً شک کند در رکعت دوم یک سجده بجا آورده یا دو سجده، یا پس از سلام نماز چهار رکعتی شک کند چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، به شک خود اعتنا نمی‌کند و لازم نیست نماز را دوباره بخواند.^۲
- ۲- اگر پس از سلام شک کند و دو طرف شک باطل باشد؛ مثل آنکه شک کند نماز چهار رکعتی را سه رکعت خوانده یا پنج رکعت، نمازش باطل است.^۳

۲- همان، م ۱۱۷۹.

۱- توضیح المسائل، م ۱۱۶۷.

۳- همان، م ۱۱۷۹.

● وظیفه کثیرالشک

کثیرالشک کسی است که در یک نماز، سه مرتبه شک کند، یا در سه نماز پشت سر هم، مثلاً نماز صبح، ظهر و عصر، شک کند و وظیفه او بدین شرح است:^۱

۱- شک در رکعات نماز

۱- اگر طرف بیشتر شک، نماز را باطل نمی‌کند؛ مثلاً در نماز چهار رکعتی شک بین سه و چهار برایش پیش می‌آید: بنا را بر بیشتر می‌گذارد.
۲- اگر طرف بیشتر شک، نماز را باطل می‌کند: بنا را بر کمتر می‌گذارد؛ مثلاً در شک بین چهار و پنج، بنا را بر چهار می‌گذارد.

۲- شک در اجزای نماز

۱- اگر انجام دادن آن نماز را باطل نمی‌کند: باید بنا بگذارد که آن را بجا آورده؛ مثلاً شک کند یک سجده بجا آورده یا دو سجده: بنا می‌گذارد بر انجام دادن دو سجده.
۲- اگر انجام دادن آن نماز را باطل می‌کند: باید بنا بگذارد که آن را انجام نداده؛ مثلاً شک کند یک رکوع بجا آورده یا دو تا: بنا می‌گذارد بر انجام یک رکوع.^۲

● شک امام و مأوم

در نماز جماعت اگر امام جماعت شک کند ولی مأوم شک نداشته باشد و مثلاً با بلند گفتن ذکر ی امام را مطلع کند، امام جماعت به شک خود اعتنا نمی‌کند و همچنین اگر مأوم شک کند ولی امام جماعت شک نداشته باشد، همانند امام جماعت، عمل می‌کند و صحیح است.^۳

● شک در نماز مستحب

اگر نمازگزار در رکعات نماز مستحب شک کند: مانند وظیفه‌ای که برای کثیرالشک گفته شد عمل می‌کند.^۴

۱- توضیح المسائل، م ۱۱۸۴.

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی الشکوک التي لا اعتبار بها، ص ۲۰۷؛ توضیح المسائل، م ۱۱۸۵.

۳- همان.

۴- همان، م ۱۱۹۳ و ۱۱۹۵.

شک در اصل نماز^۱

شک در بجای آوردن نماز

- پیش از گذشتن وقت ← باید نماز را بخواند.
 - پس از گذشتن وقت ← لازم نیست آن نماز را بخواند.
- مسأله:** کسی که در بجای آوردن نماز، کثیرالشک است حکم افراد عادی را دارد ولی وسواسی به شک خود اعتنا نمی‌کند، هرچند در وقت نماز شک کند.^۲

شک در صحت نماز

اگر نمازگزار در صحت نماز خوانده شده شک کند، اعتنا نمی‌کند و خواندن دوباره نماز لازم نیست، چه پیش از گذشتن وقت نماز باشد یا پس از آن.

□ حکم گمان در نماز

- در اصل نماز: حکم شک را دارد.^۳
- در رکعات نماز: حکم یقین را دارد.^۴
- در اجزا و افعال نماز: در مواردی که با وظیفه شک مخالف است، بنا بر احتیاط واجب، باید احتیاط کند؛ مثلاً اگر در حال قیام، پیش از رفتن به سجده گمان به انجام دادن رکوع دارد ولی یقین ندارد،^۵ رکوع را بجا می‌آورد و نماز را هم اعاده می‌کند.^۶

نماز احتیاط

در مواردی که نماز احتیاط واجب می‌شود؛ مثل شک بین ۳ و ۴، نمازگزار باید بعد از سلام نماز، پیش از به هم خوردن صورت نماز یا انجام دادن مبطلی، برخیزد و بدون اذان و اقامه، تکبیر

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، القول فی الشک، ص ۱۹۸ - ۲۰۶.

۲ - همان، ص ۲۰۰، م ۸.

۳ - همان، ص ۲۰۹، م ۱.

۴ - در این فرض اگر شک می‌داشت، به شک خود اعتنا نمی‌کرد و رکوع بجا نمی‌آورد، پس وظیفه کسی که شک دارد، ترک رکوع است ولی کسی که گمان دارد انجام رکوع است.

۵ - تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی حکم الظن فی افعال الصلوة و رکعاتها، ص ۲۰۹، م ۱. به فتوای برخی از فقها، گمان در افعال و اجزای نماز حکم شک را دارد.

بگوید و نماز احتیاط را بخواند.^۱

تفاوت نماز احتیاط با نمازهای دیگر

* نیت آن را نباید به زبان آورد.

* سوره و قنوت ندارد (هر چند دو رکعتی باشد).

* سوره حمد حتی بسم الله الرحمن الرحيم را باید آهسته بخواند (بنابر احتیاط واجب).^۲

۱- اگر یک رکعت نماز احتیاط، واجب باشد، پس از سجده‌ها، تشهد می‌خواند و سلام می‌دهد و اگر دو رکعت واجب شده باشد، نباید در رکعت اول تشهد و سلام بخواند، بلکه باید یک رکعت دیگر هم (بدون تکبیرة الاحرام) بخواند و در پایان رکعت دوم، تشهد خوانده، سلام می‌دهد.^۳

۲- اگر پس از سلام نماز، نماز احتیاط را عمداً یا سهواً نخواند، بنابر احتیاط واجب باید نماز احتیاط را بخواند و نماز را هم اعاده کند.^۴

۳- کسی که نشسته نماز می‌خواند اگر شکی برایش پیش آید که باید دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند، یا شکی کند که باید برای آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بخواند، باید دو رکعت نشسته بجا آورد.^۵

استفتا

س- کسی که وظیفه‌اش خواندن نماز به طور خوابیده است، اگر شک بین ۳ و ۴ کند باید یک

رکعت نماز احتیاط بخواند یا دو رکعت؟ یا بستگی به نیت دارد؟

ج- مخیر است بین یک رکعت خوابیده به جای یک رکعت ایستاده یا دو رکعت خوابیده به

جای دو رکعت نشسته.^۶

۱- تحریر الوسیله، القول فی رکعات الاحتیاط، ص ۲۱۰، م ۱ و ۲.

۲- توضیح المسائل، م ۱۲۱۵. ۳- همان، م ۱۲۱۵ و ۱۲۱۶.

۴- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی رکعات الاحتیاط، ص ۲۱۰، م ۱.

۵- توضیح المسائل، م ۱۲۱۲. ۶- استفتاءات، ج ۱، ص ۱۶۸، س ۱۵۵.

سجده سهو

کیفیت سجده سهو

- ۱- در مواردی که سجده سهو واجب می شود، باید بعد از سلام نماز، به سجده رود و بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بهتر است بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ و بعد بنشینند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهای بالا را بگوید، سپس بنشینند و تشهد و سلام را بجا آورد.^۱
- ۲- برای سجده سهو، گفتن تکبیرة الاحرام واجب نیست، ولی احتیاط مستحب است.^۲

□ موارد سجده سهو:

- | | | |
|---|---|-------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱- در بین نماز سهواً حرف بزند. ۲- یک سجده را فراموش کند و در رکوع رکعت بعد، یا پس از آن یادش بیاید. ۳- در نماز چهار رکعتی، شک بین ۴ و ۵ در حالت نشسته یا ۵ و ۶ در حالت ایستاده پیش آید.^۳ | } | واجب: |
|---|---|-------|

- | | | |
|---|---|--------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱- سلام بی جا؛ مثلاً در رکعت سوم نماز چهار رکعتی سهواً سلام بدهد. ۲- تشهد را فراموش کند. | } | احتیاط واجب: |
|---|---|--------------|

احتیاط مستحب: مقداری از سلام واجب نماز بی جا گفته شود.^۴

- ۱- اگر چیزی را که غلط خوانده دوباره صحیح بخواند، سجده سهو واجب نیست.^۵
- ۲- اگر در نماز سهواً مدتی حرف بزند و تمام آن یک مرتبه حساب شود، دو سجده سهو

۱- توضیح المسائل، م ۱۲۵۰. ۲- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی سجود السهو، ص ۲۱۴، م ۵.
 ۳- یادآوری می شود اگر در حالت ایستاده، شک بین ۵ و ۶ پیش آید، نمازگزار باید بدون رکوع بنشیند که در این صورت به شک بین ۴ و ۵ در حالت نشسته برگشت می کند.
 ۴- توضیح المسائل، م ۱۲۳۶ و ۱۲۴۲. برخی از فقها، موارد سجده سهو را بیشتر از این می دانند؛ مثلاً برای قیام بی جا سجده سهو را واجب می دانند.
 ۵- همان، م ۱۲۳۹.

کافی است.^۱

اجزای فراموش شده نماز

- ۱- اگر یکی از اجزای واجب نماز را عمداً ترک کند، نماز باطل است و اگر واجبات غیر رکنی سهواً ترک شود، نماز باطل نمی‌شود و قضا کردن آن لازم نیست، به جز تشهد و یک سجده که سهواً ترک شده باشد.^۲
- ۲- اگر نمازگزار، سجده یا تشهد را فراموش کند، بنابر احتیاط واجب، پس از سلام نماز، پیش از به هم خوردن صورت نماز، باید قضای آن را بجا آورد و سپس سجده سهو را انجام دهد.^۳
- ۳- اگر بین نماز و قضای تشهد یا سجده، کاری کند که عمدی و سهوی آن، نماز را باطل می‌کند؛ مثلاً پشت به قبله کند، باید قضای سجده را بجا آورد و نمازش صحیح است.^۴
- ۴- کسی که باید سجده یا تشهد را قضا کند، اگر برای کار دیگری هم سجده سهو بر او واجب شده باشد، باید بعد از نماز، سجده یا تشهد را قضا کند، بعد سجده سهو را بجا آورد.^۵

۹ پرسش

- ۱- مورد اشتراک شک بعد از وقت و شک بعد از سلام چیست؟
- ۲- اگر کثیرالشک، در رکعت اول پس از سجده، شک کند که یک سجده بجا آورده یا دو تا، تکلیفش چیست؟
- ۳- اگر در نماز مستحبی شک بین ۱ و ۲ پیش آید، وظیفه چیست؟
- ۴- اگر انسان ساعت ۴ بعد از ظهر شک کند نماز عصر را خوانده یا نه تکلیف چیست؟
- ۵- اگر نمازگزار پس از اتمام نماز، نماز احتیاط یا سجده سهو را سهواً انجام ندهد، تکلیف چیست؟
- ۶- در چه صورتی ممکن است نماز احتیاط و سجده سهو، هر دو واجب شود؟ مثالی بزنید.
- ۷- اگر نماز احتیاط و سجده سهو، هر دو واجب شود، کدام را باید مقدم بدارد؟ چرا؟
- ۸- ظن در افعال نماز چه حکمی دارد، دو مثال بزنید.

۱- توضیح المسائل، م ۱۲۴۰.

۲- تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی الاجزاء المنسیة، ص ۲۱۲، م ۱.

۳- همان.

۴- توضیح المسائل، م ۱۲۵۵.

۵- همان، م ۱۲۶۱.

درس ۲۷



مُبطّلات نماز

آنگاه که نمازگزار، تکبیرة الاحرام می‌گوید، تا پایان نماز، بعضی کارها بر او حرام می‌شود و اگر یکی از آنها را انجام دهد نمازش باطل می‌شود، مبطّلات نماز عبارتند از:

- از بین رفتن یکی از شرط‌های نماز؛
- پیش آمدن چیزی که وضو یا غسل را باطل می‌کند؛
- خوردن و آشامیدن؛
- سخن گفتن؛
- خندیدن؛
- گریستن؛
- رو از قبله برگرداندن؛
- کم یا زیاد شدن ارکان نماز؛
- بر هم زدن صورت نماز؛
- دست‌ها را بر هم گذاشتن؛
- آمین گفتن بعد از حمد؛
- پیش آمدن شکی که مبطل نماز است؛^۱

۱ - توضیح المسائل، م ۱۱۲۶. شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند در درس ۲۴ گذشت.

احکام مبطلات نماز

- ۱- اگر در بین نماز یکی از شرایط صحیح بودن آن از بین برود نماز باطل می‌شود؛ مثلاً در بین نماز بفهمد مکانش غصبی است.^۱
- ۲- اگر در بین نماز وضو باطل شود یا یکی از موجبات غسل پیش آید، نماز باطل است.^۲

● سخن گفتن

- ۱- اگر نمازگزار عمداً کلمه‌ای بگوید و بخواهد مطلبی را بفهماند، نمازش باطل است، اگرچه آن کلمه معنایی نداشته باشد یا یک حرف باشد.^۳
- ۲- سرفه و آروغ و آه کشیدن نماز را باطل نمی‌کند ولی گفتن «آخ» و «آه» و مانند این‌ها که دو حرف دارد، اگر عمدی باشد نماز را باطل می‌کند.^۴
- ۳- در نماز نباید به کسی سلام کرد، ولی اگر کسی به نمازگزار سلام کند جواب او واجب است و باید «سلام» را مقدم بدارد؛ مثلاً بگوید: «سَلَامٌ عَلَيْكَ» یا «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» و نباید «عَلَيْكُمْ السَّلَام» بگوید.^۵
- ۴- اگر کلمه‌ای را به قصد ذکر بگوید؛ مثلاً بگوید: «الله اکبر» و در موقع گفتن آن، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند اشکال ندارد ولی اگر به قصد اینکه چیزی به کسی بفهماند بگوید، اگرچه قصد ذکر هم داشته باشد، نماز باطل می‌شود، چون قصد اصلی غیر ذکر است و قصد ذکر فرع بر آن می‌باشد.^۶

استفتا

- س - اگر کسی به نمازگزار سلام کند و فقط بگوید: «سلام» نمازگزار چگونه باید پاسخ دهد؟
- ج - جواب واجب است و در جواب یا باید به لفظ «سلام» اکتفا کند، یا بگوید: «سلام علیکم».^۷

۱ - توضیح المسائل، م ۱۱۲۶. ۲ - همان.

۳ - همان، ص ۱۵۴. به فتوای برخی از فقها، اگر کلمه معنادار باشد، هرچند نخواهد مطلبی را بفهماند، نماز باطل است.

۴ - همان، م ۱۱۳۳.

۵ - همان، م ۱۱۳۷. به فتوای برخی از فقها، در پاسخ سلام باید همان طور که سلام کرده جواب بدهد.

۶ - همان، م ۱۱۳۴. ۷ - استفتاءات، ج ۱، ص ۳۰۰، س ۵۶۰.

● خندیدن و گریستن

- ۱- خنده عمدی و با صدا نماز را باطل می‌کند.
- ۲- لبخند زدن نماز را باطل نمی‌کند.
- ۳- اگر نمازگزار برای کار دنیا عمداً با صدا گریه کند نمازش باطل می‌شود.
- ۴- گریه بی‌صدا و گریه از ترس خدا یا برای آخرت - هر چند با صدا باشد - نماز را باطل نمی‌کند.^۱

● رواز قبله برگرداندن

- ۱- اگر نمازگزار عمداً روی خود را از قبله برگرداند، به طوری که نگویند رو به قبله است، نمازش باطل می‌شود.
- ۲- اگر سهواً تمام صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند، به احتیاط واجب نماز را دوباره بخواند. ولی اگر به طرف راست یا چپ قبله نرسیده است، نماز صحیح است.^۲

● برهم زدن صورت نماز

- ۱- اگر در بین نماز، کاری کند که صورت نماز را برهم زند؛ مثل دست زدن، به هوا پریدن و مانند اینها، هر چند از روی فراموشی باشد، نماز باطل می‌شود.^۳
- ۲- اگر نمازگزار به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل می‌شود.^۴
- ۳- رها کردن نماز واجب (شکستن نماز) حرام است مگر در حال ناچاری؛ مثل اینکه اگر نماز را رها نکند جاننش در خطر باشد.
- ۴- شکستن نماز برای پرداخت بدهی با این شرایط اشکال ندارد:
* طلبکار، طلب خود را بخواهد.
* وقت نماز تنگ نباشد؛ یعنی بتواند پس از پرداخت بدهی، نماز را در وقت آن بخواند.
* در بین نماز نتواند بدهی را بپردازد.^۵
- ۵- اگر در بین نماز متوجه شود که مسجد نجس است و:

- وقت نماز تنگ است: باید نماز را تمام کند و پس از نماز مسجد را تطهیر کند.
- وقت نماز وسعت دارد: اگر نمی‌تواند در بین نماز مسجد را تطهیر کند، باید نماز را رها

۱- توضیح المسائل، ص ۱۵۶ هفتم و هشتم از مبطلات نماز. به فتاوی برخی از فقها، گریه برای کار دنیا هر چند بی‌صدا باشد،

۲- همان، م ۱۱۳۱.

نماز را باطل می‌کند.

۴- همان، م ۱۱۵۲.

۳- همان، ص ۱۵۶، نهم از مبطلات نماز.

۵- همان، م ۱۱۵۹ تا ۱۱۶۱.

کند و مسجد را تطهیر نماید و بعد نماز را بخواند.^۱
 □ ۶- شکستن نماز برای مالی که اهمیت ندارد مکروه است.^۲

● دست‌ها را بر هم گذاشتن

اگر نمازگزار مثل بعضی غیر شیعیان در حال نماز دست‌ها را روی هم بگذارد نماز باطل است.^۳

● آمین گفتن

اگر نمازگزار پس از سوره حمد عمداً «آمین» بگوید نماز باطل می‌شود ولی اگر سهواً یا از روی تقیّه بگوید نماز باطل نمی‌شود.^۴

چیزهایی که در نماز مکروه است:

- ۱- برهم گذاشتن چشم‌ها؛
- ۲- بازی کردن با انگشتان و دست‌ها؛
- ۳- سکوت هنگام خواندن حمد یا سوره یا ذکر، برای شنیدن حرف کسی؛
- ۴- هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد؛
- ۵- گردانیدن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم (اگر زیاد باشد نماز باطل می‌شود).^۵

۵ پرسش

- ۱- اگر نمازگزار سهواً کلمه‌ای معنادار بگوید، نمازش چه حکمی دارد؟
- ۲- اگر کسی به نمازگزار بگوید: «سلام» آیا جواب آن واجب است و در صورت وجوب چگونه باید جواب دهد؟
- ۳- اگر در بین قرائت برای متوجه کردن کسی، «الله اکبر» بگوید، نماز چه حکمی دارد؟
- ۴- در چه صورت می‌توان برای پرداخت بدهی نماز را رها کرد؟
- ۵- اگر مسافر در بین نماز متوجه شود قطار آماده حرکت است، آیا می‌تواند نماز را رها کند؟

۱- توضیح المسائل، م ۱۱۶۲. به فتوای برخی از فقها، چنانچه بعد از نماز تطهیر مسجد ممکن باشد، شکستن نماز جایز نیست، بلکه باید نماز را تمام کند و بعد از نماز مسجد را تطهیر کند.

۲- همان، م ۱۱۶۰. برخی از فقها، شکستن نماز را برای مال کم اهمیت جایز ندانسته‌اند.

۳- همان، ص ۱۵۳، سوم از مبطلات نماز. ۴- همان، ص ۱۵۴، چهارم از مبطلات نماز.

۵- همان، م ۱۱۵۷.

درس ۲۸

نماز مسافر (۱)

﴿وَإِذَا ضَرَيْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا
مِنَ الصَّلَاةِ...﴾

«هرگاه در زمین راه می‌پیمایید (به سفر می‌روید) بر شما باکی نیست که

نماز را کوتاه کنید...» (سوره نساء، آیه ۱۰۲)

انسان باید در سفر، با شرایطی که خواهد آمد، نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت (یعنی شکسته) بجا آورد:

- ۱- سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی^۱ نباشد.
- ۲- از اول مسافرت، قصد پیمودن هشت فرسخ را داشته باشد.
- ۳- به حد ترخص برسد.
- ۴- در بین راه، پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برنگردد.
- ۵- نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرد، یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند.
- ۶- برای کار حرام سفر نکند و خود سفر هم حرام نباشد.
- ۷- بیابانگرد نباشد.
- ۸- شغل او مسافرت نباشد.^۲

۱- هشت فرسخ شرعی تقریباً ۴۵ کیلومتر است و برخی از فقها، کمتر از این مقدار دانسته‌اند.

۲- توضیح المسائل، نماز مسافر.

شرط اول

□ ۱- کسی که رفت و برگشت او هشت فرسخ است، اگر رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد باید نماز را شکسته بخواند، ولی اگر رفتن، کمتر از چهار فرسخ باشد، مثلاً سه فرسخ می‌رود و پنج فرسخ برمی‌گردد، باید نماز را تمام بخواند.^۱

۲- اگر شهر دیوار دارد، باید ابتدای هشت فرسخ را از دیوار شهر حساب کند و اگر دیوار ندارد باید از خانه‌های آخر شهر حساب کند.^۲

۳- اگر انسان شک کند که سفرش هشت فرسخ است یا کمتر:

(الف) اگر تحقیق کردن برایش مشقت ندارد: بنابر احتیاط واجب باید تحقیق کند.

(ب) اگر تحقیق کردن برایش مشقت دارد: باید نمازش را تمام بخواند.^۳

۴- اگر به جایی می‌رود که دو راه دارد، یک راه کمتر از هشت فرسخ است و راه دیگر هشت فرسخ یا بیشتر، اگر از راهی که هشت فرسخ است برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود، باید نماز را چهار رکعتی بخواند.^۴

شرط دوم

۱- اگر انسان از ابتدا قصد مسافرت هشت فرسخ نداشته باشد و به جایی مسافرت کند که کمتر از هشت فرسخ است و بعد از رسیدن به آن جا، تصمیم بگیرد که سفر را ادامه دهد، پس اگر بخواهد:

● هشت فرسخ دیگر برود یا چهار فرسخ برود برگردد، و مجموع رفت و برگشت، کمتر از هشت فرسخ نباشد، باید نماز را شکسته بخواند.

● به جایی برود که با مقدار راه آمده، هشت فرسخ می‌شود و خود به تنهایی هشت فرسخ نیست، چون از اول قصد هشت فرسخ را نداشته، نمازش تمام است.^۵

۲- کسی که در سفر به اختیاری است، مانند فرزند که همراه پدر و مادر به سفر می‌رود یا سربازی که با فرمانده است، چنانچه بداند سفر او هشت فرسخ است، باید نماز را شکسته بخواند.^۶

۱- توضیح المسائل، م ۱۲۷۲. به فتاوی برخی از فقها، هر چند مسافت رفت کمتر از چهار فرسخ باشد ولی مجموع سفر هشت

فرسخ باشد، نماز شکسته است. ۲- همان، م ۱۲۸۰.

۳- همان، م ۱۲۷۴. ۴- همان، م ۱۲۷۹.

۵- همان، نماز مسافر، شرط دوم. ۶- همان، م ۱۲۸۴.

شرط سوم

□ ۱- مسافر با رسیدن به حدّ ترخّص باید نماز را شکسته بخواند؛ حدّ ترخّص فاصله‌ای است که دیوارهای محل شروع سفر دیده نمی‌شود و اذان آنجا هم شنیده نمی‌شود؛^۱ بنابراین اگر پیش از رسیدن به این حدّ بخواند نماز بخواند، شکسته نیست.^۲

۲- هرگاه شهر یا روستا در بلندی باشد که از دور دیده شود، یا به قدری گود باشد که اگر انسان کمی دور شود دیوار آن را نمی‌بیند، کسی که از آن شهر یا روستا مسافرت می‌کند، وقتی به اندازه‌ای دور شود که اگر آن شهر و زمین هموار بود، دیوارش از آنجا دیده نمی‌شد، باید نماز را شکسته بخواند و نیز اگر پستی و بلندی خانه‌ها بیشتر از معمول باشد، باید ملاحظه معمول را بنماید.^۳

۳- اگر از محلی مسافرت می‌کند که خانه و دیوار ندارد، وقتی به جایی برسد که اگر آن محل دیوار داشت، از آنجا دیده نمی‌شد، و اذان آنجا را نیز نمی‌شنود، باید نماز را شکسته بخواند.^۴

۴- کسی که به سفر می‌رود، اگر به جایی برسد که اذان را نشنود ولی دیوار شهر را ببیند، یا دیوارها را نبیند اما صدای اذان را بشنود، چنانچه بخواند در آنجا نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب باید هم شکسته و هم تمام بخواند.^۵

حد ترخّص در پایان سفر

۱- مسافری که به وطنش می‌رود، وقتی دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آن را بشنود، باید نماز را تمام بخواند.

۲- اگر مسافر به جایی می‌رود که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، بنابر احتیاط واجب، باید نماز را تأخیر بیندازد تا به منزل برسد، یا نماز را هم تمام و هم شکسته بخواند.

□ ۳- اگر مسافر به جایی می‌رود که وطن او نیست و تصمیم ندارد در آنجا ده روز بماند، در هر صورت - چه پیش از رسیدن به حدّ ترخّص، چه پس از آن - باید نماز را شکسته بخواند.^۶

۱- حد ترخّص تقریباً سه تا چهار کیلومتر است.

۲- توضیح المسائل، نماز مسافر، شرط هشتم، در تعیین حدّ ترخّص نظرات فقها، متفاوت است؛ برخی ندیدن دیوارها را کافی می‌دانند و برخی دیگر دیدن یا ندیدن دیوارها را مؤثر نمی‌دانند، بلکه ندیدن کسی که به مسافرت می‌رود ملاک است.

۳- توضیح المسائل، م ۱۳۲۰. ۴- همان، م ۱۳۲۱.

۵- همان، م ۱۳۱۸.

۶- همان، م ۱۳۱۹. به فتوای برخی از فقها، در فرض اول، رسیدن به حدّ ترخّص آن محل کافی است.

شرط چهارم

اگر در بین راه از ادامه سفر منصرف شود:

الف) پیش از پیمودن چهار فرسخ منصرف شود، باید نماز را تمام بخواند.

ب) پس از پیمودن چهار فرسخ (پیش از رسیدن به هشت فرسخ)

$\left\{ \begin{array}{l} ۱ - \text{بخواهد همانجا بماند و بعد از ده روز برگردد} \\ ۲ - \text{مردّد شود که بماند یا برگردد} \\ ۳ - \text{بخواهد برگردد، باید نماز را شکسته بخواند.} \end{array} \right.$	نماز را تمام بخواند.
---	----------------------

ج) پس از پیمودن هشت فرسخ یا بیشتر، از سفر منصرف شود، باید نماز را را شکسته بخواند.^۱

شرط پنجم

۱- کسی که می‌خواهد، در بین راه، پیش از پیمودن هشت فرسخ، از وطن خود عبور کند یا ده روز در محلی بماند، باید نماز را تمام بخواند، چون با رسیدن به وطن یا جایی که ده روز می‌ماند، سفر تمام می‌شود و این سفر کمتر از هشت فرسخ است.^۲

۲- اگر در سفر، پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد یا جایی ده روز در محلی بماند، اگر باقیمانده سفر هشت فرسخ باشد، یا چهار فرسخ باشد و بخواهد برود و برگردد، باید در باقیمانده سفر، نماز را شکسته بخواند.^۳

شرط ششم

۱- اگر سفر، به خودی خود حرام باشد؛ مثل فرار از جبهه جهاد، یا برای کار حرام باشد؛ مانند سفر برای ستم به دیگران، در چنین سفری نماز تمام است.^۴

۲- کسی که سفر او حرام نیست و برای کار حرام هم سفر نمی‌کند، اگر چه معصیتی انجام دهد؛ مثلاً غیبت کند، باید نماز را شکسته بخواند.^۵

۱ - توضیح المسائل، نماز مسافر، شرط سوم و مسأله ۱۲۸۷ و ۱۲۸۸.

۲ - همان، نماز مسافر، شرط چهارم.

۳ - همان، م ۱۲۹۴.

۴ - همان، نماز مسافر، شرط پنجم.

۵ - همان، م ۱۲۹۶.

شرط هفتم

۱- صحرانشینانی که در بیابان هاگردش می کنند و هر جا آب و خوراک برای خود و حیوان هایشان پیدا کنند، می مانند و بعد از چندی به جای دیگر می روند، در این سفرها باید نماز را تمام بخوانند.^۱

□ ۲- اگر صحرانشین برای زیارت یا حج یا تجارت و مانند اینها مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند.^۲

شرط هشتم

۱- کسی که شغل او مسافرت است، مانند خلبان، ملوان و راننده، یا شغل او در سفر است، مثل میهماندار هواپیما و قطار در سفرهایی که شغل اوست باید در غیر سفر اول نماز را تمام بخواند، ولی در سفر اول، هرچند طول بکشد، نمازش شکسته است.^۳

□ ۲- کسی که شغلش مسافرت است، اگر برای کار دیگری؛ مثلاً برای زیارت یا حج مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند ولی اگر مثلاً راننده، مسافران را می برد و کرایه می گیرد و خودش نیز زیارت می کند، باید نمازش را تمام بخواند.^۴

۳- راننده و دوره گردی که در دو سه فرسخی شهر رفت و آمد می کند، شغل او مسافرت نیست و چنانچه اتفاقاً سفر هشت فرسخی برود، باید نماز را شکسته بخواند.^۵

۴- کسی که شغلش مسافرت است، اگر ده روز یا بیشتر در وطن یا غیر وطن بماند، باید در سفر اولی که بعد از ده روز می رود، نماز را شکسته بخواند.^۶

۱- توضیح المسائل، نماز مسافر، شرط ششم. ۲- همان، م ۱۳۰۶. به پاورقی ۳ مراجعه شود.

۳- همان، نماز مسافر، شرط هفتم. به فتوای برخی از فقها، افرادی که برای شغلشان مسافرت می روند، هرچند شغلشان سفر نباشد - مانند کسی که محل کارش در فاصله چهار فرسخ یا بیشتر است و هر روز برای کار به آنجا می رود و برمی گردد، نمازش در این سفرها تمام است. و برخی دیگر نماز کسی را که زیاد به سفر می رود، هرچند برای کار نباشد تمام می دانند.

۴- همان، م ۱۳۰۷. ۵- همان، م ۱۳۱۱.

۶- همان، م ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳.

۶ پرسش

- ۱- مأمور بررسی قطع سیم برق برای یافتن محل قطع از محل خود حرکت می‌کند و بدون قصد ۵۸ کیلومتر از شهر دور می‌شود، نماز او در این مأموریت، از آغاز تا پایان، تمام است یا شکسته؟
- ۲- کشاورزی که هر روز از روستا به مزرعه خود که در فاصله ۱۲ فرسخی است می‌رود و برمی‌گردد، نمازش چه حکمی دارد؟
- ۳- شخصی پس از پیمودن پنج فرسخ از راه به علت نقص فنی وسیله نقلیه خود، تصمیم به برگشت می‌گیرد، اگر همانجا یا در برگشت بخواهد نماز بخواند، نمازش تمام است یا شکسته؟
- ۴- آیا این افراد شغلشان مسافرت است؟
 - * مأمور خرید یک وزارتخانه که از شهرهای مختلف خرید می‌کند.
 - * آموزگاری که هر روز برای تدریس به شهر دیگر می‌رود و برمی‌گردد.
 - * مهمانداران هواپیما، کشتی و قطار.

درس ۲۹

نماز مسافر (۲)

در این مکان‌ها نماز تمام است:

(الف) در وطن؛ هرچند مدت کوتاهی در آنجا بماند.

(ب) در جایی که می‌داند ده روز می‌ماند، یا تصمیم دارد بماند.

(ج) در جایی که سی روز با تردید مانده؛ یعنی معلوم نبوده است که می‌ماند یا می‌رود و تا سی روز به همین حالت مانده و از آنجا به جایی هم نرفته است، در این صورت باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند.^۱

وطن

۱- وطن، جایی است که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است، مثلاً یک شهر یا روستا، خواه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد یا خودش آن جا را برای زندگی اختیار کرده باشد.^۲

□ ۲- تا انسان قصد ماندن همیشگی در غیر وطن اصلی خودش را نداشته باشد، آنجا وطن او نیست؛ مانند دانشجویی که مدتی برای تحصیل در جایی می‌ماند.^۳

□ ۳- کسی که در دو محل زندگی می‌کند؛ مثلاً شش ماه در شهری و شش ماه در شهر دیگر

۱- توضیح المسائل، شرط چهارم و مسألة ۱۳۲۸، ۱۳۳۵ و ۱۳۵۳.

۲- همان، م ۱۳۲۹.

۳- همان، م ۱۳۳۱. به فتوای برخی از فقها، قصد ماندن همیشگی شرط نیست، بلکه اگر تصمیم دارد چند سالی در آنجا بماند؛ مثل کارمندی که محل کار و مأموریت او به شهری منتقل شده که چند سالی باید در آنجا بماند، حکم وطن را دارد.

می ماند و هر دو را برای زندگی همیشگی اختیار کرده است، هر دو وطن اوست. اگر بیشتر از دو محل را برای زندگی خود اختیار کرده باشد اشکال دارد و باید احتیاط مراعات شود.^۱

۴- اگر انسان بدون قصد ماندن همیشگی در جایی، آن قدر بماند که مردم، او را اهل آنجا بدانند، آنجا برای او حکم وطن را دارد.^۲

۵- اگر به جایی برود که پیشتر وطن او بوده ولی هم اکنون از آنجا صرف نظر کرده است، نباید نماز را تمام بخواند، اگر چه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد.^۳

استفتا

س- در مورد همسر و یا فرزندی که تکلیف شده و در منزل تابع شوهر و یا پدر خود می باشند، آیا در مسأله ترک وطن تابع پدر و یا شوهر خود هستند و اگر پدر و یا شوهر ترک وطن نمود، آنها هم همان حکم را پیدا می کنند و یا باید مستقلاً تصمیم بگیرند؟

ج- زن و فرزندی که از حد تبعیت بالطبع بیرون آمده و صاحب اراده است، در اتخاذ وطن و اعراض از آن و قصد اقامه تابع نیست و میزان، تصمیم خود او است.^۴

قصد ده روز

۱- مسافری که قصد دارد ده روز پشت سر هم در محلی بماند یا می داند که بدون اختیار ده روز در محلی می ماند؛ مثل سربازی که اختیارش با فرمانده است، در آن محل باید نماز را تمام بخواند.^۵

۲- مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیش از ده روز بماند، تا وقتی که مسافرت نکرده، باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.^۶

۳- اگر انسان از قصد ده روز برگردد:

الف) قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد: باید نماز را شکسته بخواند.

ب) بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد: تا وقتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند.^۷

۱- توضیح المسائل، م ۱۳۳۲. به فتوای برخی از فقهاء، اگر بیشتر از دو محل را برای زندگی خود اختیار کرده باشد، همه آنها

۲- همان، م ۱۳۳۱.

وطن او محسوب می شود.

۴- استفتائات، ج ۱، ص ۲۶۴، س ۴۲۸.

۳- همان، م ۱۳۳۴.

۶- همان، م ۱۳۴۷.

۵- توضیح المسائل، م ۱۳۳۵.

۷- همان، م ۱۳۴۲.

۴- مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند در صورتی که تصمیم دارد تمام ده روز را در یک جا بماند نمازش تمام است، ولی اگر بخواند در دو محل یا بیشتر بماند مثلاً در نجف و کوفه یا تهران و کرج بماند، باید نماز را شکسته بخواند.^۱

بیرون رفتن از محل قصد اقامه

□ مسافری که قصد ماندن ده روز در محلی را دارد، چنانچه به اطراف آنجا - کمتر از چهار فرسخ - برود و برگردد تنها در یک فرض نمازش شکسته است و آن در صورتی است که در ابتدا قصد بیرون رفتن - در بین ده روز - از آنجا را دارد و می‌داند بیشتر از دو ساعت طول می‌کشد. بنابراین در موارد ذیل نماز کامل است:

* جایی که می‌رود جزو آن محل به حساب می‌آید.

* جای جدایی است ولی بنا دارد پس از آنکه ده روز در یک محل ماند برود.

* بنا دارد در بین ده روز مدت کوتاهی مثلاً دو ساعتی برود و برگردد؛ هرچند موقعی که رفت بیشتر طول بکشد.

* از اول بنا نداشت برود و پس از خواندن یک نماز چهار رکعتی تصمیم گرفت برود و برگردد؛ در این فرض هم اگر بیشتر از دو ساعت طول بکشد، نماز کامل است.^۲

استفتا

□ س - عده‌ای که سال‌هاست در منطقه‌ای ساکن عمارات و ساختمان‌های دولتی بوده و خود نیز از کارکنان دولت هستند، اخیراً در بین آنان شایع شده که چون شما نمی‌دانید چند مدت در اینجا خواهید بود نماز و روزه شما قصر است و بعضی هم اکنون در خانه‌های مسکونی خود نمازهای خود را شکسته می‌خوانند، آیا در فتاوی‌ای امام امت، چنین موردی هست یا خیر؟

ج - اگر وطن اصلی آنها نیست و قصد ماندن همیشه در آنجا ندارند بدون قصد ماندن ده روز در آنجا، حکم مسافر دارند.^۳

۱ - توضیح المسائل، م ۱۳۲۷.

۲ - همان، م ۱۳۳۸ و ۱۳۴۹. به فتوای برخی از فقها، اگر تصمیم داشته باشد تا پنج، شش ساعت برود و برگردد ضرری ندارد و به فتوای برخی دیگر تا نصف روز هم اشکال ندارد. و برخی دیگر قائلند که اگر همان روز برمی‌گردد و شب را در جای دیگر نمی‌ماند اشکال ندارد.

۳ - استفتات، ج ۱، ص ۲۶۰، س ۴۱۷. به فتوای برخی از فقها، قصد ماندن همیشگی لازم نیست بلکه اگر تصمیم داشته باشد

□ وظیفه مسافری که نمازش را تمام خوانده:

- (الف) اگر نمی دانست که مسافر باید نماز را شکسته بخواند: نمازی که خوانده صحیح است.^۱
 (ب) اگر حکم سفر را می دانست ولی بعضی از جزئیات را نمی دانست، یا نمی دانست که مسافر است: نمازی را که خوانده، باید دوباره بخواند.^۲
 (ج) اگر فراموش کند مسافر است و نماز را تمام بخواند، باید دوباره نمازش را شکسته بخواند.^۳

وظیفه غیر مسافری که نمازش را شکسته خوانده:

- کسی که باید نماز را تمام بخواند، اگر شکسته بجا آورد، در هر صورت نمازش باطل است.^۴

اماکن تخییر

- مسافر در این مکان ها می تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند:

* مسجد الحرام

* مسجد النبی ﷺ در مدینه منوره

* مسجد کوفه

* حرم امام حسین علیه السلام^۵

یادآوری:

این حکم اختصاص به نماز دارد و مسافر در این مکان ها نمی تواند روزه بگیرد، به جز در مدینه منوره که سه روز روزه گرفتن برای برآورده شدن حاجت مستحب است، و مسافر هم می تواند این روزه ها را بجا آورد و احتیاط آن است که روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه باشد.^۶

۱ - چند سالی در آنجا بماند حکم وطن را دارد. توضیح المسائل، م ۱۳۵۹.

۲ - همان، م ۱۳۶۰، ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲. به فتوای برخی از فقهاء، اگر برخی از جزئیات احکام سفر را نمی دانست و نماز را تمام خواند در حالی که وظیفه اش شکسته خواندن نماز است چنانچه در وقت نماز متوجه شود باید نماز را اعاده کند و اگر بعد از وقت متوجه شود قضا لازم نیست. توضیح المسائل، م ۱۳۵۸.

۳ - همان، م ۱۳۶۳.

۴ - همان، م ۱۳۵۶. به فتوای برخی از فقهاء، تمام شهر مکه و مدینه جزو اماکن تخییر است.

۵ - توضیح المسائل، م ۱۷۱۸.

۶ - توضیح المسائل، م ۱۷۱۸.

۹ پرسش

- ۱- کارمندانی که چندین سال در شهری کار می‌کنند، آیا آنجا وطن آنان محسوب می‌شود؟
- ۲- در چه صورت ممکن است جایی که زادگاه انسان نیست و قصد ماندن همیشگی را نیز ندارند، حکم وطن داشته باشد؟
- ۳- شخصی برای کاری به شهری مسافرت می‌کند و می‌داند که کار او بیش از ده روز طول می‌کشد، ولی پس از گذشت سه روز متوجه می‌شود که پنج روز دیگر، کارش به انجام می‌رسد و از آنجا خواهد رفت، تکلیف نمازهای خوانده شده و پنج روز آینده چیست؟
- ۴- شخصی به گمان آنکه سفرش کمتر از هشت فرسخ است، نماز را تمام خوانده و پس از نماز متوجه می‌شود که بیش از هشت فرسخ بوده، نمازهای خوانده شده چه حکمی دارد؟
- ۵- آیا در سفری که نماز شکسته است می‌توان قضای نماز چهار رکعتی خواند؟

درس ۳۰

نماز قضا

انسان باید نمازهای واجب را در وقت خود بخواند و چنانچه در آن وقت نماز نخوانده باشد باید آن نماز را به نیت قضا بجا آورد.

۱- در دو مورد بجا آوردن قضای نماز واجب است:

• نماز واجب را در وقت آن نخوانده باشد.

• بعد از وقت متوجه شود نمازی که خوانده، باطل بوده است.^۱

□ ۲- کسی که نماز قضا دارد، نباید در خواندن آن کوتاهی کند، ولی واجب نیست فوری آن را بجا آورد.^۲

۳- حالت‌های مختلف انسان نسبت به نماز قضا:

* می‌داند نماز قضا ندارد: چیزی واجب نیست.

* شک دارد نماز قضا دارد یا نه: چیزی واجب نیست.

* احتمال می‌دهد نماز قضا دارد یا نمازهایی را که خوانده صحیح نبوده: مستحب است احتیاطاً قضای آن را به جا آورد.

* می‌داند نماز قضا دارد ولی تعداد آنها را نمی‌داند؛ مثلاً نمی‌داند چهار تا بوده یا پنج تا: خواندن مقدار کمتر کافی است.

* تعداد آنها را فراموش کرده: خواندن مقدار کمتر کفایت می‌کند.

۱- توضیح المسائل، م ۱۳۷۰، ۱۳۷۱.

۲- همان، م ۱۳۷۲. به فتوای برخی از فقهاء، اگر یک یا دو نماز پیش از نماز همان روز باشد احتیاط آن است که اول نماز قضا را بجا آورد.

* تعداد آن را هم می‌داند: باید قضای آن را بجا آورد.^۱

□ ۴- قضای نمازهای یومیّه لازم نیست به ترتیب خوانده شود؛ مثلاً کسی که یک روز نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده، لازم نیست اوّل نماز عصر و بعد از آن نماز ظهر را قضا کند. ولی در نمازهایی که ادای آنها باید به ترتیب خوانده شود؛ مثل نماز ظهر و عصر یک روز، باید قضای آن را نیز به ترتیب بجا آورد.^۲

۵- نماز قضا را با جماعت می‌توان خواند؛ چه نماز امام جماعت ادا باشد و چه قضا، و لازم نیست هر دو، یک نماز را بخوانند؛ مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد.^۳

۶- اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر یا عشا از او قضا شود، باید آن را دو رکعتی بجا آورد، اگر چه در غیر سفر بخواد قضای آن را بجا آورد.^۴

۷- در سفر نمی‌توان روزه گرفت، حتی روزه قضا،^۵ ولی نماز قضا می‌توان بجا آورد و تفصیل این مسأله در بحث روزه مسافر خواهد آمد.^۶

۸- اگر در سفر بخواد نمازهایی را که در غیر سفر قضا شده، بجا آورد، باید نمازهای ظهر و عصر و عشا را چهار رکعتی قضا کند.^۷

۹- نماز قضا را در هر وقت می‌توان بجا آورد؛ یعنی قضای نماز صبح را می‌توان ظهر یا شب و قضای نماز مغرب و عشا را در روز خواند.^۸

۱۰- کسی که نماز قضا دارد، نباید در خواندن آن کوتاهی کند ولی واجب نیست فوری آن را بجا آورد.^۹

۱- توضیح المسائل، م ۱۳۷۴ و ۱۳۸۳. به فتوای برخی از فقهاء، باید مقدار بیشتر را بخواند تا مطمئن شود نماز قضایی بر عهده او نیست، مخصوصاً اگر فراموشی به سبب سهل انگاری خودش باشد.

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۲۵، م ۸؛ توضیح المسائل، م ۱۳۷۵. به فتوای برخی از فقهاء، در صورتی که ترتیب قضا شدن آنها را بداند باید به ترتیب بجا آورد. ۳- توضیح المسائل، م ۱۳۸۸.

۴- همان، م ۱۳۶۸.

۵- روزه گرفتن در سفر در چند مورد استثنا شده و صحیح است که از جمله آنها روزه نذری است به شرط آن که نذر کرده باشد در سفر بگیرد یا روزه معینی را نذر کرده روزه بگیرد و آن روز مسافر است.

۶- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صلاة القضاء، ص ۲۲۴، م ۵؛ العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی صلاة القضاء، ص ۷۳۴، م ۱۰. ۷- توضیح المسائل، م ۱۳۶۸.

۸- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صلاة القضاء، ص ۲۲۳، م ۱؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۳۴، م ۱۰.

۹- توضیح المسائل، م ۱۳۷۲.

۱۱- کسی که نماز قضا دارد، می تواند نماز مستحب بخواند.^۱

استفتا

س - شخصی که مدت ۲ یا ۳ روز بی هوش بوده، آیا نمازهایی را که در این مدت نخوانده قضا لازم است یا خیر؟

ج - اگر تمام وقت بی هوش بوده و به دست خود بیهوش نشده قضا ندارد.^۲

نماز قضای پدر

۱ - تا انسان زنده است اگر چه از خواندن نماز خود عاجز باشد، شخص دیگر نمی تواند نماز او را بخواند.^۳

□ ۲ - پس از مرگ پدر، نمازها و روزه هایی را که بجا نیاورده، بر پسر بزرگ تر او واجب است آن نمازها و روزه ها را قضا کند، و احتیاط مستحب است نماز و روزه هایی را که از مادرش قضا شده، بجا آورد.^۴

۳ - قضای نمازهایی که بر خود میّت واجب بوده بر پسر بزرگ او واجب است، و نمازهایی که به واسطه استیجار یا از پدرش بر او واجب شده بر پسر او واجب نیست.^۵

۴ - حالت های مختلف پسر نسبت به نماز قضای پدر:

الف) می داند پدر نماز قضا داشته است و:

* تعداد آن را هم می داند: باید آنها را قضا کند.

* تعداد آن را نمی داند: اگر مقدار کمتر را بجا آورد کافی است.

* شک دارد که خودش بجا آورده است یا نه: بنابر احتیاط واجب باید قضا کند.^۶

ب) شک دارد که پدر، نماز قضا داشته است یا نه: چیزی بر او واجب نیست.^۷

۵ - اگر پسر بخواهد نماز پدر یا مادر را بخواند، باید به تکلیف خود عمل کند؛ مثلاً نماز قضای

۲ - استفتائات، ج ۱، ص ۱۷۳، س ۱۷۶.

۱ - توضیح المسائل، م ۱۳۷۳.

۳ - توضیح المسائل، م ۱۳۸۷.

۴ - همان، م ۱۳۹۰، به فتوای برخی از فقهاء نماز قضای مادر نیز بر پسر بزرگ وی واجب است.

۵ - تحریر الوسیله، ج ۱، فی صلاة القضاء، ص ۲۲۷، م ۱۶.

۶ - توضیح المسائل، م ۱۳۹۰ - ۳۹۲.

۷ - همان، م ۱۳۹۱.

صبح و مغرب و عشا را باید بلند بخواند.^۱

۶- اگر پس از مرگ پدر، پسر بزرگ‌تر، پیش از آنکه نماز و روزه پدر را قضا کند، از دنیا برود، بر پسر دوم چیزی واجب نیست.^۲

استفتا

س ۱- کسی که خودش نماز و روزه قضا دارد، آیا می‌تواند نماز و روزه استیجاری به عهده بگیرد و در صورت توانستن، آیا از دو نفر هم می‌تواند قبول کند؟

ج - مانع ندارد.^۳

س ۲- پدر و مادر من پسری بزرگ‌تر از من داشتند که در سنین کودکی (دو سالگی) مرده است و بعد از مرگ او اولاد ارشد پدر و مادر، من هستم، آیا بعد از مرگ پدر و مادرم طبق مسائل موجود در توضیح المسائل نماز و روزه قضای پدرم بر من (که پسر دوشم هستم) واجب است یا نه؟

ج - در فرض مرقوم شما پسر بزرگ‌تر هستید.^۴

نماز استیجاری

برای نماز و عبادات دیگر میت، مثل روزه و حج که در زندگی بجا نیاورده، می‌توانند دیگری را اجیر کنند؛ یعنی به او مزد بدهند تا آنها را بجا آورد و اگر کسی بدون مزد هم آنها را انجام دهد صحیح است.^۵

شرایط اجیر

کسی که اجیر می‌شود تا نماز قضای میت را بجا آورد باید شرایط زیر را داشته باشد:

۱- بتواند نماز را به طور صحیح بخواند.

۲- مورد اطمینان باشد که نماز را به طور صحیح بجا می‌آورد.

۳- معذور نباشد، بنابراین کسی که نمی‌تواند ایستاده نماز بخواند نمی‌تواند اجیر شود.

۱- توضیح المسائل، م ۱۳۹۵.

۲- همان، م ۱۳۹۸.

۳- استفتائات، ج ۱، ص ۱۹۲، س ۲۳۲.

۴- همان، ج ۱، ص ۱۸۷، س ۲۱۸.

۵- توضیح المسائل، م ۱۵۳۳.

۴- بنا بر احتیاط واجب با وضوی جبیره یا تیمم نماز بخواند.

۵- بنا بر احتیاط مستحب بالغ باشد، هر چند اجیر گرفتن کودک ممیز و نیابت او در صورتی

که بدانیم نماز را به طور صحیح می خواند، اشکال ندارد.^۱

مسأله: زن می تواند برای بجای آوردن نماز مردی که از دنیا رفته اجیر شود و همچنین مرد

می تواند برای بجای آوردن نماز زن اجیر شود.^۲

وظایف اجیر

۱- در نیت نماز، میت را معین کند ولی لازم نیست اسم او را بداند، پس اگر نیت کند که از

طرف کسی نماز می خوانم که برای او اجیر شده ام کافی است.^۳

۲- اجیر باید خود را به جای میت فرض کند، و عبادت ها را به نیابت او بجا آورد و اگر عملی را

انجام دهد و ثواب آن را برای او هدیه کند کافی نیست.^۴

۳- در آهسته یا بلند خواندن نماز، مطابق وظیفه خود عمل می کند، پس اگر مردی به نیابت

زنی نماز می خواند باید حمد و سوره نماز صبح، مغرب و عشا را بلند بخواند.^۵

□ ۴- لازم نیست قضای نمازهای میت به ترتیب خوانده شود، هر چند بدانند که میت ترتیب

نمازهای خود را می دانسته.^۶

۵- اگر با کسی که اجیر می شود تا نمازهای میت را با مقداری از مستحبات آن بخواند، باید

مقداری از مستحبات نماز را که معمول است بجا آورد.^۷

۶- اگر با اجیر برای بجای آوردن نمازهای میت، مدت را معین کنند، مثلاً شش ماه یا یک

سال و در آن مدت نمازها را نخواند، بعد از آن بدون اجازه کسی که او را اجیر کرده نمی تواند

نمازها را بخواند و چنانچه بخواند، استحقاق اجرت ندارد.^۸

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صلاة الاستیجار، ص ۲۲۹، م ۳، ۴ و ۵.

۲- توضیح المسائل، م ۱۵۴۲.

۳- همان، م ۱۵۳۶.

۴- همان، م ۱۵۳۷.

۵- همان، م ۱۵۴۲.

۶- همان، م ۱۵۴۳. به فتوای برخی از فقها، اگر بدانند نمازهای میت به ترتیب قضا شده ترتیب را در قضای آنها نیز مراعات

کنند.

۷- همان، م ۱۵۴۵.

۸- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صلاة الاستیجار، ص ۲۳۰، م ۱۰.

۶ پرسش

- ۱- در حادثه‌ای پدر و پسر بزرگ او فوت می‌کنند، آیا نماز قضای پدر، بر پسر بعدی او واجب است؟
- ۲- اگر پسر نداند پدرش چه تعداد نماز قضا دارد چه وظیفه‌ای دارد؟
- ۳- اگر پسر بخواهد در مسافرت نماز قضای پدر را بجا آورد، باید تمام بخواند یا شکسته؟
- ۴- اگر کودکی نماز قضای پدرش را بجا آورد کفایت می‌کند یا نه؟
- ۵- شخصی برای بجای آوردن نمازهای قضای میت اجیر شده ولی اسم او را فراموش کرده، تکلیف چیست؟

درس ۳۱

نماز جماعت (۱)

«قال رسول الله ﷺ: «صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي جَمَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِهِ فِي بَيْتِهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! صَلَاةُ يَوْمٍ؟ قَالَ ﷺ: صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ»

«پیامبر اکرم ﷺ فرمود: یک نماز با جماعت، بهتر از چهل سال نماز فرادا در خانه است. پرسیدند: آیا یک روز نماز؟ فرمود: بلکه یک نماز».

(مستدرک الوسائل، ج ۶ ص ۴۶۶)

وحدت امت اسلامی از مسائلی است که اسلام به آن اهمیت بسیار داده است و برای حفظ و ادامه آن، برنامه‌های ویژه‌ای دارد که یکی از آنها نماز جماعت است.

اهمیت نماز جماعت

گذشته از آنکه در روایات، برای نماز جماعت اجر و پاداش بسیاری وارد شده است، با دقت در برخی از مسائل فقهی، به اهمیت این عبادت پی می‌بریم و در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱- مستحب است نمازهای واجب، به خصوص نمازهای یومیّه را به جماعت بخوانند.
- ۲- شرکت در نماز جماعت برای هر کس مستحب است، به ویژه برای همسایه مسجد.
- ۳- سزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.
- ۴- حاضر نشدن در نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی، جایز نیست.
- ۵- مستحب است، انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

- ۶- نماز جماعت، هر چند اوّل وقت خوانده نشود، از نماز فردای اوّل وقت بهتر است.
- ۷- نماز جماعتی که مختصر خوانده می‌شود، از نماز فردای طولانی بهتر است.
- ۸- وقتی که جماعت برپا می‌شود، مستحب است کسی که نمازش را فردا خوانده دوباره به جماعت بخواند.
- ۹- امام یا مأموم می‌تواند نمازی را که به جماعت خوانده، دوباره به جماعت بخواند، در صورتی که جماعت دوم و اشخاص آن غیر از اوّل باشند.^۱

استفتا

- س - اگر کسی در نماز جماعت توجه کافی نداشته باشد ولی در منزل و به طور فرادا نمازش از توجه بیشتری برخوردار باشد، می‌تواند به جای جماعت در منزل نماز بخواند؟
- ج - مانع ندارد و جماعت بهتر است.^۲

شرایط نماز جماعت

- در نماز جماعت، شرایط زیر باید مراعات شود:
- مأموم از امام جلوتر نایستد و بنا بر احتیاط واجب باید کمی عقب‌تر بایستد.
 - جایگاه امام جماعت از جایگاه مأومین بالاتر نباشد.
 - فاصله امام و مأموم و فاصله صف‌ها، زیاد نباشد.
 - بین امام و مأموم و همچنین بین صف‌ها چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد، ولی نصب پرده بین صف مردها و زن‌ها اشکال ندارد.^۳

توضیح:

مأومین باید با امام جماعت مرتبط باشند. ارتباط آنها یا بدون واسطه است که بین امام و مأموم نباید بیش از یک گام فاصله باشد؛ یعنی از محل سجده مأموم تا محل ایستادن امام، یا با

۱ - توضیح المسائل، م ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۴، به فتوای برخی از فقهاء، امام جماعت نمی‌تواند یک نماز را دو بار امامت کند ولی اگر یک بار فرادا خوانده، بار دیگر می‌تواند همان نماز را امامت کند.

۲ - استفتات، ج ۱، ص ۲۷۷، س ۴۷۶.

۳ - العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۷۷ و ۷۷۸، فصل ۴۶؛ توضیح المسائل، م ۱۴۱۵، م ۱۴۳۲ و ۱۴۳۳.

واسطه سایر مأمومین که از جلو یا سمت راست یا چپ باید این ارتباط برقرار باشد، و این ارتباط دو شرط دارد:

* بین نمازگزار و صف جلو یا کسی که طرف راست یا چپ او قرار دارد، بیش از یک گام فاصله نباشد.

* اگر در صف اول ایستاده، نباید مقابل او مانعی باشد که نتواند امام جماعت را ببیند، پس اگر امام جماعت در محراب باشد، کسانی که دو طرف محراب پشت دیوار می ایستند و امام جماعت را نمی بینند، نمی توانند اقتدا کنند. ولی اگر مانعی در کار نباشد و به جهت طولانی بودن صف، امام جماعت را نبیند، اشکال ندارد.

□ اگر در صفوف بعدی ایستاده است، باید مانعی از دیدن صف جلوی خودشان وجود نداشته باشد، پس اگر صفوف جماعت تا در شبستان برسد، کسی که بیرون شبستان مقابل در ایستاده که صف جلو را می بیند و کسانی که پشت سر او ایستاده اند نمازشان صحیح است ولی کسانی که دو طرف پشت دیوار ایستاده اند و از صف جلو، کسی (حتی یک نفر) را نمی بینند، نمازشان باطل است.^۱

استفتا

س - طبقه دوم مسجد، مأمومین زن یا مرد اقتدا می نمایند و لبه این طبقه یک دیوار نیم متری وجود دارد، آیا وجود این دیوار ضرری به جماعت آنها می زند یا خیر؟
ج - اشکال ندارد.^۲

شرایط امام جماعت

□ امام جماعت باید این شرایط را دارا باشد:

● بلوغ و عقل.

● عدالت.^۳

۱ - توضیح المسائل، م ۱۴۱۱ تا ۱۴۱۴ و ۱۴۳۵ و ۱۴۳۶. به فتوای برخی از فقها، اگر اتصال برقرار باشد جماعت اشکال ندارد.

۲ - به درس ۳ مراجعه شود.

۳ - استفتائات، ج ۱، ص ۲۸۳، س ۴۹۸.

- مرد بودن.
- صحیح خواندن نماز.
- مسلوس و مبطون^۱ نبودن.
- نداشتن بیماری خوره یا پیسی.
- و بنا بر احتیاط واجب با لباس نجس نماز نخواندن.^۲

مسأله:

کسی که ایستاده نماز می خواند نمی تواند به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می خواند اقتدا کند.^۳

استفتا

س ۱ - آیا مأمومی که قرائتش فصیح تر از امام جماعت است، می تواند برای نماز جماعت به این امام اقتدا کند؟

ج - اقتدا صحیح است.^۴

□ س ۲ - آیا می شود به مأمومی که در نماز چهار رکعتی دو رکعت آن را به جماعت خوانده و دو رکعت باقی مانده را فرادا می خواند اقتدا کرد؟

ج - مانع ندارد.^۵

□ س ۳ - آیا در غیر حج، شیعیان می توانند به امام جماعت اهل تسنن اقتدا نمایند یا خیر؟

ج - می توانند.^۶

۱ - مسلوس کسی است که کنترل ادرار ندارد و مبطون کسی است که مدفوع را نمی تواند کنترل کند.

۲ - توضیح المسائل، م ۱۴۵۳، ۱۴۵۵، ۱۴۵۷ تا ۱۴۵۹. به فتوای برخی از فقها، مرد بودن جزو شرایط امام جماعت نیست، بلکه زن نیز می تواند با وجود سایر شرایط برای زنان امامت کند.

۳ - توضیح المسائل، م ۱۴۵۵. ۴ - استفتائات، ج ۱، ص ۲۸۰، س ۴۸۹.

۵ - همان، ص ۲۹۴، س ۵۳۷. به فتوای برخی از فقها، اقتدا به چنین فردی جایز نیست.

۶ - استفتائات، ج ۱، ص ۲۷۹، س ۴۸۴. به فتوای برخی از فقها، مأوم باید حمد و سوره را هرچند آهسته و در دل بخواند و به فتوای برخی دیگر باید نماز را اعاده کند.

نمازها و حالت‌های مختلفی که جماعت صحیح است:

نماز امام جماعت	نماز مأموم	توضیح
۱. ادای یومیّه	ادای یومیّه	هر کدام از نمازهای یومیّه را می‌توان به دیگری اقتدا کرد؛ مثلاً نماز ظهر را به عصر. ^۱
۲. قضای یومیّه	قضای یومیّه	هر چند هماهنگ نباشد، مثلاً امام جماعت قضای ظهر را می‌خواند و مأموم قضای صبح را. ^۲
۳. ادای یومیّه	قضای یومیّه	هر کدام از قضای یومیّه را می‌توان به نماز ادا اقتدا کرد؛ مثلاً نماز قضای صبح را به ادای ظهر. ^۳
۴. قضای یومیّه	ادای یومیّه	هر کدام که باشد، هر چند هماهنگ نباشد.
۵. آیات	آیات	هر چند آیات متحد نباشد؛ مثلاً یکی نماز برای زلزله می‌خواند، دیگری برای صاعقه. ^۴
۶. عیدین	عیدین	به قصد رجاء در زمان غیبت اشکال ندارد. ^۵
۷. تمام	شکسته	صحیح، ولی مکروه است؛ یعنی ثوابش کمتر است. ^۶
۸. شکسته	تمام	
۹. میّت	میّت	صحیح است. ^۷

مسأله:

اگر امام جماعت نماز قضای یومیّه خود یا دیگری را می‌خواند، در صورتی که نماز قضای قطعی باشد اقتدای به او اشکال ندارد ولی در صورتی که احتیاطاً نماز را قضا می‌کند، اقتدای به او اشکال دارد.^۸

نمازها و حالت‌های مختلفی که جماعت صحیح نیست:

۱ - نمازهای مستحب، به جز نماز طلب باران و نمازهای واجب که به جهتی مستحب شده

- ۱ - توضیح المسائل، م ۱۴۰۸.
- ۲ - همان، م ۱۴۰۹.
- ۳ - همان، م ۱۴۰۹.
- ۴ - تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، القول فی صلاة الآیات، م ۱۲.
- ۵ - توضیح المسائل، م ۱۴۰۷.
- ۶ - همان، م ۱۴۹۰.
- ۷ - تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الطهارة، القول فی الصلاة علی میّت، ص ۷۹.
- ۸ - توضیح المسائل، م ۱۴۰۹.

- است؛ مانند نماز عیدین در زمان غیبت، که به قصد رجاء به جماعت صحیح است.
- ۲ - هیچکدام از نمازهای یومیّه را نمی‌توان به نمازهای آیات، اموات، احتیاط اقتدا کرد و عکس آن نیز صحیح نیست.^۱
- ۳ - صحیح بودن نماز طواف نیز به جماعت محل اشکال است.^۲
- ۴ - اگر انسان نداند نمازی را که امام جماعت می‌خواند نماز واجب یومیّه است یا نماز مستحب، نمی‌تواند به او اقتدا کند.^۳

۶ پرسش

- ۱ - کدامیک از نمازهای مستحب را می‌توان به جماعت خواند؟
- ۲ - شرایط نماز جماعت از نظر جایگاه امام و مأوم چیست؟
- ۳ - کسانی که در نماز جماعت حتی یک نفر از صف جلوراً نمی‌بینند نمازشان چه حکمی دارد؟
- ۴ - کدامیک از نمازهای واجب را نمی‌توان به جماعت خواند؟
- ۵ - با مراجعه به رسالّة توضیح المسائل، بفرمایید، آیا کسی که با وضوی جبیره‌ای یا با تیمم نماز می‌خواند می‌تواند امام جماعت باشد؟

۱ - العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۶۵ و ۷۶۶، کتاب الصلاة، فصل فی صلاة الجماعة، م ۴ و ۶ برخی از فقهاء، نماز طواف را به جماعت صحیح می‌دانند.

۲ - تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی صلاة الجماعة، ص ۲۶۵، م ۱.

۳ - توضیح المسائل، م ۱۴۱۰.

درس ۳۲

نماز جماعت (۲)

حالات مختلف برای پیوستن به نماز جماعت (اقتدا کردن)

□ رکعت اول

- ۱- در بین قرائت ← مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و بقیه اعمال را با امام جماعت بجا می‌آورد.
- ۲- در رکوع ← رکوع و بقیه اعمال را با امام جماعت بجا می‌آورد.^۱

□ رکعت دوم

- ۱- در بین قرائت ← مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و با امام، قنوت و رکوع و سجده را بجا می‌آورد و آنگاه که امام جماعت تشهد می‌خواند، بنا بر احتیاط واجب باید به صورت نیم‌خیز، بنشیند؛ اگر نماز دو رکعتی است یک رکعت دیگر به تنهایی بخواند و نماز را تمام کند و اگر سه یا چهار رکعتی است، در رکعت دوم که امام جماعت در رکعت سوم می‌باشد، حمد و سوره بخواند (هر چند امام جماعت تسبیحات بخواند) و آنگاه که امام جماعت رکعت سوم را تمام کرد، و برای رکعت چهارم برمی‌خیزد، مأموم باید پس از دو سجده، تشهد بخواند، و برخیزد و حمد یا تسبیحات را بخواند و در رکعت آخر نماز که امام جماعت با تشهد و سلام، نماز را به پایان می‌برد یک رکعت دیگر می‌خواند.^۲

- ۲- در قنوت: ← قنوت را با امام جماعت می‌خواند و همانند آنچه برای اقتدای در بین قرائت گفته شد، عمل می‌کند.
- ۳- در رکوع: ← رکوع را با امام جماعت بجا می‌آورد و بقیه نماز را همان گونه که گفته شد، انجام می‌دهد.

□ رکعت سوّم

- ۱- در بین حمد یا تسبیحات ← چنانچه می‌داند که اگر اقتدا کند برای خواندن حمد و سوره یا حمد تنها وقت دارد، می‌تواند اقتدا کند و باید حمد و سوره یا حمد را بخواند، و اگر می‌داند فرصت ندارد، بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام جماعت به رکوع رود، سپس به او اقتدا کند.
- ۲- در رکوع ← چنانچه در رکوع اقتدا کند، رکوع را با امام بجا می‌آورد و حمد و سوره برای آن رکعت ساقط است، و بقیه نماز را همان گونه که قبلاً بیان شد بجا می‌آورد.^۱

□ رکعت چهارم

- ۱- در بین حمد یا تسبیحات ← حکم اقتدا در رکعت سوّم را دارد، و آنگاه که امام جماعت در رکعت آخر نماز برای تشهد و سلام می‌نشیند، مأوم می‌تواند برخیزد و نمازش را به تنهایی ادامه دهد و می‌تواند نیم‌خیز بنشیند تا تشهد و سلام امام جماعت تمام شود و سپس برخیزد.
- ۲- در رکوع ← رکوع و سجده‌ها را با امام بجا می‌آورد (اکنون رکعت چهارم امام و رکعت اوّل مأوم است) و بقیه نماز را همان گونه که گذشت انجام می‌دهد.^۲

وظیفه مأوم در نماز جماعت

- ۱- مأوم نباید تکبیرة الاحرام را پیش از امام بگوید، بلکه بنا بر احتیاط واجب تا تکبیر امام تمام نشده، نباید تکبیر بگوید.^۳
- ۲- مأوم باید غیر از حمد و سوره، همه چیز نماز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اوّل یا دوّم او و رکعت سوّم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخواند و چنانچه فرصت نکند باید حمد

۱- توضیح المسائل، م ۱۴۴۳ - ۱۴۴۲ و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۷۱ - ۲۷۲، م ۵، ۶ - ۸.

۲- همان.

۳- توضیح المسائل، م ۱۴۶۷.

را بخواند و سوره را نمی‌خواند.^۱

وظیفهٔ مأموم در رکعت اول و دوم:

- الف) در نماز ظهر و عصر ← نباید حمد و سوره بخواند و مستحب است به جای آن ذکر بگوید.
- ب) در نماز صبح، مغرب و عشا
- | | |
|--|---|
| صدای امام را می‌شنود - هر چند کلمات را تشخیص ندهد - ← نباید چیزی بخواند. | } |
| صدای امام را نمی‌شنود ← مستحب است حمد و سوره را آهسته بخواند. ^۲ | |

چگونگی پیروی مأموم از امام جماعت:

- * در اقوال؛ مانند ذکر رکوع یا سجده یا تسبیحات اربعه یا تشهد، جلو افتادن از امام یا عقب افتادن از او اشکال ندارد، مگر در تکبیرة الاحرام.
- * در اعمال؛ مانند رکوع، سر برداشتن از رکوع و سجده، پیش افتادن جایز نیست، پس اگر عمداً قبل از امام به رکوع برود یا از رکوع برخیزد، یا به سجده برود معصیت کرده، اگرچه نمازش صحیح است، ولی عقب افتادن از امام جماعت اگر زیاد نباشد اشکال ندارد.^۳

اقتدا در رکوع

اگر موقعی که امام جماعت در رکوع است اقتدا کند، ممکن است یکی از این حالت‌ها را داشته باشد:

* قبل از تمام شدن ذکر رکوع امام جماعت به رکوع می‌رسد ← نمازش به جماعت صحیح است.

* وقتی به حد رکوع می‌رسد، ذکر رکوع امام جماعت تمام شده ولی هنوز امام در رکوع است ← نمازش به جماعت صحیح است.

□ * به رکوع رود ولی به رکوع امام هم نرسد ← می‌تواند نیت فرادا کند و خودش نماز را بخواند یا صبر کند تا امام جماعت برای رکعت بعد برخیزد و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند. ولی اگر نماز امام زیاد طول بکشد که نگویند این شخص نماز جماعت می‌خواند باید نیت فرادا کند.^۴

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی احکام الجماعه، ص ۲۷۵، م ۵؛ توضیح المسائل، م ۱۴۶۱.

۲ - توضیح المسائل، م ۱۴۶۲، ۱۴۶۴ و ۱۴۶۶.

۳ - همان، م ۱۴۶۷، ۱۴۶۹ و ۱۴۷۰، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۸۵، م ۷. به فتوای برخی از فقهاء، سلام را جلوتر از امام نباید بگوید و در اعمال نماز نیز اگر عمداً از امام جماعت جلو بیفتد نمازش باطل است.

۴ - توضیح المسائل، م ۱۴۲۷. به فتوای برخی از فقهاء، در این صورت نمازش باطل است.

- ۱- به رکوع رود ← واجب است برخیزد و با امام جماعت به رکوع برود.
- ۲- از رکوع برخیزد ← چنانچه امام در رکوع باشد باید به رکوع برگردد و با امام سر از رکوع بردارد و در این دو صورت زیاد شدن رکوع که رکن است، نماز را باطل نمی‌کند.
- ۳- به سجده رود ← واجب است، سر از سجده بردارد و با امام به سجده رود.
- ۴- سر از سجده بردارد ← باید به سجده برگردد.
- اگر مأموم، سهواً پیش از امام:

در هر صورت اگر از امام تبعیت نکند نمازش باطل نیست ولی احتیاط مستحب است نماز را اعاده کند.^۱

احکام نماز جماعت

- ۱- اگر جای مأموم بلندتر از امام باشد، در صورتی که بلندی آن به مقدار متعارف باشد، اشکال ندارد؛ مثل آنکه امام در صحن مسجد و مأموم در پشت بام به نماز بایستند، ولی اگر مثل ساختمان‌های چند طبقه این زمان باشد، جماعت اشکال دارد.^۲
- ۲- اگر بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند، بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد، فاصله شود و فاصله بیش از یک گام باشد و:
- می‌دانند نماز او صحیح است ← می‌توانند اقتدا کنند.
 - می‌دانند نماز او باطل است ← نمی‌توانند اقتدا کنند.
 - نمی‌دانند نمازش صحیح است یا باطل ← می‌توانند اقتدا کنند.^۳
- ۳- بعد از تکبیر امام جماعت، اگر صف جلو آماده نماز و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد، کسی

۱- توضیح المسائل، م ۱۴۷۱، ۱۴۷۲ و ۱۴۷۸؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۸۶، م ۱۲.

۲- توضیح المسائل، م ۱۴۱۶.

۳- همان، م ۱۴۱۷. به فتاوی برخی از فقها، در صورتی که بدانند نماز کودک صحیح است اشکال ندارد ولی اگر شک داشته باشند یا بدانند نمازش صحیح نیست و فاصله زیاد باشد، اقتدا صحیح نیست.

که در صف بعد ایستاده، می تواند تکبیر بگوید.^۱

۴- اگر نماز همه کسانی که در صف جلو هستند تمام شود یا همه آنها نیت فرادا نمایند، اگر فاصله به اندازه یک قدم بزرگ نباشد، نماز صف بعد به طور جماعت صحیح است و اگر بیشتر از این مقدار باشد، فرادا می شود و صحیح است.^۲

۵- اگر امام ایستاده باشد و مأوم نداند که در کدام رکعت است، می تواند اقتدا کند، ولی باید حمد و سوره را به قصد قربت بخواند و اگر چه بعد بفهمد که امام در رکعت اول یا دوم بوده، نمازش صحیح است.^۳

استفتا

س- در صف جماعت اگر در یک صف یا صف ها بین مردان که در یک طرف قرار دارند و زنان که در طرف دیگرند، حجابی نباشد، آیا نماز آنها اشکال ندارد؟
ج- اشکال ندارد.^۴

برخی از آداب نماز جماعت

۱- مستحب است امام در وسط صف بایستد و اهل علم و کمال و تقوا در صف اول بایستند.
۲- مستحب است صف های جماعت منظم باشد و بین کسانی که در یک صف ایستاده اند، فاصله نباشد.

۳- مستحب است بعد از گفتن «قد قامت الصلاة» مأومین برخیزند.

۴- مستحب است امام جماعت حال ضعیف ترین مأوم را رعایت کند و عجله نکند، تا افراد ضعیف برسند و قنوت و رکوع و سجود را طول ندهد، مگر آنکه بداند همه مأومین به طولانی شدن مایلند.

۵- اگر در صف های جماعت جا باشد، مکروه است مأوم تنها بایستد.

۶- مکروه است مأوم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود.^۵

۱- توضیح المسائل، م ۱۴۱۸.

۲- همان، م ۱۴۳۸.

۳- همان، م ۱۴۴۶.

۴- استفتاآت، ج ۱، ص ۲۸۰، س ۴۹۰.

۵- توضیح المسائل، ص ۱۹۷-۱۹۸.

۶ پرسش

- ۱- در رکعت سوّم و چهارم نماز چه وقت می توان اقتدا کرد؟
- ۲- تقدّم و تأخّر از امام جماعت در افعال نماز چه حکمی دارد؟
- ۳- اگر مأموم تکبیر بگوید و نماز را شروع کند و در حال رفتن به رکوع، امام جماعت از رکوع برخیزد تکلیف چیست؟
- ۴- اگر نماز نمازگزاران صف جلو فرادا شود، نماز افراد در صف های بعد چه حکمی دارد؟
- ۵- اگر انسان به نماز جماعت حاضر شود و نداند رکعت چندم است، آیا می تواند اقتدا کند؟

نماز جمعه

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون برای نماز جمعه ندا داده می‌شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را رها کنید، اگر بدانید این برای شما بهتر است.» (سوره جمعه، آیه ۹)

یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان، نماز جمعه است و نمازگزاران در روز جمعه می‌توانند به جای نماز ظهر، نماز جمعه بخوانند.^۱

اهمیت نماز جمعه

امام خمینی رحمه الله در اهمیت نماز جمعه چنین نگاشته‌اند:

«نماز جمعه و دو خطبه آن، مانند حج و نماز عید فطر و قربان، از مراسم بزرگ مسلمانان است، ولی متأسفانه، مسلمانان از وظایف مهم سیاسی این عبادت، غافل و ناآگاهند، در حالی که انسان، با اندک مطالعه و دقت در احکام کشوری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام در می‌یابد که اسلام دین سیاست است و کسی که دین را از سیاست جدا می‌داند، نادانی است که نه اسلام را می‌شناسد و نه سیاست را.»^۲

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۳۱، م ۱.

۲ - تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی شرایط صلاة الجمعة، ص ۲۳۴، م ۹.

وقت نماز جمعه

وقت نماز جمعه، اوّل ظهر است و احتیاط واجب آن است که از اوایل وقت تأخیر نیندازند.^۱

چگونگی نماز جمعه

□ واجبات:

نماز جمعه دو رکعت است؛ مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه، قبل از نماز ایراد می‌شود.^۲

□ مستحبات:

- ۱ - خواندن حمد و سوره با صدای بلند (توسط امام جمعه).
- ۲ - خواندن سوره «جمعه» بعد از حمد، در رکعت اوّل (توسط امام جمعه).
- ۳ - خواندن سوره «منافقون» پس از حمد، در رکعت دوم (توسط امام جمعه).
- ۴ - خواندن دو قنوت؛ یکی در رکعت اوّل پیش از رکوع، دیگری در رکعت دوم پس از رکوع.^۳

شرایط نماز جمعه

- ۱ - باید به جماعت برگزار شود و فردا صحیح نیست؛ بنابراین تمام شرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود، در نماز جمعه هم معتبر است؛ مثل اتصال صفوف.
- ۲ - حداقل تعداد افراد برای برپایی نماز جمعه پنج نفر است؛ یک نفر امام و چهار نفر مأموم.
- ۳ - پیش از نماز دو خطبه خوانده شود.
- ۴ - بین دو نماز جمعه، حداقل باید یک فرسخ فاصله باشد.^۴

وظیفه امام جمعه هنگام ایراد خطبه‌ها

- ۱ - باید ایستاده خطبه بخواند.
- ۲ - بنا بر احتیاط واجب، با صدای بلند خطبه بخواند؛ به طوری که همه شرکت‌کنندگان بشنوند و می‌تواند از بلندگو استفاده کند.

۱ - توضیح المسائل، م ۷۳۴.

۲ - تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، فروع تلحق بصلاة الجمعة، الخامس.

۳ - همان.

۴ - همان، القول فی شرایط صلاة الجمعة، ص ۲۳۱، الرابع.

۳- باید بین دو خطبه کمی بنشیند.

۴- مستحب است:

* عمامه بر سر بگذارد؛

* نظیف‌ترین لباس‌ها را بپوشد و خود را معطر کند؛

* در آغاز خطبه به مستمعین سلام کند؛

* رو به مردم باشد؛

* بر چوب یا عصا یا شمشیری تکیه کند؛

* هنگام ایراد خطبه نیز با طهارت باشد.^۱

محتوای خطبه‌ها

خطبهٔ اوّل:

۱- حمد و سپس ثنای الهی را بجا آورد.

۲- صلوات بر پیامبر و آل او بفرستد (بنا بر احتیاط واجب).

۳- مردم را به تقوا توصیه کند.

۴- سورة کوتاهی از قرآن بخواند.

خطبهٔ دوم:

۱- حمد و سپاس الهی را بجا آورد.

۲- بر پیامبر و آل او صلوات بفرستد.

۳- مردم را به تقوا توصیه کند (بنا بر احتیاط واجب).

۴- سورة کوتاهی از قرآن بخواند (بنا بر احتیاط واجب).

۵- بر ائمهٔ مسلمین علیهم‌السلام درود بفرستد و برای مردان و زنان مؤمن طلب آمرزش کند (بنا بر

احتیاط مستحب).^۲

۱- توضیح‌المسائل، م ۱۲ تا ۱۴.

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، القول فی شرائط صلاة الجمعة، م ۷.

سزاوار است این مطالب را نیز بگویند:

- ۱- آنچه مسلمانان در زندگی دنیا و آخرت به آن نیاز دارند.
- ۲- آنچه در جهان می‌گذرد و به سود و زیان مسلمانان است.
- ۳- مسائل سیاسی و اقتصادی که در استقلال و آزادی آنان دخالت دارد و چگونگی رفتار آنها با سایر ملت‌ها.
- ۴- از دخالت دولت‌های ستمگر و استعمارگر در امور سیاسی و اقتصادی مسلمانان که منجر به بهره‌کشی از آنان می‌شود.^۱

ویژگی‌های امام جمعه

سزاوار است امام جمعه این ویژگی‌ها را داشته باشد:

- * خطیب بلیغ باشد و مقتضای حال را با عبارات‌های فصیح و خالی از پیچیدگی بیان کند.
- * نسبت به آنچه در کشورهای اسلامی به ویژه کشور خودش می‌گذرد، آشنا باشد.
- * مصالح اسلام و مسلمین را بداند.
- * شجاع باشد و سرزنش هیچ کس او را از طریق الهی باز ندارد.
- * در اظهار حق و ابطال باطل صریح باشد.
- * آنچه سبب تأثیر کلامش در نفوس می‌شود، مراعات کند؛ از جمله:
 - در شکل و شمایل صالحان باشد.
 - کردارش با موعظه‌هایش هماهنگ باشد.
 - از آنچه سبب می‌شود دیگران او را سرزنش یا کلامش را مسخره کنند، حتی زیاد حرف زدن و مزاح کردن بپرهیزد و همه این‌ها را برای رضای خدا و به دور از حب دنیا و ریاست مراعات کند.^۲

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۳۳ و ۲۳۴، م ۷-۸-۹.

۲- همان، ج ۱، القول فی شرایط صلاة الجمعة، ص ۲۳۵، م ۱۴.

وظیفه نمازگزاران جمعه

- ۱- واجب است نمازگزاران به خطبه‌ها گوش دهند.
- ۲- احتیاط مستحب است از سخن گفتن پرهیزند و چنانچه سخن گفتن، سبب از بین رفتن فایده خطبه‌ها و یا گوش ندادن به آنها شود، ترک آن واجب است.
- ۳- احتیاط مستحب است، شنوندگان هنگام ایراد خطبه‌ها، رو به امام جمعه بنشینند و بیش از مقداری که در نماز اجازه داده شده، به اطراف نگاه نکنند.^۱

استفتا

- س- آیا شرکت بانوان در نمازهای جماعت و نماز جمعه کراهت دارد یا خیر؟
- ج- کراهت ندارد، بلکه در بعضی موارد مطلوب است.^۲

پرسش ۹

- ۱- تفاوت نماز جمعه با نماز ظهر چیست؟
- ۲- شرایط نماز جمعه علاوه بر شرایط نماز جماعت چیست؟
- ۳- چه چیزی در هر دو خطبه باید خوانده شود؟
- ۴- جا دارد که امام جمعه چه آگاهی‌هایی داشته باشد؟
- ۵- بر امام جمعه و نمازگزاران هنگام ایراد خطبه‌ها چه چیزهایی واجب است؟
- ۶- اگر به رکعت دوم نماز جمعه برسیم، برای اقتدا تکلیف چیست؟ آیا خواندن نماز ظهر لازم است؟

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی شرایط صلاة الجمعة، ص ۲۳۵، م ۱۴.

۲- استفتات، ج ۱، ص ۲۷۲، س ۴۵۶.

درس ۳۴

نماز آیات، نمازهای مستحب

نماز آیات

یکی از نمازهای واجب، نماز آیات است که به سبب برخی حوادث آسمانی یا زمینی واجب می‌شود؛ مانند:

هر چند کسی از آنها نترسد.

- * زلزله
- * خسوف (ماه گرفتگی)
- * کسوف (خورشید گرفتگی)

* رعد و برق و بادهای زرد و سرخ و سیاه و مانند آن، اگر بیشتر مردم بترسند.^۱

چگونگی نماز آیات

۱- نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد.

۲- در نماز آیات، قبل از هر رکوع، سوره حمد و سوره دیگری از قرآن خوانده می‌شود، که در این صورت، در دو رکعت، ده حمد و ده سوره خوانده می‌شود، ولی می‌توان یک سوره را پنج قسمت کرده و قبل از هر رکوع یک قسمت از آن را خواند، که در این صورت، در دو رکعت دو حمد و دو سوره خوانده می‌شود.^۲

۱- توضیح المسائل، م ۱۴۹۱؛ تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صلاة الآیات، م ۱.

۲- توضیح المسائل، م ۱۵۰۷ و ۱۵۰۸.

در اینجا با تقسیم سوره «اخلاص» چگونگی نماز آیات را می‌آوریم:

* رکعت اول

- حمد و ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ ← رکوع.
- ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ ← رکوع.
- ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾ ← رکوع.
- ﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾ ← رکوع.
- ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ ← رکوع.

و سپس سجده‌ها را بجا آورده، برای رکعت دوم برمی‌خیزد.

* رکعت دوم

رکعت دوم را نیز مانند رکعت اول بجا می‌آورد و سپس با تشهد و سلام، نماز را به پایان می‌برد.^۱

وقت نماز آیات

- ۱- خورشید یا ماه گرفتگی ← از شروع گرفتگی تا شروع به باز شدن.
- ۲- سایر آیات، مثل زلزله و رعد و برق ← وقت معین ندارد و همیشه ادا است.^۲

احکام نماز آیات

- ۱- اگر یکی از سبب‌های نماز آیات در شهری اتفاق بیفتد، فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست.^۳
- ۲- اگر در یک رکعت از نماز آیات، پنج مرتبه حمد و سوره خوانده شود و در رکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره را تقسیم کند صحیح است.^۴
- ۳- مستحب است پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند و اگر

۱- توضیح المسائل، م ۱۵۰۸، به فتوای برخی از فقها، گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» به تنهایی کافی نیست، بلکه باید

بخشی از سوره را نیز بخواند. ۲- همان، م ۱۴۹۵ و ۱۴۹۸.

۳- همان، م ۱۴۹۴. ۴- همان، م ۱۵۰۹.

فقط یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند کافی است.^۱

۴- هر یک از رکوع‌های نماز آیات رکن است، که اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شود، نماز باطل است.^۲

۵- نماز آیات را می‌توان به جماعت خواند، که در این صورت حمد و سوره‌ها را تنها امام جماعت می‌خواند.^۳

۶- مأموم در هر رکعت از نماز آیات، وقتی که امام جماعت در رکوع اول است می‌تواند اقتدا کند، و پس از آن، اقتدا صحیح نیست.^۴

۷- اگر سبب وجوب نماز آیات تکرار شود، باید به تعداد همه آنها نماز آیات خوانده شود، مثلاً چندین بار زلزله شود.^۵

نمازهای مستحب^۶

۱- نماز مستحب را «نافله» گویند.

۲- نمازهای مستحب بسیار است و این نوشته گنجایش تمام آنها را ندارد، اما برخی از آنها را که اهمیت بیشتری دارد می‌آوریم:^۷

نماز غُفیلَه

یکی از نمازهای مستحب، نماز «غُفیلَه» است که پس از نماز مغرب خوانده می‌شود.

کیفیت نماز غفیله

نماز غفیله دو رکعت است، در رکعت اول، پس از حمد، به جای سوره، این آیه خوانده می‌شود:^۸

﴿وَالَّذِينَ إِذْ ذُهِبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا

۱- توضیح المسائل، م ۱۵۱۲.

۲- همان، م ۱۵۱۵.

۳- العروة الوثقی، فصل فی صلاة الآیات، ج ۱، ص ۷۳۰، م ۱۳.

۴- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صلاة الآیات، ص ۱۹۵، م ۱۲.

۵- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۳۱، م ۲۱.

۶- برخی از مطالب نمازهای مستحب برای مطالعه است.

۷- همان، م ۷۷۵.

۸- توضیح المسائل، م ۷۶۴.

أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَ
كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ^۱

و در رکعت دوم، پس از حمد، به جای سوره، این آیه خوانده می‌شود:

﴿وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ يُعَلِّمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ
إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾^۲

در قنوت آن این دعا خوانده می‌شود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمِفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ
مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي^۳ اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَ الْقَادِرُ عَلَيَّ طَلِبَتِي تَعْلَمُ حَاجَتِي
فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي.»^۴

نافله نمازهای یومیّه

نام نماز	تعداد رکعات نافله	وقت نافله
نماز صبح	۲ رکعت	قبل از نماز صبح و احتیاط آن است که قبل از فجر اوّل نخوانند.
نماز ظهر	۴ نماز ۲ رکعتی (۸ رکعت)	قبل از نماز ظهر، از ظهر تا وقتی که سایه پدید آمده شاخص به مقدار $\frac{2}{7}$ آن برسد.
نماز عصر	۴ نماز ۲ رکعتی (۸ رکعت)	پیش از نماز عصر، تا موقعی که سایه پدید آمده شاخص به مقدار $\frac{4}{7}$ آن برسد.
نماز مغرب	۲ نماز ۲ رکعتی (۴ رکعت)	پس از نماز مغرب تا وقتی که سرخی طرف مغرب که پس از غروب آفتاب پدید می‌آید از بین برود.
نماز عشا	۲ رکعت نشسته ^۵	پس از نماز عشا تا نصف شب. ^۶

نافله‌های نمازهای یومیّه (در غیر سفر و روز جمعه)، ۲۳ رکعت است که به علاوه ۱۱ رکعت

۱ - سوره انبیا، آیه ۸۷.

۲ - سوره انعام، آیه ۵۹.

۳ - به جای جمله «أَنْ تُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي» می‌تواند حاجت دیگری از خدا بخواهد.

۴ - توضیح المسائل، م ۷۷۵.

۵ - به نافله نماز عشا، نماز و تیره گفته می‌شود و بنا بر احتیاط واجب باید نشسته خوانده شود.

۶ - توضیح المسائل، م ۷۶۴ و ۷۶۸ تا ۷۷۲.

نماز شب، جمعاً ۳۴ رکعت می‌شود؛ یعنی دو برابر تعداد رکعت‌های نماز واجب.

دو مسأله:

- ۱ - در روز جمعه بر شانزده رکعت نافله ظهر و عصر، چهار رکعت اضافه می‌شود.^۱
- ۲ - نافله ظهر و عصر را در سفر نباید خواند ولی نافله عشا را به نیت این که شاید مطلوب باشد (به قصد رجاء) می‌توان خواند.^۲

نماز شب

نماز شب ۱۱ رکعت است که بدین ترتیب خوانده می‌شود:

دو رکعت	←	به نیت نافله شب.
دو رکعت	←	به نیت نافله شب.
دو رکعت	←	به نیت نافله شب.
دو رکعت	←	به نیت نافله شب.
دو رکعت	←	به نیت نافله شفع.
یک رکعت	←	به نیت نافله وثر. ^۳

وقت نماز شب

- ۱ - وقت نماز شب از نصف شب است تا اذان صبح و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود.^۴

- ۲ - مسافر و کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند، می‌تواند در اول شب بجا آورد.^۵

۲ - همان، م ۷۶۷.

۴ - همان، م ۷۷۳.

۱ - توضیح المسائل، م ۷۶۴.

۳ - همان، م ۷۶۵.

۵ - همان، م ۷۷۴.

نماز عید

در دو عید فطر و قربان خواندن نماز مخصوص عید مستحب است.^۱

وقت نماز عید

۱- وقت نماز عید از طلوع آفتاب تا ظهر است.^۲

۲- مستحب است نماز عید قربان را اول روز پس از بالا آمدن خورشید بخوانند.^۳

چگونگی نماز عید

۱- نماز عید فطر و قربان دو رکعت است با نه قنوت و این گونه خوانده می شود:

* در رکعت اول پس از حمد و سوره باید پنج تکبیر گفته شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده.

* در رکعت دوم پس از حمد و سوره چهار تکبیر گفته می شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت و بعد از قنوت چهارم تکبیر دیگر و سپس رکوع و دو سجده و تشهد و سلام.^۴

* در قنوت های نماز عید هر دعا و ذکر بخوانند کافی است، ولی بهتر است به امید ثواب این دعا را بخوانند:

اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَاَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَهْلَ
التَّقْوٰى وَالْمَغْفِرَةِ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِيْ جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِيْنَ عِيْدًا وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى
اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ ذُرًّا وَشَرَفًا وَكَرَامَةً وَمَزِيْدًا، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ
تُدْخِلَنِيْ فِيْ كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فِيْهِ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُخْرِجَنِيْ مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ
مِنْهُ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلَكَ بِهِ
عِبَادُكَ الصّٰلِحُوْنَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلَصُوْنَ.^۵

۱- توضیح المسائل، م ۱۵۱۶.

۲- همان، م ۱۵۱۷.

۳- همان، م ۱۵۱۸.

۴- همان، م ۱۵۱۹.

۵- همان، م ۱۵۲۰.

احکام کلی

- ۱- تمام نمازهای مستحب، دو رکعت است، مگر نماز وتر و اعرابی.^۱
- ۲- هیچ کدام از نمازهای مستحب اذان و اقامه ندارد.
- ۳- در هیچ کدام از نمازهای مستحب خواندن سوره پس از حمد لازم نیست، مگر آنکه خواندن سوره یا آیه معینی در آن شرط شده باشد.^۲

۴ پرسش

- ۱- آیا باران شدید و جاری شدن سیل موجب نماز آیات است یا نه؟
- ۲- معمولاً بعد از یک زلزله شدید، پس لرزه‌هایی نیز رخ می‌دهد، آیا برای هر کدام آنها به طور جداگانه نماز آیات واجب است؟
- ۳- برای کیفیت نماز آیات چهار نمونه دیگر بیان کنید.
- ۴- نوافل نماز عصر و عشا چند رکعت است و چه وقت خوانده می‌شود؟
- ۵- نماز عید چند قنوت و چند رکوع دارد؟

۱- هر چند روایت شده است که روزی یک عرب صحرانشین خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد که ما در صحرا زندگی می‌کنیم و با مدینه فاصله زیاد داریم و نمی‌توانیم هر هفته به شهر بیاییم و در نماز جمعه شرکت کنیم، عملی به من بیاموزید تا در روز جمعه انجام دهم و فضیلت جمعه را دریابم، حضرت، نمازی به او یاد دادند که جمعه ده رکعت است، ابتدا دو رکعت و سپس دو نماز چهار رکعتی با آداب خاص که در کتب ادعیه آمده است؛ ولی فتوای به استحباب آن برای دیگران دیده نشد. ملحقات مفاتیح الجنان (باقیات الصالحات) نمازهای مستحب.

۲- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۱۵، م ۱؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۶۵، م ۲.

درس ۳۵

روزه

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى
الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

«ای مؤمنان، روزه بر شما واجب شده، چنانچه بر پیشینیان شما نیز واجب

بود، تا پرهیزکار (باتقوا) شوید.» (سورة بقره، آیه ۱۸۳)

روزه آن است که انسان، از هنگام اذان صبح تا اذان مغرب برای اطاعت دستور خداوند از برخی کارها - که شرح آن خواهد آمد - پرهیز کند. هرچند ترک آن کارها تکلیف روزه‌داری از عهدهٔ انسان برداشته می‌شود، اما روزهٔ کامل و حقیقی، تنها نخوردن و نیاشامیدن و انجام دادن برخی کارهای دیگر نیست، بلکه حقیقت روزه پرهیز از گناه و هر کاری است که نفس انسان به آن علاقه دارد و او را از خدا دور می‌کند. و این روزهٔ معمول راهی است برای رسیدن به آن مقام محمود.

- | | |
|------------|--------------|
| ۱ - واجب؛ | } اقسام روزه |
| ۲ - حرام؛ | |
| ۳ - مستحب؛ | |
| ۴ - مکروه. | |

روزه‌های واجب

- * روزه ماه مبارک رمضان؛
- * روزه قضا؛
- * روزه کفاره؛
- * روزه استیجاری؛^۱
- * روزه روز سوّم ایام اعتکاف؛^۲
- * روزه بدل قربانی حج؛^۳
- * روزه‌ای که به سبب نذر و عهد و قسم واجب شود؛
- * روزه قضای پدر که بر پسر بزرگ‌تر واجب است.^۴ □

روزه‌های حرام^۵

- * روزه عید فطر (روز اوّل شوال)؛
- * روزه عید قربان (روز دهم ماه ذی حجه)؛
- * روزه نذر معصیت؛
- * روزه ایام تشریق (۱۱، ۱۲ و ۱۳ ذی الحجه) برای کسی که در منا است؛
- * روزه سکوت؛^۶
- * روزه وصال؛^۷
- * روزه آخر شعبان به نیت اوّل رمضان؛
- * روزه مستحب فرزند که سبب اذیت و آزار پدر و مادر شود؛
- * روزه مستحب فرزند که پدر یا مادر او را از آن نهی کرده باشند (به احتیاط واجب)؛
- * روزه مستحب زن که شوهرش او را از آن نهی کرده باشد (به احتیاط واجب).^۸

۱ - روزه استیجاری: روزه‌ای است که شخص مزد می‌گیرد و به نیابت از میت انجام می‌دهد (به درس ۳۰ مراجعه شود).

۲ - بحث اعتکاف در درس ۳۹ خواهد آمد.

۳ - اگر حج‌گزار نتواند قربانی کند، باید به جای آن، سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج روزه بگیرد.

۴ - العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۴۰ و ۲۴۱؛ توضیح المسائل، م ۱۳۹۰.

۵ - العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الصوم، فصل ۱۵، ص ۲۴۳ و ۲۴۴.

۶ - روزه سکوت، روزه گرفتن با این نیت که با کسی سخن نگوید.

۷ - روزه وصال، روزه گرفتن دو روز پی‌درپی بدون آنکه در بین آنها مبطلی انجام دهد، البته با قصد وصال نه به طور اتفاقی.

۸ - توضیح المسائل، م ۱۷۳۹ تا ۱۷۴۲.

روزه‌های مستحب

روزه گرفتن در تمام ایام سال - به جز روزه‌های حرام و مکروه - مستحب است، ولی نسبت به بعضی از روزه‌ها تأکید و سفارش بیشتری شده است، که برخی از آنها بدین شرح است:

- * هر پنجشنبه و جمعه؛
- * اولین چهارشنبه، بعد از دههٔ اوّل هر ماه؛
- * روز مبعث (۲۷ رجب)؛
- * عید غدیر (۱۸ ذی حجه)؛
- * روز میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (۱۷ ربیع الاول)؛
- * روز اوّل تا نهم ذی الحجه؛
- * روز عرفه چنانچه روزه گرفتن سبب بازماندن از دعا‌های آن روز نشود؛
- * روز اوّل و سوّم محرّم؛
- * تمام ماه رجب و شعبان؛
- * روز اوّل فروردین؛
- * سیزدهم و چهاردم و پانزدهم هر ماه.
- * روز دحو الارض (۲۵ ذی قعدة)^۱

استفتا

□ س - کسی که نماز مغربش را بخواند و نماز عشا را فراموش کند، فردای آن شب [در غیر ماه رمضان]، روزه بر او واجب است یا نه؟

ج - واجب نیست، اگر چه موافق احتیاط است.^۲

روزه‌های مکروه

- * روزهٔ مستحب میهمان بدون اجازهٔ میزبان؛
- * روزه مستحب میهمان با نهی میزبان؛
- * روزهٔ مستحب فرزندان بدون اجازهٔ پدر؛

۱ - توضیح المسائل، م ۱۷۴۸؛ العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الصوم، فصل فی اقسام الصوم، ص ۲۴۰.
 ۲ - استفتاآت، ج ۱، ص ۳۲۷، س ۷۰. به فتوای برخی از فقهاء، روزه گرفتن فردای آن شب بنا بر احتیاط لازم است.

* روزه عاشورا؛

* روزه عرفه اگر سبب بازماندن از دعاهاى آن روز بشود؛

* روزه روزى كه نمى داند عرفه است يا عيد قربان.^۱

نیت روزه

۱- روزه داری در اسلام، اعتصاب غذا برای رسیدن به هدف‌های مادی نیست، بلکه این عمل، پیوندی با پروردگار جهان دارد و عبادت خدا محسوب می‌شود و باید با قصد قربت و اطاعت دستور الهی و نیت خالص و به دور از هرگونه ریا و خودنمایی بجا آورده شود.^۲

۲- انسان می‌تواند در هر شب ماه رمضان برای روزه فردای آن، نیت کند. و بهتر است که شب اول ماه هم روزه همه ماه را نیت کند.^۳

۳- در روزه واجب، نیت روزه نباید بدون عذر از اذان صبح تأخیر بیفتد.^۴

۴- در روزه واجب، اگر به سبب عذری، مانند فراموشی یا سفر، نیت روزه نکرده، اگر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، تا ظهر می‌تواند نیت روزه کند و پس از آن صحیح نیست.^۵

۵- لازم نیست نیت روزه را به زبان بگوید بلکه همین قدر که برای انجام دستور خداوند، از اذان صبح تا اذان مغرب، کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام ندهد کافی است.^۶

۶- وقت نیت روزه مستحب، از اول شب است تا موقعی که به اندازه نیت کردن به مغرب مانده باشد، که اگر تا این وقت، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد و نیت روزه مستحب کند، صحیح است.^۷

۷- کسی که روزه قضا یا روزه واجب دیگری دارد، نمی‌تواند روزه مستحب بگیرد و چنانچه فراموش کرده باشد و قبل از ظهر یادش بیاید، می‌تواند نیت خود را به روزه واجب برگرداند و اگر بعد از ظهر یادش بیاید، روزه اش باطل است.^۸

۸- کسی که برای بجا آوردن روزه میت اجیر شده، اگر روزه مستحب بگیرد اشکال ندارد.^۹

۱ - استفتائات، ص ۲۴۲؛ توضیح المسائل، م ۱۷۴۷.

۲ - توضیح المسائل، م ۱۵۵۰.

۳ - همان، م ۱۵۵۱.

۴ - همان، م ۱۵۵۴ - ۱۵۶۱.

۵ - همان، م ۱۵۵۰.

۶ - همان، م ۱۵۵۴ - ۱۵۶۱.

۷ - همان، م ۱۵۵۳.

۸ - همان، م ۱۵۶۳.

۹ - همان، م ۱۵۶۳.

۹- اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است یا اوّل ماه رمضان، به نیت روزه قضا و مانند آن روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است باید نیت روزه رمضان کند و اگر بعد معلوم شود رمضان بوده، از ماه رمضان حساب می‌شود.^۱

استفتا

س - آیا کسی که قضای روزه ماه رمضان بدهکار است می‌تواند نذر کند و روزه نذر به جا آورد؟
ج - نمی‌تواند.^۲

پرسش

- ۱- در این ایام، روزه گرفتن چه حکمی دارد؟
- ۱۲ فروردین، دوازدهم ذی حجه، دهم محرم، نهم ذی حجه، اوّل فروردین و اوّل شوال
- ۲- مسافری بعد از ظهر قصد می‌کند ده روز در جایی بماند و تا آن وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده، آیا می‌تواند نیت روزه کند.
- ۳- آیا کسی که روزه واجب بر عهده اوست می‌تواند، روزه مستحبی بجا آورد.
- ۴- در چه صورتی، بین روز باید نیت روزه رمضان کند؟

۲- استفتات، ج ۱، ص ۳۳۶، س ۹۷.

۱- توضیح المسائل، م ۱۵۶۸ و ۱۵۶۹.

درس ۳۶

مُبطّلاتِ روزه

روزه‌دار باید از اذان صبح تا مغرب از برخی کارها بپرهیزد و اگر پرهیز نکند، روزه‌اش باطل می‌شود، به این کارها «مُبطّلاتِ روزه» گفته می‌شود، که عبارتند از:

* خوردن و آشامیدن؛

* دروغ بستن به خدا و پیغمبر ﷺ و جانشینان آن حضرت ﷺ؛

* رساندن غبار غلیظ به حلق؛

* فرو بردن تمام سر در آب؛

* قی کردن؛

* آمیزش؛

* استمناء؛

* باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح؛

* اماله کردن با چیزهای روان.^۱

● خوردن و آشامیدن

۱- اگر روزه‌دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل می‌شود هرچند خوردن و

آشامیدن آن معمول نباشد؛ مانند خاک و نفت.^۲

۲- اگر کسی عمداً چیزی را که لای دندان‌اش مانده است فرو ببرد، روزه‌اش باطل می‌شود.^۳

۲- همان، م ۱۵۷۳.

۱- توضیح المسائل، م ۱۵۷۲.

۳- همان، م ۱۵۷۷.

- ۳- فرو بردن آب دهان، روزه را باطل نمی‌کند، هر چند زیاد باشد.^۱
- ۴- اگر روزه‌دار به سبب فراموشی (نمی‌داند روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.^۲
- ۵- انسان نمی‌تواند به خاطر ضعف، روزه را بخورد ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی‌توان آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد.^۳
- ۶- فرو بردن اخلاط سر و سینه، تا به فضای دهان نرسیده روزه را باطل نمی‌کند، ولی اگر داخل فضای دهان شود، بنا بر احتیاط واجب آن را فرو نبرد.^۴

تزریق آمپول

- آمپول اگر به جای غذا نباشد تزریق آن، روزه را باطل نمی‌کند، هر چند عضو را بی‌حس کند ولی احتیاط واجب آن است از آمپولی که به جای غذا به کار می‌رود پرهیز کند.^۵

• رساندن غبار غلیظ به حلق

- ۱- اگر روزه‌دار غبار غلیظی به حلق برساند، روزه‌اش باطل می‌شود؛ چه غبار خوراکی‌ها باشد مانند آرد، یا غیر خوراکی مانند خاک.
- ۲- در این موارد، روزه باطل نمی‌شود:
- * غبار غلیظ نباشد؛
- * به حلق نرسد. (فقط به داخل دهان برسد)؛
- * بی‌اختیار به حلق برسد و بیرون آوردن آن ممکن نباشد؛
- * نمی‌داند روزه است؛
- * شک کند غبار غلیظ به حلق رسیده است یا نه.^۶

۱- توضیح المسائل، م ۱۵۷۹. ۲- همان، م ۱۵۷۵.

۳- همان، م ۱۵۸۳. ۴- همان، م ۱۵۸۰.

۵- همان، م ۱۵۷۶. به فتوای برخی از فقهاء، آمپول‌هایی که در رگ تزریق می‌شود و انواع سرم‌ها نیز روزه را باطل می‌کند و به فتوای برخی دیگر تزریق آمپول روزه را باطل نمی‌کند.

۶- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۸۵ و ۲۸۶، الثامن؛ توضیح المسائل، م ۱۶۰۳ تا ۱۶۰۷. به فتوای برخی از فقهاء، غبار غیر غلیظ هم اگر به حلق برسد روزه را باطل می‌کند و به فتوای برخی دیگر هرگاه در حلق تبدیل به گل شود و فرو رود روزه باطل می‌شود و در غیر این صورت روزه باطل نیست.

استفتا

س - مبتلا به تنگی نفس هستم، یک وسیلهٔ طبی برای چارهٔ آن درست شده که با فشار دادن سوزن آن، مقداری داروی مایع درون مخزن به صورت پودر گاز از راه دهان به ریه‌ها پاشیده می‌شود و باعث تسکین می‌گردد و روزانه چند بار به آن احتیاج می‌شود، آیا می‌توانم با وجود استفاده از آن وسیلهٔ طبی، روزه‌دار باشم؟ و بدون آن غیر قابل تحمل یا بسیار سخت و بامشقت می‌باشد.

ج - داروی مذکور در فرض سؤال که بر استعمال آن، اکل و شرب صدق نمی‌کند مضرّ به روزه نیست.^۱

● دروغ بستن به خدا و پیغمبر

۱ - در تمام موارد زیر، دروغ بستن از روی عمد، به خدا، پیغمبر ﷺ یا امام علی (ع) روزه را باطل می‌کند. و بنابر احتیاط واجب دروغ بستن به حضرت زهرا (ع) و سایر پیامبران (ع) همین حکم را دارد:

- با گفتار باشد یا نوشتار یا اشاره یا انجام کاری که از آن، نسبت دروغ فهمیده شود؛

- به صراحت باشد یا کنایه؛

- دروغ را خودش ساخته باشد یا دیگری؛

- اخبار باشد یا پاسخ به سؤال دیگری؛^۲

۲ - بازگویی دروغی که دیگری ساخته یا گفته، بر وجه نقل قول یا حکایت اشکال ندارد؛ مثلاً

در حالی که روزه است بگوید: یزید گفت: «لعبت هاشم بالملک فلا خبر جاء و لا وحی نزل».^۳

● فرو بردن تمام سر در آب

□ ۱ - اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب مطلق فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود.

۲ - در این موارد روزه باطل نیست:

* سهواً سر را زیر آب ببرد.

* قسمتی از سر را زیر آب ببرد.

۲ - همان.

۱ - استفتائات، ج ۱، ص ۳۰۵، س ۶.

۳ - تحریر الوسیله، ج ۱، القول فیما یجب الامساک منه، ص ۲۸۴ و ۲۸۵؛ توضیح المسائل، م ۱۵۹۶ تا ۱۶۰۲.

* نصف سر را یکبار و نصف دیگر را بار دیگر در آب فرو برد.

* بی اختیار در آب بیفتد.

* شخص دیگری به زور سر او را در آب فرو برد.

* شک کند تمام سر زیر آب رفته است یا نه.^۱

۳- اگر در حال روزه ماه رمضان برای غسل سر را در آب فرو برد، غسل و روزه او باطل است، مگر آنکه زیر آب توبه کند و در حال خارج شدن از آب نیت غسل کند که در این صورت، غسل او صحیح و روزه باطل است.^۲

● قی کردن

۱- هرگاه روزه دار عمداً قی کند، هر چند به سبب بیماری باشد، روزه اش باطل می شود.^۳

۲- اگر روزه دار بی اختیار یا سهواً قی کند، روزه اش باطل نمی شود.^۴

● اِستِمْنَا

۱- اگر روزه دار استمنا کند؛ یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید، روزه اش باطل می شود.^۵

۲- اگر بی اختیار منی از او بیرون آید؛ مثلاً در خواب جنب شود، روزه اش باطل نمی شود.^۶

● باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

اگر شخص جنب، تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه او تیمم است، تیمم نکند، در برخی موارد روزه اش باطل می شود؛ برخی از مسائل آن چنین است:

۱- اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه اش تیمم است، تیمم نکند:

* در روزه ماه رمضان
* در قضای آن
روزه اش باطل است.

* در بقیه روزه ها ← روزه اش صحیح است.^۷

۱- توضیح المسائل، م ۱۶۱۰ - ۱۹۱۳ - ۱۹۱۳ - ۱۶۱۵؛ العروة الوثقی، القول فیما یجب الامساک منه، ج ۲، ص ۱۸۷، م ۳۶. به

فتوای برخی از فقها، فرو بردن سر در آب روزه را باطل نمی کند ولی مکروه است.

۳- همان، م ۱۶۴۶.

۲- توضیح المسائل، م ۱۶۱۷.

۵- همان، م ۱۵۸۸.

۴- همان، م ۱۶۴۶.

۷- همان، م ۱۶۱۹ تا ۱۶۳۱.

۶- همان، م ۱۵۸۹.

- ۲- اگر جنب در روزه ماه رمضان غسل یا تیمم را فراموش کند و پس از یک یا چند روز یادش بیاید، باید آن روزه‌ها را قضا کند.^۱
- ۳- اگر روزه‌دار، در خواب جنب شود، واجب نیست فوراً غسل کند و روزه‌اش صحیح است.^۲
- ۴- اگر شخص جنب در شب ماه رمضان می‌داند قبل از اذان صبح، برای غسل بیدار نمی‌شود، نباید بخوابد و اگر بخوابد و بیدار نشود، روزه‌اش باطل است.^۳

● باقی ماندن بر حیض و نفاس

- ۱- اگر در ماه رمضان زن قبل از اذان صبح از خون پاک شود و عمدتاً تا اذان غسل نکند، یا اگر وظیفه‌اش تیمم است تیمم نکند، روزه‌اش باطل است.^۴
- ۲- اگر مستحاضه غسل‌های خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شده بجا آورد روزه‌اش صحیح است.^۵

حکم کلی

هیچ کدام از مبطلات روزه اگر از روی عمد نباشد روزه را باطل نمی‌کند مگر بقای بر جنابت در روزه قضای ماه رمضان.^۶

کارهایی که بر روزه‌دار مکروه است:

- ۱- انجام دادن هر کاری که سبب ضعف شود؛ مانند خون دادن.
- ۲- بوییدن گیاهان معطر (عطر زدن مکروه نیست).
- ۳- خیس کردن لباسی که بر تن دارد.
- ۴- مسواک کردن با چوب تر.
- ۵- کشیدن دندان و هر کاری که به سبب آن از دهان خون بیاید.^۷

۱- توضیح المسائل، م ۱۶۲۲. به فتوای برخی از فقها، اگر در بین ماه رمضان متوجه شود باید قضای روزه‌ها را بجا آورد و اگر پس از ماه رمضان یادش بیاید قضا واجب نیست. ۲- همان، م ۱۶۳۲.

۳- همان، م ۱۶۲۵. ۴- همان، م ۱۶۳۷.

۵- همان، م ۱۶۲۵. به فتوای برخی از فقها، چنانچه غسل‌ها را بجا نیاورد نیز روزه‌اش صحیح است.

۶- تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصوم، القول فیما یجب الامساک منه، الخامسة و مسألة ۱۸.

۷- توضیح المسائل، م ۱۶۵۷.

۶ پرسش

- ۱- مسواک کردن در حال روزه چه حکمی دارد؟
- ۲- اگر با لباس غواصی - محفظه‌ای که به سر نچسبد - زیر آب برود، روزه باطل می‌شود یا نه؟
- ۳- آیا نقل مطالب غیر واقع، روزه را باطل می‌کند؟
- ۴- شنا کردن در حال روزه چه حکمی دارد؟
- ۵- اگر شخص روزه‌دار غسل ارتماسی بجا آورد غسلش باطل است یا روزه، یا هر دو؟
- ۶- شخصی پس از چند سال متوجه می‌شود که غسلش باطل بوده روزه‌هایش چه حکمی دارد؟

درس ۳۷ و ۳۸

قضا و کفاره روزه

روزه قضا

اگر کسی روزه را در وقت آن نگیرد، باید روز دیگری، به جای آن روزه بگیرد، پس روزه‌ای که بعد از وقت آن، بجا آورده می‌شود، «روزه قضا» نام دارد.

کفاره روزه

۱- اگر عمداً روزه رمضان را نگیرد، یا عمداً آن را باطل کند، قضا و کفاره واجب می‌شود.^۱

کفاره، همان جریمه‌ای است که برای باطل کردن روزه معین شده است و عبارت است از:

✽ آزاد کردن یک برده؛

✽ دو ماه روزه گرفتن که سی و یک روز آن باید پی در پی باشد؛

✽ طعام دادن به شصت فقیر به مقداری که یک وعده غذا بخورند و سیر شوند، یا دادن یک

مُد طعام به هریک از آنها.

۲- کسی که کفاره بر او واجب شود، باید یکی از این سه را انجام دهد و چون امروزه برده به

معنای فقهی آن یافت نمی‌شود، مورد دوم یا سوم را انجام می‌دهد. اگر هیچ یک از اینها برایش

مقدور نیست، هر مقدار که می‌تواند باید به فقیر طعام بدهد و اگر اصلاً نتواند طعام بدهد، باید

استغفار کند.^۲

در این موارد بجا آوردن قضای روزه واجب است ولی كفاره ندارد:

- ۱- روزه دار عمدتاً قی کند.
- ۲- در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با حال جنابت، یک یا چند روز روزه بگیرد.
- ۳- در ماه رمضان، بدون این که تحقیق کند صبح شده یا نه؟ کاری کند که روزه را باطل می کند؛ مثلاً آب بخورد و بعداً معلوم شود صبح بوده است.
- ۴- کسی بگوید: صبح نشده و روزه دار با اعتماد به گفته او، کاری کند که روزه را باطل می کند، و بعداً معلوم شود صبح بوده است.^۱
- ۵- روزه هایی که به سبب سفر، باطل شده است.^۲
- ۶- روزه های ایام حیض و نفاس بانوان.^۳
- ۷- بر اثر ندانستن مسأله، مبطلی انجام داده ولی نمی توانسته مسأله را یاد بگیرد، یا اصلاً متوجه نبوده.^۴
- ۸- به سبب بیماری روزه نگیرد و بیماریش پس از ماه رمضان برطرف شود.^۵

مواردی که فقط باید برای هر یک روز یک مد طعام به فقیر داده شود:

- ۱- به سبب بیماری نتواند روزه بگیرد و تا سال بعد طول بکشد و اگر چنانچه بیماری او تا چندین سال طول بکشد قضای سال آخر را باید بجا آورد و سال های گذشته را برای هر یک روز یک مد طعام به فقیر بدهد.^۶
- ۲- کسی که به سبب پیری، روزه گرفتن برایش مشقت دارد و بعد از ماه رمضان هم نمی تواند قضای آن را بجا آورد.^۷
- ۳- مرضی دارد که زیاد تشنه می شود و روزه گرفتن برایش مشقت دارد و بعد از ماه رمضان هم نمی تواند قضای آن را بجا آورد.^۸

۱- توضیح المسائل، م ۱۶۸۸. به فتوای برخی از فقها، در بعضی از این موارد كفاره هم واجب می شود.

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۸، م ۴.

۳- العروة الوثقی، ج ۲، فصل فی شرایط وجوب الصوم، الخامس، ص ۳۹۰، م ۳.

۴- توضیح المسائل، م ۱۶۵۹.

۵- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی قضاء صوم شهر رمضان، ص ۲۹۹، م ۹.

۶- توضیح المسائل، م ۱۷۰۳ و ۱۷۰۷.

۷- همان، م ۱۷۲۶.

۸- همان، م ۱۷۲۷.

مواردی که باید قضای روزه را بجا آورد و برای هر یک مد طعام به فقیر بدهد:

- ۱- با عذر، مثلاً در سفر، روزه نگرفته و بعد از ماه رمضان عذر برطرف شده و تا رمضان سال بعد عمداً قضای آن را بجا نیاورده است ولی اگر سال های بعد هم بجا نیاورد چیزی اضافه بر قضا و یک مد طعام واجب نیست.^۱
- ۲- موقعی که عذر دارد، تصمیم او بر این است که بعد از برطرف شدن عذر، قضای روزه را بجا آورد و عذر برطرف شود و پیش از آنکه قضا کند در تنگی وقت عذری برایش پیدا شود، قضای آن واجب و یک مد طعام احتیاط واجب است.^۲
- ۳- در قضای روزه کوتاهی کند و وقت تنگ شود و در تنگی وقت عذری برایش پیش آید.^۳
- ۴- مرضی دارد که زیاد تشنه می شود و روزه گرفتن برایش مشقت دارد؛ اضافه بر یک مد طعام، بنابر احتیاط واجب قضای آن را هم بجا آورد.^۴
- ۵- زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای حملش ضرر دارد و نمی تواند روزه بگیرد.^۵
- ۶- زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای خودش ضرر دارد و نمی تواند روزه بگیرد قضای آن را باید بجا آورد و بنابر احتیاط واجب برای هر یک روز، یک مد طعام به فقیر بدهد.^۶
- ۷- زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است و روزه برای بچه ای که شیر می دهد ضرر دارد.^۷
- ۸- زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است و روزه برای خودش ضرر دارد، قضای روزه را باید بجا آورد و بنابر احتیاط واجب برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.^۸
- ۹- به واسطه عذری، غیر بیماری مانند مسافرت، روزه ماه رمضان را نگیرد و عذر او تا ماه رمضان سال بعد طول بکشد، قضای آن را باید بجا آورد و بنابر احتیاط مستحب برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.^۹

احکام قضا و کفاره روزه

- ۱- لازم نیست قضای روزه را فوری بجا آورد، ولی بنابر احتیاط واجب باید تا ماه رمضان سال

۱- توضیح المسائل، م ۱۷۰۵ و ۱۷۰۹.

۲- همان، م ۱۷۰۶.

۳- همان، م ۱۷۰۶.

۴- همان، م ۱۷۲۷.

۵- همان، م ۱۷۲۸.

۶- همان، م ۱۷۲۸.

۷- همان، م ۱۷۲۹.

۸- همان، م ۱۷۲۹.

۹- همان، م ۱۷۰۳.

بعد انجام دهد.^۱

□ ۲- اگر چند ماه رمضان روزه قضا دارد، هر کدام را اول بگیرد اشکال ندارد، ولی اگر وقت قضای روزه آخرین ماه رمضان تنگ است؛ مثلاً ده روز از رمضان آخر، قضا دارد و ده روز به ماه رمضان بعد مانده است، باید اول قضای آن را بگیرد.^۲

۳- انسان نباید در انجام كفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست فوری آن را انجام دهد.^۳

۴- اگر كفاره بر انسان واجب شود و بجا نیاورد و چند سال بر آن بگذرد چیزی بر آن اضافه نمی شود.^۴

□ ۵- اگر روزه خود را با کار حرامی؛ مانند استمنا باطل کند، بنابر احتیاط واجب كفارة جمع لازم می شود؛ یعنی باید یک برده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و به شصت فقیر طعام بدهد. اگر هر سه برایش ممکن نیست، هر کدام از آنها را که می تواند باید انجام دهد.^۵

۶- کسی که قضای روزه ماه رمضان را گرفته، اگر بعد از ظهر عمداً آن را باطل کند، باید به ده فقیر، هر کدام یک مد طعام بدهد و اگر نمی تواند طعام بدهد، بنابر احتیاط واجب باید سه روز پی در پی روزه بگیرد.^۶

استفتا

س - کسانی که نماز و روزه شان شکسته است و همیشه سر کارند، به جز تعطیلات، پس باید روزه های قضا شده را چگونه و کی بجا آورند؟

ج - باید در طول سال قضا نمایند، علی الاحوط.^۷

□ س - زنی مدت هاست که یا حامله است و یا بچه شیر می دهد و در ماه رمضان نمی تواند روزه بگیرد، تکلیفش در مورد قضای روزه چگونه است؟

ج - وجوب قضا ساقط نیست.^۸

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی قضاء شهر رمضان، ص ۲۹۸، م ۴.

۲ - توضیح المسائل، م ۱۶۹۸. به فتوای برخی از فقها، در فرض دوم نیز احتیاط مستحب است اول قضای ماه رمضان آخر را بجا آورد.

۳ - همان، م ۱۶۸۴.

۴ - همان، م ۱۶۸۵.

۵ - همان، م ۱۶۶۵. به فتوای برخی از فقها، كفارة جمع واجب نیست لکن احتیاط مستحب است.

۶ - همان، م ۱۶۸۷.

۷ - استفتائات، ج ۱، ص ۳۳۱، س ۸۴.

۸ - همان، ص ۳۳۲، س ۸۷. به فتوای برخی از فقها، اگر بعد از ماه رمضان نیز بچه شیر می دهد و روزه برای خودش ساقط ←

در این موارد نه قضا واجب است و نه کفاره:

۱- روزه‌های ایام کفر برای تازه مسلمان؛ یعنی اگر کافری مسلمان شود قضای روزه‌های گذشته واجب نیست.^۱

۲- کسی که به سبب پیری نمی‌تواند روزه بگیرد و بعد از رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را انجام دهد. ولی اگر روزه گرفتن برایش دشوار است، باید برای هر روز، یک مُدّ طعام به فقیر بدهد.^۲

روزه قضای پدر و مادر^۳

□ پس از مرگ پدر، پسر بزرگ او باید نمازها و روزه‌های قضا شده او را بجا آورد و احتیاط مستحب است قضای نماز و روزه‌های مادر را هم بجا آورد.^۴

روزه مسافر

مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر، دو رکعت بخواند، نباید در آن سفر روزه بگیرد ولی باید قضای آن را بجا آورد و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند؛ مثل کسی که شغل او سفر است، باید در سفر روزه بگیرد.^۵

۱- قبل از ظهر به مسافرت می‌رود ← وقتی به حد ترخص رسید، روزه‌اش باطل می‌شود و اگر قبل از آن روزه را باطل کند، بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد. ۲- بعد از ظهر به مسافرت می‌رود ← روزه‌اش صحیح است و نباید آن را باطل کند.	به سفر رفتن (آغاز سفر)	حکم روزه مسافر
۱- قبل از ظهر به وطن ۲- اگر کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام نداده است: باید نیت روزه کرده و روزه آن روز را تمام کند و صحیح است. ۳- اگر کاری که روزه را باطل کند انجام داده است؛ روزه آن روز بر او واجب نیست و باید قضای آن را بجا آورد.	۱- قبل از ظهر به وطن یا جایی که بنا دارد ده روز بماند برسد. ۲- اگر کاری که روزه را باطل کند انجام نداده است؛ روزه آن روز بر او واجب نیست و باید قضای آن را بجا آورد.	
۲- بعد از ظهر برسد ← روزه‌اش باطل است و باید قضای آن را بجا آورد. ^۶	از سفر برگشتن (پایان سفر)	

← است و بدین جهت تا ماه رمضان سال بعد نتوانست قضای آن را بجا آورد، قضای روزه ساقط است و باید فدیة بدهد.

۱- توضیح المسائل، م ۱۶۹۵.

۲- همان، م ۱۷۲۵ - ۱۷۲۶.

۳- این بحث به تفصیل در درس ۳۰ گذشت.

۴- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۲۷ م ۱۶؛ توضیح المسائل، م ۱۷۱۲ و ۱۳۹۰. به فتوای برخی از فقها، نمازها و روزه‌های قضای مادر نیز بر او واجب است.

۵- توضیح المسائل، م ۱۷۱۴.

۶- همان، م ۱۷۱۴ - ۱۷۲۱ - ۱۷۲۲ - ۱۷۲۳.

در برگشت از سفر، رسیدن به حدّ ترخص، برای روزه اثری ندارد؛ بنابراین اگر پیش از ظهر به حدّ ترخص برسد ولی هنوز به وطن یا جایی که می‌خواهد ده روز بماند نرسیده ظهر شود، نمی‌تواند نیت روزه کند.

مسأله: مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است.^۱

□ راه‌های ثابت شدن اول ماه

۱ - خود انسان ماه را ببیند.

۲ - عده‌ای که از گفتهٔ آنان یقین پیدا می‌شود بگویند ماه را دیده‌ایم و همچنین است هر چیزی که به واسطهٔ آن یقین پیدا شود.

۳ - دو مرد عادل بگویند که در شب ماه را دیده‌ایم.

۴ - سی روز از اول شعبان بگذرد، اول ماه رمضان ثابت می‌شود و سی روز از اول رمضان بگذرد اول شوال ثابت می‌شود.

□ ۵ - حاکم شرع حکم کند که اول ماه است.^۲

چند مسأله

۱ - اول ماه با پیشگویی منجمان ثابت نمی‌شود، ولی اگر انسان از گفتهٔ آنان یقین پیدا کند باید به آن عمل نماید.^۳

۲ - بزرگ بودن ماه یا دیر غروب کردن آن، دلیل نمی‌شود که شب پیش، شب اول ماه بوده است.^۴

□ ۳ - اگر در جایی، مثلاً در کشوری یا شهری، اول ماه ثابت شود، برای جای دیگر فایده ندارد؛ مگر آن دو جا به هم نزدیک باشند یا انسان بداند که افق آنها یکی است.^۵

۱ - توضیح المسائل، م ۱۷۱۵.

۲ - همان، م ۱۷۳۰. به فتوای برخی از فقهاء، حکم حاکم شرع یکی از راه‌های ثابت شدن اول ماه نیست ولی چنانچه حکم کند که اول ماه است تبعیت از حکم وی واجب است.

۳ - همان، م ۱۷۳۲. به فتوای برخی از فقهاء، اگر ماه پیش از ظهر دیده شود دلیل بر آن است که آن روز اول ماه است.

۴ - همان، م ۱۷۳۳.

۵ - همان، م ۱۷۳۵. به فتوای برخی از فقهاء، اگر در جایی ماه دیده شود برای سایر شهرها و کشورهایی که با آنجا در شب مشترک باشند هر چند اول شب یکی آخر شب دیگری باشد، کافی است.

- ۴- روزی را که انسان نمی‌داند آخر ماه رمضان است یا اول شوال، باید روزه بگیرد، ولی اگر پیش از مغرب بفهمد که اول شوال است باید افطار کند.^۱
- ۵- اگر حاکم شرع حکم کند که اول ماه است، کسی هم که از او تقلید نمی‌کند باید به حکم او عمل کند ولی کسی که می‌داند حاکم شرع اشتباه کرده است نمی‌تواند به حکم او عمل کند.^۲

۶ پرسش

- ۱- روزه قضا با كفاره چه تفاوتی دارد؟
- ۲- در چه صورتی كفاره جمع واجب می‌شود؟ دو مثال بزنید.
- ۳- شخصی در بجا آوردن قضای روزه رمضان کوتاهی کرده و نزدیک ماه رمضان نیز بیمار شده و نتوانسته آنها را بجا آورد تکلیفش نسبت به قضا و كفاره چیست؟
- ۴- زنی که در ماه رمضان به سبب حمل نتوانست روزه بگیرد و تا رمضان سال بعد نیز به واسطه شیر دادن بچه نتوانست قضای آن را به جا آورد، وظیفه‌اش نسبت به قضا و كفاره روزه آن سال چیست؟
- ۵- باطل کردن قضای روزه ماه رمضان چه حکمی دارد؟
- ۶- در چه مواردی قضای روزه فردی بر شخص دیگر واجب می‌شود؟
- ۷- کسی که از سفر به وطن برمی‌گردد و مطمئن است پیش از ظهر به وطن می‌رسد، آیا مجاز است مبطلی انجام دهد؟

اعتکاف

یکی از کارهای مستحب «اعتکاف» است و اعتکاف عبارت است از ماندن در مسجد برای عبادت خداوند با شرایطی که خواهد آمد.^۱

شرایط اعتکاف

اعتکاف با شرایط زیر صحیح است و با نبود یکی از آنها اعتکاف باطل است:

- ۱- مُعتکف بالغ و عاقل باشد.
- ۲- به قصد قربت و اخلاص مُعتکف شود.
- ۳- مدت اعتکاف از سه روز کمتر نباشد.
- ۴- در مسجد مُعتکف شود.
- ۵- مُعتکف از مسجد خارج نشود.
- ۶- در مدت اعتکاف، روزها را روزه بگیرد.
- ۷- برای اعتکاف اجازه بگیرد (تفصیل این شرایط خواهد آمد).^۲

نیت اعتکاف

- ۱- اعتکاف همانند سایر عبادت‌ها باید با نیت و قصد قربت باشد و هرگونه ریا و خودنمایی و

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصوم، خاتمة فی الاعتکاف، ص ۳۰۴.

۲- همان، القول فی شروطه.

قصد غیر الهی آن را باطل می‌کند.^۱

۲- انسان می‌تواند اعتکاف را برای خود یا دیگری بجا آورد؛ که به قِسم دوم، اعتکاف نیابتی گفته می‌شود.^۲

۳- اعتکاف به نیابت از دو یا چند نفر صحیح نیست، ولی می‌تواند اعتکاف را به نیت خود بجا آورد و ثواب آن را به دیگران اهدا کند.^۳

مدّت اعتکاف

۱- مدّت اعتکاف حداقل سه روز است و کمتر از آن صحیح نیست ولی در زیاده حدّی ندارد، و اگر پنج روز مُعتکف شود، روز ششم نیز واجب است بماند، بلکه بنابر احتیاط واجب هرگاه دو روز اضافه کرد، روز سوّمش هم باید بماند، پس اگر هشت روز معتکف شد، ماندن روز نهم نیز بنابر احتیاط واجب لازم است.^۴

۲- این سه روز از طلوع فجر روز اول تا مغرب روز سوم است، بنابراین اگر بعد از طلوع فجر هر چند، دقیقه‌ای با تأخیر به مسجد برسد، آن روز جزو اعتکاف به حساب نمی‌آید.^۵

۳- سه روز اعتکاف با شب‌های آن است که حداقل سه روز و دو شب در وسط است، بنابراین نمی‌تواند شب‌ها را از مسجد خارج شود.^۶

۴- رها کردن اعتکاف مستحب و نذر غیر معین در روزهای اوّل و دوم اشکال ندارد، ولی اگر تا مغرب روز دوم ماند واجب است روز سوم را نیز بماند.^۷

زمان اعتکاف

در طول سال هر زمانی که انسان بتواند حداقل سه روز در مسجد بماند و روزه بگیرد اعتکاف صحیح است، اما بهترین زمان برای اعتکاف، ماه مبارک رمضان به ویژه دهه آخر آن است.^۸

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصوم، خاتمة فی الاعتکاف، الثانی.

۲- العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۴۶، کتاب الاعتکاف. ۳- همان.

۴- تحریر الوسیله، ج ۱، خاتمة فی الاعتکاف، القول فی شروطه، الرابع، ص ۳۰۵.

۵- همان. ۶- همان، ص ۳۰۶، م ۴.

۷- همان، ص ۳۰۶، م ۳. ۸- العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۴۶، کتاب الاعتکاف.

مكان اعتكاف

□ ۱- اعتكاف در يكي از اين مساجد صحيح است:

مسجد الحرام، مسجد النبي ﷺ، مسجد كوفه، مسجد بصره

و در غير اين چهار مسجد، تنها در مسجد جامع هر شهر، به قصد رجاء مانع ندارد. و در ساير مساجد جايز نيست.^۱

۲- اگر در يك شهر، دو يا چند مسجد جامع وجود داشته باشد، در هر کدام كه بخواهد مي تواند به قصد رجاء معتكف شود.^۲

۳- اگر كسي در خانه خود يا تكيه يا حسينيّه يا حرم و حتي مسجد غير جامع معتكف شود صحيح نيست.^۳

۴- اعتكاف بايد در يك مسجد باشد، پس اعتكاف در دو مسجد كه بخشي از وقت را در يكي و بخشي از آن را در ديگري بماند صحيح نيست.^۴

۵- اگر در مسجدي معتكف شود ولي مانعي از ادامه ماندن در آن مسجد پيش آيد، اعتكاف باطل است.^۵

خارج شدن از مسجد

□ ۱- مُعتكف نبايد از مسجد خارج شود، مگر در موارد ذيل:

* براي گواهي دادن.

* براي تشييع جنازه، در صورتي كه ميّت، طوري وابستگي به مُعتكف داشته باشد كه شركت در تشييع جنازه او از ضرورت هاي عرفي او به حساب مي آيد.

* براي ساير كارهاي ضروري عرفي يا شرعي، خواه واجب باشد يا مستحب، خواه مربوط به امور دنيوي باشد يا اخروي، ولي مصلحتي در آن نهفته باشد.^۶

۱- تحرير الوسيله، ج ۱، ص ۳۰۵، القول في شروط الاعتكاف، الخامس. به فتاوي برخي از فقها، اعتكاف در مسجد جامع هم صحيح است و برخي اعتكاف در مسجد غير جامع را نيز رجاء صحيح مي دانند.

۲- العروة الوثقى، ج ۲، كتاب الاعتكاف، في شرايط الاعتكاف، السادس.

۳- همان.

۴- تحرير الوسيله، ج ۱، القول في شروط الاعتكاف، ص ۳۰۷، م ۶.

۵- همان، السابع، ص ۳۰۶.

۶- همان، ص ۳۰۶، السابع و ص ۳۰۷، م ۹. به فتاوي برخي از فقها، در بعضي موارد آورده شده معتكف نمي تواند از مسجد خارج شود.

- ۲- اگر معتکف جنب شود واجب است برای غسل از مسجد بیرون برود و اگر بیرون نرود اعتکاف باطل است.^۱
- ۳- اگر معتکف به جهتی از مسجد خارج شد، این امور را باید مراعات کند:
- * بیش از مقدار ضرورت و نیاز بیرون مسجد نماند.
 - * در صورت امکان زیر سایه ننشیند، بلکه مطلقاً ننشیند، مگر در حال ضرورت.
 - * بنابر احتیاط واجب نزدیکترین راه را انتخاب کند.^۲
- ۴- اگر معتکف به جهت ضرورت از مسجد بیرون رود و به قدری طول بکشد که صورت اعتکاف به هم بخورد اعتکاف باطل است.^۳
- ۵- اگر به سبب فراموشی از مسجد خارج شود اعتکافش باطل نیست ولی باید فوراً به مسجد برگردد.^۴

روژه اعتکاف

- ۱- انسان در ایام اعتکاف باید روزه بگیرد، بنابر این، اعتکاف کسی که نمی تواند روزه بگیرد مانند مسافر، مریض و زن حائض یا نفساء و کسی که عمدتاً روزه نگیرد صحیح نیست.^۵
- ۲- اعتکاف در روز عید فطر و قربان یا دو روز قبل از عید به طوری که روز سوم آن عید باشد صحیح نیست.^۶
- ۳- لازم نیست که روزه، مخصوص به اعتکاف باشد، بلکه هر روزه ای باشد صحیح است، مثلاً در ایام اعتکاف می تواند روزه قضا یا نذری یا استیجاری بجا آورد.^۷
- ۵- اگر انسان نذر کند در سفر روزه بگیرد می تواند بدون قصد ماندن ده روز معتکف شود.^۸
- یادآوری می شود نذر روزه ماه رمضان و قضای آن در سفر صحیح نیست.

۱- تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی شروط الاعتکاف، ص ۶۰۸ م ۱۰.

۲- همان، ص ۳۰۷، م ۹.

۳- همان، ص ۳۰۸، م ۱۲.

۴- همان، السابع، ۵- همان، ص ۳۰۵، الثالث.

۶- العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الاعتکاف، فی شرایط الاعتکاف، الرابع.

۷- تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی شروط الاعتکاف، الثالث، ص ۳۰۵.

۸- همان.

اجازة اعتكاف

افراد ذیل با توضیحی که خواهد آمد بدون اجازه نمی‌توانند مُعتکف شوند:

- * زن بدون اجازه شوهرش.
- * فرزند بدون اجازه والدین.
- * کسی که در استخدام دیگری است.

توضیح:

- ۱- اگر اعتکاف زن موجب از بین رفتن حق شوهر باشد، بنابر احتیاط واجب باید از او اجازه بگیرد و همچنین برای بیرون رفتن از منزل نیز باید از شوهرش اجازه بگیرد.
- ۲- اگر اعتکاف فرزند سبب اذیت و آزار والدین باشد صحیح نیست و در صورتی که سبب اذیت و آزار آنها هم نباشد احتیاط مستحب است اجازه بگیرد.
- ۳- کسی که در استخدام دیگری است؛ مانند برخی از کارگران و کارمندان، در صورتی که قرارداد استخدامی و کاری به گونه‌ای است که منفعت مدت اعتکاف را نیز در بر می‌گیرد؛ یعنی اعتکاف با عمل به اجاره منافات دارد باید از صاحب کار اجازه بگیرد یا از اداره مطابق مقررات مرخصی بگیرد.^۱

محرمات اعتكاف

انسان در حال اعتکاف باید از این کارها پرهیز کند:

- * بوییدن چیزهای خوشبو و عطریات حتی گیاهان خوشبو، همراه با لذت.
- * خرید و فروش
- * سایر انواع تجارت؛ مثل صلح و اجاره و غیر اینها (بنابر احتیاط واجب)
- * جدال در امور دینی و دنیوی برای غلبه بر دیگری و اظهار فضل و برتری بر او.
- * امور جنسی و شهوت‌آمیز؛ مانند بوسه، لمس، آمیزش.
- * استمناء^۲ (بنا بر احتیاط واجب).^۳

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی شروط الاعتكاف، السادس.

۲- استمناء در هر حال حرام و از گناهان بزرگ است و بنا بر احتیاط واجب جزو محرمات اعتکاف نیز هست، لذا اگر کسی در حال

اعتکاف چنین عملی را مرتکب شود، گناهش بیشتر و عذابش افزون‌تر است.

۳- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی احکام الاعتكاف، ص ۳۰۹.

مبطلات اعتکاف

- ۱- اگر معتکف، روزه خود را باطل کند، اعتکافش باطل می‌شود.^۱
- ۲- آمیزش جنسی هر چند سهواً باشد اعتکاف را باطل می‌کند.^۲
- ۳- اگر معتکف از روی شهوت، دیگری را ببوسد یا بدن او را لمس کند یا یکی دیگر از محرمات اعتکاف را عمداً یا سهواً مرتکب شود، احتیاط واجب آن است که اعتکاف را به پایان برساند و چنانچه اعتکاف واجب شده باشد؛ مثلاً نذر کرده باشد یا روز سوم اعتکاف باشد، مجدداً باید بجا آورد.^۳

۵ پرسش

- ۱- آیا در حال اعتکاف برای شرکت در نماز جمعه می‌توان از مسجد خارج شد؟
- ۲- اعتکاف فرزند بدون اجازه پدر چه حکمی دارد؟
- ۳- در چه صورتی می‌توان اعتکاف را قطع کرد؟
- ۴- در چه صورتی مسافر می‌تواند معتکف شود؟
- ۵- کدامیک از محرمات اعتکاف، قبل از اعتکاف جایز است؟

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی احکام الاعتکاف، م ۲.

۲- همان.

۳- همان.

درس ۴۰

زکات

﴿... وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا...﴾

«... و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و قرض نیکو به خدا بدهید و هر کار خوبی برای خویش پیش فرستید، آن را نزد خداوند بهتر و با پاداشی بیشتر بازخواهید یافت.»
(سوره مزل، آیه ۲۰)

یکی از وظایف مهم اقتصادی مسلمانان، پرداخت زکات است. در اهمیت زکات همین بس که در قرآن مجید، پس از نماز آمده و نشانه ایمان و عامل رستگاری شمرده شده است.^۱
در روایات متعدد، از معصومین علیهم السلام آمده است: «کسی که از پرداخت زکات جلوگیری کند، از دین خارج است».^۲

زکات موارد معینی دارد، یک قسم از آن، زکات بدن و حیات است که هر سال یک مرتبه در روز عید فطر پرداخت می شود و فقط بر کسانی که قدرت مالی پرداخت آن را دارند واجب است. قسم دیگر، زکات اموال است که به چیزهای معینی تعلق می گیرد و می توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد:

۱ - سوره بقره، آیه ۱۷۷؛ مؤمنون، آیه ۴؛ توبه، آیه ۱۱؛ حج، آیه ۷۸ و... .

۲ - وسائل الشیعه، ج ۶ ص ۱۸.

گندم	۱- غلات	موارد وجوب زکات اموال ^۱
جو		
خرما		
کشمش		
شتر	۲- دام‌ها	
گاو		
گوسفند		
طلا	۳- سکه‌ها	
نقره		

حدّ نصاب

زکات این اموال در صورتی واجب می‌شود که به مقدار مشخصی برسد، که به آن مقدار «حدّ نصاب» می‌گویند؛ یعنی اگر محصول به دست آمده یا تعداد دام یا طلا و نقره موجود، از حدّ نصاب کمتر باشد، زکات ندارد.

نصاب غلات^۲

□ تمام غلات چهارگانه، یک نصاب دارد که حدود ۸۵۰ کیلوگرم است، بنابراین اگر محصول به دست آمده از این مقدار، کمتر باشد، زکات ندارد.^۳

مقدار زکات غلات

چنانچه یکی از این محصول‌ها به حدّ نصاب برسد، باید مقداری از آن به عنوان زکات پرداخت شود ولی مقدار زکات غلات بستگی به چگونگی آبیاری آنها دارد و از این نظر می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد:

* مقدار زکات محصولی که با آب باران و رودخانه آبیاری می‌شود، یا دیمی باشد $\frac{۱}{۱۰}$ است.

۱- توضیح المسائل، م ۱۸۵۳.

۲- نصاب غلات به طور دقیق ۸۴۷/۲۰۷ کیلوگرم است. برخی از فقها، گندم و جو را کمی بیشتر از این مقدار دانسته‌اند؛ یعنی

۸۸۵ کیلوگرم. ۳- توضیح المسائل، م ۱۸۶۴.

- * مقدار زکات محصولی که با دلو یا موتور پمپ آبیاری می شود $\frac{۱}{۳}$ است.
- * محصولی که به هر دو طریق - هم با آب باران یا رودخانه و هم با آب دستی آبیاری شده زکات نصف آن $\frac{۱}{۳}$ و نصف دیگر $\frac{۱}{۳}$ است.^۱

نصاب دام‌ها و مقدار زکات آن

• گوسفند

اولین نصاب گوسفند، چهل عدد و زکات آن یک گوسفند است و تعداد گوسفندان، تا به چهل نرسد، زکات ندارد و نصاب‌های بعدی آن بدین شرح است:

شماره	نصاب	مقدار زکات
۱	۱۲۱ گوسفند	۲ گوسفند
۲	۲۰۱ گوسفند	۳ گوسفند
۳	۳۰۱ گوسفند	بنابر احتیاط واجب، ۴ گوسفند
۴	۴۰۰ گوسفند و بیشتر از آن	هر صدتای آن یک گوسفند

اگر تعداد گوسفندان از یک نصاب بگذرد ولی به نصاب بعدی نرسد، زکات نصاب پایین را باید بپردازد؛ مثلاً کسی که ۱۱۵ گوسفند داشته باشد، زکات آن یک گوسفند است.^۲

• گاو

اولین نصاب گاوسی رأس است و زکات آن یک گوساله است که یک سال آن تمام شده و وارد سال دوم شده باشد. نصاب‌های بعدی، بدین شرح است:

شماره	نصاب	مقدار زکات
۱	۴۰ گاو	یک گوساله ماده که وارد سال سوم شده است.
۲	۶۰ گاو	دو گوساله یک ساله
۳	بیشتر از ۶۰ گاو	برای هر ۳۰ تا یک گوساله دو ساله و هر ۴۰ تا یک گوساله سه ساله

۱ - توضیح المسائل، م ۱۸۷۵ تا ۱۸۷۹.

۲ - همان، م ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴.

برای محاسبه بیشتر از شصت، باید با عدد سی یا چهل یا هر دو حساب کرد ولی باید طوری حساب شود که چیزی باقی نماند یا اگر چیزی باقی می ماند از نه تا بیشتر نباشد.^۱

● شتر

شتر دوازده نصاب دارد بدین شرح:

شماره	نصاب	مقدار زکات
۱	۵ شتر	۱ گوسفند
۲	۱۰ شتر	۲ گوسفند
۳	۱۵ شتر	۳ گوسفند
۴	۲۰ شتر	۴ گوسفند
۵	۲۵ شتر	۵ گوسفند
۶	۲۶ شتر	یک شتری که وارد سال دوم شده باشد
۷	۳۶ شتر	یک شتری که وارد سال سوم شده باشد
۸	۴۶ شتر	یک شتری که وارد سال چهارم شده باشد
۹	۶۱ شتر	یک شتری که وارد سال پنجم شده باشد
۱۰	۷۶ شتر	دو شتری که وارد سال سوم شده باشد
۱۱	۹۱ شتر	دو شتری که وارد سال چهارم شده باشد
۱۲	۱۲۱ شتر و بیشتر	برای هر چهل شتر، یک شتری که وارد سال سوم شده باشد ^۲

نصاب طلا و نقره

نصاب طلا ۱۵ مثقال و نصاب نقره ۱۰۵ مثقال است و زکات هر دو $\frac{۱}{۴}$ می باشد.^۳

۱ - توضیح المسائل، م ۱۹۱۲.

۲ - همان، م ۱۹۱۰.

۳ - همان، م ۱۸۹۶ - ۱۸۹۷.

احکام زکات

- ۱ - آنچه برای گندم، جو، خرما و انگور خرج کرده است؛ مانند قیمت بذر، مزد کارگر، و مزد تراکتور یا استهلاک آن را می‌تواند از حاصل کسر کند، ولی مقدار نصاب، قبل از کم کردن این مخارج محاسبه می‌شود و اگر قبل از کسر مخارج به حد نصاب برسد، پرداخت زکات واجب شده است ولی زکات باقیمانده را می‌پردازد.^۱
- ۲ - زکات دام‌ها در صورتی واجب می‌شود که:
- * یک سال مالک آنها باشد؛ بنابراین اگر مثلاً ۱۰۰ عدد گاو را خریداری کند و پس از ۹ ماه بفروشد؛ زکات واجب نیست.^۲
- * حیوان در تمام سال بیکار باشد؛ بنابراین گاو یا شتری که در کار مزرعه یا حمل بار از آن استفاده می‌شود زکات ندارد.^۳
- * حیوان در تمام سال بچرد و از علف بیابان بخورد، پس اگر در تمام سال یا مقداری از آن، از علف چیده شده یا کاشته شده بخورد، زکات ندارد.^۴
- ۳ - زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سکه‌ای باشد که معامله با آن رواج دارد، بنابراین طلا یا نقره‌ای که بانوان به عنوان زیور استفاده می‌کنند زکات ندارد.^۵

۹ پرسش

- ۱ - نصاب خرما و گندم چه مقدار است؟
- ۲ - زکات ۲۴۳ رأس گوسفند را تعیین کنید.
- ۳ - زکات گندمی که با موتور پمپ از رودخانه آبیاری شده است $\frac{۱}{۲۰}$ است یا $\frac{۱}{۱۰}$ ؟
- ۴ - آیا نصاب غلات، قبل از کسر مخارج محاسبه می‌شود یا پس از آن؟
- ۵ - شخصی اوّل اردیبهشت ۲۵ رأس گوسفند خریداری می‌کند و اوّل مهرماه همان سال هم ۲۰ رأس دیگر خریداری می‌کند؛ زمان پرداخت زکات این گوسفندان چه وقت است؟

۱ - توضیح المسائل، م ۱۸۸۰.
 ۲ - همان، م ۱۸۵۶.
 ۳ - همان، م ۱۹۰۸. به فتوای برخی از فقهاء، زکات حیوان، هرچند در کار مزرعه یا حمل بار از آن استفاده می‌شود بنا بر احتیاط واجب است.
 ۴ - همان.
 ۵ - همان، م ۱۸۹۹ و ۱۹۰۰. به فتوای برخی از فقهاء، حتی حیوان‌هایی که علف دستی می‌خورند بنا بر احتیاط زکات دارد.

درس ۴۱

زکات فطره

شب عید فطر، بر افراد واجد شرایط، زکاتی واجب می شود به نام زکات فطره، که مقدار و موارد مصرف آن خواهد آمد.

فردی که در شب عید فطر دارای این شرایط باشد زکات فطره بر او واجب است:

۱- بالغ باشد؛

۲- عاقل باشد؛

۳- بنده کسی نباشد؛

۴- فقیر نباشد.^۱

چنین شخصی، باید زکات خود و کسانی را که در مغرب شب عید فطر نان خور او هستند، بپردازد؛ کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا غیرمسلمان، خرج آنان بر او واجب باشد یا نباشد، در شهر خود او باشند یا در شهر دیگر (یعنی حتی اگر فرزند او که نان خور اوست به مسافرت رفته باشد باید زکات او را بدهد).^۲

مقدار زکات فطره: هر نفر یک صاع که تقریباً ۳ کیلو است.^۳

جنس زکات فطره: گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند این ها یا پول این ها.^۴
وقت وجوب زکات فطره: شب عید فطر.^۵

۲- همان.

۴- همان.

۱- توضیح المسائل، م ۱۹۹۱.

۳- همان.

۵- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۸.

وقت پرداخت زکات فطره: از شب عید تا ظهر روز عید فطر و بهتر است که در روز عید بدهد و اگر نماز عید می خواند بنا بر احتیاط واجب قبل از نماز عید بپردازد.^۱

فطره میهمان

- ۱- فطره میهمانی که پیش از غروب شب عید فطر، بدون رضایت صاحبخانه وارد می شود در صورتی که نان خور^۲ او حساب شود، واجب است و همچنین است فطره کسی که انسان را مجبور کرده اند که خرجی او را بدهد.^۳
- ۲- فطره میهمانی که بعد از غروب شب عید فطر وارد می شود، بر صاحبخانه واجب نیست، اگر چه پیش از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه او هم افطار کند.^۴

احکام زکات فطره

- ۱- کسی که مخارج سال خود و اهل و عیالش را ندارد و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و اهل و عیالش را تأمین کند، فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست.^۵
- ۲- کسی که دیگری باید فطره او را بدهد واجب نیست فطره خود را بدهد.^۶
- ۳- اگر فطره انسان بر کسی واجب باشد و او فطره را ندهد بر خودش واجب نمی شود.^۷
- ۴- غیر سید نمی تواند به سید فطره بدهد، حتی اگر سیدی نان خور او باشد نمی تواند فطره او را به سید دیگر بدهد؛ مثلاً کسی که همسرش سید است، ولی خودش سید نیست، زکات فطره همسرش را نیز نمی تواند به سید بپردازد.^۸
- ۵- فقیری که فطره به او می دهند لازم نیست عادل باشد ولی احتیاط واجب آن است که به شرابخوار و کسی که آشکارا معصیت کبیره می کند، فطره ندهند.^۹

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۸؛ توضیح المسائل، م ۲۰۲۹.

۲- میهمانی که تنها برای یک شب وارده شده نان خور میزبان به حساب نمی آید، مگر آنکه بخواهد چند شب دیگر نیز بماند.

۳- توضیح المسائل، م ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶. به فتوای برخی از فقها، اگر بدون دعوت و رضایت صاحبخانه آمده است زکات فطره بر او واجب نیست.

۴- همان، م ۱۹۹۷. به پاورقی قبلی مراجعه شود.

۵- همان، م ۲۰۰۵.

۶- همان، م ۱۹۹۲.

۷- همان، م ۲۰۰۹.

۸- همان، م ۲۰۰۶.

۹- همان، م ۲۰۱۶.

- ۶- به کسی که فطره را در معصیت مصرف می‌کند، نباید فطره بدهند.^۱
- ۷- احتیاط واجب آن است که به یک فقیر بیش از مخارج سالش و کمتر از یک صاع فطره ندهند.^۲
- ۸- اگر فطره را کنار بگذارد، نمی‌تواند آن را برای خودش بردارد و مالی دیگر را برای فطره بگذارد.^۳
- ۹- اگر در محل خودش مستحق پیدا شود احتیاط واجب آن است که فطره را به جای دیگر نبرد و اگر به جای دیگر ببرد و تلف شود باید عوض آن را بدهد.^۴

مصرف زکات

مصرف زکات در هشت جا است که می‌توان آن را در تمام یا برخی از این موارد، مصرف کرد. مصارف هشت‌گانه زکات در آیه ۶۰ سوره توبه آمده است:

﴿ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴾

توضیح مصارف زکات

- ۱- فقیران.
- ۲- مسکینان، آنان که به کلی درمانده و بینوایند.
- ۳- کسانی که از طرف امام علیه السلام یا نایب او مأمور جمع‌آوری و نگهداری و توزیع زکاتند. (عاملین)
- ۴- برای الفت دادن دل‌ها به اسلام و مسلمانان؛ مانند غیر مسلمانان که اگر به آنها کمکی بشود، به دین اسلام می‌گروند یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند. (مؤلفه قلوبهم)
- ۵- خریداری بنده‌ها و آزاد کردن آنان. (فی الرقاب)
- ۶- بدهکارانی که نمی‌توانند قرض خود را بدهند. (غارمین)
- ۷- در راه خدا؛ یعنی در کارهایی که نفع آن به عموم می‌رسد و مورد رضایت خداست؛ مانند ساختن جاده، پل و مسجد. (فی سبیل الله)

۱- توضیح المسائل، م ۲۰۱۷.

۲- همان، م ۲۰۱۸.

۳- همان، م ۲۰۳۲.

۴- همان، م ۲۰۲۵.

۸- مسافری که در سفر در مانده است و خرج برگشت به وطن را ندارد، هر چند در وطن خود فقیر نباشد. (ابن السبیل)^۱

احکام مصرف زکات

۱- فقری که زکات دریافت می کند باید دارای این شرایط باشد:

* شیعه دوازده امامی باشد؛

* واجب النفقة زکات دهنده نباشد؛ مانند همسر و فرزند؛

* اگر زکات دهنده سید نیست، زکات گیرنده نیز سید نباشد؛

* زکات را در معصیت مصرف نکند؛

* بنا بر احتیاط واجب، آشکارا معصیت کبیره نکند.^۲

۲- به کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد، اگر چه مخارج او بر زکات دهنده واجب باشد، می توان زکات داد.^۳

□ ۳- اگر فرزند به کتاب های علمی دینی احتیاج داشته باشد، پدر می تواند برای خریدن آن کتاب ها به او زکات بدهد.^۴

۴- پدر می تواند به پسرش زکات بدهد که برای خود زن بگیرد.^۵

۵- کسی که مشغول تحصیل علم است و اگر تحصیل نکند می تواند برای معاش خود کسب کند، چنانچه تحصیل آن علم، واجب یا مستحب باشد، می توان به او زکات داد و اگر تحصیل آن علم، واجب یا مستحب نباشد، زکات دادن به او اشکال دارد.^۶

۶- به کسی که معلوم نیست سید است یا نه، می توان زکات داد.^۷

۷- پرداخت زکات از عبادات است و باید به قصد قربت؛ یعنی برای اطاعت خداوند بپردازد و در نیت معین کند که زکات مال است یا زکات فطره.^۸

۱- توضیح المسائل، م ۱۹۲۵.

۲- همان، م ۱۹۴۲، ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸ و ۱۹۵۶.

۳- همان، م ۱۹۴۷.

۴- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۱۱، القول فی اوصاف المستحقین للزکاة، م ۱؛ توضیح المسائل، م ۱۹۵۰. به فتوای برخی از فقها، بدون اجازه حاکم شرع نمی تواند به پسرش برای خرید کتاب، زکات بدهد.

۵- همان، م ۱۹۹۰.

۵- توضیح المسائل، م ۱۹۵۱.

۸- همان، م ۱۹۵۷.

۷- همان، م ۱۹۵۶.

□ ۸- مصرف زکات فطره، همان مصرف زکات مال است، گرچه احتیاط مستحب است که فقط به فقرای مؤمن^۱ و اطفال آنها و به مساکین بدهد.^۲

۹- وقت پرداخت زکات:

{ زکات طلا و نقره و دامها را پس از تمام شدن یک سال
 - زکات گندم و جو را موقعی که از گاه جدا می‌کنند
 - زکات خرما و انگور را موقع خشک شدن
 باید به فقیر بپردازد یا از مال خود جدا کند.

پس از جدا کردن زکات، لازم نیست فوری آن را به مستحق بدهد، ولی اگر به مستحق دسترسی دارد، احتیاط مستحب آن است که پرداخت زکات را تأخیر نیندازد.^۳

۱۰- اگر زکات قبل از پرداخت تلف شود:

الف) پرداخت آن ممکن نبوده ← ضامن نیست و پرداختن عوض آن واجب نمی‌باشد.

ب) پرداخت آن ممکن بوده { ۱- در پرداخت یا حفظ آن کوتاهی نکرده است ← ضامن نیست.
 ۲- در پرداخت یا حفظ آن کوتاهی کرده است ← ضامن است.^۴

۱۱- اگر زکات را از اموال خود جدا کند، می‌تواند در بقیه آن تصرف کند و اگر قیمت آن را کنار بگذارد (نه از خود آن) می‌تواند در تمام آن مال تصرف کند.^۵

۱۲- انسان نمی‌تواند زکاتی را که از اموالش جدا کرده، برای خود بردارد و چیز دیگری به جای آن بگذارد.^۶

مستحبات پرداخت زکات

۱- خویشان خود را بر دیگران،

- و اهل علم و کمال را بر غیر آنان،

- و کسانی را که گدایی نمی‌کنند بر گدایان مقدم دارد.

۲- زکات دامها را به فقیرهای آبرومند بدهد.

۳- زکات را آشکارا و صدقه مستحبی را پنهانی بپردازد.^۷

۱- مؤمن در فرهنگ فقهی، شیعه دوازده امامی است.

۲- توضیح المسائل، م ۲۰۱۴. برخی از فقها، این احتیاط را واجب دانسته‌اند.

۳- همان، م ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲. ۴- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۳، م ۷ و ۸.

۵- توضیح المسائل، م ۱۹۶۵. ۶- همان، م ۱۹۶۶.

۷- همان، م ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴.

پرسش ۹

- ۱- زکات فطره یک خانواده پنج نفره چه مقدار است؟
- ۲- آیا زکات فطره را از یک شهر می توان به شهر دیگر برد؟
- ۳- تفاوت فقیر و مسکین چیست؟
- ۴- برای مصرف سبیل الله، ده مثال بزنید.
- ۵- در چه صورتی پدر می تواند به فرزند خودش زکات بدهد؟

درس ۴۲

خُمُس (۱)

﴿... وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ...﴾

«بدانید هر چیزی را که به دست آوردید پنج یک آن برای خدا و رسول خدا و خویشان او و یتیمان و مسکینان و راهمندگان است.»

(سوره انفال، آیه ۴۱)

یکی دیگر از تکالیف اقتصادی مسلمانان، پرداختن خُمُس است، بدین معنا که در برخی موارد، باید یک پنجم مال خود را برای مصارف مشخصی بپردازند. آن موارد عبارتند از:

* آنچه از خرج سال زیاد بیاید (منفعت کسب)؛

* معدن؛

* گنج؛

* غنائم جنگی؛

* جواهری که با فرو رفتن در دریا به دست آید؛

* مال حلال مخلوط به حرام؛

* زمینی که کافر ذمی^۱ از مسلمانی بخرد.^۲

پرداخت خمس، مانند نماز و روزه از واجبات است و تمام افراد بالغ و عاقل که مالک یکی از موارد هفتگانه باشند باید به تفصیلی که گفته می‌شود یک پنجم آن را بپردازند.

۱ - ذمه = عهد و پیمان، غیر مسلمانانی که در ممالک اسلامی زندگی می‌کنند و با آنان پیمان بسته‌اند که مقررات اجتماعی مسلمانان را مراعات کنند و مالیات معینی هم بپردازند و در مقابل، جان و مال آنها در امان باشد، کافران ذمی هستند.

۲ - توضیح المسائل، م ۱۷۵۱.

منفعت کسب

یکی از موارد هفتگانه خمس که بر بیشتر افراد جامعه واجب می‌شود، خمس چیزی است که از خرج سال انسان و خانواده‌اش زیاد بیاید. برای روشن شدن این مسأله باید به پاسخ دو پرسش بپردازیم:

۱- مراد از خرج سال چیست؟

۲- آیا یک سال با ماه‌های قمری محاسبه می‌شود یا شمسی و ابتدای آن چه وقت است.

مخرج سال

اسلام به کسب و کار احترام گذاشته و تأمین نیاز خود را بر پرداخت خمس مقدم داشته است؛ بنابراین هر کس در طول سال می‌تواند تمام مخارج مورد نیاز خود را از درآمدش تأمین کند و در پایان سال، اگر چیزی اضافه نیامد، پرداخت خمس واجب نیست، ولی پس از آنکه به طور متعارف و در حد نیاز خود زندگی را گذراند، اگر در پایان سال چیزی اضافه آمد، یک پنجم آن را باید برای مصارف مشخصی بپردازد و چهار پنجم آن را می‌تواند مصرف یا برای خود پس‌انداز کند.

پس مراد از مخارج، تمام چیزهایی است که در زندگی خود و خانواده‌اش بدان نیاز دارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

- * خوراک و پوشاک؛
- * اثاثیه منزل مانند ظرف، فرش و...؛
- * وسیله نقلیه‌ای که برای کسب و کار نیست؛
- * مخارج مهمانی؛
- * مخارج ازدواج؛
- * کتاب‌های مورد نیاز؛
- * آنچه در راه زیارت مصرف می‌کند؛
- * جوایز و هدایایی که به کسی می‌دهد؛
- * صدقه، نذر و یا کفاره‌ای که پرداخت می‌کند.^۱

۱- العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الخمس، فصل ۱، ص ۳۹۴.

سال خمسی

انسان از اولین روز بلوغ خود باید نماز بخواند و در اولین ماه رمضان روزه بگیرد و پس از گذشت یک سال از اولین درآمدی که به دست آورده است، خمس اضافه بر مخارج سال گذشته را بپردازد؛ بنابراین در محاسبه خمس، ابتدای سال، اولین درآمد و پایان آن گذشتن یک سال شمسی از آن تاریخ است.

پس؛ ابتدای سال برای:

- * کشاورز ← اولین محصولی است که برداشت می‌کند.
- * کارمند ← اولین حقوقی است که دریافت می‌کند.
- * کارگر ← اولین مزدی که می‌گیرد.
- * مغازه‌دار ← اولین معامله‌ای که انجام می‌دهد.^۱

و کسی که سالیانی از بلوغ او گذشته و در این مدت درآمدهایی داشته ولی خمس نپرداخته، باید با مراجعه به مرجع تقلید خود یا نماینده وی خمس مالش را محاسبه و بدهی خود را بپردازد و همان روزی که به حساب اموال خود می‌پردازد اول سال خمسی او خواهد بود.

چند مسأله:

- ۱- اگر انسان با قناعت چیزی از مخارج سال زیاد بیاورد، باید خمس آن را بپردازد.^۲
- ۲- اگر اثاثیه‌ای که از درآمد بین سال - پیش از پرداختن خمس آن - برای منزل خریده، نیازش از آن برطرف شود، واجب است خمس آن را بدهد، مثل آنکه یخچال بزرگ‌تری بخرد و به یخچال قبلی نیاز نداشته باشد.^۳
- ۳- آذوقه‌ای که از درآمد سال برای مصرف سالش خریده؛ مانند برنج، روغن و چای، اگر در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.^۴
- ۴- اگر کودک غیر بالغ سرمایه‌ای داشته باشد و از آن سودی به دست آید، بنابر احتیاط واجب باید پس از بلوغ، خمس آن را بدهد.^۵

۱- العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الخمس، فصل ۱، ص ۳۹۴، م ۶۰.

۲- توضیح المسائل، م ۱۷۵۶.

۳- همان، م ۱۷۸۱. به فتوای برخی از فقها، پرداختن خمس در این صورت واجب نیست.

۴- همان، م ۱۷۸۰.

۵- همان، م ۱۷۹۴. به فتوای برخی از فقها، خمس آن واجب نیست.

□ ۵- جهیزیه‌ای که به طور متناوب تهیه می‌شود با دو شرط خمس ندارد:

* نتواند یکجا جهیزیه را تهیه کند.

* مجبور باشد که هر سال مقداری از آن را تهیه کند، یا در آن محل، معمولاً هر سال مقداری

از جهیزیه دختر را تهیه می‌کنند، به طوری که تهیه نکردن آن عیب است.^۱

□ ۶- مالی که به انسان برسد ولی درآمد کسب و در مقابل کار نباشد، خمس ندارد؛ مانند: ارث،

هدیه، جایزه، مهریه و مالی که به عنوان خمس یا زکات یا صدقه دریافت کرده است.^۲

استفتا

س- زن و شوهری هر دو کار می‌کنند و درآمد دارند، آیا به پول زن هم خمس تعلق می‌گیرد؟

ج- در زاید بر آنچه در بین سال خرج زندگی کرده، خمس واجب است.^۳

خمس سرمایه

□ ۱- سرمایه کسب و ابزار کار اگر از درآمد کسب و حقوق، تهیه شده خمس دارد.^۴

۲- اگر زمین موات را برای کشاورزی احیا کند، اصل زمین نیز خمس دارد.^۵

استفتا

□ س- باغی را احداث کرده هم برای کسب و امرار معاش و هم استفاده شخصی از میوه‌های آن، آیا

اصل درخت‌های میوه خمس دارد یا نه؟ و آیا جزء رأس‌المال است یا نه؟

ج- خمس دارد.^۶

۱- توضیح‌المسائل، م ۱۷۷۷، به فتوای برخی از فقها، اگر سال بر آن بگذرد خمس دارد.

۲- العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الخمس، فصل ۱، ص ۳۸۹، السابع، ص ۳۹۰، م ۵۱؛ توضیح‌المسائل، م ۱۷۵۳ و ۱۷۵۴، به فتوای برخی از فقها، اگر در بین سال از آن استفاده نشود باید خمس آن را بپردازد.

۳- همان، ص ۳۸۶، س ۱۲۸.

۴- استفتائات، ص ۳۴۹، س ۱۵، به فتوای برخی از فقها، سرمایه کسب و ابزار کار به مقداری که برای تأمین مخارج زندگی به

آن نیاز است خمس ندارد. ۵- همان، ص ۳۴۷، س ۶.

۶- همان، ص ۳۴۷، س ۷، به فتوای برخی از فقها، خمس ندارد.

معادن

هرچه که در عرف مردم «معادن» نامیده شود، اگر محصول آن به حد نصاب برسد خمس دارد از جمله معادن می‌توان: طلا، نقره، سرب، مس، نفت، ذغال سنگ، فیروزه، عقیق و نمک را نام برد.^۱

نصاب معدن

اگر قیمت آنچه از معدن به دست آمده پس از کسر مخارج به قیمت ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد، بنابر احتیاط واجب باید یک پنجم آن به عنوان خمس پرداخت شود.^۲

۶ پرسش

- ۱- کدام یک از موارد خمس، بر اکثر افراد جامعه واجب می‌شود؟
- ۲- کدام یک از این موارد جزو مخارج زندگی به حساب می‌آید: کتاب، تلفن، اتومبیل، عینک، مغازه؟
- ۳- آیا حقوق بازنشستگی و عیدی کارمندان دولت خمس دارد؟
- ۴- آیا پولی که برای ازدواج یا خرید منزل پس‌انداز شده خمس دارد؟
- ۵- آیا معادن نفت و مس و مگنز که دولت آنها را استخراج می‌کند خمس دارد؟

درس ۴۳

خمس (۲)

گنج

گنج، مالی است که در زمین یا درخت یا کوه یا دیوار پنهان باشد و کسی آن را پیدا کند و طوری باشد که به آن «گنج» بگویند.^۱

نصاب گنج

اگر قیمت گنج یافت شده، پس از کسر مخارج به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد، خمس دارد.^۲

گنج و محل آن

- ۱- در ملک خودش یافت شود ← مال خود اوست و باید خمس آن را بدهد.
- ۲- در جایی که ملک کسی نیست؛ مثلاً در بیابان یا کوه یافت شود ← مال خود اوست و باید خمس آن را بدهد.
- ۳- در ملک دیگران پیدا کند ← متعلق به صاحب ملک است.

- ۱- بدانند از صاحبان قبلی آن ملک نیست،
 برای خود او می‌شود و باید خمس آن را بدهد.
- ۲- احتمال دهد که مال یکی از آنان است، باید
 به او اطلاع دهد و اگر معلوم شود مال او نیست
 باید به مالکین قبلی اطلاع دهد و اگر معلوم شود
 مال هیچ یک از آنان نیست، مال خود او می‌شود
 و باید خمس آن را بدهد.^۱
- ۴- در ملکی که از دیگران خریده پیدا شود:

مال حلال مخلوط به حرام

۱- اگر اموال انسان با اموال دیگران مخلوط شود، ممکن است یکی از این حالت‌ها را داشته باشد:

الف) صاحب آن معلوم } مقدار آن معلوم ← باید آن مقدار را به صاحبش برگرداند.
 مقدار نامعلوم ← باید یکدیگر را راضی کنند.

ب) صاحب آن نامعلوم } مقدار معلوم ← باید آن مقدار را به نیت صاحب صدقه بدهد و احتیاط
 واجب آن است که از حاکم شرع هم اجازه بگیرد.
 مقدار نامعلوم ← باید خمس آن را پردازد و بقیه حلال می‌شود.^۲

۲- اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد و بعد بفهمد که مقدار حرام بیشتر از خمس بوده، چنانچه مقدار زیادی معلوم باشد، بنابر احتیاط واجب مقداری را که می‌داند از خمس بیشتر بوده، از طرف صاحب آن صدقه بدهد.^۳

جواهری که با غواصی به دست آمده

اگر کسی با غواصی و فرو رفتن در دریا جواهری به دست آورد و پس از کسر مخارجی که برای بیرون آوردن آن شده، قیمتش به ۱۸ نخود طلا برسد، باید خمس آن را بدهد.^۴

۲- همان، م ۱۸۱۳ تا ۱۸۱۵.

۱- توضیح المسائل، م ۱۸۰۷ و ۱۸۰۹.

۴- همان، م ۱۸۱۹.

۳- همان، م ۱۸۱۶.

غنیمت

اگر مسلمانان به امر امام معصوم علیه السلام با کفار جنگ کنند و چیزهایی در جنگ به دست آورند، غنیمت است. پس از کسر مخارج حمل و نقل و نیز مقداری که امام علیه السلام صلاح می داند به مصرفی برساند و کنار گذاشتن آنچه سهم خاص امام معصوم علیه السلام است، بقیه آن خمس دارد.^۱

زمینی که کافر ذمی از مسلمانی بخرد

کافر ذمی، غیر مسلمانی است که تحت شرایطی در حکومت اسلامی زندگی می کند، چنین کسی اگر زمینی را از مسلمانی خریداری کند، باید یک پنجم آن را به عنوان خمس تحویل دهد.^۲

پی آمدهای ندادن خمس

- ۱- انسان، تا خمس مالش را ندهد نمی تواند در آن تصرف کند؛ یعنی غذایی که در آن خمس باشد نمی تواند بخورد و با پولی که خمس آن را نداده، نمی تواند چیزی بخرد.^۳
- ۲- اگر با پول خمس نداده، خرید و فروش کند (بدون اجازه حاکم شرع) یک پنجم آن معامله باطل است.^۴
- ۳- اگر با پول خمس نداده آب بخرد و با آن وضو بگیرد یا غسل کند، باطل است.^۵
- ۴- اگر با پول خمس نداده خانه بخرد، نماز خواندن در آن باطل است.^۶
- ۵- اگر چیزی را که خمس آن داده نشده، به کسی ببخشد، یک پنجم آن چیز را مالک نمی شود.^۷

استفتا

- س ۱- اگر کسی در گذشته مقلد مرجعی بود که می گفت: سرمایه و ابزار خمس ندارد و طبق این فتوای مرجع خود خمس نداد، حالا آن مرجع فوت کرده، مقلد حضرت عالی است، می خواهد بداند حالا از همان سرمایه و ابزار که باقی است باید خمس بدهد یا نه؟
- ج - باید خمس بدهد.^۸

۲- همان، م ۱۸۲۹.

۱- توضیح المسائل، م ۱۸۲۸.

۳- همان، م ۱۷۹۰.

۴- همان، م ۱۷۶۰. به فتوای برخی از فقها، معامله صحیح است ولی خمس آن را باید بپردازد.

۶- همان، م ۸۷۳.

۵- همان، م ۳۸۳.

۸- استفتائات، ج ۱، ص ۳۷۱، س ۷۸.

۷- همان، م ۱۷۶۳.

س ۲ - شخصی مقداری کتاب خریده و هنوز همه کتاب‌ها را مطالعه نکرده و به مرور زمان مطالعه می‌کند، اگر سر سال رسید، خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

ج - اگر تهیه آن جزء احتیاجات او محسوب می‌شود و مورد حاجت است، خمس ندارد.^۱
 س ۳ - آیا به وجهی که برای زیارت مستحب به حساب مربوطه واریز می‌شود، اگر در سال‌های بعد مشرف شود، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - در فرض مذکور خمس دارد.^۲

مصرف خمس

خمس مال را باید دو قسمت کرد: نصف آن را، که سهم امام زمان علیه السلام است، به مجتهد جامع الشرایطی که از او تقلید می‌کند، یا نماینده او می‌پردازد و نصف دیگر را باید یا به مجتهد جامع الشرایط بدهد، یا با اجازه او به سادات دارای شرایط بپردازد.^۳

شرایط سیدی که می‌توان به او خمس داد:

* فقیر باشد یا در سفر مانده باشد، هر چند در شهر خود فقیر نباشد.

* شیعه دوازده امامی باشد.

* آشکارا معصیت نکند (بنابر احتیاط واجب) و دادن خمس، کمک بر گناه او نباشد.

* از افرادی که مخارج آنان برعهده اوست؛ مانند همسر و فرزند نباشد (بنابر احتیاط

واجب).^۴

استفتا

س - دولت جمهوری اسلامی از حقوقی که به کارمندان خود می‌دهد مبلغی را به نام مالیات برداشت می‌نماید و تنها حقوق‌بگیران هستند که این مالیات را می‌دهند، آیا پرداخت مالیات از نظر شرعی جزء کدام وجوهات حساب می‌شود، خمس یا زکات؟

ج - مالیات، بابت وجوه شرعی محسوب نیست.^۵

۲ - همان، ص ۳۸۰، س ۱۰۸.

۴ - همان، م ۱۸۳۵ تا ۱۸۴۱.

۱ - استفتائات، ج ۱، ص ۳۷۴، س ۹۱.

۳ - توضیح المسائل، م ۱۸۳۴.

۵ - استفتائات، ج ۱، ص ۴۱۱، س ۱۹۹.

انفال

انفال جمع نفل، به معنای زیاده و بخشش است و در اصطلاح فقه، اموال عمومی است که در اختیار پیامبر ﷺ و جانشین وی قرار دارد تا در مصالح عمومی جامعه به کار گیرند و در زمان غیبت، این اموال در اختیار حاکم اسلامی خواهد بود و موارد آن بدین شرح است:

- ۱- فئ، و آن چیزی است که بدون لشکرکشی و جنگ به دست مسلمانان افتاده است، خواه زمین باشد یا غیر آن.
- ۲- اراضی موات، که جز با احیا و آباد کردن قابل استفاده نیست.
- ۳- شهرها و روستاهایی که اهالی آن کوچ کرده‌اند.
- ۴- سواحل دریاها و رودخانه‌ها، بلکه هر زمین بی صاحب.
- ۵- جنگل‌ها، نیزارها و قلل کوه‌ها.
- ۶- اموال پادشاهان.
- ۷- غنائم برجسته و ارزشمند.
- ۸- غنائم جنگی که بدون اجازه امام علی (ع) به دست آمده باشد.
- ۹- ارث بدون وارث.
- ۱۰- معادنی که در زمین شخصی کسی نیست یا کسی آن را احیا نکرده است.^۱

۹ پرسش

- ۱- نصاب معدن و گنج چه مقدار است؟
- ۲- در گمرک یکی از بنادر مقدار زیادی کالا که از سال‌ها قبل مانده است با کالای دیگران مخلوط شده، تکلیف این کالاها چیست؟
- ۳- آیا سهم سادات را می‌توان به عمو، عمه، عمه‌زاده و فرزندزاده داد؟
- ۴- رابطه خمس و نماز چیست؟
- ۵- کدام دسته از غنائم جنگی جزو انفال است؟
- ۶- چهار نمونه از معادنی که امروزه استخراج می‌شود و جزو انفال می‌باشد، نام ببرید.

۱- تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الخمس، القول فی الانفال، ص ۳۶۸ و کتاب البیع، ج ۳، ص ۱۴.

درس ۴۴

ح

﴿... وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾

«... و برای خدا، حج آن خانه بر عهده مردم است. [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد و هر که کفر ورزد، یقیناً خداوند از جهانیان بی نیاز است»
(سوره آل عمران، آیه ۹۷)

حج، یکی از وظایف مهم مسلمانان و اعمال حج، از مهم ترین مراسم عبادی - سیاسی اسلام است.

حج، بر کسانی که دارای شرایط باشند، در عمر یک بار واجب می شود.

شرایط وجوب حج

* بالغ و عاقل باشد.

* برای حج مجبور نشود کار واجبی را که اهمیّتش از حج بیشتر است ترک کند، یا کار حرامی را که ترک آن مهم تر از حج است مرتکب شود.^۱

* مستطیع باشد و استطاعت اقسامی به این شرح دارد:

● بدنی (صحت و توانایی)

۱ - مناسک حج، شرایط وجوب حجة الاسلام، ص ۳.

● طریقی (باز بودن و امنیت راه)

● زمانی (داشتن زمان کافی)^۱

● مالی یعنی داشتن:

- هزینه رفت و برگشت به حج

- ضروریات زندگی

- شغل یا مال یا راه کسب دیگری که پس از بازگشت به سختی زندگی نکند.^۲

اقسام حج

حج به تناسب موقعیت و محل زندگی افراد سه قسم است:

۱- قرآن ۲- افراد ۳- تمتّع

نوع اول و دوم، ویژه اهالی مکه و اطراف آن، تا فاصله شانزده فرسخی است که احکام و شرایط آن در کتاب‌های مفصل فقهی آمده است. ولی دیگران، باید نوع سوم را انجام دهند و پیش از اعمال حج «عمره تمتّع» بجا آورند.^۳

اعمال عمره تمتّع و سیر مکانی آن

عمره تمتّع پنج عمل است بدین ترتیب:

۱- احرام در میقات.^۴

۲- طواف و نماز طواف در مسجدالحرام.

۳- سعی بین صفا و مروه.

۴- تقصیر که جای معینی ندارد.^۵

۱- توضیح المسائل، م ۲۰۳۶ و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۲.

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۲ و ۳۷۳.

۳- همان، ج ۱، ص ۴۰۳؛ کتاب الحج، القول فی اقسام الحج.

۴- «میقات» مکانی است که برای احرام مشخص شده است و آن پنج محل است: «مسجد شجره» «جحفه» «وادی عقیق» «قرن المنازل» و «یلملم».

۵- تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الحج، القول فی صورة الحج التمتع اجمالاً.

اعمال حج تمتّع و سیر مکانی آن

حج تمتّع سیزده عمل است بدین ترتیب:

- ۱- احرام حج تمتّع در مکه.
 - ۲- وقوف در عرفات روز عرفه (نهم ذی حجه).
 - ۳- وقوف در مشعرالحرام (مزدلفه) شب عید قربان.
 - ۴- رمی جمره عقبه و قربانی و حلق یا تقصیر در منا، روز عید قربان.
- پس از اعمال روز عید، برای بیتوته در منا می ماند، یا برای اعمال پس از منا به مکه می رود.

۵- اعمال پس از منا

- | | | |
|---|---|-----------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱- طواف حج و نماز آن در مسجدالحرام. ۲- سعی، بین صفا و مروه. ۳- طواف نساء و نماز آن در مسجدالحرام. | } | اعمال پس از منا |
|---|---|-----------------|

- ۶- پس از انجام دادن این اعمال، به منا برمی گردد برای ماندن شب های یازدهم و دوازدهم در آنجا و رمی جمرات در روزهای یازدهم و دوازدهم ذی حجه.
 - ۷- بعد از ظهر روز دوازدهم از منا خارج می شود و اعمال حج به پایان می رسد.
- کسی که تا ظهر روز دوازدهم، اعمال مکه (طواف حج، نماز طواف، سعی، طواف نساء و نماز طواف نساء) را انجام نداده، پس از بازگشت به مکه انجام می دهد.^۱

توضیح اعمال عمره

احرام

- مردان باید تمام لباس های دوخته را از تن در آورند و دو تکه لباس غیر دوخته بر تن کنند که یکی را مانند لنگ به کمر می بندند و دیگری را بر شانه می اندازند و با نیت احرام می گویند:
- «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»
- احتیاط مستحب است، پس از آن بگویند:
- «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الحج، القول فی صورة الحج التمتع اجمالاً.

● بانوان می‌توانند لباس دوخته بپوشند و بیرون آوردن لباس‌هایی که بر تن دارند و پوشیدن دو تکه پارچهٔ ندوخته، بر آنها واجب نیست.^۱

طواف

یکی از اعمال عمره و حج، طواف است؛ یعنی هفت مرتبه به دور کعبه گشتن.

۱ - طواف باید از مقابل گوشه‌ای از کعبه که حجرالاسود در آن قرار دارد آغاز و در همان جا به پایان برسد.

۲ - خانهٔ کعبه، در حال طواف باید در طرف چپ طواف کننده باشد؛ بنابراین اگر در حال حرکت رو به کعبه باشد یا عقب عقب یا بر خلاف مسیر طواف کنندگان برود، باطل است.

۳ - طواف کننده باید به دور حجر اسماعیل^۲ هم بگردد، یعنی هنگام طواف، داخل حجر نرود.

۴ - طواف کننده باید با طهارت طواف کند؛ یعنی با وضو باشد و غسلی بر عهدهٔ او نباشد و نیز بدن و لباس وی پاک باشد، همان گونه که نماز می‌خواند.

(در بین اعمال عمره و حج، تنها در طواف و نماز طواف، باید با طهارت باشد).^۳

نماز طواف

۱ - پس از طواف، باید دو رکعت نماز، به نیت نماز طواف بخواند.

۲ - نماز طواف، مانند نماز صبح است؛ ولی اذان و اقامه ندارد و مردان می‌توانند حمد و سوره را بلند یا آهسته بخوانند، ولی زنان در صورتی که نامحرم صدایشان را می‌شنود، باید آهسته بخوانند.

۳ - نماز طواف را باید در مسجد الحرام، نزد مقام ابراهیم^۴ بخواند و بنا بر احتیاط واجب باید پشت مقام بجا آورد به طوری که سنگ مقام بین او و خانهٔ کعبه واقع شود.^۵

۱ - تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۱۳، القول في كيفية الاحرام. به فتوای برخی از فقها، جملهٔ دوم لبیک‌ها هم باید گفته شود.

۲ - حجر اسماعیل: فضایی است بین کعبه و نیم دایره‌ای به عرض حدود ده متر که از زوایهٔ شمالی تا زوایهٔ غربی کعبه امتداد دارد. هرگاه باران بر بام کعبه ببارد از ناودان رحمت در این فضا می‌ریزد، آنجا مدفن حضرت اسماعیل^{علیه السلام} و مادرش هاجر و بسیاری از پیامبران است.

۳ - تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۳۰، القول في واجبات الطواف.

۴ - مقام ابراهیم: سنگی است که حضرت ابراهیم^{علیه السلام} هنگام ساختن کعبه زیر پای خود می‌گذاشته و اثر پای آن حضرت بر سنگ مانده است و اکنون در مسجد الحرام، نزدیک کعبه در یک محفظهٔ بلورین نگهداری می‌شود.

۵ - تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۳۶، القول في صلاة الطواف.

سعی

- ۱ - پس از نماز طواف، باید هفت مرتبه فاصله بین صفا و مروه را که امروزه به صورت راهرو سرپوشیده ساخته شده و کنار مسجد الحرام قرار دارد بپیماید.
- ۲ - سعی باید از صفا آغاز و به مروه ختم شود.
- ۳ - پیمودن فاصله صفا تا مروه یک مرتبه و برگشتن از مروه به صفا مرتبه دوم به حساب می آید، بنابراین هفت شوط سعی به مروه ختم می شود.^۱

تقصیر

در عمره تمتع، پس از سعی باید تقصیر کند؛ یعنی مقداری از ناخن یا موی سر یا صورت خود را بچیند. و در عمره مفرده مردان می توانند به جای تقصیر، سر بتراشند.^۲

۵ پرسش

- ۱- مکان اعمال عمره تمتع را به ترتیب برشمارید.
- ۲- اقسام استطاعت را نام برده، توضیح دهید.
- ۳- اعمال حج تمتع را برشمارید.
- ۴- کدام یک از محرمات احرام، قبل از احرام نیز حرام است؟
- ۵- کدام یک از اعمال عمره باید با طهارت بجا آورده شود؟

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۳۷، القول فی السعی. ۲ - همان، ج ۱، ص ۴۳۹، القول فی التقصیر.

درس ۴۵

اعمال حج تمتع

احرام حج

- ۱ - حجّاج، برای بجا آوردن اعمال حج باید در شهر مکه محرم شوند و بهتر است در مسجدالحرام و روز هشتم ذی حجه باشد.^۱
- ۲ - احرام حج با احرام عمره تفاوتی ندارد به جز در نیت.^۲

وقوف در عرفات

- حجّاج باید از ظهر روز نهم ذی حجه تا مغرب همان روز در عرفات بمانند و از آنجا خارج نشوند.^۳

وقوف در معشر الحرام

- ۱ - بعد از مغرب روز نهم ذی حجه (شب عید قربان) حاجیان از عرفات خارج می‌شوند و برای عملی دیگر از اعمال حج به طرف مشعرالحرام حرکت می‌کنند.
- ۲ - بنابر احتیاط واجب، باید شب دهم را تا اذان صبح برای اطاعت امر الهی در مشعر بمانند و از اذان صبح، نیت وقوف در مشعرالحرام کنند و تا طلوع آفتاب در آنجا بمانند.
- ۳ - در عرفات و مشعر، به جز ماندن در آنجا کار دیگری واجب نیست گر چه مستحبات

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صورة حج التمتع اجمالاً، ص ۴۰۶، م ۱، رابعها.

۲ - همان، ص ۴۴۰، القول فی الوقوف بعرفات.

۳ - همان.

بسیاری دارد.^۱

اعمال روز عید قربان

پس از طلوع آفتاب روز دهم ذی حجه (عید قربان) حجاج برای بقیه اعمال از مشعرالحرام بیرون آمده روانه مینا می شوند.

اعمال روز عید در مینا عبارت است از:

* رمی جمره عقبه؛

* قربانی؛

* تراشیدن سر یا تقصیر.^۲

رمی جمره عقبه

وقتی که از مشعرالحرام به مینا وارد شویم در آخر مینا، بعد از مسجد خیف، جمرات^۳ قرار وجود دارد که اولی «جرمه اولی» و دومی «جرمه وسطی» و سومی را «جرمه عقبه» می نامند. اولین کار واجب در روز عید قربان، زدن هفت سنگ به جمره عقبه است.^۴

قربانی

پس از سنگ زدن به جمره عقبه، حجاج برای یکی دیگر از واجبات حج، به قربانگاه می روند و یک شتر، یا گاو، یا گوسفند، ذبح می کنند یا به دیگری نیابت می دهند تا این عمل را از طرف آنها انجام دهد.^۵

حلق یا تقصیر

۱ - پس از قربانی، حاجی باید سر بتراشد (حلق) یا مقداری از ناخن یا موی خود را بچیند (تقصیر).

۱ - تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی صورة حج التمتع اجمالاً، ص ۴۴۱، القول فی الوقوف بالمشعر الحرام.

۲ - همان، ج ۱، ص ۴۴۴، القول فی واجبات منی.

۳ - جمرات، در سابق به صورت سه ستون سنگی بوده که اخیراً به سبب ازدحام جمعیت و آسیب دیدن برخی از حاجیان - حتی جان باختن عده‌ای - در سال ۱۴۲۵ ه. ق. این ستون‌ها به دیوار تبدیل شده است.

۴ - تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی صورة حج التمتع اجمالاً، ج ۱، ص ۴۴۴، القول فی واجبات منی.

۵ - همان، ص ۴۴۶.

□ ۲- کسانی که سال اول حج آنهاست، بنابر احتیاط واجب باید سر بتراشند و تقصیر کفایت نمی‌کند؛ ولی افرادی که بار اول آنها نیست می‌توانند تقصیر کنند یا سر بتراشند.^۱

بیتوته در مِنا

- ۱- یکی دیگر از واجبات حج، بیتوته (ماندن در شب) به مِنا است.
- ۲- حاجیان باید شب یازدهم ذی‌حجه و شب دوازدهم را از غروب آفتاب تا نیمه شب، با قصد قربت در مِنا باشند.^۲

رمی جمرات

- ۱- در روز یازدهم و دوازدهم ذی‌حجه حجّاج باید به هر یک از جمرات هفت سنگ بزنند.
- ۲- در رمی جمرات ابتدا باید به جمره اولی سپس به وسطی و بعد از آن به جمره عقبه سنگ بزنند.^۳

طواف نساء و نماز آن

- ۱- یکی از اعمال عمره مفرده و حج طواف نساء و نماز آن است.
- ۲- طواف نساء و نماز آن اختصاص به مردان ندارد، بلکه بر تمام کسانی که عمره مفرده یا حج به جامی آورند واجب است.
- ۳- پس از طواف نساء و نماز آن، زن و مردی که به سبب احرام بر یکدیگر حرام شده بودند، حلال می‌شود.^۴

مُحَرَّمات احرام

زائر پس از پوشیدن لباس احرام و نیت و گفتن لبّیک، مُحَرَّم است و در مدت احرام باید از بیست و چهار کار پرهیز کند. چهار تایی آنها فقط بر مردان حرام است و دو تایی آنها بر زنان و بقیه، بر هر دو حرام است.

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صورة حج التمتع اجمالاً، ص ۴۵۰. به فتوای برخی از فقها، افرادی که سال اول حج آنهاست بین حلق و تقصیر مخیرند ولی حلق افضل است.

۲- همان، ص ۴۵۴، القول فی المبیّت بمنی. به فتوای برخی از فقها، حاجی مخیر است بین نیمه اول شب یا نیمه دوم.

۳- همان ۴۵۴، القول فی رمی الجمار الثلاث. ۴- همان ص ۴۵۱ و ۴۵۳.

□ محرمات مشترک بین زن و مرد:

- ۱- استعمال عطریات و گرفتن بینی از بوی بد؛
- ۲- سرمه کشیدن؛
- ۳- نگاه کردن در آینه؛
- ۴- فسوق (دروغ گفتن و فحش دادن و فخر فروشی)؛
- ۵- جدال (گفتن «لا والله» و «بلی والله»؛
- ۶- کشتن جانورانی که در بدن ساکن می شوند؛
- ۷- انگشتر به دست کردن برای زینت؛
- ۸- روغن مالیدن به بدن؛
- ۹- زدودن مواز بدن؛
- ۱۰- بیرون آوردن خون از بدن؛
- ۱۱- ناخن گرفتن؛
- ۱۲- کندن دندان؛
- ۱۳- کندن درخت یا گیاهی که در محدوده حرم^۱ روییده باشد؛
- ۱۴- سلاح به تن داشتن؛
- ۱۵- شکار حیوان صحرائی؛
- ۱۶- عقد کردن زن، برای خود یا دیگری؛
- ۱۷- آمیزش یا هرگونه عمل شهوانی دیگر؛
- ۱۸- استمنا.^۲

□ محرمات ویژه مردان:

- ۱- پوشیدن جامه دوخته؛ مانند پیراهن؛
- ۲- پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بگیرد؛ مانند کفش و جوراب؛
- ۳- پوشاندن سر؛

۱- شهر مکه و قسمتی از اطراف آن که حدود معینی دارد «حرم» است و دارای احکام خاصی است.

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الحج، القول فی ترک الاحرام.

۴ - سایه بان قرار دادن بالای سر.^۱ در حال حرکت بین دو منزل؛ مثلاً از میقات تا مکه با ماشین سقف دار حرکت کند.

□ محرمات ویژه زنان:

- ۱ - پوشیدن زیور برای زینت.
- ۲ - پوشاندن روی خود با نقاب یا روبند.^۲

اعمال عمره مفرده

در طول سال کسانی که به مکه مشرف می شوند و حج بر آنها واجب نیست و قصد بجا آوردن آن را ندارند یا وقت حج نیست، باید عمره مفرده را انجام دهند که اعمال آن عبارت است از:

- ۱ - احرام؛
- ۲ - طواف؛
- ۳ - نماز طواف؛
- ۴ - سعی؛
- ۵ - تقصیر یا حلق؛
- ۶ - طواف نساء؛
- ۷ - نماز طواف نساء.^۳

۹ پرسش

- ۱ - کارهایی که فقط بر مردان مُحرم حرام است چیست؟
- ۲ - سعی و رمی را توضیح داده و مکان هر یک را بیان کنید؟
- ۳ - کدام یک از اعمال حج باید در منا انجام شود؟
- ۴ - وقت وقوف عرفات و مشعرالحرام چه زمانی است؟
- ۵ - تفاوت اعمال عمره تمتع با عمره مفرده چیست؟

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الحج، القول فی تروک الاحرام.

۲ - همان، همان، القول فی صورة حج التمتع اجمالاً، ص ۴۰۸، م ۹.

۳ - همان.

امر به معروف و نهی از منکر

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾

«باید از شما گروهی باشند که مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار نیکو
امر کنند و از کار ناشایست بازدارند و اینان رستگارانند».

(سوره آل عمران، آیه ۱۰۴)

هر انسانی نسبت به کارهای ناپسند افراد جامعه و کارهای نیک و پسندیده آنان، مسؤولیت دارد. بنابراین اگر کار واجبی ترک شود یا حرامی اتفاق بیفتد، سکوت و بی تفاوتی در مقابل آن جایز نیست و تمام افراد جامعه باید برای برپایی واجب و جلوگیری از حرام اقدام کنند، که این عمل، امر به معروف و نهی از منکر نام دارد.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

در برخی از سخنان امامان معصوم علیهم السلام آمده است:

- * امر به معروف و نهی از منکر، از مهم ترین واجبات و شریف ترین آنهاست.^۱
- * واجبات دینی به سبب امر به معروف و نهی از منکر استوار می گردد.^۲
- * اگر مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، افراد پست و غیر لایق بر آنها مسلط

می‌شوند و دعاها مستجاب نمی‌شود.^۱

تعریف معروف و منکر

در احکام دین، به تمام واجبات و مستحبات «معروف» و به تمام محرمات و مکروهات «منکر» گفته می‌شود. بنابراین، واداشتن افراد جامعه به انجام دادن کارهای واجب و مستحب «امر به معروف» و بازداشتن آنها از کارهای حرام و مکروه «نهی از منکر» است.

امر به معروف و نهی از منکر، واجب کفایی است که اگر افرادی - به قدر کفایت - به آن اقدام کنند، از دیگران ساقط می‌شود و اگر با فراهم بودن شرایط، همه افراد آن را ترک کرده باشند، همه آنها ترک واجب کرده‌اند.^۲

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر با وجود برخی شرایط، واجب می‌باشد و در صورت نبود آن شرایط، تکلیف ساقط است. آنها عبارتند از:

۱ - کسی که امر یا نهی می‌کند، بداند آنچه را که دیگری انجام می‌دهد حرام است و آنچه را ترک کرده، واجب است. پس بر کسی که نمی‌داند کاری که دیگری انجام می‌دهد حرام است یا نه، جلوگیری واجب نیست.

۲ - احتمال بدهد امر یا نهی او تأثیر دارد؛ بنابراین اگر می‌داند تأثیر ندارد امر و نهی واجب نیست.

۳ - شخص گناهکار اصرار بر ادامه داشته باشد. پس اگر معلوم شود یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که گناهکار بنای ترک عمل را دارد و دوباره تکرار نمی‌کند یا موفق به تکرار نمی‌شود، امر و نهی واجب نیست.

۴ - امر و نهی، سبب ضرر جانی یا آبرویی یا ضرر مالی قابل توجه، به خودش یا نزدیکان و یاران و همراهانش، یا سایر مؤمنان نشود.^۳

۱ - نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۲ - تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، القول فی اقسامهما و کیفیه وجوبهما، م ۲.

۳ - همان، القول فی شرائط وجوبهما.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

برای امر به معروف و نهی از منکر، مراتبی است که اگر با عمل به مرتبه پایین‌تر، مقصود حاصل می‌شود، عمل به مرتبه بعدی جایز نیست و آن مراتب چنین است:

اول: با معصیت‌کار طوری عمل شود که بفهمد به سبب انجام آن گناه، با او این گونه عمل می‌شود؛ مثل اینکه از او روبرو گرداند یا با چهره عبوس با او برخورد کند یا با او رفت و آمد نکند.

دوم: امر و نهی با زبان؛ یعنی به کسی که واجبی را ترک کرده است بگوید که واجب را بجا آورد و به گناهکار بگوید که گناه را ترک کند.

□ سوم: استفاده از زور^۱ برای جلوگیری از منکر و برپایی واجب؛ یعنی زدن گناهکار.^۲

احکام امر به معروف و نهی از منکر

۱- فراگیری شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد آن واجب است، تا انسان، در امر و نهی مرتکب خلاف نشود.^۳

۲- اگر بداند امر و نهی، بدون خواهش و نصیحت و موعظه اثر نمی‌کند، واجب است که امر و نهی را با نصیحت و موعظه و خواهش همراه کند و اگر بداند که در خواست و موعظه به تنهایی (بدون امر و نهی) مؤثر است، باید همین گونه عمل کند.^۴

۳- اگر بداند یا احتمال دهد که امر و نهی‌اش با تکرار مؤثر است، واجب است تکرار کند.^۵

۴- مراد از اصرار بر گناه، مداومت بر انجام دادن نیست، بلکه ارتکاب آن عمل هر چند یکبار دیگر است، پس اگر یک بار نماز را ترک کرد و بار دیگر هم بنای ترک دارد، امر به معروف واجب است.^۶

۱- نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای - دام ظلّه - نسبت به مرتبه سوم این است: با توجه به اینکه در زمان قدرت حکومت اسلامی امکان ارجاع مرتبه سوم از امر به معروف و نهی از منکر، به قوه قضائیه و نیروی انتظامی وجود دارد به ویژه در مواردی که جلوگیری از منکر متوقف بر تصرف در اموال مرتکب شونده می‌باشد یا لازم است تعزیر شود یا او را زندانی کنند، بنابراین بر مکلف واجب است در امر به معروف و نهی از منکر به دو مرتبه اول اکتفا کنند و در صورتی که اثر نکرد و نیاز به توسل به زور وجود داشت، مسأله را به نیروی انتظامی و قضایی ارجاع دهند. (اجوبه الاستفتائات، ج ۱، ص ۳۳۷، س ۱۹۰).

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی مراتب امر بالمعروف و النهی عن المنکر؛ توضیح المسائل، م ۲۸۱۸ و ۲۸۲۳.

۳- همان، القول فی شرائط وجوبهما، م ۸. ۴- همان، الشرط الثانی، م ۳.

۵- همان، م ۵. ۶- همان، الشرط الثالث، م ۴.

- ۵- در امر به معروف و نهی از منکر زخمی کردن و کشتن معصیت کار بدون اجازه حاکم شرع جایز نیست، مگر منکر از اموری باشد که در اسلام اهمیت بسیار زیادی دارد؛ مثل آنکه شخصی بخواهد انسان بی گناهی را بکشد و جلوگیری از او بدون مجروح کردن وی ممکن نباشد.^۱
- ۶- در امر به معروف و نهی از منکر قصد قربت شرط نیست، بلکه غرض از این واجب، عمل به معروف و ترک منکر است؛ ولی اگر قصد قربت کند، دو پاداش دارد.^۲
- ۷- در وجوب نهی از منکر فرقی بین گناه بزرگ (معصیت کبیره) و گناه کوچک (معصیت صغیره) نیست، پس اگر کسی مرتکب گناه صغیره هم بشود نهی او واجب است.^۳
- ۸- اگر شخصی به قصد انجام کار حرام، مقدمات آن را شروع کند، پس اگر انسان: *
- * بداند به انجام آن موفق می شود ← نهی او واجب است.
- * بداند به انجام آن موفق نمی شود ← نهی او واجب نیست، مگر از آن باب که مقدمه حرام هم منکر است یا جرأت کردن بر کار حرام هم معصیت است و باید جلوگیری شود.
- * نمی داند به آن موفق می شود یا نه ← حکم فرض قبلی را دارد.^۴
- ۹- اگر بداند یا احتمال دهد که نهی او در حضور جمع مؤثر است (نه تنهایی)، اگر انجام دهنده، آن عمل را آشکارا انجام می دهد، جایز بلکه واجب است او را در جمع نهی کند و اگر چنین نیست، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.^۵
- ۱۰- اگر بداند که امر شخص دیگری به گناهکار مؤثر است، واجب است به آن شخص امر کند تا او را بدان کار وادارد.^۶
- ۱۱- اگر تأثیر امر و نهی متوقف بر ارتکاب حرام یا ترک واجب باشد، جایز نیست و وجوب ساقط است، مگر از امور بسیار مهمی باشد که شارع مقدس راضی به تخلف از آن نباشد و آنچه را برای جلوگیری از آن کار مرتکب می شود بدان اهمیت نباشد؛ مثل اینکه برای جلوگیری از قتل یک انسان بی گناه لازم باشد، بدون اجازه وارد خانه دیگران شود.^۷

۱- تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی مراتب امر بالمعروف و النهی عن المنکر، المرتبة الثالثة، م ۱۱ و ۱۲.

۲- همان، القول فی اقسامهما و کیفیة وجوبهما، م ۱۳. ۳- همان، م ۱۴.

۴- همان، م ۱۵. ۵- همان، القول فی شرائط وجوبهما، الشرط الثاني، م ۶.

۶- همان، م ۱۰. ۷- همان، م ۱۲.

آداب امر به معروف و نهی از منکر

سزاوار است، امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر:

* مانند طبیبی دلسوز و پدری مهربان باشد.

* قصد خود را خالص کند و تنها برای رضای خداوند اقدام کند و عمل خود را از هرگونه برتری جویی پاک گرداند.

* خود را پاک و منزّه نداند، چه بسا همان شخصی که اکنون خطایی از او سرزده است، دارای صفات پسندیده‌ای باشد که مورد محبت الهی است، هر چند این عمل او هم اکنون ناپسند و مورد غضب الهی باشد.^۱

۹ پرسش

۱- معروف و منکر را توضیح داده و برای هر یک چهار مثال بزنید.

۲- آیا نهی از منکر نسبت به گناهی است که انجام شده یا گناهی که در شرف انجام است؟

۳- اگر انسان ببیند کسی با لباس نجس نماز می خواند یا غذای نجس می خورد آیا واجب است به او بگوید؟ چرا؟

۴- اگر دیدیم دو نفر شطرنج بازی می کنند، آیا واجب است آنها را از این کار نهی کنیم؟

۵- آیا امر به معروف و نهی از منکر از عبادات است؟ چرا؟

۶- خرید کالا از قاچاق فروش، محترک و دروغگو

۱- تحریرالوسیله، ج ۱، فی مراتب امر بالمعروف و النهی عن المنکر، المرتبة الثالثة، م ۱۴.

درس ۴۷

جهاد و دفاع

تلاش برای پیشبرد اسلام و مبارزه با کسانی که از پذیرش آن سرباز زده‌اند «جهاد» نام دارد، جهاد دارای تاکتیک‌ها و شیوه‌های به خصوصی است که تنها به امر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینان وی که از هرگونه لغزش و اشتباه در امان هستند، عملی می‌گردد و اختصاص به زمان حضور معصومین علیهم السلام دارد و در زمان ما که عصر غیبت امام معصوم علیه السلام است واجب نیست. ولی نوع دیگر مبارزه با دشمنان که «دفاع» نام دارد، حق مسلم همه مسلمانان است که در هر زمان و در هر جا که مورد هجوم دشمنان قرار گرفتند، یا آیین و مذهبشان در خطر بود، برای حفظ جان و نگهداری از آیین خود، با دشمنان مبارزه کنند و زمینه اصلاح جامعه و کمال افراد انسانی را فراهم آورند.

اقسام دفاع

- | | |
|--|--------------|
| ۱ - دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی | } اقسام دفاع |
| ۲ - دفاع از جان و حقوق شخصی ^۱ | |

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی الدفاع.

دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی

اگر دشمن بر کشورهای اسلامی هجوم آورد،

- یا نقشه تسلط بر منابع اقتصادی یا نظامی مسلمانان را کشیده باشد،

- یا نقشه تسلط سیاسی بر کشورهای اسلامی را داشته باشد، بر همه مسلمانان واجب است

هر گونه که بتوانند در مقابل هجوم دشمنان بایستند و با نقشه های آنان مخالفت کنند.^۱

دفاع از جان و حقوق شخصی

۱- جان و مال مسلمانان محترم است و چنانچه کسی بر انسان حمله آورد یا به خویشان وی،

مانند پسر، دختر، پدر، مادر و برادر، هجوم آورد، دفاع و جلوگیری از او واجب است، هر چند منجر به قتل مهاجم شود.^۲

۲- اگر دزدی برای دزدیدن اموال انسان هجوم آورد، دفاع و جلوگیری از او واجب است.^۳

۳- اگر کسی برای دیدن نامحرم به خانه دیگران نگاه کند، جلوگیری او از آن کار واجب است، هر چند با زدن او باشد.^۴

۴- دفاع از اسلام یا جان، مشروط به حضور امام معصوم (علیه السلام) و اجازه آن حضرت یا نایب خاص

یا عام او (فقیه جامع الشرایط) نیست؛ یعنی در همه وقت و همه جا دفاع واجب است.^۵

آموزش فنون نظامی

در این زمان که مسائل نظامی پیشرفت بسیاری کرده و دشمنان اسلام به انواع سلاح های پیشرفته مجهز شده اند، دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی بدون فراگیری فنون نظامی ممکن نیست و از آنجا که دفاع، بدون آموزش نظامی امکان ندارد، بر تمام افرادی که توانایی و قدرت یادگیری آن را دارند و احتمال می رود که به شرکت آنها در جبهه دفاع از اسلام و کشور اسلامی نیاز باشد، آموزش نظامی واجب است.^۶

۱ - توضیح المسائل، م ۲۸۲۶ تا ۲۸۲۹.

۲ - تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی الدفاع، القول فی القسم الثانی، م ۳.

۳ - همان، م ۵.

۴ - همان، م ۳۰.

۵ - همان، م ۲.

۶ - استفتا.

خدمت سربازی

دفاع از کشورهای اسلامی و حفظ آنها از خطر هجوم دشمنان، اختصاص به زمان جنگ و درگیری ندارد، بلکه در هر حال، افراد زیادی باید با آمادگی کامل رزمی در مرزهای کشور برای جلوگیری از هجوم احتمالی دشمن، حاضر باشند و گروهی دیگر برای مبارزه با دشمن داخلی و تبیه‌کاران اقدام کنند. بنابراین بر تمام افرادی که توانایی دارند، لازم است که در برهه‌ای از عمر خود این خدمت مقدس را انجام دهند.

استفتا

س: نظر امام راجع به سربازی کسانی که مشمول قانون نظام وظیفه هستند و در این زمان حساس به سربازی نمی‌روند چیست؟

ج: باید به سربازی بروند و تخلف از مقررات جایز نیست.^۱

س: آیا رفتن به سربازی برای مشمولینی که مشکلاتی دارند، از نظر شرعی لازم است؟

ج: باید به سربازی بروند و یا مطابق مقررات معافی بگیرند و تخلف جایز نیست.^۲

اجازه پدر برای رفتن به جبهه دفاع یا سربازی

۱- اگر دشمن به کشور اسلامی هجوم آورد و جبهه دفاع به نیرو نیاز داشته باشد، برای رفتن

به جبهه، نیاز به اجازه والدین نیست.^۳

س: پدر من اجازه نمی‌دهد به خدمت اعزام شوم؛ یعنی به سربازی بروم، وظیفه شرعی من چیست؟

ج: اگر مشمول نظام وظیفه هستید باید بروید و رضایت پدر در آن اعتبار ندارد.^۴

س: اینجانب تنها پسر خانواده هستم، اکنون که تکلیف شرعی شده که به جبهه بروم، والدینم

مخالفت می‌کنند، البته ایشان معتقد به اسلام و انقلابند، ولی چون مادرم دچار ناراحتی قلبی

است مرا از رفتن منع می‌کنند، آیا مجاز هستم که بدون توجه آنان به جبهه بروم؟

ج: تا موقعی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارند، شرکت در جبهه واجب است و اذن والدین شرط نیست.^۵

۲- همان، ص ۴۶۱، س ۲.

۱- استفتائات، ج ۱، ص ۵۰۲، س ۳۴.

۴- استفتائات، ج ۱، ص ۴۹۳، س ۶ و ص ۴۹۶، س ۱۵.

۳- چند استفتاء، ص ۱۹، س ۷.

۵- همان، س ۱۴.

وظیفه بانوان

هرچند جهاد ابتدایی، حتی در زمان حضور امام معصوم علیه السلام بر زنان واجب نیست ولی دفاع بر هر شخصی - حتی بانوان - در هر زمان و هر جا در حد توانایی و امکانات واجب است.^۱

فرار از جبهه

فرار از جبهه، از گناهان بزرگ شمرده شده و در هیچ حالی جایز نیست.^۲

غنایم جنگی

در دوران هشت سال دفاع مقدس که سربازان اسلام در یک جنگ تحمیلی و نابرابر در برابر دشمن متجاوز، بلکه جهان شرک و کفر ایستادند، بنا به تقیدی که رزمندگان جبهه حق به احکام شرع داشتند و ضرورتی که ایجاب می کرد، برخی از احکام موضوعات نوظهور در جنگ های امروز، از محضر بنیانگذار جمهوری اسلامی و فرماندهی کل قوا امام خمینی رحمه الله استفتا شد تا راهگشای فرماندهان و رزمندگان باشد. با استفاده از پرسش ها و پاسخ های آن دوران غنائم را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) غنائم عمومی: مانند اسلحه و مهمات و ادوات جنگی، که باید به مسئولان ارتش و سپاه تحویل شود و جزو بیت المال قرار گیرد و مربوط به نظام اسلامی است.

ب) غنائم شخصی: مانند لباس و ساعت و رادیو و پول، که برداشتن آنها برای رزمندگان اشکال ندارد.^۳

اسیر و شهید

هرچند احکام مربوط به اسیرانی که از نیروهای دشمن گرفته می شود و شهیدان نیروهای اسلام، بسیار است و در این مختصر نمی گنجد، اما نسبت به اسیران دشمن، چه آنها که تسلیم شده اند و چه آنها که دستگیر شده اند، هرگونه آزار و اذیت آنان جایز نیست و مسئله آزادی یا نگهداری یا مبادله آنها به ولی فقیه و فرماندهی کل قوا مربوط می شود و هرگونه صلاح بداند عمل می کند.

۲ - همان، ص ۴۲، س ۳.

۱ - استفتائات، ج ۳، ص ۴۳، س ۷.

۳ - همان، ص ۴۸، س ۲۸ - ۲۷ و ص ۵۱، س ۴۰.

استفتا

س - گرفتن اموال شخصی اسیران و نیز اموال غیرشخصی آنان صحیح است یا خیر؟
 ج - اموال شخصی اسرا را نباید از آنان بگیرند و ادوات جنگی را باید از چنگ آنان درآورند و به مسئولین مربوطه تحویل دهند.^۱

۹ پرسش

- ۱ - تفاوت جهاد و دفاع چیست؟
- ۲ - در چه صورتی مبارزه با سارق و دزد واجب است؟
- ۳ - دلیل واجب بودن خدمت سربازی چیست؟
- ۴ - در چه صورت، رفتن به سربازی باید با رضایت والدین باشد؟
- ۵ - حکم غنائم جنگی در حال حاضر چیست

درس ۴۸

خرید و فروش (۱)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ...﴾

«ای مؤمنان در اموال یکدیگر تصرف ناروا نکنید، مگر آنکه داد و ستدی از روی رضایت باشد...»
(سوره نساء، آیه ۲۹)

۱- واجب	} اقسام خرید و فروش
۲- حرام	
۳- مستحب	
۴- مکروه	
۵- مباح	

خرید و فروش واجب

تلاش برای تحصیل مخارج زندگی، واجب است و کسانی که به جز از راه خرید و فروش نتوانند مخارج خود را تأمین کنند، واجب است با خرید و فروش، خرج زندگی خود را به دست آورند و محتاج دیگران نشوند.^۱

خرید و فروش مستحب

خرید و فروش برای توسعه در مخارج زندگی خود و خانواده و نفع رساندن به مسلمانان

مستحب است؛ مثلاً کشاورزی که با کاشتن محصول خرج خود را به دست می آورد، چنانچه در اوقات فراغت به خرید و فروش بپردازد تا از این راه بتواند به مستمندان کمک کند، ثواب دارد.^۱

خرید و فروش حرام

۱ - خرید و فروش نجاسات، مگر در مواردی که استثنا شده است؛ مثل فروش خون برای درمان بیمار.

۲ - خرید و فروش چیزهایی که منافع معمولی آنها حرام است؛ مانند ابزار قمار.

۳ - خرید و فروش چیزی که از راه قمار یا دزدی به دست آمده باشد.

۴ - معامله ای که در آن ربا باشد. (معامله ربوی)

۵ - خرید و فروش کتاب های گمراه کننده.

۶ - فروش سلاح یا چیز دیگر به دشمنان اسلام که موجب تقویت آنان بر ضد مسلمانان باشد.^۲

خرید و فروش حرام، موارد دیگری هم دارد که اکنون مورد ابتلا نیست.

استفتا

س - استفاده مرد از طلای زرد حرام است. خرید و فروش انگشتر طلای زرد برای مردان توسط

طلافروشی ها چه حکمی دارد؟

ج - جایز نیست.^۳

در این موارد خرید و فروش مکروه است:

* معامله با مردم پست؛

* خرید و فروش بین اذان صبح و طلوع آفتاب؛

* برای خریدن کالایی که دیگری می خواهد بخرد وارد معامله او شدن.^۴

چنانچه خرید و فروش، یکی از احکام چهارگانه قبل را نداشته باشد، مباح است؛ مانند

بسیاری از مواد مصرفی که هر روز خریداری می شود.

۱ - توضیح المسائل، مسأله ۲۰۵۳.

۲ - تحریر الوسیله، کتاب المکاسب و المتاجر، ص ۴۹۳، م ۹، ۱۱ و ۱۵؛ توضیح المسائل، م ۲۰۵۵ و ۲۰۷۰.

۳ - استفتائات، ج ۲، ص ۸، س ۱۴.

۴ - توضیح المسائل، مسأله ۲۰۵۴.

برخی از شرایط خرید و فروش

- ۱- خریدار و فروشنده، قصد معامله داشته باشند؛ پس اگر کسی به شوخی بگوید: «این کالا را فروختم»، معامله باطل است.
- ۲- فروشنده و خریدار با اختیار معامله کنند و کسی آنها را مجبور نکند.
- ۳- فروشنده، کالا را و خریدار، قیمت آن را مالک باشد، یا اختیار معامله آن را داشته باشد.
- ۴- شیء مورد معامله معلوم باشد؛ یعنی اگر کالا است، با وزن یا پیمانه یا شماره مقدار آن معلوم شود و اگر ملک است، قطعه آن مشخص گردد.
- ۵- اگر چیز مورد معامله خصوصياتی دارد که به سبب آن خصوصیات، رغبت مردم نسبت به معامله فرق می‌کند، یعنی ممکن است نخرند یا گران‌تر یا ارزان‌تر بخرند، معین نمایند.
- ۶- فروشنده و خریدار قدرت تحویل کالا و قیمت را داشته باشند. پس فروش مال به سرقت رفته صحیح نیست.
- ۷- دیگری در آن جنس یا عوض آن، حقی نداشته باشد. پس چیزی را که گرو گذاشته، بدون اجازه گروگیرنده نمی‌تواند بفروشد.^۱

آداب خرید و فروش

▣ مستحبات

- * بین مشتری‌ها در قیمت فرق نگذارد؛
- * در قیمت جنس، سختگیری نکند؛
- * در صورتی که طرف مقابل از معامله پشیمان شد و تقاضای فسخ معامله را کرد، از او بپذیرد و این در اصطلاح «إقالة» نام دارد.^۲

▣ مکروهات

- * تعریف کردن از کالا؛
- * بدگویی کردن مشتری از کالای فروشنده؛
- * قسم راست خوردن در داد و ستد (قسم دروغ حرام است)؛

۲- تحریر الوسیله، کتاب المکاسب و المتاجر، م ۲۲.

۱- توضیح المسائل، م ۲۰۸۱ و ۲۰۹۰.

- * قبل از همه برای خرید و فروش وارد بازار شدن و دیرتر از همه خارج شدن؛
- * وزن کردن یا متر کردن کالا، در مواردی که وزن کردن و متر کردن را خوب نمی‌دانند.
- * تقاضای کم کردن قیمت پس از معامله.^۱

احکام خرید و فروش

- ۱ - فروختن و اجاره دادن خانه یا چیز دیگر برای استفاده حرام، کار حرامی است و معامله هم باطل است.^۲
- ۲ - خرید و فروش، نگهداری، نوشتن، خواندن و درس دادن کتاب‌های گمراه کننده حرام است، مگر زمانی که برای هدفی صحیح باشد؛ مثلاً برای پاسخ دادن به اشکال‌های آن.^۳
- ۳ - مخلوط کردن جنسی که می‌فروشد با چیزی که ارزش ندارد یا ارزش آن کمتر است، که به آن «غش» گویند، حرام است؛ مثل آنکه برنج اعلا را با غیر اعلا مخلوط کند و به عنوان برنج خوب بفروشد یا شیر را با آب مخلوط کند و بفروشد.^۴
- ۴ - جنس وقف شده را نمی‌توان فروخت، مگر در صورتی که خراب شده باشد و قابل استفاده نباشد؛ مانند فرش مسجد که قابل استفاده برای آن مسجد یا مسجد دیگر نباشد.^۵
- ۵ - خرید و فروش خانه یا چیز دیگری که به کسی اجاره داده، اشکال ندارد؛ ولی استفاده آن در مدت اجاره برای اجاره کننده است.^۶
- ۶ - خرید و فروش دو کالای همجنس که با وزن یا پیمانه می‌فروشند به زیاده‌تر «ربا» و حرام است؛ مثلاً یک تن گندم بدهد و یک تن و ۲۰۰ کیلوگرم بگیرد.^۷

۱ - تحریر الوسیله، کتاب المکاسب و المتاجر، م ۲۲. ۲ - همان، م ۱۰.

۳ - همان، م ۱۵. ۴ - توضیح المسائل، م ۲۰۵۵.

۵ - همان، م ۲۰۹۴. ۶ - همان، م ۲۰۹۶.

۷ - همان، م ۲۰۷۲ و ۲۲۸۳؛ تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب البیع، ص ۵۳۶، القول فی الربا.

پرسش ۴

- ۱- در چه صورت خرید و فروش به عنوان یک شغل، واجب خواهد بود؟
- ۲- خرید و فروش کیف و کفش چرمی ساخت کشورهای غیر اسلامی چه حکمی دارد؟ چرا؟
- ۳- خرید و فروش زیورآلات طلای مردانه چه حکمی دارد؟ چرا؟
- ۴- چه زمانی خرید و فروش مکروه است؟
- ۵- اقاله را توضیح دهید.
- ۶- برای غش در معامله چهار مثال بزنید.

درس ۴۹

خرید و فروش (۲)

هنگام خرید و فروش، طرفین معامله (فروشنده و خریدار) ممکن است مال و قیمت آن را نقد تحویل دهند یا به زمان دیگری موکول کنند. بنابر این معامله از این جهت ممکن است یکی از چهار حالت زیر را داشته باشد:

- کالا نقد و قیمت آن هم نقد ← یعنی فروشنده هم اکنون مال را می دهد و خریدار هم قیمت آن را تحویل می دهد که به آن «معامله نقدی» می گویند.
- کالا نسیه و قیمت آن هم نسیه ← یعنی صیغه معامله را اجرامی کنند و تحویل قیمت و کالا را به آینده موکول می کنند. چنین معامله ای را «دین به دین» می گویند.
- کالا نقد و قیمت آن نسیه ← یعنی فروشنده کالا را تحویل می دهد که قیمت آن را در آینده بگیرد. به آن «معامله نسیه» می گویند.
- کالا نسیه و قیمت نقد ← یعنی خریدار قیمت کالا را می پردازد تا در آینده جنس را تحویل بگیرد که «معامله سلف» نام دارد.^۱

احکام معامله نسیه

- ۱- در معامله نسیه باید مدت کاملاً معلوم باشد. پس اگر جنسی را بفروشد که قیمت آن را هر وقت از سفر برگشت بگیرد چون مدت آن کاملاً مشخص نشده معامله باطل است.^۲

۱- توضیح المسائل، م ۲۱۰۴ و ۲۱۱۰؛ تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب البیع، ص ۵۳۵ و ۵۳۹ و ۵۴۳.

۲- توضیح المسائل، م ۲۱۰۵.

- ۲- اگر جنسی را نسیه بفروشد بعد از تمام شدن مدتی که قرار گذاشته‌اند می‌تواند پول آن را مطالبه نماید؛ ولی اگر خریدار نتواند بپردازد باید به او مهلت دهد.^۱
- ۳- اگر به کسی که قیمت جنسی را نمی‌داند مقداری نسیه دهد و قیمت آن را به او نگوید، معامله باطل است؛ ولی اگر به کسی که قیمت نقدی جنس را می‌داند نسیه بدهد و گران‌تر حساب کند؛ مثلاً بگوید: جنسی را که به تو نسیه می‌دهم تومانی یک ریال از قیمتی که نقد می‌فروشم گران‌تر حساب می‌کنم و او قبول کند، اشکال ندارد.^۲
- ۴- اگر در معامله نسیه فروشنده در ضمن شرط کند که اگر مشتری زودتر از وقت معین قیمت را پرداخت کرد مقداری از آن را کم کند اشکال ندارد.^۳

شرایط معامله سلف

- معامله سلف در صورتی صحیح است که دارای این شرایط باشد:
- * خصوصیتی که در قیمت جنس تأثیر دارد مشخص نمایند.
 - * قبل از آنکه خریدار و فروشنده از هم جدا شوند خریدار تمام قیمت را به فروشنده بدهد (یا به مقدار آن از فروشنده طلبکار باشد).
 - * مدت را مشخص کنند.
 - * وقتی که برای تحویل جنس قرار می‌دهند زمانی نباشد که جنس در آن وقت نایاب باشد؛ مثلاً اگر بگوید: در اسفند ماه ده کیلو گیلان تازه به شما می‌دهم، صحیح نیست؛ چون در اسفند ماه گیلان تازه نایاب است.
 - * بنابر احتیاط واجب جای تحویل جنس را معین کنند ولی اگر از حرف‌های آنان جای تحویل جنس معلوم باشد، لازم نیست اسم آن جا را بگویند.
 - * در صورتی که جنس، وزنی یا پیمانه‌ای است، وزن یا پیمانه را مشخص کنند.^۴

احکام معامله سلف

- ۱- شخصی که جنسی را به سلف خریده، قبل از تمام شدن مدت مقرر نمی‌تواند جنس را به

۲- همان، م ۲۱۰۸.

۱- توضیح المسائل، م ۲۱۰۷.

۳- استفتائات، ج ۲، ص ۹۰، س ۵۲.

۴- توضیح المسائل، م ۲۱۱۲؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۴۳، کتاب البیع، القول فی السلف.

۵ - همان.

۲- اگر چیزی را که اضافه می‌گیرد، غیر از جنسی باشد که می‌فروشد؛ مثلاً یک تن گندم را به یک تن و هزار تومان پول بفروشد، باز هم ربا و حرام است؛ بلکه اگر چیزی زیادتر نگیرد ولی شرط کند که خریدار عملی برای او انجام دهد ربا و حرام خواهد بود.^۱

۳- جنسی را که در بعضی از شهرها با وزن یا پیمانه می‌فروشند و در بعضی از شهرها با شماره معامله می‌کنند؛ مانند گردو که اکنون در بعضی مناطق دانه‌ای و در بعضی دیگر کیلویی می‌فروشند، اگر در شهری که آن را با وزن یا پیمانه می‌فروشند زیادتر بگیرند ربا و حرام است و در شهر دیگر ربا نیست.^۲

۴- در مثل اسکناس (پول کاغذی) ربای غیر قرضی تحقق پیدا نمی‌کند و جایز است معاوضه نقدی بعضی از آنها با بعضی دیگر به زیاده و کم؛ مثلاً یکصد هزار تومان را با هزار دینار معاوضه کند؛ اما ربای قرضی در تمام آنها تحقق پیدا می‌کند و جایز نیست قرض دادن هزار دینار به دوازده هزار دینار.^۳

۵- اگر جنسی را که می‌فروشند و عوض می‌گیرند از یک چیز به عمل آمده باشد باید در معامله زیادی نگیرند. پس اگر ده کیلو روغن حیوانی بفروشد و در عوض، بیست کیلو پنیر بگیرد ربا و حرام است و بنا بر احتیاط واجب اگر میوه رسیده را با میوه نارس معامله کند، زیادی نگیرد.^۴

خرید و فروش چک و سفته

□ س- در رساله احکام از قول حضرت عالی نوشته شده که خرید و فروش سفته و چک تضمینی به کم یا زیاد اشکال ندارد. چند سؤال برای من مطرح است.

۱- آیا این مسأله شامل چک‌های بانکی کنونی که هم اکنون در دست مردم است می‌باشد یا نه؟

ج- فروش چک یا سفته به شخص ثالث به کمتر، ربا و حرام است.

۲- آیا می‌شود چک‌های بانکی را برای مدت دو ماه آینده یا بیشتر به قیمت کمتر، نقداً خرید یا نه؟

ج- حکم آن معلوم شد.

۲- همان، م ۲۰۷۶.

۴- همان، م ۲۰۷۸.

۱- توضیح المسائل، م ۲۰۷۳.

۳- همان، م ۲۸۴۵.

۳- آیا می شود به طرفی که می خواهد چک حقوقی آینده را بفروشد، بگوییم: مثلاً فلان مقدار بنویس تا من آن را به این مقدار پول حاضر بخرم؟
ج - در حکم دو مسأله قبل است.^۱

استفتا

س ۱ - خرید و فروش حیوانات زنده به صورت کیلویی چه صورت دارد؟

ج - اگر متعارف باشد مانع ندارد.^۲

س ۲ - هرگاه ملک یا خانه یا مغازه ای را قولنامه بنمایند و مقداری از آن را پیش قسط بدهند و قرارداد کنند و بقیه آن را رأس مدت معینی در محضر بپردازند با این شرط که چنانچه رأس موعد یکی از طرفین - فی المثل فروشنده - حاضر به معامله نشود یا خریدار وجه را حاضر نکند، مبلغی به عنوان وجه تخلف به دیگری بپردازد و رأس موعد مقرر یکی از آنها حاضر نشود، مثلاً خریدار پول را حاضر نکند و یا فروشنده حاضر نشود، معامله به چه صورتی درخواهد آمد؟ آیا وجه تخلف قابل مطالبه و حلال می باشد یا خیر؟ لطفاً نظر آن حضرت را مرقوم فرمایید.

ج - چنانچه شرط مزبور در ضمن معامله شده، نافذ و لازم الوفاء است و اگر معامله تمام نشده نافذ نیست.^۳

پرسش

۱- معامله نسبه با سلف چه تفاوتی دارد؟

۲- شرط اول از شرایط معامله سلف را توضیح داده، دو مثال بزنید.

۳- در معامله سلف در چه صورت، مشتری قبل از تحویل گرفتن کالا می تواند آن را بفروشد؟

۴- آیا معامله کشک با پشم گوسفند به زیادت، ریاست؟ چرا؟

۵- برای ربای معاملی، چهار مثال دیگر بیاورید.

۶- فرق فروش و مبادله اسکناس با فروش چک چیست؟

۱- استفتائات، ج ۲، ص ۱۷۵، س ۲۲۵. به فتوای برخی از فقهاء، چک اگر صوری نباشد و در قبال بدهی واقعی شخص بدهکار صادر شده باشد فروش آن به کمتر از قیمت درج شده اشکال ندارد.

۲- استفتائات، ج ۲، ص ۷۵، س ۲۱. ۳- همان، ص ۸۸، س ۴۸.

درس ۵۰

خرید و فروش (۳)



در برخی موارد، خریدار یا فروشنده یا هر دو می‌توانند معامله انجام شده را برهم بزنند. حق به هم زدن معامله را «خیار فسخ» یا «اختیار فسخ» گویند و گاهی به اختصار «خیار» گفته می‌شود.

- | | |
|----------------------------------|-----------------|
| ۱- خیار مجلس | } خيارات معامله |
| ۲- خیار غبن | |
| ۳- خیار شرط | |
| ۴- خیار تَدْلِيس | |
| ۵- خیار تخلف شرط | |
| ۶- خیار عیب | |
| ۷- خیار شرکت | |
| ۸- خیار رؤیت | |
| ۹- خیار تأخیر | |
| ۱۰- خیار حیوان | |
| ۱۱- خیار تعذر تسلیم ^۱ | |

۱- خیار مجلس: تا زمانی که دو طرف معامله از مجلس داد و ستد متفرق نشده باشند، و جلسه معامله به هم نخورده باشد، می‌توانند معامله را فسخ کنند.

۲- خیار غبن: در صورتی که خریدار یا فروشنده گول خورده باشد، می‌تواند معامله را فسخ

کند.

۳- **خیار شرط:** در صورتی که در معامله قرار داد بگذارند که تا مدت معینی هر دو یا یکی حق فسخ داده باشد، طبق قرارداد می توانند معامله را فسخ کنند.

۴- **خیار تدلیس:** زمانی که خریدار یا فروشنده مال خود را بهتر از آنچه هست نشان دهد و در نظر مردم ارزشمندتر جلوه کند، طرف مقابل می تواند معامله را به هم بزند؛ مثلاً با رنگ کاری و آراستن آن، مشتری به اشتباه بیفتد ولی اگر در آن کاری انجام دهد که ارزشمندتر شود، مثلاً تعمیراتی در ساختمان انجام دهد یا یک طبقه دیگر روی آن بسازد، تدلیس نیست.

۵- **خیار تخلف شرط:** اگر فروشنده یا خریدار شرط کند که کاری انجام دهد یا شرط کند مالی را که می دهد طور مخصوصی باشد و به آن شرط عمل نکند، طرف دیگر می تواند معامله را فسخ کند.

۶- **خیار عیب:** اگر پیش از معامله در جنس یا عوض آن عیبی باشد و نمی دانسته، و پس از معامله متوجه شود، می تواند معامله را بهم بزند یا تفاوت قیمت معیوب با سالم را بگیرد.

۷- **خیار شرکت:** اگر معلوم شود که مقداری از جنسی که فروخته اند مال دیگری است؛ یعنی شریک دارد، اگر صاحب آن مقدار، به معامله راضی نشود خریدار می تواند معامله را بهم بزند یا پول آن مقدار را از فروشنده بگیرد، و همچنین نسبت به جنسی که مشتری داده است.

۸- **خیار رؤیت:** اگر خریدار یا فروشنده خصوصیات جنس معینی را که طرف دیگر ندیده به او بگوید و بعد معلوم شود آن گونه که گفته، نبوده است، می تواند معامله را فسخ کند.

۹- **خیار تأخیر:** در صورتی که مشتری پول جنسی را که نقد خریده تا سه روز ندهد و فروشنده هم جنس را تحویل ندهد در صورتی که تأخیر آن، شرط نشده باشد فروشنده می تواند معامله را به هم بزند؛ ولی در اجناسی که اگر یک روز بماند فاسد می شود، مثل برخی میوه ها، تأخیر تا شب است.

۱۰- **خیار حیوان:** اگر حیوانی را خریده باشد، خریدار تا سه روز بعد حق دارد معامله را فسخ کند و حیوان را پس بدهد.

۱۱- **خیار تعدّر تسلیم:** در صورتی که فروشنده نتواند جنسی را که فروخته تحویل دهد؛ مثلاً

اسبی را که فروخته فرار کند، مشتری می‌تواند معامله را به هم بزند.^۱

احکام خیارات

۱- اگر خریدار قیمت جنس را نداند، یا در وقت معامله غفلت کند و جنس را گران‌تر از قیمت معمولی آن بخرد، چنانچه به قدری گران خریده که مردم او را مغبون بدانند و به کمی و زیادی آن اهمیت بدهند، اختیار فسخ معامله را دارد و همچنین نسبت به فروشنده.^۲

□ ۲- اگر بعد از معامله، عیب مال را بفهمد و فوری معامله را فسخ نکند، دیگر حق به هم زدن معامله را نخواهد داشت.^۳

۳- هرگاه بعد از خریدن جنس، عیب آن را بفهمد، اگر چه فروشنده حاضر نباشد، می‌تواند معامله را به هم بزند.^۴

□ ۴- در این موارد اگر خریدار بفهمد مال معیوب است حق فسخ و گرفتن تفاوت قیمت ندارد:
* موقع خریدن، عیب مال را بداند.

* به عیب مال راضی شود.

* وقت معامله بگوید: اگر مال عیبی داشت پس نمی‌دهم و تفاوت قیمت هم نمی‌گیرم.

* فروشنده در وقت معامله بگوید: این مال را با هر عیبی که دارد می‌فروشم.^۵

۵- اگر فروشنده هنگام معامله عیب کالا را معین کند و بگوید: آن را با این عیب می‌فروشم، ولی پس از معامله معلوم شود عیب دیگری هم دارد، خریدار می‌تواند به خاطر عیبی که فروشنده معین نکرده کالا را پس دهد یا تفاوت قیمت را بگیرد.^۶

۶- در مواردی که خواهد آمد اگر خریدار بفهمد مال معیوب بوده فقط می‌تواند تفاوت قیمت بگیرد، ولی حق فسخ معامله را ندارد:

* بعد از معامله تغییری در کالا بدهد که مردم بگویند: کالا مانند زمانی که خریداری و

۲- همان، م ۲۱۲۵.

۱- توضیح المسائل، م ۲۱۲۴.

۳- همان، م ۲۱۳۲. به فتاوی برخی از فقها، اگر فوراً فسخ نکند حق او از بین نمی‌رود و بعداً هم حق فسخ دارد.

۴- همان، م ۲۱۳۳.

۵- همان، م ۲۱۳۴. به فتاوی برخی از فقها، تنها در مورد اول و چهارم این حکم جاری است.

۶- همان.

تحويل داده شده، باقی نمانده است.

* پس از معامله بفهمد کالا معیوب است و تنها حق برگرداندن آن را ساقط کرده باشد.

* بعد از تحويل گرفتن کالا، عیب دیگری در آن پیدا شود، به جز در خرید حیوان که تا سه روز می تواند برگرداند.^۱

بیع شرط

۱- بیع شرط آن است که فروشنده کالایی را بفروشد و شرط کند که اگر تا فلان مدت، خودش قیمت کالا را به خریدار بدهد، بتواند معامله را فسخ کند.^۲

۲- بیع شرط در صورتی صحیح است که خریدار و فروشنده قصد خرید و فروش داشته باشند، هر چند کالای خود را به کمتر از قیمت معمولی آن بفروشد؛ مثلاً شخصی که به پول نیاز دارد، خانه خود را به قیمت کمتر (با قصد) می فروشد، ولی شرط می کند که اگر تا سه ماه دیگر توانستم پول خانه را برگردانم، خانه برای خودم باشد.^۳

۳- در بیع شرط، هر چند فروشنده مطمئن باشد که اگر پول را ندهد، باز هم خریدار کالا را به او می دهد، معامله صحیح است؛ ولی چنانچه سر مدت پول را ندهد، حق مطالبه کالا را ندارد و اگر خریدار بمیرد، نمی تواند از ورثه او مطالبه کند.^۴

۵ پرسش

- ۱- تفاوت خيار غبن با خيار عيب چیست؟
- ۲- تفاوت خيار شرط با خيار تخلف شرط چیست؟
- ۳- در چه مواردی فروشنده حق فسخ معامله را ندارد ولی می تواند تفاوت قیمت بگیرد؟
- ۴- خيار تعدّر تسليم را توضیح دهید.
- ۵- برای خيار رؤیت دو مثال ذکر کنید.

۲- همان، م ۲۱۲۶.

۴- همان، م ۲۱۲۷.

۱- توضیح المسائل، م ۲۱۳۵.

۳- همان، م ۲۱۲۶.

درس ۵۱

شفعه، اجاره، جعاله، سر قفلی

شُفَعَه

اگر دو نفر ملکی را با هم شریک باشند و یکی از آنها سهم خود را بفروشد، با شرایطی که در کتب مفصل فقهی آمده است، شریک دیگر حق دارد سهم شریک را تملک کند و قیمتی را که مشتری پرداخته است به او بدهد. به این حق «حق شُفَعَه» می‌گویند.^۱

۱- حق شفعه تنها در صورت فروش ملک است. بنابر این اگر یکی از دو شریک سهم خود را به دیگری ببخشد یا مصالحه کند یا مهریه همسرش قرار دهد، حق شفعه برای شریک دیگر وجود ندارد.^۲

۲- حق شفعه تنها در ملکی که دو نفر شریک هستند وجود دارد نه بیشتر. بنابر این اگر مثلاً یکی از سهامداران یک شرکت که افراد متعددی شریک هستند سهم خود را بفروشد برای سایر شریکان حق شفعه وجود ندارد.^۳

۳- حق شفعه در مالی است که به صورت مشاع با هم شریک هستند؛ بنابراین اگر یکی از همسایه‌ها ملک خود را بفروشد، برای همسایه حق شفعه وجود ندارد.^۴

۱- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۵۵۵، م ۱، کتاب الشفعه.

۲- همان، ص ۵۵۶، م ۵.

۴- همان، م ۳.

۳- همان، م ۶.